

اعضای داخلی

رضا تهرانی استاد | مدیریت مالی و بیمه | دانشگاه تهران
علی رضائیان استاد | مدیریت رفتار سازمانی | دانشگاه شهید بهشتی
فریدون رهنمای رودپشتی استاد | مالی و حسابداری | دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
غلامرضا مصباحی مقدم استاد | فقه اقتصادی | دانشگاه امام صادق علیه السلام
حسن آقا نظری استاد | اقتصاد اسلامی و حقوق اسلامی | پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
غلامرضا گودرزی استاد | مدیریت تحقیق در عملیات | دانشگاه امام صادق علیه السلام
محمد توحیدی دانشیار | مدیریت مالی | دانشگاه امام صادق علیه السلام
علی سعیدی دانشیار | مدیریت مالی و حسابداری | دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال
احمد شعبانی دانشیار | اقتصاد اسلامی | دانشگاه امام صادق علیه السلام
سعید صحت دانشیار | مدیریت ریسک و بیمه | دانشگاه علامه طباطبائی
محمد طالبی دانشیار | مدیریت مالی | دانشگاه امام صادق علیه السلام
غلامعلی معصومی نیا دانشیار | اقتصاد اسلامی و مالی اسلامی | دانشگاه خوارزمی

اعضای بین المللی

محمد ایمان سستره میحاجت استاد | بانکداری اسلامی | دانشگاه محمدیه | اندونزی
شاریق نثار استاد | اقتصاد | پژوهشگاه مدیریت رضوی | هند

اعضای مشورتی هیأت تحریریه:

محمدحسین قوام استادیار | مدیریت بانکداری اسلامی | دانشگاه امام صادق علیه السلام

ویراستار، صفحه آرا و تجدید طرح جلد: عباس پورحسن یامی

• اعتبار نشریه: «نشریه علمی» •
مجوز شماره ۳/۱۸/۵۸۹۷۸۶ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۵ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

• آغاز انتشار: پاییز و زمستان ۱۳۹۰ •
مجوز شماره ۲۲۱۹۰ مورخ ۱۳۹۰/۰۲/۳۰ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

اطلاعات کتابشناختی

شاپا چاپی: ۸۲۹۰-۲۲۵۱	شاپا الکترونیک: ۶۵۸۴-۲۵۸۸
حوزه موضوعی: مالی اسلامی	نوع داوری: داوری همتا دو سو ناشناس
دوره انتشار: فصلنامه	نحوه دریافت مقالات: صرفاً از طریق وبگاه
نشانی وبگاه: https://ifr.isu.ac.ir	نشانی پست الکترونیک: ifr@isu.ac.ir پشتیبان: ifr.isujournals@gmail.com
نشانی: ایران، تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، صندوق پستی ۱۴۶۵۵-۱۵۹	
مدیریت علمی، تحریریه و چاپ: دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، تلفکس: ۰۲۱)۸۸۰۸۰۷۳۳	
مدیریت فنی و پشتیبانی: معاونت پژوهش و فناوری، تلفکس: ۰۲۱)۸۸۰۹۴۹۱۵	
دسترسی به مقالات این نشریه و باز نشر با رعایت ضوابط (CC BY-NC 4.0) آزاد است.	
مقالات این نشریه لزوماً بیان کننده دیدگاه دانشگاه صاحب امتیاز نخواهد بود.	
چاپخانه: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام ۲۹۲ صفحه ۸۰۰۰۰۰۰۰ ریال	

• بانک‌ها و نمایه‌ها •



اهداف و چشم‌انداز نشریه «تحقیقات مالی اسلامی»

نشریه «تحقیقات مالی اسلامی» نشریه‌ای علمی با داوری هم‌تا و دسترسی آزاد است که با همت گروه مالی اسلامی مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام راه‌اندازی شده و در حال حاضر توسط گروه مالی-اسلامی دانشکده مدیریت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، با همکاری انجمن علمی مالی اسلامی ایران و حمایت سازمان بورس و اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران منتشر می‌شود.

نشریه «تحقیقات مالی اسلامی» با تمرکز بر پژوهش‌های علمی در حوزه مالی اسلامی و با رویکرد اسلامی-ایرانی، در چارچوب ضوابط و استانداردهای اخلاق نشر، به ارزیابی و انتشار مقالات می‌پردازد. با تأکید بر پیوند میان مبانی فقهی و حقوقی مالی اسلامی و نظریه‌ها و کاربردهای نوین مالی، هدف آن توسعه ادبیات پژوهشی مالی اسلامی، ارتقای دانش مالی مبتنی بر مبانی اسلامی و ارائه راهکارهای علمی برای پاسخ‌گویی به نیازهای نظری و کاربردی نهادها، بازارها و سازمان‌های مالی، به‌ویژه در جوامع اسلامی و جمهوری اسلامی ایران است. بر این اساس، مقالات پژوهشی، مروری و ترویجی در حوزه اهداف و محورهای تخصصی ذیل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و امید است با مشارکت جامعه علمی، گامی مؤثر در غنای دانش مالی اسلامی و ارتقای کارآمدی آن در عرصه نظر و عمل برداشته شود. می‌شود:

- (۱) تئوری‌های مالی اسلامی؛
- (۲) قواعد فقه مالی اسلامی؛
- (۳) فقه مالی اسلامی؛
- (۴) حقوق مالی اسلامی؛
- (۵) ابزارهای تأمین مالی اسلامی؛
- (۶) ابزارهای مدیریت ریسک اسلامی؛
- (۷) تحلیل اقتصادی ابزارهای مالی اسلامی؛
- (۸) نهادهای مالی اسلامی؛
- (۹) بازار سرمایه اسلامی؛
- (۱۰) بانکداری اسلامی؛
- (۱۱) بیمه‌های اسلامی؛
- (۱۲) حسابداری مالی اسلامی؛
- (۱۳) قیمت‌گذاری اوراق مالی اسلامی؛
- (۱۴) صندوق‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری اسلامی؛
- (۱۵) نظام مالی اسلامی در اقتصاد مقاومتی؛
- (۱۶) مالی عمومی اسلامی؛
- (۱۷) سایر موضوعات مرتبط.

تحقیقات مالی اسلامی

سال یازدهم | شماره اول | پیاپی ۳۵ | پاییز ۱۴۰۴

فهرست مقاله‌ها

- علمی - پژوهشی (بانکداری اسلامی) ۱
- تحلیل فقهی - حقوقی انطباق عقد ودیعه بر سپرده فرض الحسنه در بانکداری اسلامی ۱
غلامعلی معصومی‌نیا / امیر یزدان پرست*
- علمی - پژوهشی (تئوری مالی اسلامی) ۴۱
- خمس و پایداری مالی مراکز دینی: تحلیل کیفی بر مبنای روش داده بنیاد ۴۱
محمد نظری پور* / محمدامین گابینی
- علمی - پژوهشی (بیمه‌های اسلامی) ۷۷
- ارائه راهکارهای چالش‌های مالی - اقتصادی پیاده‌سازی تکافل در ایران ۷۷
محمد مهدی عسگری / فرزانه خامسیان / سعید صحت / علی‌اکبر سماواتیان*
- علمی - پژوهشی (فقه مالی اسلامی) ۱۳۹
- بررسی فقهی انتشار پول خارج از حاکمیت با تکیه بر گونه‌شناسی رمز ارزها ۱۳۹
سیداحمد عاملی / امین‌الدین شهیدیان*
- علمی - پژوهشی (ابزارهای تأمین مالی اسلامی) ۱۸۱
- طراحی اوراق اجاره آتی (موضوعه فی الذمه) مبتنی بر فقه امامیه ۱۸۱
محمد رسول فخره* / محمد مهدی فریدونی
- علمی - پژوهشی (ابزارهای مدیریت ریسک اسلامی) ۲۱۱
- طراحی الگوی مدیریت ریسک صندوق‌های تکافل ۲۱۱
مهدی لطفیان / سعید مرادپور* / مجتبی دستوری

Jurisprudential-Legal Analysis of the Compliance of Deposit Contract with Current Deposit in Islamic Banking

Gholam Ali Masouminia | Amir Yazdanparast*

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.248868.1986>

تحلیل فقهی - حقوقی انطباق عقد ودیعه بر سپرده جاری در بانکداری اسلامی

غلامعلی معصومی نیا | امیر یزدان پرست*

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.248868.1986>



Copyright 2025 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Finance Researches* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.



Jurisprudential-Legal Analysis of the Compliance of Deposit Contract with Current Deposit in Islamic Banking

Gholam Ali Masouminia: Associate Professor, Department of Economics and Islamic Banking, Kharazmi University, Tehran, Iran.

masouminia@khu.ac.ir | 0000-0002-6639-9339

Amir Yazdanparast: Lecturer, Level 4 Seminary, Jurisprudence of Transactions, Seminary, Ahvaz, Iran. (Corresponding Author).

amir.yazdanparast91@gmail.com | 0009-0000-2319-4205

Abstract

1. Introduction and Objective

Current accounts constitute one of the most fundamental pillars of modern banking systems and play a decisive role in facilitating payment services, liquidity management, and financial intermediation. In Islamic banking, however, the jurisprudential and legal nature of current accounts – particularly those classified as *qard al-ḥasanah* current deposits – has remained a subject of persistent debate among jurists, legal scholars, and policymakers. Classical and contemporary Islamic jurisprudence has proposed various interpretations of the legal nature of current deposits, including loan (*qard*), complete deposit (*wādī'ah tammah*), incomplete or unconventional deposit *wādī'ah ghayr mutifah*, settlement (*ṣulḥ*), or even a newly constructed contract outside traditional nominate contracts.

The dominant jurisprudential position in many Islamic banking systems, including Iran, treats current deposits as loans to banks. This classification is primarily justified by two arguments: first, the bank's proprietary control and utilization of deposited funds; and second, the obligation of the bank to return an equivalent amount (*mithl*) rather than the identical physical units (*ayn*) deposited. Consequently, the depositor is regarded as a creditor and the bank as a debtor, thereby framing the contractual relationship within the legal structure of *qard*.

Despite its prevalence, this interpretation raises significant jurisprudential, ethical, and practical concerns. Most notably, it appears to conflict with the widely accepted jurisprudential maxim *al-ʿuqūd tābi'ah li-l-quṣūd* (contracts are determined by the intentions of the contracting parties). Empirical observation suggests that the

overwhelming majority of depositors do not intend to lend their money to banks, nor do they consciously consent to proprietary exploitation of their funds. Instead, their primary motivation is safekeeping, transactional convenience, and trust.

Against this backdrop, the present study aims to reassess the jurisprudential and legal classification of current accounts in Islamic banking by examining whether the contract of deposit (*wādī'ah*) can be validly applied to such accounts. The central objective is to demonstrate that, when depositor intent, the nature of fiat money, and the contemporary theory of bank money creation are properly taken into account, current accounts may be more coherently classified as deposits rather than loans. By integrating doctrinal analysis with empirical evidence, this research seeks to provide a more realistic, legitimate, and ethically consistent framework for Islamic banking operations.

2. Methods and Materials

This study adopts an integrative and interdisciplinary research design combining jurisprudential-legal analysis with empirical field research. In the theoretical component, classical and contemporary sources of Islamic jurisprudence (*fiqh*), legal doctrines, statutory banking laws, and scholarly literature on Islamic banking were systematically reviewed and critically analyzed. Particular attention was given to discussions on the nature of *qard*, *wādī'ah*, contractual intent, and the jurisprudential implications of modern fiat money.

In parallel, the study incorporates an empirical investigation to assess the actual intentions, awareness, and satisfaction of depositors regarding current accounts. A structured questionnaire was designed in consultation with academic experts and distributed among more than 700 current account holders in the city of Ahvaz, Iran. The sample included diverse social groups such as teachers, university students, seminary students, employees, and self-employed individuals, all of whom regularly use current accounts for salary payments, check issuance, and daily transactions.

The questionnaire addressed key dimensions including:

- (1) depositors' awareness of the legal terms governing current accounts;
- (2) their perception of ownership over deposited funds;
- (3) their consent or dissatisfaction regarding the bank's use of their money; and

(4) their primary intention in opening and maintaining current accounts (deposit/trust versus lending).

Data were analyzed using descriptive statistical methods, with results presented in percentage form to capture prevailing depositor attitudes. The combination of doctrinal analysis and empirical evidence enabled a comprehensive comparison between the theoretical assumptions underlying banking contracts and the lived realities of depositors, thereby strengthening the validity and originality of the study.

3. Research Findings

The empirical findings reveal a significant discrepancy between prevailing legal classifications of current accounts and the actual intentions of depositors. The results show that 87% of respondents deposited their funds with the explicit intention of safekeeping and trust, not lending. Moreover, over 90% expressed dissatisfaction or lack of informed consent regarding the bank's utilization of their funds for profit-generating activities. Only a small minority considered their deposits as loans to the bank or believed that ownership of the funds was transferred upon deposit.

These findings directly challenge the assumption that current deposits can be legitimately treated as *qard* based on depositor consent. From a jurisprudential perspective, the absence of true and informed intent to lend undermines the validity of loan classification, as intention constitutes a foundational element of contractual legitimacy in Islamic law.

On the theoretical level, the study demonstrates that contemporary fiat money lacks intrinsic physical value and derives its legitimacy from legal recognition and social acceptance. Furthermore, by adopting the modern theory of bank money creation, the research shows that banks do not primarily lend out existing deposits but instead create new money through accounting mechanisms when extending credit. Under this framework, current deposits remain intact in depositors' accounts, while loans are generated through monetary creation rather than the physical use of deposited funds.

Accordingly, if banks do not exercise proprietary control over deposited funds in the traditional sense, one of the main arguments for classifying current accounts as loans becomes untenable. On this basis, current accounts can be regarded as complete deposits (*wādī'ah tammah*), wherein ownership remains with the depositor and the bank acts as a custodian.

The study further acknowledges alternative scenarios. If a depositor explicitly grants the bank permission for non-proprietary utilization of funds and consents to restitution by equivalent value, the relationship may be characterized as an incomplete or unconventional deposit. Where neither classification is entirely satisfactory, current accounts may be conceptualized as a new contract possessing a deposit-like nature, consistent with Islamic jurisprudential principles while accommodating modern banking realities.

4. Discussion and Conclusion

The findings of this research suggest that the dominant treatment of current accounts as loans in Islamic banking systems rests on assumptions that are increasingly inconsistent with both depositor intent and contemporary monetary realities. By foregrounding the principle of contractual intent and integrating empirical evidence, the study demonstrates that current accounts align more closely with the concept of *wādī'ah* than with *qard*.

Reclassifying current accounts as deposits carries important jurisprudential and practical implications. It preserves depositor ownership, restricts unauthorized proprietary use by banks, and resolves several persistent challenges in Islamic banking—such as conditional lending practices and concerns over implicit *ribā*. Moreover, it enhances transparency, trust, and legitimacy within Islamic financial institutions.

The study concludes by recommending the development of deposit-based or newly structured accounts within Islamic banking systems, particularly for sensitive purposes such as holding religious funds (*wujūhāt shar'īyyah*), where banks must be explicitly prohibited from proprietary utilization. Such reforms would contribute to aligning Islamic banking practices more closely with both jurisprudential principles and depositor expectations, thereby strengthening the ethical and legal foundations of Islamic finance.

5. Keywords: Interest-free Banking; Islamic Banking; Current Account; Current Deposit; Deposit (*Wādī'ah*); Incomplete Deposit; Loan.

6. JEL Classification: G21, G28, Z12, E42.

تحلیل فقهی - حقوقی انطباق عقد ودیعه بر سپرده جاری در بانکداری اسلامی

غلامعلی معصومی نیا: دانشیار، گروه اقتصاد و بانکداری اسلامی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
masuminia@khu.ac.ir
امیر یزدان پرست: مدرس سطح ۴ حوزوی، فقه معاملات، حوزه علمیه، اهواز، ایران (نویسنده مسئول).
amir.yazdanparast91@gmail.com

چکیده

۱. مقدمه و هدف

سپرده قرض الحسنه یکی از پرکاربردترین ابزارهای بانکی در نظام بانکداری اسلامی است، اما ماهیت فقهی و حقوقی آن همواره محل اختلاف میان فقها و حقوقدانان بوده است. دیدگاه‌های مطرح‌شده، این سپرده را به‌عنوان قرض، ودیعه کامل یا ناقص، صلح یا حتی عقدی جدید تحلیل کرده‌اند؛ باین‌حال، دیدگاه غالب، به دلیل تصرف مالکانه بانک و بازپرداخت «مثل» به جای «عین»، آن را مصداق عقد قرض دانسته است. با توجه به قاعده فقهی «العقود تابعه للقصود» و نقش محوری قصد واقعی سپرده‌گذاران در تعیین ماهیت قراردادهای، هدف این پژوهش بررسی امکان انطباق عقد ودیعه بر سپرده قرض الحسنه در نظام بانکداری اسلامی است.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با رویکردی تلفیقی و به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در بخش نظری، منابع فقهی، حقوقی و قوانین بانکی مرتبط با سپرده‌های قرض الحسنه مورد تحلیل قرار گرفت. در بخش تجربی، داده‌های میدانی حاصل از بیش از ۷۰۰ پرسشنامه تکمیل‌شده توسط سپرده‌گذاران حساب جاری، به‌منظور سنجش قصد، آگاهی و رضایت آنان نسبت به ماهیت سپرده و نحوه تصرف بانک، گردآوری و تحلیل شد. تلفیق این دو رویکرد، امکان مقایسه میان مفروضات نظری رایج و واقعیت‌های رفتاری سپرده‌گذاران را فراهم ساخت.

۳. یافته‌های تحقیق

یافته‌های میدانی نشان داد ۸۷ درصد سپرده‌گذاران وجوه خود را با قصد ودیعه و امانت‌گذاری در بانک سپرده‌گذاری کرده‌اند و بیش از ۹۰ درصد آنان از استفاده بانک از وجوهشان ناراضی بوده یا رضایت آگاهانه‌ای در این خصوص نداشته‌اند. این نتایج بیانگر آن است که نیت واقعی سپرده‌گذاران با فرض قرض بودن سپرده‌های جاری و انتقال مالکیت به بانک همخوانی ندارد. افزون بر این، تحلیل نظری پژوهش نشان داد با پذیرش ماهیت اعتباری پول و نظریه خلق پول بانکی، بانک‌ها در عمل تصرفی در وجوه سپرده‌های جاری ندارند و تسهیلات اعطایی از محل خلق پول انجام می‌شود؛ بنابراین، سپرده جاری می‌تواند به‌عنوان «ودیعه کامل» تفسیر شود. در مواردی که سپرده‌گذار به بانک اذن تصرف غیر ناقل مالکیت داده و به استرداد «مثل» رضایت دهد، ماهیت سپرده به «ودیعه ناقص یا خلاف قاعده» نزدیک می‌شود. در صورت باقی‌ماندن تردید، می‌توان سپرده جاری را عقدی جدید با ماهیتی مشابه ودیعه دانست.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد تلقی غالب قرض بودن سپرده‌های جاری، با قصد واقعی سپرده‌گذاران و برخی مبانی نوین فقهی و اقتصادی سازگار نیست. انطباق سپرده قرض‌الحسنه بر عقد ودیعه، ضمن حفظ حقوق مالکانه سپرده‌گذاران، می‌تواند بخشی از چالش‌های فقهی بانکداری بدون ربا را کاهش دهد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در نظام بانکداری اسلامی، حساب‌هایی با ماهیت ودیعه یا عقدی جدید مشابه آن، به‌ویژه برای اموری مانند اخذ وجوهات شرعی، طراحی شود؛ به‌گونه‌ای که بانک در این حساب‌ها فاقد حق تصرفات مالکانه باشد و مشروعیت و شفافیت نظام بانکی ارتقا یابد.

واژگان کلیدی: بانکداری بدون ربا؛ بانکداری اسلامی؛ حساب جاری؛ سپرده قرض‌الحسنه؛ ودیعه؛ ودیعه ناقص؛ قرض.

مقدمه

بانکداری اسلامی به‌عنوان شاخه‌ای نوین در نظام‌های مالی جهان اسلام، طی حدود یک قرن اخیر شکل گرفته است. این الگوی بانکداری با هدف انطباق فعالیت‌های اقتصادی با اصول و احکام شریعت اسلامی، در پی آن است که سازوکاری عادلانه، مشروع و کارآمد برای تأمین مالی ارائه دهد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، روندی گسترده برای اسلامی‌سازی نظام بانکی آغاز شد؛ روندی که مستلزم بازنگری بنیادین و اصلاح همه اجزای نظام بانکی، به‌ویژه عقود و قراردادهای بانکی است، تا تطابق کامل آن‌ها با موازین فقه اسلامی تحقق یابد. یکی از پرکاربردترین انواع سپرده‌ها در نظام بانکداری اسلامی، سپرده جاری است که به‌عنوان ابزاری کلیدی در تسهیل جریان‌های مالی و انجام عملیات بانکی ایفای نقش می‌کند. با این حال، ماهیت فقهی و حقوقی این سپرده در میان فقها و حقوقدانان همواره محل اختلاف نظر جدی بوده است.

برخی با تکیه بر رویکرد مالکانه بانک، تصرف آن در وجوه سپرده‌شده و نیز بازپرداخت مثل به‌جای عین وجوه، سپرده جاری را از مصادیق عقد قرض تلقی کرده‌اند. در مقابل، گروهی دیگر با توجه به قصد و نیت سپرده‌گذاران و کارکرد واقعی این سپرده‌ها در حفظ و نگهداری وجوه، آن را در قالب ودیعه کامل یا ودیعه ناقص تحلیل کرده‌اند. با این وجود، اکثریت فقها، حقوقدانان و همچنین قانون عملیات بانکی بدون ربا، سپرده جاری را در زمره مصادیق عقد قرض قرار داده‌اند.

این اختلاف دیدگاه‌ها، چالش‌های بنیادینی در زمینه تدوین دقیق احکام شرعی و قواعد حقوقی ناظر بر سپرده‌های جاری ایجاد کرده است؛ از این رو، ضرورت انجام پژوهشی جامع، همه‌جانبه و نوآورانه که بتواند ماهیت فقهی و حقوقی سپرده جاری را با رویکردی تحلیلی و مبتنی بر مبانی نظری و شواهد تجربی بررسی کند، بیش از پیش آشکار می‌شود.

بر این اساس و با توجه به انگاره تعارض و ناسازگاری میان قصد واقعی سپرده‌گذاران و مفاد حقوقی قرارداد سپرده جاری، این مقاله به بررسی این پرسش اساسی می‌پردازد

که انطباق عقد ودیعه بر سپرده جاری از منظر فقهی و حقوقی چگونه قابل ارزیابی است و آیا می‌توان ماهیت حقوقی این سپرده را به عقد ودیعه نزدیک دانست یا خیر. فرضیه پژوهش بر این مبنا استوار است که رابطه سپرده‌گذار با بانک در قرارداد سپرده جاری قابلیت انطباق با عقد ودیعه را دارد و تلقی مالکانه بانک از حق تصرف در سپرده‌ها، غالباً مبتنی بر بهره‌برداری از خلأهای حقوقی است و نه مستند به مبنای قانونی معتبر، نظیر انعقاد عقد قرض یا وجود اذن صریح و آگاهانه سپرده‌گذار. از این رو، تحقق رضایت واقعی و آگاهانه سپرده‌گذاران نسبت به تصرفات مالکانه بانک محل تردید جدی است و این امر می‌تواند مشروعیت فقهی و حقوقی چنین تصرفاتی را با پرسش اساسی مواجه سازد.

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل فقهی-حقوقی امکان انطباق عقد ودیعه با سپرده‌های جاری در نظام بانکداری اسلامی است؛ به گونه‌ای که ضمن بررسی مستند منابع فقهی، فتاوی فقهای معاصر و قوانین بانکی، از داده‌های میدانی حاصل از پرسشنامه‌های سپرده‌گذاران نیز در فرآیند تحلیل استفاده شود.

این تحقیق با روش ترکیبی (نظری-تجربی) انجام شده است. در بخش نظری، مطالعه و تحلیل توصیفی-انتقادی منابع کتابخانه‌ای شامل کتب فقهی، متون حقوقی، قوانین بانکی و مقالات تخصصی صورت گرفته است. در بخش تجربی، با توزیع پرسشنامه میان سپرده‌گذاران، قصد و نیت واقعی آنان نسبت به ماهیت قرارداد سپرده جاری مورد بررسی قرار گرفته است.

این تلفیق روش‌های نظری و تجربی، پیوندی استوار میان تحلیل‌های علمی و واقعیت‌های اجتماعی برقرار کرده و به‌عنوان وجه تمایز و نقطه قوت اصلی پژوهش حاضر نسبت به مطالعات پیشین قابل ارزیابی است.

انتظار می‌رود نتایج این پژوهش زمینه‌ساز اصلاح و بازنگری قوانین و مقررات بانکداری اسلامی باشد؛ به گونه‌ای که ضمن ارتقای مشروعیت نظام مالی، به کاهش تعارض‌ها و ابهام‌های فقهی و حقوقی موجود در زمینه سپرده‌های جاری بینجامد. افزون بر این، یافته‌های پژوهش می‌تواند راهنمایی مؤثر برای سیاست‌گذاران و فعالان نظام

بانکی در راستای طراحی و بازمهندسی نظام سپرده‌گذاری منطبق با اصول و موازین شریعت اسلامی فراهم آورد.

۱. مرور ادبیات و مبانی نظری

۱-۱. مرور پیشینه‌ها

ماهیت فقهی و حقوقی سپرده‌های جاری در نظام بانکداری اسلامی، از جمله پرسش‌های کلیدی و مناقشه‌برانگیز در ادبیات فقهی و حقوقی معاصر به‌شمار می‌آید. در این زمینه، دو دیدگاه عمده قابل تفکیک است که هر یک بر پایه برداشت متفاوتی از ماهیت رابطه حقوقی میان سپرده‌گذار و بانک شکل گرفته‌اند.

دیدگاه غالب در میان بسیاری از فقها و صاحب‌نظران اسلامی، از جمله امام خمینی(ره)، سید محمدباقر صدر (در برخی نظریات)، مرتضی مطهری، محمدعلی تسخیری، سید عباس موسویان، محمدجواد توکلی، جواد ایروانی و محمدتقی شهیدی، ماهیت قرارداد سپرده جاری را عقد قرض می‌داند. طرفداران این دیدگاه با پذیرش انتقال ضمنی مالکیت وجوه به بانک و اعطای حق تصرف مالکانه به آن، بر این باورند که بازپرداخت وجه به‌صورت مثل، نه عین وجوه سپرده‌شده، مؤید تحقق تعهد قرض‌گیرنده است و از این رو، سپرده جاری را می‌توان از مصادیق عقد قرض تلقی کرد.

در مقابل، جمعی از فقها و حقوقدانان، از جمله سید حسن امامی، شهید بهشتی، امام خامنه‌ای و ناصر مکارم شیرازی، بر این باورند که سپرده جاری با توجه به قصد و نیت سپرده‌گذار، واجد ماهیتی نزدیک به عقد ودیعه یا قراردادی با ماهیت مشابه آن است.

امامی (۱۳۳۳) سپرده جاری را نوعی «امانت برخلاف قاعده» تلقی می‌کند که در آن، مالکیت مال به امین منتقل می‌شود و امین متعهد است مثل مال را بازگرداند. بر اساس این دیدگاه، سپرده جاری عقدی خاص با شباهت‌هایی به ودیعه، اما در عین حال متمایز از آن معرفی می‌شود.

در مقابل، موسوی خمینی (بی‌تا) در فرضی که سپرده‌گذار هنگام سپرده‌گذاری اذن در تصرفات ناقل^۱ به بانک اعطا کند، ماهیت سپرده‌های جاری بانکی را قرض به بانک می‌داند. ایشان در این زمینه، در مسأله ششم از بحث اعمال بانک‌ها می‌نویسد:

«اگر آنچه به بانک‌ها داده می‌شود بدون اذن در تصرف، به عنوان ودیعه و امانت باشد، بانک حق تصرف در آن‌ها را ندارد و اگر تصرف کند، ضامن است؛ ولی اگر اذن در تصرف بدهد، بانک می‌تواند در آن‌ها تصرف کند و همچنین اگر رضایت به تصرف بدهد، در هر دو صورت، آنچه بانک به او می‌دهد حلال است، مگر اینکه اذن در تصرف ناقل به تملک با ضمان برگردد که در این صورت، گرفتن زیاده بر اساس قرار سود حرام است؛ ولی قرض صحیح است و ظاهراً سپرده‌های بانکی از این قبیل هستند. پس آنچه ودیعه و امانت نامیده می‌شود، در واقع قرض است و در صورت قرار نفع گذاشتن، سود، حرام خواهد بود» (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص. ۶۱۷).

بهشتی (۱۳۵۳) سپرده جاری را امانت مردم نزد بانک می‌داند که در نظام بانکداری ربوی از آن سوءاستفاده شده و به دیگران به صورت قرض ربوی اعطا می‌شود؛ در حالی که در نظام بانکداری بدون ربا، ماهیت امانت حفظ شده و سپرده‌گذار صرفاً در قبال دریافت خدمات بانکی، هزینه پرداخت می‌کند.

صدر (۱۴۰۱ق) سپرده جاری را نوعی «قرض بدون بهره» تلقی می‌کند که مالکیت آن به بانک منتقل شده و بانک از حق تصرف کامل برخوردار است؛ هرچند به اعتقاد وی، این نوع سپرده در آغاز شکل‌گیری خود ودیعه بوده، اما به تدریج و در اثر تحولات کارکردی نظام بانکی، ماهیتی قرضی به خود گرفته است.

حسینی خامنه‌ای (۱۳۷۴) سپرده جاری را امانت نزد بانک می‌داند و با تأکید تصریح می‌کنند:

«حقیقت آن است که در سپرده‌گذاری‌ها به بانک قرض داده نمی‌شود و بانک نیز از سپرده‌گذاران قرض نمی‌گیرد؛ حتی اگر به بانک گفته شود که ما می‌خواهیم

۱. منظور از اذن تصرفات ناقل، اجازه تصرفاتی است که منجر به خروج آن شیئی از ملکیت مالک اولیه آن می‌شود؛ مانند اینکه مالک خودرو به همسرش اذن دهد که خودرو را برای خودش بفروشد و از پولش استفاده کند.

به تو قرض بدهیم، بانک می گوید من قرض نمی خواهم، بلکه پولتان را برایتان نگه داری می کنم.» ایشان در عین حال معتقدند که با توجه به فقدان برخی شرایط کلاسیک عقد ودیعه در این مورد، حقیقتی نوین در مفهوم ودیعه پدید آمده است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار آیت‌الله موسوی اردبیلی، ۱۳۷۴/۰۹/۱۸).

مکارم شیرازی (۱۳۸۹) نیز سپرده جاری را ودیعه‌ای همراه با وکالت در تصرف می‌داند؛ دیدگاهی که نگاهی متمایز به حفظ حقوق مالکانه سپرده‌گذاران ارائه می‌دهد و تلاش می‌کند امکان تصرف بانک را در چارچوبی محدود و مبتنی بر اذن سپرده‌گذار توجیه کند.

مطالعات تطبیقی، از جمله پژوهش موسویان، نظریور و لطفی نیا (۱۳۹۵)، نشان می‌دهد که بانک اسلامی دبی در سپرده‌های جاری از رویکردی انعطاف‌پذیر مبتنی بر عقد ودیعه بهره می‌برد؛ در حالی که در نظام بانکی ایران، عمدتاً از عقد قرض استفاده می‌شود که این امر، محدودیت‌های فقهی و عملی خاصی را به همراه دارد. در مجموع، اشکال اساسی در ودیعه دانستن سپرده جاری را می‌توان در دو محور عمده خلاصه کرد:

نخست، تصرف مالکانه بانک که با اصل حفظ مالکیت سپرده‌گذار در عقد ودیعه تعارض دارد؛ و دوم، بازپرداخت «مثل» به جای «عین» که از منظر فقهی، بر ماهیت قرض دلالت می‌کند. این چالش‌ها سبب شده‌اند که علی‌رغم قصد امانی سپرده‌گذاران، سپرده جاری در رویه غالب فقهی و حقوقی، به عنوان قرض شناسایی شود.

برخلاف تحقیقات پیشین که عمدتاً به تحلیل قوانین، قراردادهای و متون فقهی و حقوقی مرتبط با سپرده‌های جاری بسنده کرده‌اند، پژوهش حاضر با تمرکز ویژه بر بررسی قصد و نیت واقعی سپرده‌گذاران و مستندسازی آن از طریق تحقیق میدانی و ابزار پرسشنامه، تحلیلی جامع‌تر و واقع‌گرایانه‌تر ارائه می‌دهد. این رویکرد، افزون بر بُعد حقوقی، ابعاد تجربی و اجتماعی مسئله را نیز به‌طور روشن بازنمایی می‌کند.

از سوی دیگر، برخلاف رویکردهای غالب که غالباً در پی توجیه شرعی کارکردهای بانکداری متعارف هستند، مطالعه حاضر با نگاهی انتقادی به سیاست‌های کلان بانکداری تجاری و با هدف بازطراحی و اصلاح ساختار حقوقی سپرده‌های جاری، می‌کوشد ضمن

حفظ حقوق مالکانه سپرده‌گذاران، سازوکاری منطبق با موازین فقه اسلامی و الزامات عملی بانکداری بدون ربا پیشنهاد دهد.

در نهایت، از مهم‌ترین وجوه تمایز این پژوهش می‌توان به بهره‌گیری از روش تحقیق میدانی و گردآوری داده‌های تجربی به‌منظور بررسی دقیق‌تر و واقع‌گرایانه‌تر قصد و نیت سپرده‌گذاران اشاره کرد؛ رویکردی که برای نخستین بار در این حوزه به‌صورت نظام‌مند به‌کار گرفته شده و اعتبار علمی و کاربردی پذیرای نتایج پژوهش را به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد.

بر این اساس، پژوهش حاضر با ترکیب تحلیل‌های عمیق فقهی و حقوقی با داده‌های میدانی، ضمن پر کردن خلأهای نظری موجود، قادر است پیشنهادهایی علمی، مستند و قابل اتکا در زمینه سپرده‌های جاری ارائه دهد؛ پیشنهادهایی که می‌تواند در اصلاح قوانین بانکی، ارتقای مشروعیت شرعی و نیز تقویت اعتماد عمومی به نظام بانکداری اسلامی نقش مؤثری ایفا کند.

۲-۱. تعریف سپرده‌های بانکی و انواع آن

سپرده بانکی^۲ به وجوه نقدی اطلاق می‌شود که به بانک‌ها سپرده می‌شود و بانک‌ها نیز متعهد می‌شوند در صورت مراجعه و مطالبه مشتری، یا بر اساس شروط معین، مثل آن را مسترد کنند (عوض، ۲۰۰۰م، ص. ۱۷).

سپرده‌ها اصلی‌ترین منبع بانک‌ها برای اعطای تسهیلات و خلق پول در اقتصاد به‌شمار می‌آیند و بدون آن‌ها، بانک‌ها فاقد امکان عملی و حتی مبنای قانونی برای فعالیت هستند. نقش سپرده‌ها در نظام بانکی نقشی اساسی و حیاتی است؛ زیرا مبنای حقوقی خلق پول و انجام فعالیت‌های اقتصادی بانک‌ها محسوب می‌شوند.

در نظام بانکداری ایران، سه نوع سپرده تعریف شده است:

۱) سپرده پس‌انداز^۳: این نوع سپرده معمولاً فاقد پرداخت بهره مستقیم است و به‌منظور ایجاد انگیزه برای سپرده‌گذاران، از روش‌هایی مانند قرعه‌کشی استفاده

2. Bank Deposit
3. Savings Account

می شود. در نظام بانکی ایران، این نوع سپرده براساس قانون عملیات بانکداری بدون ربا با عنوان «سپرده قرض الحسنه» شناخته می شود.

۲) سپرده جاری^۴: سپرده جاری، سپرده‌ای است که به منظور انجام عملیات روزمره بانکی و بدون نیاز به مراجعه مستقیم مشتری به بانک مورد استفاده قرار می گیرد. این نوع سپرده از جمله منابع کم هزینه بانکها محسوب می شود و خدمات متنوعی از قبیل دسته چک، کارت بانکی و ابزارهای پرداخت برای آن فراهم می شود (بهمنند و بهمنی، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۱).

۳) سپرده سرمایه گذاری مدت دار^۵: این سپرده در بانکهای مبتنی بر نرخ بهره برای مدت زمان مشخص و با بازدهی معین مورد استفاده قرار می گیرد و مطابق با قانون عملیات بانکی بدون ربا، از طریق قراردادهای وکالت، مشارکت و سایر عقود اسلامی در فعالیتهای اقتصادی به کار گرفته می شود.

۳-۱. تعریف و احکام عقد قرض

قرض عقدی است که به موجب آن، قرض دهنده مال را به مالکیت قرض گیرنده درمی آورد، مشروط بر آن که قرض گیرنده نسبت به بازگرداندن مقدار معادل آن مال متعهد و ضامن باشد. به عبارت دیگر، در عقد قرض، مالکیت مال به قرض گیرنده منتقل می شود، اما وی مکلف است مثل مال را بازگرداند، نه عین آن.

این تعریف، مورد پذیرش بسیاری از فقهای برجسته، از جمله شیخ انصاری و جمعی از مراجع معاصر قرار گرفته است (انصاری دزفولی، ۱۴۱۵ق، ص. ۱۵).

از احکام مهم عقد قرض می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- قرض عقدی است که تحقق آن نیازمند ایجاب و قبول بوده و برای صحت آن وجود شرایطی همچون عقل، بلوغ، قصد و اختیار طرفین ضروری است.
- برای انتقال مالکیت مال به قرض گیرنده، تحقق قبض مال شرط لازم است.

4. Current Account

5. Fixed Deposit / Time Deposit

- در قرض‌های مثلی، مانند طلا و گندم، مثل مال قرض گرفته شده در ذمه قرض گیرنده باقی می ماند.
- اشتراط زیاده (ربا) در عقد قرض جایز نبوده و موجب بطلان شرط است.
- چنانچه عقد قرض به صورت مدت دار انشا شود، قرض دهنده حق مطالبه پیش از سررسید را ندارد، مگر در موارد استثنایی مقرر.
- شروط تبعی که در راستای تأمین مصلحت قرض دهنده باشد، از قبیل اخذ ضامن یا رهن، مجاز تلقی می شود (موسوی خمینی، بی تا، صص. ۶۵۲-۶۵۶).

۴-۱. تعریف و احکام عقد ودیعه (امانت)

- عقد ودیعه قراردادی است که به موجب آن، مال به منظور حفظ و نگهداری نزد شخص دیگری سپرده می شود. فایده و کارکرد اصلی این عقد، استنابه در حفظ مال است؛ بدین معنا که مالک، دیگری را به عنوان امین برای نگهداری مال خود برمی گزیند. افزون بر این، در اصطلاح فقهی، به خود مال به امانت سپرده شده نیز «ودیعه» اطلاق می شود.
- برخی از احکام مهم عقد ودیعه عبارت اند از:
- عقد ودیعه نیز همانند سایر عقود، نیازمند ایجاب و قبول است و می تواند به صورت لفظی یا عملی (معاطات) تحقق یابد.
 - ودیعه از جمله عقود مستحب به شمار می آید که بر پایه تعاون، اعتماد و ارفاق میان طرفین استوار است.
 - ودیعه عقدی جایز است و هر یک از طرفین، یعنی امانت گذار و امانت دار، حق فسخ آن را دارند.
 - امانت دار مکلف است ودیعه را مطابق عرف و شرایط متعارف حفظ کرده و در صورت مطالبه امانت گذار، در اسرع وقت عین مال را مسترد کند.
 - امانت از حیث منشأ، به دو نوع امانت مالکی (با اذن مالک) و امانت شرعی (بدون اذن یا به صورت قهری) تقسیم می شود.

○ در صورتی که امانت‌دار قصد تصرف غیرمجاز در ودیعه داشته باشد، ضامن بوده و رفتار وی از منظر فقهی غاصبانه تلقی می‌شود (موسوی خمینی، بی‌تا، صص. ۵۹۷-۶۰۳).

۵-۱. چگونگی تعیین ماهیت سپرده و نقش قصد سپرده‌گذار در آن

در تعیین ماهیت قراردادها، عنصر «قصد» طرفین از اهمیتی محوری برخوردار است و صحت یا بطلان معامله به آن وابسته است. قاعده فقهی «العقود تابعه للقصد» از قواعد مورد اتفاق فقها به‌شمار می‌آید و بیانگر آن است که حقیقت عقد تابع قصد و نیت واقعی متعاملین است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج. ۲۸، ص. ۱۹۶).

شیخ انصاری در کتاب البیع، تحقق قصد واقعی طرفین نسبت به مفاد و مدلول عقد را شرط اساسی صحت عقد می‌داند و تصریح می‌کند که صرف ادای الفاظ بدون قصد جدی، موجب تحقق عقد نخواهد بود (انصاری دزفولی، ۱۴۱۵ق، ج. ۳، ص. ۲۹۵).

همچنین آیت‌الله مکارم شیرازی، قصد جدی را از شروط بنیادین صحت معاملات برمی‌شمارد و برای صورت‌سازی‌ها و ظواهر صوری فاقد قصد واقعی، هیچ‌گونه اعتبار شرعی قائل نیست (مکارم شیرازی، بی‌تا، ص. ۴۴).

قصد واقعی در قراردادها ممکن است به‌صورت آشکار ابراز شود یا از طریق شواهد و قراین خارجی احراز گردد. از سوی دیگر، فقدان قصد جدی در انعقاد قرارداد نیز امری محتمل است و می‌تواند به اشکال مختلفی تحقق یابد که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

- گاهی صرفاً از نام یک عقد استفاده می‌شود، در حالی که ماهیت و حقیقت قراردادی که واقع شده، چیز دیگری است. مصداق روشن این حالت، جایی است که طرفین عقد یا یکی از آن‌ها اصلاً اطلاعی از عقد تلفظ‌شده یا مفاد آن ندارد. بدیهی است در چنین وضعیتی، عقد تلفظ‌شده باطل است؛ زیرا یکی از ارکان اساسی عقد، یعنی قصد، مخدوش و فاقد تحقق می‌باشد.
- گاهی عقد یا عقود موضوع قرارداد، مورد قصد واقع می‌شوند، اما نسبت به لوازم و احکامی که عقود شرعی را از غیرشرعی متمایز می‌سازد، چه در مرحله انشای

عقد و چه در مرحله عمل، پایبندی وجود ندارد؛ به این صورت که در مقام انشاء عقد، مفروض طرفین - چه به صورت مصرح و چه به صورت ارتکازی - آن باشد که این احکام رعایت نشود. این امر بدان معناست که در حقیقت، طرفین قصد تحقق عقد شرعی را نداشته‌اند و آنچه به زبان آورده یا از ذهن گذرانده‌اند، حقیقت عملکردی را که قصد واقعی آنان متوجه آن است، تغییر نمی‌دهد (محقق‌نیا، ۱۳۹۴، صص. ۱۹۴-۱۹۵).

تشخیص قصد حقیقی از طریق تصریح طرفین در قرارداد یا با تحلیل عرف و قرائن موجود امکان‌پذیر است. از این رو، در تحلیل ماهیت سپرده‌های بانکی، صرف اکتفا به مفاد صوری قرارداد کافی نیست، بلکه قصد واقعی سپرده‌گذاران و نیز برداشت و تلقی عرف نسبت به این سپرده‌ها باید با دقت مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش، انگیزه‌ها و اهداف مختلف سپرده‌گذاران حساب‌های جاری، به همراه قرائن عرفی مرتبط، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا ماهیت شرعی واقعی این سپرده‌ها به طور روشن تبیین شود.

۱-۶. ماهیت پول امروزی

در میان اندیشمندان اسلامی، دو نظریه اصلی درباره ماهیت پول امروزی مطرح است: نخست، نظریه مالیت اعتباری (قدرت خرید) که پول را مبتنی بر قدرت خرید می‌داند؛ و دوم، نظریه ارزش اسمی که ماهیت پول را به ارزش اسمی درج‌شده بر اسکناس محدود می‌کند. هر یک از این دو نظریه، نقاط قوت و ضعف خاص خود را دارند و به‌تنهایی برای تبیین کامل ماهیت پول در نظام‌های پولی امروز کفایت نمی‌کنند.

بر اساس تحلیل نوین «مال اعتباری» بودن پول، تمامی انواع پول‌های امروزی - اعم از فیزیکی یا الکترونیکی - ماهیتی اعتباری دارند؛ بدین معنا که هم مالیت اولیه و هم ارزش ثانویه آن‌ها، قراردادی و اعتباری است. اعتبار اولیه پول از طریق قانون و جعل رسمی ایجاد می‌شود و ارزش ثانویه آن به عوامل بیرونی همچون تولید ملی، ثبات سیاسی و میزان اعتماد عمومی وابسته است.

پول‌های فلزی مانند طلا و نقره دارای ارزش ذاتی و فیزیکی مشخص بودند، اما پول‌های کاغذی و الکترونیکی امروزی فاقد چنین ویژگی‌ای هستند و اعتبار آن‌ها ناشی از پذیرش قانونی و اجتماعی است. در این میان، اسکناس‌ها در واقع به‌عنوان ظرف اعتباری پول عمل می‌کنند.

پیدایش پول اعتباری از دوران اولیه ظهور رسیده‌های بانکی و اسناد خرید و فروش آغاز شد؛ اسنادی که به‌تدریج جایگزین پول‌های فلزی همچون طلا، نقره و مس شدند. با گذشت زمان، بانک‌ها و دولت‌ها با انتشار اسکناس‌ها و رسیده‌های بانکی بدون پشتوانه فیزیکی، حرکت به‌سوی پول اعتباری را تسریع کردند.

این نظام پولی به‌گونه‌ای شکل گرفت که برخلاف دوره‌های گذشته - که حجم پول محدود و مبتنی بر پشتوانه واقعی بود - در نظام پول اعتباری، امکان خلق پول «از هیچ» برای نظام بانکی فراهم شد. این روند، به‌تدریج موجب افزایش قدرت بانک‌ها در کنترل منابع مالی و در نتیجه، تأثیرگذاری گسترده‌تر آن‌ها بر ثروت ملی و حتی جهانی گردید. این تحلیل نشان می‌دهد که ماهیت پول در آینده نیز اعتباری خواهد بود و ارزش آن به‌طور مستقیم از سوی قانون تعیین می‌شود و تابع ارزش مبادله‌ای کالاها نخواهد بود. بر این اساس، پول امروز و آینده، «مال اعتباری» است که همواره بر پایه قرارداد، جعل قانونی و پذیرش اجتماعی شکل می‌گیرد و از منظر فقهی و اقتصادی نیازمند بازتعریف و فهمی دقیق و روزآمد است (برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک: توسلی، تحلیل ماهیت پول، ۱۳۹۱).

۱-۷. نظریه خلق پول بانکی و تأثیر آن بر ماهیت سپرده‌های جاری

بررسی پیشینه نظریات موجود درباره ماهیت بانک در ادبیات اقتصادی و مالی جهان، نشان‌دهنده وجود سه نظریه اصلی در این زمینه است که هر یک، تبیین متفاوتی از نقش بانک و جایگاه سپرده‌های بانکی ارائه می‌کنند:

۱) **نظریه واسطه‌گری مالی:** در این دیدگاه مرسوم، بانک‌ها صرفاً به‌عنوان نهادهای واسطه‌ای تلقی می‌شوند که سپرده‌ها را جمع‌آوری کرده و آن‌ها را به وام تبدیل می‌کنند؛ به این معنا که بانک‌ها بدون وجود پس‌اندازهای پیشین، توان وام‌دهی

- ندارند. شهید صدر نیز بانک را نهادی با چنین کارکردی و در چارچوب واسطه‌گری مالی معرفی می‌کند (صدر، ۱۴۰۱ق، ص. ۲۰).
- ۲) **نظریه ذخیره جزئی یا «ضریب فزاینده»:** بر اساس این دیدگاه، نظام بانکی به‌صورت تجمعی اقدام به خلق پول می‌کند؛ به‌گونه‌ای که هیچ بانک به‌تنهایی قادر به خلق پول نیست، بلکه عملکرد شبکه بانکی در تعامل با یکدیگر و با بانک مرکزی، در نهایت منجر به افزایش حجم پول و خلق آن می‌شود.
- ۳) **نظریه «خلق پول انفرادی بانک» یا «تأمین مالی مبتنی بر خلق پول»:** این دیدگاه بر آن است که هر بانک به‌صورت مستقل توانایی خلق پول جدید را دارد. مطابق این نظریه، بانک پس از ارزیابی متقاضی تسهیلات، بدون نیاز به جذب قبلی سپرده‌ها، اقدام به ایجاد وام کرده و به‌طور هم‌زمان، سپرده‌ای معادل آن در حساب مشتری ثبت می‌کند. این خلق هم‌زمان دارایی (وام) و بدهی (سپرده) در ترازنامه بانک، بیانگر توان بانک در خلق پول از هیچ است و نه صرفاً انتقال یا تجهیز سپرده‌های موجود.

دیدگاه اخیر، به‌طور منطقی نقد دو دیدگاه پیشین را در پی دارد؛ زیرا برخلاف تصور رایج که بر این باور است «بانک پولی را که در اختیار ندارد، سرمایه‌گذاری نمی‌کند»، در عمل بانک همان پولی را که خود خلق کرده است، وام می‌دهد (برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: مقاله «ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی؛ نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها»، کمیجانی، ابریشمی و روحانی، ۱۳۹۷).

با این حال، مشروعیت و جواز فقهی خلق پول توسط بانک همچنان محل بحث و اختلاف نظر میان فقهاست و باید در جای خود به‌صورت مستقل مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد؛ به‌ویژه در فرضی که این فرایند توسط بانک‌های خصوصی و بدون ضابطه مشخص انجام شود. افزون بر این، حتی در صورت پذیرش جواز خلق پول بانکی تحت شرایط خاص، تحقق آن مستلزم تغییرات بنیادین در ساختار و نظام بانکی و نیز بازنگری اساسی در قوانین و مفاهیم پایه بانکداری خواهد بود.

۱-۷-۱. پیامدهای عملی نظریه خلق پول برای نظام بانکی اسلامی

با پذیرش نظریه خلق پول، درک رایج از ماهیت بانکداری و تعاریف متداول از عملیات بانکی نیازمند بازنگری جدی است. تعریفی مانند «دریافت سپرده و تخصیص آن به وام» با این ماهیت سازگار نیست؛ زیرا سپرده‌ها نه تنها دریافت، بلکه خلق نیز می‌شوند. این واقعیت، ضرورت شناخت دقیق‌تر نقش بانک را از یک نهاد صرفاً واسطه‌گر، به عاملی فعال در فرآیند خلق پول برجسته می‌سازد.

در نظام بانکداری اسلامی، این دیدگاه به نتیجه‌ای مهم و بنیادین می‌انجامد؛ زیرا با توجه به اینکه عملیات وام‌دهی از طریق خلق پول بانکی انجام می‌شود، فرض وکالت بانک از سپرده‌گذاران برای تخصیص منابع نیازمند بازنگری اساسی است. در واقع، مفهوم رایج «تجهیز منابع» نیز دیگر به درستی قابل اعمال نیست؛ چرا که منابع مالی، به صورت خلق جدید توسط بانک فراهم می‌شوند، نه از محل تجمیع سپرده‌های پیشین.

این تحلیل نوین از ماهیت خلق پول و نقش بانک‌ها، افزون بر فراهم کردن چارچوبی نظری برای بررسی ماهیت سپرده‌های جاری، لزوم بازنگری در مقررات و ساختارهای نظام بانکی مبتنی بر شریعت را نیز به روشنی آشکار می‌سازد.

۱-۸. تاریخچه شکل‌گیری سپرده جاری

با پذیرش نظریه خلق پول، درک رایج از ماهیت بانکداری و تعاریف متداول از عملیات بانکی نیازمند بازنگری جدی است. تعریفی مانند «دریافت سپرده و تخصیص آن به وام» با این ماهیت سازگار نیست؛ زیرا سپرده‌ها نه تنها دریافت، بلکه خلق نیز می‌شوند. این واقعیت، ضرورت شناخت دقیق‌تر نقش بانک را از یک نهاد صرفاً واسطه‌گر، به عاملی فعال در فرآیند خلق پول برجسته می‌سازد.

در نظام بانکداری اسلامی، این دیدگاه به نتیجه‌ای مهم و بنیادین می‌انجامد؛ زیرا با توجه به اینکه عملیات وام‌دهی از طریق خلق پول بانکی انجام می‌شود، فرض وکالت بانک از سپرده‌گذاران برای تخصیص منابع نیازمند بازنگری اساسی است. در واقع، مفهوم رایج «تجهیز منابع» نیز دیگر به درستی قابل اعمال نیست؛ چرا که منابع مالی، به صورت خلق جدید توسط بانک فراهم می‌شوند، نه از محل تجمیع سپرده‌های پیشین.

این تحلیل نوین از ماهیت خلق پول و نقش بانک‌ها، افزون بر فراهم کردن چارچوبی نظری برای بررسی ماهیت سپرده‌های جاری، لزوم بازنگری در مقررات و ساختارهای نظام بانکی مبتنی بر شریعت را نیز به‌روشنی آشکار می‌سازد.

۲. دیدگاه‌های مختلف درباره ودیعه بودن سپرده‌های جاری

سپرده‌های جاری در نظام بانکداری اسلامی، از جمله موضوعاتی است که در فقه اقتصادی و حقوق بانکداری اسلامی مورد بحث و بررسی‌های گسترده قرار گرفته است. اهمیت این بحث، ناشی از نقش حیاتی سپرده‌های جاری در عملیات بانکی و تأثیر مستقیم آن‌ها بر ساختار حقوقی و شرعی نظام بانکی است.

در این زمینه، دیدگاه‌های متعددی درباره ماهیت شرعی و حقوقی سپرده‌های جاری ارائه شده است که می‌توان آن‌ها را در قالب چند نظریه اصلی دسته‌بندی کرد؛ از جمله: ودیعه کامل، ودیعه به‌علاوه وکالت در تبدیل، ودیعه نوعی، ودیعه ناقص یا خلاف قاعده، و ودیعه مالیت و ارزش وجوه. در ادامه، هر یک از این دیدگاه‌ها به‌صورت مستقل مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد.

۲-۱. ودیعه کامل

دیدگاه بسیاری از فقها بر این است که سپرده‌های جاری از حیث شرعی، ودیعه کامل محسوب نمی‌شوند؛ زیرا عقد ودیعه به‌صورت سنتی دارای ویژگی‌های مشخصی است که با وضعیت سپرده‌های جاری انطباق کامل ندارد. از جمله مهم‌ترین این ویژگی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مال به ودیعه سپرده‌شده همچنان متعلق به ودیعه‌گذار بوده و مالکیت آن منتقل نمی‌شود.
- ودیعه‌پذیر حق هیچ‌گونه تصرفی در مال را ندارد و صرفاً موظف به حفظ و نگهداری آن است.
- ودیعه‌پذیر تنها در صورت تقصیر یا کوتاهی در حفظ ودیعه ضامن خواهد بود و ضمانت مطلق و کامل بر عهده ندارد.

در مقابل این ویژگی‌ها، در قوانین ناظر بر سپرده‌های جاری، مالکیت وجه به بانک منتقل می‌شود؛ به گونه‌ای که بانک با تعهد به بازپرداخت معادل وجوه سپرده‌گذاری شده، نسبت به آن‌ها تصرف و بهره‌برداری اقتصادی می‌کند و در عین حال، ضامن کامل این وجوه به‌شمار می‌آید.

باین حال، دکتر حسن عبدالله امین دیدگاهی متفاوت ارائه می‌دهد و سپرده‌های جاری را ودیعه کامل و حقیقی می‌داند. به باور وی، تصرف بانک در این سپرده‌ها غالباً بدون اجازه صریح سپرده‌گذار و در حکم تصرفی یک‌جانبه از سوی بانک است و همین امر موجب نمی‌شود که سپرده‌گذار از قصد و اراده خود عدول کرده و ماهیت سپرده را از ایداع به قرض تفسیر کند؛ همان‌گونه که خود بانک نیز این سپرده را به‌عنوان قرض نمی‌پذیرد (امین، صص. ۲۰۷-۲۰۸؛ به نقل از: تسخیری، ۱۴۰۸ق، صص. ۷۸-۸۰).

به نظر می‌رسد بانک هنگام تصرف در این سپرده‌ها، این اقدام را از موضع «استفاده از فرصت» انجام می‌دهد و این تصرف، مستند به مبنای قانونی و حقوقی مشخصی همچون عقد قرض نیست؛ همان‌گونه که در تاریخچه شکل‌گیری سپرده جاری و ماجرای مراجعه مردم به معابد و تراپوزیت‌ها برای سپرده‌گذاری اموال خود نیز به آن اشاره شد. افزون بر این، با توجه به توضیحات ارائه‌شده و با لحاظ عملیات خلق پول بانکی و پذیرش دیدگاه «نظریه تأمین مالی مبتنی بر خلق پول» درباره ماهیت بانک، می‌توان ادعا کرد که دخل و تصرفی واقعی از سوی بانک در سپرده‌های جاری صورت نمی‌گیرد و این وجوه، به‌صورت دست‌نخورده در حساب افراد باقی می‌مانند؛ در حالی که تسهیلات یا منافی که بانک به مشتریان اعطا می‌کند، ناشی از فرایند خلق پول بانکی است، نه استفاده از سپرده‌های موجود.

همچنین تضمین سپرده‌ها از سوی بانک را می‌توان در ضمن عقد لازمی خارج از عقد ودیعه پیش‌بینی و تأمین کرد.

لازم به ذکر است که در این دیدگاه، عین ورقه‌های اسکناس سپرده‌گذاری شده در بانک موضوعیت مستقلی ندارند و در تعیین ماهیت پول به ودیعه گذاشته شده نقشی ایفا نمی‌کنند. همان‌گونه که پیش‌تر تبیین شد، حقیقت پول امروزی را قدرت خرید و ارزش مبادله‌ای یا ارزش اسمی آن تشکیل می‌دهد؛ خواه این پول به‌صورت اسکناس، پول

تحریری یا الکترونیکی باشد. از این رو، می‌توان ادعا کرد که عین پول و دیعه گذاشته شده باقی است و در صورت مطالبه سپرده‌گذار، به وی بازگردانده می‌شود. بنابراین، با توجه به توضیحات ارائه شده، می‌توان ادعا کرد که اموال سپرده جاری، به مفهوم دقیق شرعی، و دیعه محسوب می‌شوند؛ زیرا:

- ۱) قصد سپرده‌گذار، و دیعه‌گذاری است و نه قرض دادن به بانک.
- ۲) اساساً بانک در وجوه سپرده‌های جاری تصرفی انجام نمی‌دهد.
- ۳) حتی اگر پذیرفته شود که بانک در سپرده‌های جاری تصرف می‌کند، این تصرف از موضع استفاده از فرصت است و نه مبتنی بر یک قرارداد و تعهد حقوقی معتبر؛ از این رو، آنچه در متن قرارداد سپرده‌گذاری حساب جاری - مبنی بر اذن سپرده‌گذار به بانک برای هرگونه تصرف - درج شده و سپرده‌گذار هنگام افتتاح حساب آن را امضا می‌کند، مورد قصد و التفات واقعی سپرده‌گذار قرار نگرفته است.

بنابراین، بر مبنای این دیدگاه، اجزای اصلی عقد و دیعه، یعنی نیت سپرده‌گذار، عدم تصرف مجاز بانک و عدم تغییر در عین پول، محفوظ باقی می‌ماند.

۲-۲. و دیعه به علاوه وکالت در تبدیل

بر اساس این نظریه، سپرده‌گذار وجوه خود را به‌عنوان امانت نزد بانک می‌سپارد و هم‌زمان به بانک وکالت می‌دهد تا آن وجوه را تبدیل یا در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری به کار گیرد. مطابق این دیدگاه:

- مالکیت وجوه همچنان در اختیار سپرده‌گذار باقی می‌ماند.
- سود و منافع حاصل از استفاده یا سرمایه‌گذاری وجوه، متعلق به سپرده‌گذار است.

با این حال، چالش اصلی در این دیدگاه آن است که در فرض امانی بودن سپرده، آیا این امانت متعلق به شیء خارجی است یا امانت در ذمه؟ اگر امانت مربوط به شیء خارجی تلقی شود، بانک باید همواره به اندازه مطالبات مردم، موجودی واقعی در اختیار

داشته باشد؛ حال آنکه در بانک‌های امروزی چنین الزامی وجود ندارد و بانک مکلف به نگهداری کامل موجودی معادل کل سپرده‌ها نیست. از این رو، نمی‌توان این امانت را به سادگی امانت در شیء خارجی دانست و در نتیجه، احتمال تبدیل ماهیت آن به قرض مطرح می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، صص. ۱۲۵-۱۲۶).

به نظر می‌رسد اگر حقیقت پول اعتباری امروزی را در ارزش اسمی آن بدانیم که اسکناس‌ها یا پول‌های الکترونیکی نمایانگر آن هستند، می‌توان از این چالش عبور کرد؛ بدین معنا که اعتبار بانکی خود دارای نوعی وجود عینی و خارجی است و در صورتی که بانک به میزان کل سپرده‌ها، موجودی اعتباری در اختیار داشته باشد، تحقق امانت عینی قابل تصور خواهد بود.

در نهایت، تعیین اینکه سپرده جاری به معنای حفظ عین و جوه (شیء خارجی) است یا به معنای بدهکاری بانک به میزان ارزش اسمی سپرده‌ها، به دو عامل اساسی وابسته است: ماهیت پول مدرن و نحوه تحلیل سپرده در نظام بانکی. اگر سپرده جاری به عنوان بدهی بانک تلقی شود، ماهیت آن بار دیگر به قرض بازمی‌گردد؛ اما اگر آن را امانت در قالب ارزش اسمی و قدرت خرید پول مدرن بدانیم، وجوه موجود نزد بانک همچنان می‌تواند ودیعه‌ای عینی محسوب شود.

با پذیرش نظریه «تأمین مالی مبتنی بر خلق پول»، ماهیت و کارکرد بانک به روشنی تبیین می‌شود؛ بدین معنا که بانک دخل و تصرفی در وجوه سپرده‌های جاری ندارد و موجودی آن همواره بیش از میزان سپرده‌ها است.

بر این اساس، می‌توان دیدگاه «ودیعه به علاوه وکالت در تبدیل» را بدین گونه توسعه داد که سپرده‌گذار با سپردن وجوه خود به بانک، بانک را از یک سو امین برای حفظ اموال و از سوی دیگر وکیل برای به کارگیری آن وجوه در سرمایه‌گذاری‌های اسلامی قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که سود حاصل، مطابق قرارداد میان طرفین تقسیم شود.

برای تحقق عملی این ایده، برخی بانک‌ها اقدام به تعریف «حساب پشتیبان» کرده‌اند. این حساب که با هدف جبران کسری موجودی حساب اصلی طراحی

می‌شود، در صورتی که ماهیت سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت داشته باشد، می‌تواند تأمین‌کننده منافع سپرده‌گذاران حساب جاری نیز باشد. در این فرض، حساب جاری دارای ماهیت ودیعه و حساب پشتیبان دارای ماهیت وکالت خواهد بود؛ امری که به تعادل میان حفظ ودیعه و کسب سود سپرده‌گذار کمک می‌کند و در عین حال، بانک نیز مستحق دریافت حق‌الوکاله خواهد بود.

۳-۲. ودیعه نوعی

یکی از دیدگاه‌های مطرح درباره ماهیت سپرده جاری، فرض «ودیعه نوعی» است. در این فرض، مال به ودیعه سپرده‌شده به صورت کلی فی‌المعین در نظر گرفته می‌شود و سپرده‌گذار به صورت مشاع در دارایی بانک سهیم خواهد بود؛ مشابه حالتی که شخصی ده کیلو گندم را در میان دویست کیلو گندم بانک قرار دهد و مالک مشاع آن تلقی شود. باین حال، اشکال اساسی این دیدگاه آن است که بانک‌ها معمولاً سپرده‌ها را بلافاصله در اختیار مشتریان دیگر قرار می‌دهند و عین مال باقی نمی‌ماند تا امکان تحقق مالکیت مشاع فراهم شود (عبدالرضایی، ۱۳۹۳، ص. ۳).

در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت که پول امری ماهیتی اعتباری دارد و شکل فیزیکی اسکناس، اهمیت بنیادینی در این زمینه ندارد. آنچه در حقیقت ودیعه نقش اساسی ایفا می‌کند، ارزش اسمی یا ارزش مبادله‌ای پول اعتباری است. از این رو، عدم وجود عین اسکناس‌ها نزد بانک یا تحویل سریع آن‌ها به سایر مشتریان، موضوعیت خود را از دست می‌دهد؛ مشروط بر آنکه بانک توان پاسخ‌گویی به مطالبات سپرده‌گذاران را داشته باشد. تحقق این امر نیز با توجه به پذیرش نظریه «تأمین مالی مبتنی بر خلق پول» به سهولت امکان‌پذیر است.

در مجموع، هرچند فرض ودیعه نوعی از منظر نظری و با لحاظ قصد سپرده‌گذار تا حدی قابل تصور است، اما در عمل و با توجه به ساختار پول مدرن و نحوه عملکرد فعلی بانک‌ها، این فرض نمی‌تواند به‌طور کامل ماهیت سپرده‌های جاری را تبیین کند.

۲-۴. ودیعه ناقص یا ودیعه خلاف قاعده

برخی از اندیشمندان شیعه، سپرده‌های جاری را «ودیعه ناقص» یا «ودیعه خلاف قاعده» تلقی کرده‌اند (امامی، بی تا، ص. ۱۷۸)؛ بدین معنا که ودیعه‌ای است که سپرده‌گذار هنگام سپرده‌گذاری، اذن تصرفی محدود به بانک می‌دهد تا بانک بتواند در حدود معقول از وجوه استفاده کند.

سنهوری، از حقوقدانان اهل سنت، نیز از سپرده‌های بانکی با عنوان «ودیعه ناقص» یاد می‌کند و بر این نکته تأکید دارد که قانون مدنی جدید، چنین سپرده‌ای را قرض تلقی کرده است؛ حال آنکه در حقوق فرانسه، نیت متعاقدین مبنای تشخیص قرار می‌گیرد. بر این اساس، اگر قصد صاحب پول حفظ اموال خود باشد، سپرده ودیعه محسوب می‌شود؛ اما اگر مقصود هر دو طرف انتفاع از وجوه از طریق به‌کارگیری آن‌ها باشد، ماهیت سپرده قرض خواهد داشت و در صورتی که گیرنده وجوه بانک باشد، این قرض قرض مخصوص نامیده می‌شود (سنهوری، ۱۹۵۲م، ج ۵، ص. ۴۲۹).

از استاد ریبر، حقوقدان فرانسوی، نیز نقل شده است که وی با وجود ترجیح ودیعه‌بودن سپرده‌های بانکی، بر این باور است که ودیعه‌بودن سپرده، بیش از آنکه واقعیتهایی عینی باشد، تصویری ذهنی است؛ زیرا با امکان تصرف بانک در سپرده‌ها تعارض دارد. از این رو، وی سپرده بانکی را ودیعه ناقص یا نوعی ودیعه خاص می‌داند.

همچنین بارودی^۷ (۲۰۱۳م) در کتاب «قانون تجارت لبنان» پیشنهاد می‌کند که برای قرارداد ودیعه، ویژگی جدیدی در نظر گرفته شود. به اعتقاد وی، سپرده‌گذار با هدف حفظ و نگهداری اموال خود، آن‌ها را به بانک می‌سپارد و در عین حال، بانک را از به‌کارگیری آن اموال محروم نمی‌کند (علیشاهی قلعه‌جوقی و لطیفی، ۱۳۹۲، ص. ۸).

در تحلیل این دیدگاه می‌توان گفت با توجه به اینکه بقای مالکیت ودیعه‌گذار نسبت به ودیعه و تعهد به بازگرداندن عین مال از ارکان اساسی عقد ودیعه به‌شمار می‌آیند، آنچه با عنوان «ودیعه ناقص» یا «ودیعه خلاف قاعده» مطرح می‌شود، در واقع عقدی جدید با ماهیتی مشابه ودیعه خواهد بود.

6. Ripert

7. Baroudi

۲-۵. ودیعه‌گذاری مالیت و ارزش وجوه

دیدگاه دیگری که درباره ماهیت سپرده جاری مطرح شده، نظریه ودیعه‌گذاری «مالیت و ارزش وجوه» است. بر اساس این دیدگاه، حساب‌های جاری ماهیت امانت و ودیعه دارند؛ اما نه امانت و ودیعه عین مال، بلکه ودیعه ارزش و مالیت آن. بدین معنا که هنگامی که شخصی، برای مثال، ده میلیون تومان به بانک می‌سپارد، عین همان اسکناس‌ها را به‌عنوان امانت نزد بانک قرار نمی‌دهد تا بانک ملزم به حفظ عین آن‌ها و استردادشان در زمان مطالبه باشد؛ بلکه مالیت و ارزش اسمی آن وجوه را به امانت می‌گذارد (علیشاهی قلعه‌جوقی و لطیفی، ۱۳۹۲، ص. ۱۰).

منظور از ارزش اسمی، عدد و رقمی است که بر روی اسکناس‌ها درج شده یا در کارت‌ها و حساب‌های اعتباری ثبت می‌شود. ارزش اسمی در مقابل ارزش واقعی یا مبادله‌ای قرار دارد؛ به‌گونه‌ای که ارزش مبادله‌ای پول در اثر افزایش تورم و کاهش ارزش پول دچار افت می‌شود، در حالی که ارزش اسمی آن ثابت باقی می‌ماند. قدرت خرید پول نیز تعبیر دیگری از همان ارزش واقعی یا مبادله‌ای آن است.

در تحلیل این دیدگاه می‌توان گفت در صورتی که حقیقت پول امروزی همان ارزش اسمی یا مالیت وجوه دانسته شود، می‌توان ادعا کرد که عین وجوه سپرده‌گذاری شده است و هنگام مطالبه نیز همان عین بازگردانده می‌شود، نه صرفاً مالیت آن‌ها.

۲-۶. جمع‌بندی دیدگاه‌های مختلف

برای جمع‌بندی دیدگاه‌های مرتبط با ودیعه دانستن سپرده جاری، توجه به نکات زیر حائز اهمیت است:

- ماهیت پول امروزی - اعم از اسکناس، پول تحریری و پول الکترونیکی - به‌گونه‌ای است که ارزش اسمی یا ارزش مبادله‌ای آن‌ها حقیقت پول را تشکیل می‌دهد و عین فیزیکی اسکناس‌ها موضوعیت اساسی ندارد. با توجه به اینکه پول تحریری و الکترونیکی فاقد ماده فیزیکی متمایزکننده میان افراد مثلی خود است، می‌توان ادعا کرد آنچه به ودیعه سپرده می‌شود - دست‌کم در مورد پول

تحریری و الکترونیکی - باقی است (نه مثل آن) و در هنگام مطالبه، به همان صورت به سپرده‌گذار بازگردانده می‌شود.

- پول تحریری و الکترونیکی امری خارجی و معتبر نزد عقلاست و ابزارهایی مانند چک و کارت اعتباری صرفاً نقش واسطه انتقال آن را ایفا می‌کنند؛ از این رو، سپرده‌ها ودیعه شیء خارجی به‌شمار می‌آیند، نه امانت در ذمه.
- بر اساس نظریه «خلق پول»، بانک در سپرده‌های جاری دخل و تصرفی انجام نمی‌دهد و وجوه در حساب سپرده‌گذاران باقی می‌ماند؛ در حالی که تسهیلات پرداختی بانک ناشی از خلق پول جدید است.
- حتی در فرضی که تصرفی از سوی بانک در نظر گرفته شود، این تصرف از موضع سوءاستفاده از فرصت بوده و مستند به اذن و اجازه حقوقی معتبر نیست؛ زیرا سپرده‌گذار در واقع چنین رضایت واقعی و آگاهانه‌ای ندارد.
- بانک‌ها همواره موجودی بیش از میزان مطالبات سپرده‌گذاران در اختیار دارند و عملاً با کمبود نقدینگی مواجه نمی‌شوند؛ چراکه قابلیت خلق پول را دارا هستند.

حال اگر بر مبنای پذیرش دیدگاه «نظریه تأمین مالی مبتنی بر خلق پول» قائل شویم که اساساً تصرفی از سوی بانک در سپرده‌های جاری صورت نمی‌گیرد، یا این تحلیل را ترجیح دهیم که بانک، در فرض تصرف در وجوه حساب جاری، این اقدام را از موضع استفاده از فرصت انجام می‌دهد و چنین تصرفاتی مستند به مبنای قانونی معتبری همچون عقد قرض یا اذن واقعی سپرده‌گذار نیست، در این صورت مهم‌ترین مانع در ودیعه دانستن سپرده جاری برطرف می‌شود. بر این اساس می‌توان قائل شد که سپرده جاری، ودیعه‌ای کامل و شرعی است و تمام ویژگی‌های عقد ودیعه را داراست؛ بی‌آنکه نیازی به پذیرش نظریه «ودیعه ناقص یا خلاف قاعده» وجود داشته باشد.

البته مفروض مشترک تمامی دیدگاه‌های مطرح‌شده آن است که هیچ سپرده‌گذاری انتظار بازپس‌گیری عین اسکناس‌های سپرده‌گذاری شده را ندارد و در اغلب موارد، مطالبه عین نقود نه تنها مقصود سپرده‌گذار نیست، بلکه با هدف وی نیز مغایرت دارد. در واقع،

می‌توان گفت در سپرده‌گذاری، حفظ عین فیزیکی نقود موضوعیت مستقلی برای سپرده‌گذار ندارد؛ بلکه غرض اصلی وی حفظ و تسهیل نقل و انتقال مالیت وجوه است. با توجه به تحلیلی که از ماهیت پول امروزی ارائه شد، حقیقت پول نه در ورقه‌های اسکناس، بلکه در ارزش اسمی یا ارزش مبادله‌ای وجوه متجلی است. از این رو، دست‌کم در مورد پول‌های تحریری و الکترونیکی می‌توان ادعا کرد که عین آن‌ها در حساب جاری حفظ می‌شود و هنگام درخواست سپرده‌گذار، به همان صورت بازپس داده می‌شود.

بر پایه این تحلیل، نظریه «ودیعه به علاوه وکالت در تبدیل» نیز کنار گذاشته می‌شود؛ چراکه این نظریه مبتنی بر موضوعیت قائل شدن برای ورقه اسکناس است و با هرگونه جابه‌جایی یا تبدیل وجوه، عین مال را زائل و آن را بدل به مثل تلقی می‌کند؛ در حالی که عین پول‌های تحریری و الکترونیکی با مبالغ معین، در فضای اعتبارات بانکی و در حساب‌های شخصی افراد باقی می‌ماند.

با این توضیح، اشکالات وارد بر نظریه «ودیعه نوعی» نیز پاسخ داده می‌شود و می‌توان این امکان را پذیرفت که وجوه سپرده‌گذاری شده به صورت کلی فی‌المعین نزد بانک حفظ شوند.

نظریه «ودیعه‌گذاری مالیت و ارزش وجوه» نیز بسیار به دیدگاه مختار این پژوهش نزدیک است و تفاوت آن تنها در این نکته خلاصه می‌شود که در این پژوهش، ماهیت پول تحریری و الکترونیکی امروزی، عین ارزش اسمی یا مالیت وجوه تلقی می‌شود؛ از این رو، بر این باوریم که در سپرده جاری، ودیعه‌گذاری شرعی و کامل عین پول تحقق می‌یابد. در مقابل، این نظریه معتقد است که ارزش و مالیت پول به ودیعه گذاشته می‌شود، نه عین آن. البته در خصوص سپرده‌گذاری اسکناس‌ها، این تحلیل پذیرفتنی است؛ زیرا در پول کاغذی، ماده فیزیکی قابل تمایز وجود دارد و هنگام سپرده‌گذاری در بانک، این ماده فیزیکی به ودیعه گذاشته نمی‌شود، بلکه مالیت یا ارزش اسمی آن موضوع ودیعه قرار می‌گیرد.

۳. بررسی لزوم یا جواز قرارداد سپرده گذاری در فرض ودیعه

در عقد ودیعه، از منظر فقهی، هر دو طرف حق فسخ دارند. در قرارداد سپرده جاری نیز تصریح شده است که سپرده گذار هر زمان که بخواهد می تواند وجوه خود را از حساب جاری برداشت کند؛ این امر نشان می دهد که قرارداد حساب جاری از جانب سپرده گذار عقدی جایز است، نه لازم. در مقابل، این قرارداد از سوی بانک ماهیت لازم دارد؛ بدین معنا که بانک پس از پذیرش سپرده، قانوناً مجاز نیست بدون درخواست سپرده گذار، وجوه سپرده گذاری شده را به وی بازگرداند.

البته در عمل، بانکها هرگز سپرده ها را رد نمی کنند و از پذیرش آنها امتناع نمی ورزند؛ بلکه برعکس، با ارائه مشوق های مختلف درصدد جذب و افزایش سپرده ها هستند، چراکه سپرده گذاری به نفع بانک بوده و موجب افزایش توان مالی و سرمایه آن می شود.

برای حل این مسئله و تأمین لزوم شرعی قرارداد از جانب بانک، می توان از شرط ضمن عقدی خارج از عقد ودیعه استفاده کرد. در فقه امامیه پذیرفته شده است که طرفین عقد جایز، در بسیاری از موارد می توانند با اسقاط حق فسخ، آن را به عقدی لازم تبدیل کنند؛ به این صورت که حق فسخ خود را یا ضمن عقد اصلی یا به موجب عقد مستقلی اسقاط نمایند. امام خمینی در این زمینه، ذیل مسئله یازدهم از کتاب المصاربه می نویسد: اگر لزوم در ضمن عقد خارج لازم - مانند بیع یا صلح - شرط شود، الزام به عمل به آن اشکالی ندارد (موسوی خمینی، بی تا، ص. ۶۱۱).

در حقوق موضوعه نیز، قانون مدنی ایران امکان تبدیل عقود جایز به لازم را از طریق شروط ضمن عقد پیش بینی کرده است (ماده ۶۷۹ قانون مدنی).

بنابراین، از منظر فقهی و حقوقی، تنظیم و سازمان دهی روابط میان بانک و سپرده گذار به گونه ای که قرارداد سپرده گذاری برای بانک لازم تلقی شود، امری ممکن، مشروع و متداول است.

۴. تضمین و امنیت سپرده‌ها در فرض ودیعه

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سپرده‌گذاران در حساب‌های جاری، تضمین حفظ و امنیت وجوه سپرده‌گذاری شده نزد بانک‌ها است. چنانچه رابطه بانک با سپرده‌گذاران در قالب عقد ودیعه تبیین شود، بانک در جایگاه مستودع (امانت‌گیرنده) قرار می‌گیرد و تنها در صورتی ضامن خواهد بود که مرتکب افراط یا تفریط شود. در این چارچوب، اگر بانک بدون هیچ‌گونه تقصیر، دچار زیان یا ورشکستگی شود و وجوه سپرده‌گذاران از بین برود، از منظر فقهی مسئولیتی متوجه بانک نخواهد بود.

این وضعیت، با هدف اساسی و انتظار اصلی سپرده‌گذاران که همانا تضمین کامل وجوه سپرده‌شده است، تعارض آشکار دارد؛ چراکه سپرده‌گذار در عمل انتظار دارد وجوه خود را در هر شرایطی محفوظ و قابل دسترس بداند.

در مقابل، قوانین بانکی و پولی در اغلب کشورها بانک‌ها را ضامن وجوه سپرده‌گذاران می‌دانند، حتی در فرض فقدان تقصیر. همین امر موجب شکل‌گیری تعارضی بنیادین میان مبانی فقهی ودیعه و الزامات حقوقی نظام بانکی در حوزه تضمین سپرده‌ها شده و این مسئله را به یکی از چالش‌های اساسی در تحلیل ماهیت سپرده‌های جاری تبدیل کرده است.

۴-۱. راهکارهای تأمین تضمین و امنیت سپرده‌ها

به منظور حل این تعارض و تأمین تضمین‌های لازم، چند راهکار مطرح شده است:

۴-۱-۱. کاهش فرض زیان با توجه به ماهیت پول و خلق اعتباری

در عصر حاضر، بیش از ۹۹ درصد معاملات مالی بر پایه پول اعتباری انجام می‌شود و با پذیرش نظریه «تأمین مالی مبتنی بر خلق پول» در نظام بانکی، احتمال ورشکستگی یا بروز زیانی که به از بین رفتن سپرده‌ها در حساب‌های جاری منجر شود، بسیار ناچیز بوده و حتی می‌توان آن را صرفاً فرضی ذهنی و نظری تلقی کرد.

۴-۱-۲. مسئولیت بانک در صورت تصرف مالکانه بدون اذن سپرده گذار با توجه به دلایل و شواهد پیش گفته و آنچه در ادامه خواهد آمد، این احتمال تقویت می شود که بانک هنگام تصرف در سپرده های جاری، این عمل را از موضع استفاده از فرصت و بدون اذن واقعی سپرده گذار انجام می دهد؛ از این رو، چنین تصرف مالکانه ای می تواند تصرف عدوانی تلقی شود و در این فرض، بانک ضامن خواهد بود. صاحب جواهر نیز بر این باور است که اگر ودیعه پذیر، بدون اذن و اجازه مالک، از ابتدا قصد تصرف در ودیعه را داشته باشد و مال را با همین قصد و برای انتفاع شخصی دریافت کند، از آغاز غاصب محسوب می شود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۷، ص. ۱۴۱).

۴-۱-۳. تضمین از طریق شرط ضمن عقد لازم خارج از ودیعه تضمین سپرده ها می تواند از طریق شرط ضمن عقد لازم خارج از عقد ودیعه تأمین شود. این امر به صورت ضمنی و صریح در قوانین بانکی به ثبت رسیده است؛ به گونه ای که بانک در هر حالتی— even در مواردی مانند سرقت از بانک— ضامن وجوه مشتریان تلقی می شود و این ضمانت، متوقف بر قرض دانستن ماهیت سپرده ها نیست. در قانون پولی و بانکی کشور نیز تصریح شده است که: «هر بانک در مقابل خساراتی که در اثر عملیات آن متوجه مشتریان می شود، مسئول و متعهد به جبران خواهد بود» (قانون پولی و بانکی کشور، بند «ج»، ماده ۳۵).

شهید صدر در تبیین این موضوع می نویسد: این ضمانت می تواند از طریق انشای تعهد در ضمن عقدی مستقل از ودیعه، به صورت شرط نتیجه یا شرط فعل تحقق یابد؛ بدین معنا که سپرده گذار در ضمن عقدی شرط کند که در صورت بروز خسارت، بانک مبلغی معادل خسارت وارده به سپرده را به وی پرداخت نماید (صدر، ۱۴۰۱ق، ص. ۲۰۴).

۴-۱-۴. بیمه کردن سپرده ها

یکی دیگر از راه های تضمین سپرده ها، بیمه کردن آنها است. در این روش، بانک یا سپرده گذار با پرداخت مبلغی به عنوان حق بیمه، می تواند وجوه سپرده شده را تحت

پوشش بیمه قرار دهند. با این حال، با توجه به ذخایر قانونی که بانک‌ها ملزم به نگهداری آن هستند، و همچنین تعهدات حمایتی بانک مرکزی نسبت به بانک‌ها در شرایط بحرانی، بیمه کردن سپرده‌ها در بسیاری از موارد اقدامی پرهزینه و زائد تلقی می‌شود.

۵. تحقیق میدانی درباره قصد و نیت سپرده‌گذاران حساب جاری

یکی از چالش‌های اساسی در مباحث فقهی و حقوقی مربوط به سپرده‌های جاری، بررسی واقعی، عینی و مستند قصد و نیت سپرده‌گذاران است. از آنجا که اغلب پژوهش‌های موجود صرفاً به تحلیل قواعد، مقررات و قراردادهای بانکی بسنده کرده‌اند و مطالعات میدانی و رفتاری در این حوزه به‌ندرت انجام شده است، این فصل به ارائه تحلیلی میدانی درباره نیت سپرده‌گذاران حساب‌های جاری اختصاص دارد.

هدف اصلی این تحقیق، بررسی میزان آگاهی، رضایت و قصد واقعی سپرده‌گذاران در زمان سپرده‌گذاری و تطبیق این یافته‌ها با مبانی فقهی حاکم بر عقود بانکی است.

۵-۱. طراحی و روش اجرای تحقیق میدانی

با توجه به اینکه در این پژوهش، رویکردی تلفیقی اتخاذ شده و علاوه بر تحلیل منابع فقهی، حقوقی و قوانین بانکی، داده‌های تجربی نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند، در ادامه فرآیند انجام تحقیق میدانی تشریح می‌شود.

این پژوهش در سال ۱۴۰۱ و در شهر اهواز انجام شد. در این راستا، پرسشنامه‌ای با مشورت و نظر چند نفر از اساتید مرتبط طراحی گردید تا قصد و نیت سپرده‌گذاران نسبت به ماهیت سپرده‌های جاری بررسی شود. پرسشنامه مشتمل بر ۷ سؤال کلیدی بود که موضوعاتی از قبیل مفاد قرارداد و قوانین سپرده‌گذاری، میزان آگاهی سپرده‌گذاران، نوع نگرش آنان، میزان رضایت از استفاده بانک از وجوه سپرده‌شده، تلقی از مالکیت وجوه، نوع سپرده‌گذاری (قرض یا ودیعه) و اهداف سپرده‌گذاری را پوشش می‌داد. این پرسشنامه در بیش از ۷۰۰ نمونه و در میان اقشار متنوع جامعه، از جمله معلمان، دانشجویان، طلاب، کارمندان و کسبه، توزیع شد.

سؤالات پرسشنامه توزیع شده در تحقیق میدانی به شرح زیر است:

۱	چه میزان از مفاد قرارداد و قوانین سپرده‌گذاری حساب جاری، اطلاع دارید؟
---	---

الف) کاملاً	ب) تا حدودی	ج) هیچ اطلاعی ندارم
۲	آیا می دانید که بانک، در وجوه حساب جاری شما دخل و تصرف می کند؟ الف) بلی ب) خیر	
۳	آیا رضایت دارید که بانک، در وجوه حساب جاری شما دخل و تصرف کند؟ الف) بلی ب) خیر	
۴	آیا به بانک اجازه می دهید در مدتی که وجوه شما نزد بانک در حساب جاری تان است، با به کارگیری و استفاده از آنها، برای خود کسب سود کند؟ الف) بلی ب) خیر	
۵	هنگام سپرده گذاری در حساب جاری، وجوه خود را به ملکیت بانک در می آورید؟ الف) بلی ب) خیر	
۶	هنگام سپرده گذاری در حساب جاری، وجوه خود را به عنوان قرض به بانک می دهید یا به عنوان ودیعه (امانت)؟ الف) قرض ب) ودیعه (امانت)	
۷	اهداف و انگیزه های خود از سپرده گذاری در حساب جاری را مشخص نمایید. الف) نقل و انتقال آسان وجوه (تسهیل در مبادلات پولی) ب) حفظ و نگهداری وجوه ج) استفاده از خدمات حساب جاری از جمله گرفتن دسته چک د) سودآوری ه) غیر از موارد بالا:	

برای انجام مطالعه میدانی، پس از هماهنگی با مدیریت حوزه علمیه استان خوزستان، مکاتبات لازم با ریاست چند بانک معتبر در شهر اهواز (از جمله بانک های ملی، رسالت، صادرات، سامان و مهر اقتصاد) انجام شد که در نهایت، پرسشنامه ها در دو شعبه بانک ملی توزیع گردید (حدود ۲۰۰ پرسشنامه). افزون بر این، حدود ۲۰۰ پرسشنامه در اداره کل آموزش و پرورش استان خوزستان و در میان معلمان شهر اهواز، حدود ۱۰۰ پرسشنامه در دانشگاه فرهنگیان و در میان دانشجو معلمان استان خوزستان، و حدود ۲۰۰ پرسشنامه نیز در حوزه علمیه اهواز و در میان طلاب و روحانیون توزیع شد. در مجموع، داده های تحقیق از جامعه آماری تقریباً ۷۰۰ نفر گردآوری گردید.

هدف از انتخاب معلمان، دانشجویان و طلاب، علاوه بر دسترسی آسان پژوهشگر، برخورداری این اقشار از درک بالاتر نسبت به مفاهیم حقوقی و ارتباط نزدیک‌تر آنان با حساب‌های جاری بود؛ چراکه اغلب این افراد استفاده‌کننده حساب جاری بوده و خدمات بانکی‌ای همچون دریافت دسته‌چک و واریز حقوق را به‌طور مستقیم تجربه می‌کنند. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق محاسبه درصد پاسخ‌های هر سؤال و به‌کارگیری تحلیل توصیفی انجام شد و یافته‌ها به‌صورت کمی ارائه گردید.

۲-۵. تحلیل نتایج تحقیق میدانی درباره نیت سپرده‌گذاران

- ۱) میزان اطلاع سپرده‌گذاران از قوانین حساب جاری: بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، تنها ۳ درصد از پاسخ‌دهندگان اظهار کرده‌اند که به‌طور کامل با قوانین حساب جاری آشنا هستند؛ در حالی که ۳۴ درصد هیچ‌گونه اطلاعی از این قوانین نداشته و ۶۳ درصد نیز تنها تا حدودی از آن آگاه بوده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که ادعای مسئولان بانکی مبنی بر اطلاع کامل سپرده‌گذاران از مفاد قراردادهای حساب جاری، ادعایی قابل تردید است.
- ۲) رضایت سپرده‌گذاران از تصرف بانک در وجوه آنان: بیش از نیمی از پرسش‌شوندگان اذعان کرده‌اند که اطلاعی از نحوه تصرف بانک در وجوه سپرده‌شده خود ندارند. همچنین حدود ۹۰ درصد از پاسخ‌دهندگان یا با کسب سود بانک از وجوه آنان از طریق این تصرفات مخالف بوده‌اند یا نسبت به آن رضایت نداشته‌اند و در این زمینه رضایت صریحی ابراز نکرده‌اند.
- ۳) ماهیت حقوقی سپرده جاری از نگاه سپرده‌گذاران: بر اساس پاسخ‌ها، ۸۷ درصد از افراد وجوه خود را به‌عنوان «ودیعه و امانت» و صرفاً به‌منظور حفظ و نگهداری به بانک می‌سپارند؛ در حالی که تنها ۱۳ درصد اظهار داشته‌اند وجوه خود را با قصد قرض دادن به بانک تحویل داده‌اند. افزون بر این، ۹۰ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقدند که هنگام سپرده‌گذاری، مالکیت وجوه خود را به بانک منتقل نمی‌کنند.
- ۴) اهداف و انگیزه‌های سپرده‌گذاری در حساب جاری: در پاسخ به این پرسش که «قصد شما از سپرده‌گذاری چیست؟»، شرکت‌کنندگان امکان انتخاب بیش از یک

گزینه را داشته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که ۶۸ درصد به منظور تسهیل مبادلات و نقل و انتقالات پولی، ۲۵ درصد با هدف حفظ و نگهداری وجوه، و ۳۰ درصد برای بهره‌مندی از خدمات جانبی مانند دریافت دسته‌چک و تسهیلات، حساب جاری را انتخاب کرده‌اند. این یافته‌ها بیانگر تنوع انگیزه‌های سپرده‌گذاری است که در اغلب موارد، با هدف حفظ امانت انجام می‌شود.

فقه‌های اسلامی بر قاعده «العقود تابعه للقصد» تأکید کرده‌اند؛ بدین معنا که صحت و اثربخشی قراردادهای منوط به قصد و نیت واقعی طرفین است. از این رو، اگر سپرده‌گذار قصد تملیک و قرض دادن نداشته باشد، صرف درج بندی در قرارداد که ماهیت سپرده را قرض تلقی کند، برای تحقق عقد قرض کافی نخواهد بود.

از جمله شواهد روشن بر اینکه سپرده‌گذاران وجوه خود را با نیت قرض در بانک سپرده‌گذاری نمی‌کنند، واریز وجوهات شرعی نظیر خمس، زکات، کفارات و رد مظالم به حساب‌های جاری یا قرض‌الحسنه پس‌انداز مراجع تقلید یا نمایندگان آنان است. با توجه به اینکه مصارف این وجوه در شریعت به‌طور مشخص تعیین شده است، نه مقلد و نه مرجع تقلید، شرعاً مجاز نیستند این وجوه را به بانک قرض دهند تا بانک از طریق به‌کارگیری آن‌ها برای خود کسب سود کند. در واقع، مقلدان هنگام واریز این وجوه، قصد قرض ندارند و مرجع تقلید نیز در زمان افتتاح حساب یا اعلام شماره حساب به مقلدان، هدفی جز امانت‌گذاری این وجوه نزد بانک ندارد؛ به‌گونه‌ای که بانک صرفاً نقش محل نگهداری و واسطه نقل و انتقال این وجوه را ایفا می‌کند.

شاهد دیگر بر این مدعا، واریز حقوق کارگران و کارمندان به حساب‌های جاری یا قرض‌الحسنه پس‌انداز آنان در پایان هر ماه است که در عرف و فرهنگ عمومی، به‌منزله تحویل حقوق به صاحبان آن تلقی می‌شود. با این حال، بر اساس مقررات فعلی بانکی، این واریز به معنای قرض دادن وجوه به بانک محسوب می‌گردد؛ در حالی که نه کارفرما مجاز به چنین اقدامی است و نه کارگران رضایتی نسبت به آن ابراز می‌کنند.

نتایج تحقیق میدانی نیز به‌روشنی نشان می‌دهد که قصد غالب سپرده‌گذاران حساب جاری، حفظ و امانت‌گذاری وجوه نزد بانک است و نیت قرض دادن یا تملیک وجوه به

بانک معمولاً وجود ندارد. بنابراین، نیت واقعی سپرده‌گذاران به ماهیت ودیعه نزدیک‌تر است و این امر، نقطه ضعف مهمی برای نظریه قرض بودن سپرده‌های جاری به شمار می‌آید. از این رو، این یافته باید در تحلیل‌های فقهی و حقوقی مورد توجه قرار گیرد و به‌عنوان مبنایی معتبر برای ارزیابی صحیح ماهیت سپرده‌های جاری مورد استفاده قرار گیرد.

۶. ثمرات و پیامدهای ودیعه دانستن سپرده‌های جاری

با انطباق ماهیت حقوقی سپرده‌های جاری بر عقد ودیعه، احکام و الزامات فقهی و حقوقی مرتبط با امانت‌داری بر این نوع سپرده‌ها حاکم می‌شود. از جمله ثمرات و پیامدهای این دیدگاه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱) مالکیت سپرده‌گذار نسبت به وجوه حساب جاری: وجوه موجود در حساب‌های

جاری، جزو منابع مالکانه بانک محسوب نمی‌شود و مالکیت آن‌ها همچنان در اختیار سپرده‌گذاران باقی می‌ماند؛ بانک صرفاً امین این وجوه به شمار می‌آید.

۲) مالکیت سپرده‌گذار نسبت به سود ناشی از تصرف در سپرده‌ها: چنانچه بانک با

اذن سپرده‌گذار، وجوه حساب جاری را به کار گیرد، سود حاصل متعلق به سپرده‌گذار خواهد بود و بانک تنها مستحق دریافت کارمزد یا سهم توافق‌شده

است. اما در صورتی که بانک بدون اجازه اقدام به تصرف کند، ید آن عدوانی محسوب می‌شود و مستحق هیچ‌گونه سود یا کارمزدی نخواهد بود. بر این

اساس، هرگونه سودی که بانک‌ها از سال ۱۳۶۲ تاکنون از طریق تصرف در وجوه سپرده‌های جاری تحصیل کرده‌اند، باید به سپرده‌گذاران بازگردانده شود.

۳) ممنوعیت سرمایه‌گذاری بدون اذن و ضمانت بانک در صورت تخلف: اگر بانک

از ابتدا با نیت تصرف غیرمجاز و کسب سود برای خود، وجوه سپرده‌گذاران را دریافت کند، غاصب و ضامن شناخته می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، صص.

۱۱۱-۱۱۰؛ موسوی خمینی، بی تا، ج ۲، صص. ۶۱۶).

۴) حل برخی مشکلات بانکداری بدون ربا با رویکرد ودیعه: با ودیعه دانستن سپرده‌های جاری، می‌توان بخشی از چالش‌های بانکداری بدون ربا را که ناشی از قرض تلقی کردن سپرده‌هاست، برطرف کرد. برای نمونه، شرط مسدودسازی مبالغی مشخص در حساب قرض‌الحسنه پس‌انداز یا جاری به‌عنوان مقدمه اعطای برخی وام‌های قرض‌الحسنه، یا اعطای وام قرض‌الحسنه و اعتبار بر مبنای کارکرد حساب جاری، از جمله مقررات رایج بانکی است. این مقررات بنا بر فتوای جمعی از مراجع تقلید، مصداق «قرض به شرط قرض» و به دلیل تحقق زیاده حکمی در عقد قرض، مبتلا به ربا تلقی می‌شود (موسوی خمینی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص. ۲۹۵؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۴۲۴ق، ص. ۴۲۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص. ۵۰۲). در حالی که اگر ماهیت فقهی سپرده‌های جاری «ودیعه» دانسته شود، این سپرده‌گذاری به‌عنوان ودیعه‌ای تلقی خواهد شد که شرط دریافت وام قرض‌الحسنه قرار می‌گیرد و از این جهت، نه با مشکل شرعی مواجه خواهد بود و نه به ربا مبتلا می‌شود.

بنابراین، ودیعه دانستن سپرده‌های جاری، افزون بر تأمین الزامات امانت‌داری، زمینه اصلاح فقهی و حقوقی قراردادهای بانکی را فراهم می‌سازد و بسیاری از چالش‌های شرعی و حقوقی موجود در بانکداری بدون ربا را کاهش می‌دهد. این رویکرد با ایجاد تعادل میان منافع سپرده‌گذاران و بانک‌ها، نقش مؤثری در ارتقای مشروعیت و افزایش کارآمدی نظام بانکی ایفا خواهد کرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با رویکردی تلفیقی، متشکل از تحلیل فقهی - حقوقی و بررسی داده‌های میدانی، به ارزیابی ماهیت حقوقی سپرده‌های جاری در نظام بانکداری اسلامی پرداخت و نشان داد که ماهیت این سپرده‌ها به عقد ودیعه نزدیک‌تر از عقد قرض است. یافته‌های

تحقیق میدانی حاکی از آن است که ۸۷ درصد از سپرده‌گذاران، قصد ودیعه‌گذاری و امانت‌سپاری وجوه خود را دارند و بیش از ۹۰ درصد آنان از تصرف مالکانه بانک در این وجوه ابراز نارضایتی کرده‌اند. این نتایج به‌روشنی بیانگر تعارض نیت واقعی سپرده‌گذاران با فرض مالکیت کامل بانک و قرض بودن سپرده‌های جاری است و نشان می‌دهد که تصرفات بانک، بدون رضایت کامل و آگاهانه سپرده‌گذاران انجام گرفته و از این‌رو، از منظر شرعی و حقوقی محل تردید و نقد جدی است.

از منظر فقهی و حقوقی، با پذیرش ماهیت اعتباری پول و نظریه خلق پول بانکی، می‌توان ادعا کرد که بانک‌ها تصرفی در وجوه سپرده‌های جاری ندارند و از طریق خلق پول اقدام به ارائه تسهیلات می‌کنند؛ در نتیجه، سپرده‌های جاری را می‌توان در قالب «ودیعه کامل» تحلیل کرد. همچنین، در صورتی که سپرده‌گذار به بانک اذن تصرف غیر ناقل مالکیت داده و به استرداد «مثل» به جای «عین» رضایت داشته باشد، سپرده جاری واجد ماهیت «ودیعه ناقص یا خلاف قاعده» خواهد بود. در نهایت، در فرضی که انطباق کامل عقد ودیعه بر سپرده جاری محل تردید تلقی شود، می‌توان قرارداد سپرده جاری را به‌عنوان عقدی جدید با ماهیتی مشابه ودیعه تحلیل و تبیین کرد.

پیشنهاد می‌شود نظام بانکی، در قالب عقد ودیعه یا صلح و یا حتی عقدی جدید، حساب بانکی مستقلی برای اموری نظیر اخذ وجوهات شرعی ایجاد کند؛ به‌گونه‌ای که در وجوه این حساب‌ها هیچ‌گونه تصرفی از سوی بانک صورت نگیرد. همچنین با تعریف حساب پشتیبان با ماهیت وکالت در سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت برای حساب جاری، بانک می‌تواند سود اندکی به سپرده‌های جاری پرداخت کند (همانند برخی بانک‌ها در ایالات متحده آمریکا، چین و نروژ که سود محدودی به حساب‌های جاری اختصاص می‌دهند) و در عین حال، کارمزد یا حق‌الوکاله خود را نیز دریافت نماید.

همچنین ضروری است در پژوهش‌های آتی، قرارداد سپرده جاری به‌عنوان عقدی نوین و متمایز از عقود معهود شرعی مورد بررسی مستقل قرار گیرد تا چارچوب حقوقی جدیدی، متناسب با مقتضیات فقهی و الزامات عملی بانکداری بدون ربا، طراحی و تبیین

شود. این رویکرد می‌تواند به توسعه نظام مالی اسلامی عادلانه‌تر، شفاف‌تر و پایدارتر کمک شایانی کند.

ملاحظات حقوقی
<p>- پیروی از اصول حقوقی تمامی اصول اخلاقی در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.</p> <p>- تعارض منافع بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.</p> <p>بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از رساله سطح چهار با عنوان «ماهیت فقهی سپرده جاری (دیداری) بانکی» آقای امیر یزدان پرست که با راهنمایی آقای دکتر غلامعلی معصومی نیا در حوزه علمیه قم در سال ۱۴۰۴ دفاع شده است.</p>

کتابنامه

- ۱) امامی، سید حسن (بی تا). حقوق مدنی. تهران: اسلامیه.
- ۲) انصاری دزفولی، مرتضی (۱۴۱۵ق). المکاسب المحرمه و البیع و الخیارات (چاپ اول). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- ۳) ایروانی، جواد (۱۳۹۴). پول و بانکداری اسلامی. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ۴) بهمند، محمد؛ و بهمنی، محمود (۱۳۹۰). بانکداری داخلی ۱: تجهیز منابع (چاپ هجدهم). تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- ۵) تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۰). سپرده‌های بانکی «تطبیق فقهی و احکام آن». قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- ۶) تسخیری، محمدعلی (۱۴۰۸). نظرۀ فی کتاب الودائع النقدیة و استثمارها فی الاسلام. تهران: توحید.
- ۷) توسلی، محمد اسماعیل (۱۳۹۱). تحلیل ماهیت پول. اقتصاد اسلامی، ۱۲(۴۸)، ۱۰۷-۱۳۰.
- ۸) توکلی، محمد جواد (۱۳۸۶). سازوکار بانکداری اسلامی (چاپ دوم). قم: المصطفی.
- ۹) حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۶). بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام (چاپ دوم). تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید دکتر بهشتی.
- ۱۰) حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۴۲۴ق). أجبویة الاستفتاءات (چاپ اول). قم: دفتر مقام معظم رهبری.

- (۱۱) دفتر حفظ نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (۱۳۷۴). بیانات در دیدار جمعی از فضلا و نخبگان حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴/۰۹/۱۳ و بیانات در دیدار آیت‌الله موسوی اردبیلی، <https://farsi.khamenei.ir>: ۱۳۷۴/۰۹/۱۸
- (۱۲) سنه‌وری، عبدالرزاق (۱۹۵۲م). *الوسیط فی الشرح القانون المدنی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- (۱۳) شهیدی، محمدتقی (۱۳۹۷). درس خارج فقه البنوک، جلسه ۱۳۹۷/۰۴/۰۳، قم: مدرسه فقهت. <https://eshia.ir>
- (۱۴) صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۱ق). *البنک اللاربوی فی الاسلام* (چاپ هفتم). بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- (۱۵) عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام* (چاپ اول). قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- (۱۶) عبدالرضایی، محمد (۱۳۹۳). ماهیت و احکام سپرده‌های بانکی از نظر فقهی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه قم، قم، ایران.
- (۱۷) علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل؛ و لطیفی، سیده سعیده (۱۳۹۲). بررسی نظریه ودیعه‌گذاری مالیت در سپرده‌های بانکی. *دانش حقوق مدنی*، ۲(۱)، ۲۷-۳۸. DOR: [20.1001.1.23221712.1392.2.1.3.2](https://doi.org/10.1001.1.23221712.1392.2.1.3.2)
- (۱۸) عوض، علی جمال‌الدین (۲۰۰۰م). *عملیات بانک‌ها از نظر قانونی*. قاهره: دارالنهضة العربیه.
- (۱۹) کمیجانی، اکبر؛ و ابریشمی، حمید؛ و روحانی، سید علی (۱۳۹۷). ماهیت بانک و فرآیند خلق پول بانکی؛ نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها. *جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی*، ۱۵(۲۹)، ۹-۳۸. DOI: [10.30471/iee.2018.1441](https://doi.org/10.30471/iee.2018.1441)
- (۲۰) ماجدی، علی؛ و گلریز، حسن (۱۳۶۷). *پول و بانک*. تهران: مؤسسه بانکداری اسلامی ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- (۲۱) محقق‌نیا، محمدجواد (۱۳۹۴). *درآمدی بر شاخص‌های بانکداری اسلامی* (چاپ اول). قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- (۲۲) مطهری، مرتضی (۱۳۶۴). *ربا، بانک- بیمه* (چاپ اول). تهران: صدرا.
- (۲۳) مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق). *استفتاءات جدید* (ابوالقاسم علیان‌نژادی: مصحح) (چاپ دوم). قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه‌السلام.
- (۲۴) مکارم شیرازی، ناصر (بی‌تا). *بررسی طرق فرار از ربا* (چاپ اول)، بی‌جا.

- ۲۵) مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹). ربا و بانکداری اسلامی (چاپ اول). قم: امام علی بن ابی طالب علیہ السلام.
- ۲۶) موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۲ق). استفتاءات (چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزه علمیہ قم.
- ۲۷) موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا). تحریر الوسیلہ (چاپ اول). قم: دارالعلم.
- ۲۸) موسویان، سیدعباس (۱۳۸۳). ارزیابی سپردہ های بانکی و پیشنهاد سپردہ های جدید. اقتصاد اسلامی، ۴(۱۵)، ۳۱-۵۳.
- ۲۹) موسویان، سید عباس (بی تا). بررسی فقہی - اقتصادی سپردہ های انتقال پذیر در بانکداری بدون ربا (چاپ اول). قم: مؤسسہ دائرۃ المعارف فقہ اسلامی بر مذهب اہل بیت علیہم السلام.
- ۳۰) موسویان، سید عباس؛ و نظریور، محمدنقی؛ و لطفی نیا، یحیی (۱۳۹۵). تحلیل نظری الگوی بانک اسلامی دبی (راہبردهایی برای اصلاح قانون بانکداری ایران). اقتصاد اسلامی، ۱۶(۶۲)، ۱۰۷-۱۳۷.
- ۳۱) نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام (عباس قوچانی و علی آخوندی: مصححان) (چاپ ہفتم). لبنان: دار إحياء التراث العربی.
- ۳۲) یزدی طباطبایی، سید محمدکاظم (بی تا). عروہ الوثقی. بی جا: المکتبۃ العلمیۃ الاسلامیہ.

Reference

- 1) Āwad, A. J. D. (2000). *Amaliyyāt al-Bunūk min al-Nazar al-Qānūnī* [Banking Operations from a Legal Perspective]. Cairo: Dār al-Nahḍah al-'Arabiyyah [in Arabic].
- 2) Āmilī, Z. A (Shahīd Thānī). (1413 AH/1992). *Masālik al-Afhām ilā Tanqīḥ Sharā'i al-Islām* [Paths of Understanding in Refining Islamic Law] (1st ed.). Qom: Mu'assasat al-Ma'ārif al-Islāmiyyah [in Arabic].
- 3) Anṣārī Dezfūlī, M. (1415 AH/1994). *al-Makāsib al-Muḥarramah wa al-Bay' wa al-Khiyārāt* [Forbidden Transactions, Sale, and Options] (1st ed.). Qom: [Publisher unspecified] [in Arabic].
- 4) Bahmand, M, & Bahmanī, M. (1390 SH/2011). *Bānk-dāri-ye Dākhilī 1: Tajhīz-e Manābe'* [Domestic Banking 1: Resource Mobilization] (18th ed.). Tehran: Mo'asseseh-ye 'Āli-ye Bānk-dāri-ye Īrān [in Persian].

- 5) Baroudi, A. (2013). Commercial Law of Lebanon, p. 288; cited in: Abolfazl Alishahi Qaleh Joqi and Seyyedeh Saeedeh Latifi, article A Study of the Theory of Tax Deposit in Bank Deposits.
- 6) Daftar-e Hifz va Nashr-e Athar-e Hadrat Ayatollah al-Uzma Khamenei. (1374 SH/1995). Bayanāt dar Didār-e Jamī az Foḍalā' va Nokhbeḡān-e Ḥowzeh-ye 'Elmiyeh-ye Qom (13/09/1374) va Didār-e Ayatollah Mūsavi Ardabili (18/09/1374). Available at: <https://farsi.khamenei.ir> [in Persian].
- 7) Emami, S, H. (n.d). *Civil Law*. Tehran: Eslamia Publications. [in Persian].
- 8) Īravāni, J. (1394 SH/2015). Pūl va Bānk-dāri-ye Eslāmi [Money and Islamic Banking]. Mashhad: Dāneshgāh-e 'Olūm-e Eslāmi-ye Raḡavi [in Persian].
- 9) Imāmi, S. Ḥ. (n.d.). Ḥoqūq-e Madani [Civil Law]. Tehran: Eslāmiyeh [in Persian].
- 10) Ḥusayni Beheshti, S. M. (1386 SH/2007). Bānk-dāri, Ribā va Qavānīn-e Mālī-ye Eslām [Banking, Usury, and Islamic Financial Laws] (2nd ed.). Tehran: Bonyād-e Nashr-e Athar va Andisheh-hā-ye Shahid Doktor Beheshti [in Persian].
- 11) Ḥusayni Khāmenei, S. A. (1424 AH/2003). Ajwibat al-Istiftā'āt [Answers to Religious Inquiries] (1st ed.). Qom: Daftar-e Maqām-e Mo'azzam-e Rahbari [in Arabic].
- 12) Mūsavi Khomeini, S, R. (n.d.). Taḥrīr al-Wasīlah [The Elucidation of the Means] (1st ed.). Qom: Dār al-'Ilm [in Arabic].
- 13) Mūsavi Khomeini, S, R. (1422 AH/2001). Istiftā'āt [Religious Inquiries] (5th ed.). Qom: Daftar-e Enteshārāt-e Eslāmi, Jāme'eh-ye Modarresīn-e Ḥowzeh-ye 'Elmiyeh-ye Qom [in Arabic].
- 14) Ṣadr, S. M. B. (1401 AH/1981). al-Bank al-Lā-Ribawī fī al-Islām [Interest-Free Banking in Islam] (7th ed.). Beirut: Dār al-Ta'arof lil-Maṭbū'āt [in Arabic].
- 15) Sanūri, A. (1952). al-Wasīṭ fī Sharḥ al-Qānūn al-Madani [The Intermediate Commentary on Civil Law]. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī [in Arabic].
- 16) Tavakkoli, M. J. (1386 SH/2007). Sāz-o-Kār-e Bānk-dāri-ye Eslāmi [Mechanisms of Islamic Banking] (2nd ed.). Qom: al-Muṣṭafā [in Persian].

- 17) Toseli, M. E. (1391 SH/2012). Taḥlil-e Māhīyat-e Pūl [An Analysis of the Nature of Money]. Eqteṣād-e Eslāmī [Islamic Economics], 12(48), 107-130 [in Persian].
- 18) Tashkhīrī, M. A. (1380 SH/2001). Seporde-hā-ye Bānkī: Taṭbīq-e Feqhī va Aḥkām-e Ān [Bank Deposits: A Jurisprudential Adaptation and Its Rulings]. Qom: Mo'asseseh-ye Dā'erat al-Ma'āref-e Feqh-e Eslāmī bar Madhhab-e Ahl al-Bayt ('a) [in Persian].
- 19) Tashkhīrī, M. A. (1408 AH/1988). Naẓrah fī Kitāb al-Wadā' al-Naqdiyyah wa Istithmārihā fī al-Islām [A View on Monetary Deposits and Their Investment in Islam]. Tehran: Towḥīd [in Arabic].
- 20) Abd al-Rezā'ī, M. (1393 SH/2014). Māhīyat va Aḥkām-e Seporde-hā-ye Bānkī az Naẓar-e Feqhī [The Nature and Rulings of Bank Deposits from a Jurisprudential Perspective] (M.A. Thesis). University of Qom, Qom, Iran [in Persian].
- 21) Alishāhī Qal'eh Jūqī, A, & Laṭīfī, S. S. (1392 SH/2013). Barrasi-ye Naẓariyeh-ye Wadī'eh-gozārī-ye Mālīyyat dar Seporde-hā-ye Bānkī [An Examination of the Theory of Depositing Monetary Value in Bank Deposits]. Dānesh-e Ḥoqūq-e Madanī [Civil Law Knowledge], 2(1), 27-38. DOR: 20.1001.1.23221712.1392.2.1.3.2 [in Persian].
- 22) Majdī, A, & Golrīz, Ḥ. (1367 SH/1988). Pūl va Bānk [Money and Banking]. Tehran: Mo'asseseh-ye Bānk-dārī-ye Eslāmī-ye Īrān, Central Bank of the Islamic Republic of Iran [in Persian].
- 23) Makarim Shirāzī, N. (n.d.). Barrasi-ye Ṭoruq-e Farār az Ribā [An Examination of Methods of Escaping Usury] (1st ed.). n.p. [in Persian].
- 24) Makarim Shirāzī, N. (1389 SH/2010). Ribā va Bānk-dārī-ye Eslāmī [Usury and Islamic Banking] (1st ed.). Qom: Imām 'Alī ibn Abi Ṭālib ('a) [in Persian].
- 25) Makarim Shirāzī, N. (1427 AH/2006). Istiftā'āt-e Jadīd [New Religious Inquiries] (Abolqāsem 'Alīān-Nezhādī, ed.) (2nd ed.). Qom: Madrasah-ye Imām 'Alī ibn Abi Ṭālib ('a) [in Arabic].
- 26) Moḥaqqueq-Niyā, M. J. (1394 SH/2015). Darāmadī bar Shākheṣ-hā-ye Bānk-dārī-ye Eslāmī [An Introduction to the Indicators of Islamic Banking] (1st ed.). Qom: Mo'asseseh-ye Āmūzeshī-Pazhūheshī-ye Imām Khomeinī (r.a.) [in Persian].
- 27) Moṭahharī, M. (1364 SH/1985). Ribā, Bānk-Bīmeḥ [Usury, Banking, and Insurance] (1st ed.). Tehran: Ṣadrā [in Persian].

- 28) Mūsaviyān, S. A. (1383 SH/2004). Arzyābī-ye Seporde-hā-ye Bānkī va Pishnahād-e Seporde-hā-ye Jadīd [Evaluation of Bank Deposits and Proposals for New Deposits]. Eqtešād-e Eslāmī [Islamic Economics], 4(15), 31-53 [in Persian].
- 29) Mūsaviyān, S. A. (n.d.). Barrasi-ye Feqhī-Eqtešādī-ye Seporde-hā-ye Enteqāl-Pazīr dar Bānk-dārī-ye Bedūn-e Ribā [A Jurisprudential-Economic Study of Transferable Deposits in Interest-Free Banking] (1st ed.). Qom: Mo'asseseh-ye Dā'erat al-Ma'āref-e Feqh-e Eslāmī bar Madhhab-e Ahl al-Bayt ('a) [in Persian].
- 30) Mūsaviyān, S. A, Naẓarpūr, M. N, & Lotfī-Niyā, Y. (1395 SH/2016). Tahlīl-e Nazarī-ye Olgū-ye Bānk-e Eslāmī-ye Dubayy (Rāhbord-hāī barā-ye Ešlāḥ-e Qānūn-e Bānk-dārī-ye Īrān) [A Theoretical Analysis of the Dubai Islamic Bank Model: Strategies for Reforming Iran's Banking Law]. Eqtešād-e Eslāmī [Islamic Economics], 16(62), 107-137 [in Persian].
- 31) Najafī, M. Ḥ. (1404 AH/1984). Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'i al-Islām (Abbās Qūchānī & 'Alī Ākhūndī, eds.) (7th ed.). Lebanon: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī [in Arabic].
- 32) Shahīdī, M. T. (1397 SH/2018). Dars-e Khārej-e Feqh al-Bunūk, Session 03/04/1397. Qom: Madrasah-ye Feqāhat. Available at: <https://eshia.ir> [in Persian].
- 33) Yazdī Ṭabāṭabā'ī, S. M. K. (n.d.). al-'Urwat al-Wuthqā [The Firmest Bond]. n.p.: al-Maktabah al-'Ilmiyyah al-Islāmiyyah [in Arabic].

Khums and the Financial Sustainability of Religious Centers: A Qualitative Analysis Based on Grounded Method

Mohammad Nazaripour* | Mohammad Amin Gaieni

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.248773.1981>

خمس و پایداری مالی مراکز دینی: تحلیل کیفی بر مبنای روش داده بنیاد
محمد نظری پور* | محمد امین گایینی

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.248773.1981>



Copyright 2025 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Finance Researches* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.



Khums and the Financial Sustainability of Religious Centers: A Qualitative Analysis Based on Grounded Method

Mohammad Nazari-pour: Associate Professor, Department of Accounting, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran (Corresponding Author).

m.nanzari-pour@hmu.ac.ir |  0000-0001-9564-2230

Mohammad Amin Gaieni: M.A. Student, Department of Accounting, Shahab Danesh University, Qom, Iran.

m.gaieni@shdu.ac.ir |  0009-0004-7964-1130

Abstract

1. Introduction and Objective

Religious centers serve as foundational institutions within Islamic societies, preserving cultural identity, transmitting religious knowledge, and supporting social welfare. Their ability to fulfill these roles depends on access to stable and sustainable financial resources. Among the core instruments of Islamic fiscal law, Khums – a divinely mandated obligation – stands out as both a legally significant practice and a substantial potential resource for strengthening the financial autonomy of religious institutions. As emphasized in Islamic jurisprudence, Khums contributes not only to institutional stability but also to social equity and spiritual development across Muslim communities.

Despite its deep theological and legal roots, existing literature has often limited its focus to doctrinal and jurisprudential debates, leaving the practical, managerial, and institutional dimensions of Khums underexplored. Critical issues such as mechanisms of collection, organizational coordination, public participation, transparency, and digital governance remain insufficiently addressed. This gap has resulted in the absence of an applied, strategic framework for operationalizing Khums as a sustainable financial resource.

To address this void, the present study employs a grounded theory approach to investigate the potential of Khums as a sustainable funding source for Shia religious centers. Drawing upon expert insights from scholars of Islamic economics, jurisprudence, and religious administration, the research identifies the multidimensional factors shaping the effectiveness of Khums, including legal-juridical foundations, social attitudes, managerial structures, and technological requirements. The primary objective of the study is to develop a comprehensive conceptual model that explicates how Khums can be

transformed into a stable and efficient funding system while reinforcing religious identity, promoting social justice, and enhancing the autonomy of religious institutions. By integrating theological principles with contemporary governance and technological strategies, the proposed model provides a nuanced and actionable roadmap for policymakers and institutional leaders.

2. Method and Materials

This applied research adopts a qualitative grounded theory methodology, appropriate for exploring complex socio-religious phenomena where empirical data must inform conceptual development. The study's target population consisted of experts in Islamic economics, religious governance, and Shia jurisprudence. Participants were selected through purposeful sampling and expanded via snowball sampling, ensuring both theoretical relevance and diversity. Theoretical saturation was achieved after 16 semi-structured interviews, representing a range of academic and practical perspectives.

Data collection relied on semi-structured interviews allowing participants to elaborate freely while adhering to the study's thematic focus. Transcribed interviews were analyzed using MAXQDA 2020 through a structured, multi-stage coding process:

- Open Coding: Extraction of meaningful units, yielding initial concepts related to financial transparency, jurisprudential challenges, management inefficiencies, digital transformation, and social engagement.
- Axial Coding: Organization of categories within the paradigm model (causal conditions, context, intervening conditions, strategies, and outcomes), identifying the core phenomenon as "Khums as a sustainable financial mechanism for religious centers".
- Selective Coding: Integration of categories to construct the theoretical framework, supported by 1,183 discrete codes across economic, social, jurisprudential, and managerial dimensions.

The study assessed trustworthiness using the fittingness criterion, ensuring alignment between data and conceptualization. This involved validating analytical depth, conceptual coherence, practical relevance, and contextual grounding. The resulting model provides a robust theoretical and operational foundation for enhancing financial governance in religious institutions.

3. Research Findings

3.1. Causal Conditions

Three major causal conditions contribute to the challenges of Khums collection:

- Inter-sectarian differences, particularly jurisprudential restrictions within Sunni legal frameworks, limiting its applicability and scope.
- Intra-sectarian disagreements among Shia authorities regarding allocation priorities and interpretive approaches.
- Operational and institutional barriers, including decentralized collection, weak organizational coordination, limited public awareness, and absence of a standardized framework.

These factors collectively limit the realization of Khums' financial potential, which substantially exceeds actual collection levels.

3.2. Core Phenomenon

The central finding identifies Khums as a legitimate, equitable, and sustainable financial source with four essential dimensions:

- Preservation of Shia identity
- Promotion of social justice and redistribution
- Strengthening financial autonomy of religious centers
- Ensuring lawful and ethical income sources

3.3. Contextual Factors

The sustainability of Khums is contingent upon:

- Public participation in decision-making and oversight, Adherence to jurisprudential rules, and
- Sincere spiritual intention in fulfilling a divine obligation.

These contextual components enhance legitimacy and foster community engagement.

3.4. Intervening Conditions

Four major intervening dimensions shape system performance:

- Legal and structural frameworks,
- Institutional financial and managerial capacities,
- Transparency and public trust,
- Centralized oversight and policymaking.

Among these, transparency and trust emerged as the strongest determinants, with 137 supporting codes.

3.5. Strategic Actions

To strengthen sustainability, the study identifies four strategic clusters:

- Digitalization and financial transparency (e.g., user-friendly Khums calculators, integrated digital platforms),
- Adaptive jurisprudential and policy reforms,
- Modern financial management and investment planning,
- Educational and cultural initiatives to enhance awareness and motivation.

3.6. Outcomes

Implementing these strategies leads to multidimensional positive outcomes:

- Economic outcomes: long-term financial stability, increased resource mobilization, and sustainable investment.
- Social outcomes: reduced inequality, improved welfare, and enhanced social cohesion.
- Spiritual and identity outcomes: reinforcement of religious identity and moral commitment.
- Religious innovation outcomes: strengthened capacity for research, training, and institutional development.
- These findings position Khums as a multi-purpose instrument capable of advancing economic empowerment, social justice, and religious-cultural sustainability.

4. Discussion and Conclusion

This study demonstrates that Khums possesses far greater potential than traditionally recognized. As both a fiscal instrument and a moral-religious obligation, Khums can strengthen the financial independence, social influence, and identity cohesion of religious centers when supported by transparent management, technological integration, community participation, and coherent policymaking.

The grounded theory model highlights the interconnectedness of causal, contextual, intervening, and strategic factors necessary for effective implementation. Key determinants—such as financial transparency, public trust, centralized oversight, and digital governance—play decisive roles in enhancing system performance. Simultaneously, spiritual elements like adherence to jurisprudential principles and sincere intention ensure legitimacy and community acceptance.

By proposing an integrated economic-justice framework, this study fills a significant gap in Islamic finance literature. The findings demonstrate that Khums can serve not only as a revenue source but as a transformative mechanism that combines economic empowerment, social welfare, identity preservation, and religious innovation. The

model offers practical guidance for policymakers, religious authorities, and institutional managers seeking to modernize and optimize the administration of religious financial assets.

Ultimately, the study shows that when supported by institutional reforms and community engagement, Khums can evolve into a strategic, multidimensional tool for sustainable religious and socioeconomic development, comparable to global religious financial systems.

5. Keywords: Khums; Sustainable Income; Financial Independence; Financial Transparency; Social Justice; Religious Centers; Grounded Theory.

6. JEL Classification: H2; H26; H3; H41; D31; D63; Z12; P48; O17.

خمس و پایداری مالی مراکز دینی: تحلیل کیفی بر مبنای روش داده بنیاد

محمد نظری پور: دانشیار، گروه حسابداری، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران (نویسنده مسئول).
m.nanzaripour@hmu.ac.ir
محمد امین گایینی: دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشگاه شهاب دانش، قم، ایران.
m.gaieni@shdu.ac.ir

چکیده

۱. مقدمه و هدف

خمس، به عنوان یکی از ارکان محوری احکام مالی اسلام، افزون بر جایگاه شرعی، نقش مهمی در تأمین منابع مالی مراکز دینی و تقویت ساختار مالی اسلامی دارد. این پژوهش با رویکرد نظریه داده بنیاد، ظرفیت خمس را به عنوان منبعی پایدار برای درآمدزایی و پشتیبانی مالی این مراکز بررسی می کند.

۲. مواد و روش ها

این پژوهش کاربردی و کیفی بر پایه نظریه داده بنیاد انجام شده است. داده ها از طریق مصاحبه های نیمه ساختاریافته با خبرگان اقتصاد اسلامی و مسائل دینی و به روش نمونه گیری هدفمند - گلوله برفی گردآوری شد. تحلیل داده ها با نرم افزار مکس کیودا نسخه ۲۰۲۰ صورت گرفت و روایی یافته ها بر اساس معیار مقبولیت تأیید شد.

۳. یافته های تحقیق

یافته ها نشان می دهد چالش های وصول خمس عمدتاً ریشه در تفاوت های فقهی، ناهماهنگی نهادی و ضعف آگاهی عمومی دارد. همچنین، با توجه به اینکه ظرفیت بالقوه خمس چند برابر میزان پرداخت واقعی آن است و این فریضه بر مال حلال تمرکز دارد، نسبت به مالیات های متعارف از کارکردی عادلانه تر و منطبق بر انصاف توزیعی برخوردار است. خمس به عنوان منبعی مشروع و پایدار، نقشی محوری در استقلال مالی، حفظ هویت دینی و تحقق عدالت اجتماعی مراکز مذهبی ایفا می کند. پایداری این نظام به مشارکت مؤمنان، التزام به اصول شرعی و شفافیت مالی وابسته است. ساختارهای قانونی

کارآمد، ارتقای توانمندی نهادی، نظارت و سیاست‌گذاری متمرکز، همراه با بهره‌گیری از راهبردهای فناورانه، مدیریتی و فرهنگی، نقشی تعیین‌کننده در جلب اعتماد و تقویت پایداری خمس دارند. پیامدهای این نظام طیفی از آثار اقتصادی، اجتماعی و معنوی را دربرمی‌گیرد؛ از جمله رفاه اجتماعی، سرمایه‌گذاری پایدار، توانمندسازی معنوی و پشتیبانی از نوآوری و پژوهش‌های دینی که در مجموع کارکردی چندبعدی برای توسعه مراکز دینی ایجاد می‌کند.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان می‌دهد خمس، فراتر از یک حکم فقهی، سازوکاری چندبعدی برای پایداری مالی، هویتی و اجتماعی مراکز دینی است. تحقق این سازوکار مستلزم هم‌افزایی مؤلفه‌های فقهی، مدیریتی، فرهنگی و فناورانه همراه با شفافیت، اعتماد و مشارکت مردمی است. این پژوهش با ارائه چارچوب مفهومی تلفیقی شامل مسیر اقتصادی و عدالت اجتماعی، مدلی کاربردی برای سیاست‌گذاری مالی و دینی ارائه می‌کند.

واژگان کلیدی: خمس؛ درآمد پایدار؛ استقلال مالی؛ شفافیت مالی؛ عدالت اجتماعی؛ مراکز دینی؛ تئوری داده بنیاد.

مقدمه

مراکز دینی، به‌عنوان ارکان بنیادین حفظ، ترویج و اشاعه ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و معرفتی در جوامع اسلامی، بر اساس ماهیت کارکردی خود به‌شدت به منابع مالی پایدار وابسته‌اند (سیاحی‌زاده‌فرد و عصاره‌نژاد دزفولی، ۱۴۰۴، ص. ۷). تأمین مالی مستمر و قابل اتکا نه‌تنها پیش‌شرطی اساسی برای بقا و توسعه پایدار این نهادها به‌شمار می‌آید، بلکه ضامن ایفای مؤثر نقش‌های چندوجهی آن‌ها در ابعاد آموزشی، فرهنگی و اجتماعی است (امیریگ، برادران، حسینی واعظ و انوشه، ۱۴۰۰، صص. ۳-۴). فقدان دسترسی به منابع مالی پایدار می‌تواند به تحدید ظرفیت‌ها در توسعه زیرساخت‌ها و اجرای بهینه کارکردهای محوری این نهادها بینجامد (حسن‌زاده سروستانی، تمیزی‌فر و سیمپاری، ۱۳۹۷، ص. ۶۰). پایداری مالی نهادهای دینی برای حفظ نقش‌های فرهنگی و اجتماعی آن‌ها ضروری است (Mizak & Sokołek, 2024). در چارچوب اسلامی، خمس و زکات به‌عنوان ابزارهای مالی شرعی برای تحقق عدالت اجتماعی و رستگاری طراحی شده‌اند (Chapra, 2008; Kamali, 1999). با وجود مطالعات جهانی درباره پایداری مالی نهادهای دینی، بررسی‌های بومی کمتر به مدل‌سازی عملیاتی خمس برای مراکز دینی پرداخته‌اند. این پژوهش نقش خمس را به‌عنوان منبعی پایدار برای تأمین مالی مراکز دینی شیعه بررسی می‌کند (نجاتی، ۱۴۰۱). این چالش راهبردی، ضرورت شناسایی، تحلیل و بهره‌برداری از سازوکارهای نوین تأمین مالی، همچون خمس، را بیش‌ازپیش آشکار می‌سازد.

در این راستا، بررسی ظرفیت‌های بالقوه نظام مالی اسلامی، به‌ویژه فریضه خمس، به‌عنوان سازوکاری مالی، شرعی و پایدار، از اهمیتی کانونی برخوردار است. هر نظام حکمرانی، برای تثبیت اقتدار، پایداری و تحقق اهداف عدالت‌محور خود، نیازمند دسترسی به منابع مالی مستحکم است (سرمست شوشتری، ۱۴۰۱، صص. ۳۱-۳۲). در این چارچوب، مالیه عمومی به مثابه ابزاری راهبردی، نقشی مهم در تأمین هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای و نیز پیشبرد اهداف اجتماعی و حکومتی ایفا می‌کند (افشاری و رستمی، ۱۳۹۸، ص. ۹۹). خمس، به‌عنوان یکی از احکام مالی بنیادین اسلام، جایگاهی محوری در منظومه مالی اسلامی دارد. بسیاری از فقها و صاحب‌نظران اقتصاد اسلامی،

خمس را فراتر از یک مالیات شرعی ساده، یکی از ارکان اصلی درآمدی دولت اسلامی دانسته‌اند (حسامی عزیزی و یعقوبیان کفشگری، ۱۳۹۵، صص. ۱۲۸-۱۳۰). برخی مراجع معاصر نیز آن را منبعی برای تضمین مالی حاکمیت اسلامی معرفی کرده‌اند. اهمیت این فریضه تا آنجاست که فقهای شیعه و اهل سنت، انکار آن را معادل انکار یکی از ضروریات دین برشمرده‌اند؛ امری که خود بیانگر جایگاه ممتاز خمس در ساختار مالی اسلامی است (فرمانیان و معینی فر، بی تا، ص. ۱۴۱).

با وجود اهمیت نظری و فقهی خمس، تحلیل انتقادی ادبیات پژوهشی موجود، خلأهای قابل توجهی را در زمینه مدل‌سازی راهبردی و عملیاتی بهره‌برداری از خمس برای دستیابی به پایداری مالی مراکز دینی آشکار می‌سازد. مطالعات پیشین عمدتاً به تبیین ابعاد فقهی، حقوقی و کلامی خمس محدود بوده‌اند (سرمدت شوشتری، ۱۴۰۱؛ حسامی عزیزی و یعقوبیان کفشگری، ۱۳۹۵) و کمتر به توسعه مدل‌های کاربردی و سازوکارهای اجرایی برای تبدیل این ظرفیت نظری به منبعی پایدار و عملیاتی پرداخته‌اند. فقدان چارچوب‌های مدیریتی منسجم، سازوکارهای اجرایی اثربخش و تحلیل‌های کیفی عمیق در این حوزه، ضرورت انجام پژوهش‌های بنیادین و کاربردی را بیش از پیش برجسته می‌کند. این پژوهش، با رویکرد کیفی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد^۱، در پی کشف و تبیین الگوهای نوظهور، عوامل مؤثر و سازوکارهای بالقوه برای بهره‌برداری بهینه از خمس در راستای ایجاد درآمد پایدار و تقویت استقلال مالی مراکز دینی است. انتخاب رویکرد کیفی، به دلیل پیچیدگی‌های چندوجهی و ماهیت پدیدارشناسانه این مسئله (سلیمی و شرفی، ۱۳۹۴، ص. ۲)، که ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فقهی را دربرمی‌گیرد، ضروری به نظر می‌رسد. در مقابل، روش‌های کمی به سبب ماهیت انتزاعی و ناتوانی در تبیین عمق پدیده‌های زمینه‌محور، قادر به واکاوی جامع این پیچیدگی‌ها نیستند (Creswell, 2003, p. 45).

هدف این پژوهش، تبیین و ارائه مدل مفهومی جامعی از ظرفیت فریضه خمس در ایجاد درآمد پایدار و تقویت استقلال مالی مراکز دینی است. در این راستا، پرسش محوری تحقیق چنین طرح می‌شود که چگونه می‌توان از قابلیت‌های خمس برای دستیابی به

پایداری اقتصادی و خوداتکایی نهادهای دینی بهره گرفت. برای پاسخ‌گویی به این پرسش، پژوهش حاضر ضمن بررسی عوامل تسهیل‌کننده، موانع اجرایی و دیدگاه‌های ذی‌نفعان کلیدی، دو محور فرعی را نیز دنبال می‌کند: نخست، تبیین ظرفیت اقتصادی خمس در ایران و دلایل شکاف میان ظرفیت بالقوه و سطح تحقق واقعی آن؛ دوم، تحلیل مقایسه‌ای عدالت و کارایی ساختاری خمس در قیاس با نظام مالیاتی موجود به‌منظور تبیین برتری نسبی آن در ابعاد مالی، اجتماعی و عدالت‌محور.

نوآوری اصلی این مطالعه در ارائه نظریه‌ای داده‌بنیاد و بومی نهفته است که برخلاف مطالعات پیشین، چارچوبی عملیاتی و سیاستی برای مدیریت مالی مراکز دینی فراهم می‌کند. این مدل، با اتکا به دانش ضمنی و تجربه خبرگان و ذی‌نفعان اصلی، می‌تواند مبنایی راهبردی برای طراحی راهکارهای اجرایی مؤثر و تقویت بنیه مالی این مراکز باشد. ارزش افزوده این پژوهش در کمک به توسعه پایدار مراکز دینی، افزایش کارایی و اثربخشی آن‌ها در ایفای نقش‌های اجتماعی و فرهنگی و ارائه الگویی قابل تعمیم به سایر جوامع اسلامی جلوه‌گر می‌شود. نتایج این مطالعه می‌تواند راهنمایی عملی برای سیاست‌گذاران و متولیان دینی در بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های خمس برای تقویت جایگاه و کارکرد این نهادهای حیاتی فراهم آورد.

۱. ادبیات و مبانی نظری

۱-۱. دیدگاه‌های پیشین درباره منابع مالی مراکز دینی

تأمین مالی مراکز دینی، به‌عنوان یکی از چالش‌های تاریخی این نهادها، همواره مورد توجه پژوهشگران قرار داشته است (نجاتی، ۱۴۰۱، ص. ۲۳۷). عاملی و رفیعی پیشوری (۱۴۰۳، ص. ۱۳۳) استدلال کرده‌اند که دسترسی به منابع مالی کافی، پیش‌نیاز برنامه‌ریزی بلندمدت و توسعه زیرساخت‌های مراکز دینی است؛ زیرا این منابع امکان اجرای مؤثر کارکردهای فرهنگی، آموزشی و اجتماعی را فراهم می‌آورند. با این حال، سیاحی‌زاده‌فرد و عصاره‌نژاد دزفولی (۱۴۰۴، ص. ۱۱) معتقدند سایر منابع مالی مانند خیرات و نذورات، به دلیل وابستگی به شرایط اقتصادی و ناپایداری، از کارآمدی لازم برخوردار نیستند.

در مقابل، خمس به‌عنوان یکی از فروع دین اسلام که آیه ۴۱ سوره انفال بر وجوب و موارد مصرف آن تأکید دارد، از سوی مذاهب مختلف اسلامی پذیرفته شده و ظرفیت بالایی برای تأمین مالی پایدار دارد (نامدار، مرادی، محمودیان، صادقی شاهدانی و حسن‌زاده، ۱۴۰۱، ص. ۱۴۲). بسیاری از فقها، خمس را نه‌تنها یک فریضه دینی، بلکه نوعی مالیات اسلامی با کارکردهای حکومتی می‌دانند که می‌تواند نقشی محوری در تأمین مالی مراکز دینی ایفا کند (سرمست شوشتری، ۱۴۰۱، ص. ۳۵). با وجود این ظرفیت، نبود چارچوب‌های اجرایی و مدل‌های عملیاتی برای بهره‌برداری راهبردی از خمس، خلأی پژوهشی برجسته ایجاد کرده است که ضرورت طراحی نظام‌های مالی ساختاریافته برای تقویت خوداتکایی مراکز دینی را آشکار می‌سازد.

۱-۲. پایداری مالی در نهادهای دینی: دیدگاه‌های جهانی

پایداری مالی نهادهای دینی در ادبیات جهانی، پیش‌نیازی اساسی برای حفظ استقلال و کارایی این نهادها به شمار می‌آید (Mizak & Sokolek, 2024; Kachumi et al., 2025).

میزاک و سوکولک^۲ (۲۰۲۴م) نشان می‌دهند که مشارکت منظم در نظام مالی کلیسای کاتولیک، پایداری مالی را تقویت می‌کند؛ در حالی که کاجومی و دیگران^۳ (۲۰۲۵م) بر اهمیت تنوع منابع درآمدی تأکید دارند. شفافیت مالی نیز یکی از عوامل کلیدی در جلب اعتماد عمومی شناخته شده است (Owusu & Agyemang, 2025). از سوی دیگر، نهادهای دینی در دوره‌های بحران، نقشی حمایتی در ابعاد مالی و عاطفی ایفا می‌کنند (Orman, 2019).

۱-۳. تحلیل پژوهش‌های مرتبط با خمس

با وجود مطالعات جهانی درباره پایداری مالی نهادهای دینی، خمس به‌عنوان سازوکاری مالی در سنت شیعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بررسی دقیق ادبیات موجود در حوزه خمس نیز بیانگر شکافی معرفتی و کاربردی چشمگیر است. اغلب پژوهش‌های

2. Mizak & Sokolek

3. Kachumi et al

انجام شده تاکنون، تمرکز خود را بر تبیین ابعاد فقهی، حقوقی و کلامی این فریضه الهی معطوف کرده‌اند (نجاتی، ۱۴۰۱، ص. ۲۳۳). در نتیجه، جنبه‌های راهبردی و اقتصادی خمس به‌عنوان منبعی بالقوه و پایدار برای نهادهای اسلامی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. چنین رویکردی از توسعه مدل‌های عملیاتی و سازوکارهای اجرایی جلوگیری کرده و مانع تبدیل خمس از یک حکم شرعی صرف به سازوکاری پویا برای تأمین مالی مستمر و خوداتکا شده است.

این در حالی است که بسیاری از محققان و صاحب‌نظران، خمس را نه تنها یک واجب شرعی، بلکه یکی از منابع اصلی و مهم درآمدی مراکز اسلامی در طول تاریخ دانسته‌اند (سرمد شوستری، ۱۴۰۱، ص. ۳۱). با وجود این ظرفیت، فقدان مدل‌های اجرایی مدون، جامع و مبتنی بر پژوهش‌های کاربردی برای تبدیل خمس به جریانی پایدار از درآمد، چالشی اساسی در مسیر مدیریت و توسعه این مراکز پدید آورده است. این خلأ پژوهشی، نیاز به تحقیقاتی میان‌رشته‌ای را برجسته می‌کند؛ پژوهش‌هایی که بتوانند ابعاد فقهی را با اصول مدیریت مالی و اقتصاد تلفیق کنند تا زمینه ارائه راهکارهای نوین برای بهره‌برداری بهینه از این ظرفیت گسترده فراهم شود.

۱-۴. مفاهیم مرتبط: عدالت اجتماعی، کارایی دینی، اعتماد عمومی، شفافیت مالی

در حوزه مطالعات مالی اسلامی، مفاهیم عدالت اجتماعی، کارایی دینی، اعتماد عمومی و شفافیت مالی از جایگاهی محوری برخوردارند (میرزاییان، اسفندیاری و سهراب‌زاده، ۱۴۰۱، ص. ۲). عدالت اجتماعی، به‌عنوان رکن اصلی احکام مالی شرعی مانند خمس، بر توزیع عادلانه منابع و ثروت در جامعه تأکید دارد و مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است (بگونند، ۱۴۰۱، ص. ۱۱۹). کارایی دینی به ظرفیت مراکز دینی در تحقق اهداف فرهنگی، آموزشی و اجتماعی با حداکثر بهره‌وری اشاره دارد که به دسترسی پایدار به منابع مالی وابسته است (سیاحی‌زاده‌فرد و عصاره‌نژاد دزفولی، ۱۴۰۳، صص. ۲۰-۲۳). اعتماد عمومی، به‌عنوان سرمایه اجتماعی ارزشمند، شرط لازم برای مشروعیت و مقبولیت نظام‌های مالی دینی است و فقدان آن می‌تواند مشارکت عمومی را تضعیف کرده و کارآمدی ساختارهای مالی را کاهش دهد (شیخ‌موحد و آزادی، ۱۴۰۱، صص. ۱۹۳-۱۹۴).

۱۹۵). همچنین، شفافیت مالی در مدیریت منابع خمس، نه تنها الزامی شرعی و اخلاقی است، بلکه ابزاری کلیدی برای پیشگیری از سوءاستفاده و تقویت اعتماد عمومی به شمار می‌آید (بگونند، ۱۴۰۱، ص. ۱۱۲؛ قرنچیک، ضیالدینی و هادوی نژاد، ۱۴۰۰، ص. ۵۹). این مفاهیم، چارچوبی نظری و نسبتاً جامع برای تحلیل نقش خمس در دستیابی به خوداتکایی مالی و توسعه پایدار مراکز دینی فراهم می‌آورند.

۱-۵. ظرفیت بالقوه خمس: برآورد، چالش‌ها و فرصت‌های نوین

خمس به‌عنوان یکی از ارکان اصلی مالیه اسلامی، نقشی محوری در تأمین منابع پایدار نهادهای دینی و تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی دارد (خزائی و یزدان‌پور، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۲). با این حال، شکاف میان ظرفیت نظری و تحقق واقعی آن، از چالش‌های اساسی اقتصاد دینی در ایران به شمار می‌آید (مزینی، ۱۴۰۲، صص. ۶۵-۶۷). شواهد نشان می‌دهد که با وجود پیوند مستقیم خمس با درآمد و ثروت، تنها بخش اندکی از ظرفیت بالقوه آن بالفعل شده است. ضعف نهادینه‌سازی فرهنگ مالی دینی، فقدان آگاهی نسبت به کارکردهای بازتوزیعی و بی‌التزامی اقشار پردرآمد از علل اصلی این شکاف به‌شمار می‌روند (موسائی، ۱۴۰۰، صص. ۳۸۷-۳۹۱). تداوم این وضعیت، کارایی مالی و عدالت اقتصادی را تضعیف کرده و پایداری نهادهای دینی را در بلندمدت تهدید می‌کند.

مطالعات علمی گوناگون، ظرفیت بالقوه خمس را در نظام مالی اسلامی برجسته کرده‌اند. نامدار و دیگران (۱۴۰۰)، با استفاده از داده‌های سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ و تحلیل سری‌های فوریه، ظرفیت خمس را به‌عنوان نوعی مالیات اسلامی در سطحی مناسب برآورد کرده‌اند؛ ضریب تعیین ۰/۹۵ بیانگر دقت و برازش بالای مدل آن‌هاست. بگونند (۱۴۰۱)، با رویکردی تاریخی، مدل ادغام خمس و مالیات را عاملی برای کاهش پرداخت مضاعف و ارتقای عدالت بازتوزیعی معرفی کرده است. همچنین حسامی عزیززی و یعقوبیان کفشگری (۱۳۹۵)، با بررسی مفهومی پیوند خمس و زکات، الگویی برای بازآفرینی فرهنگ مالی دینی و احیای عدالت اقتصادی ارائه کرده‌اند. این نتایج به‌روشنی بر ضرورت فعال‌سازی ظرفیت‌های پنهان خمس برای کارآمدسازی نظام مالی اسلامی دلالت دارد.

مطالعات کاربردی نیز نقش خمس را در کاهش فقر و نابرابری برجسته کرده‌اند. یافته‌های عسگری و نیازخانی (۱۳۹۳) نشان می‌دهند که خمس در دهه ۱۳۸۰ نقشی قابل توجه در بهبود رفاه دهک‌های پایین داشته و بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ توان رفع فقر مطلق را دارا بوده است. بر اساس برآوردهای آن‌ها، خمس می‌تواند بیش از نیمی از فقر موجود را پوشش دهد. تخصیص هدفمند وجوه، ضمن تقویت پویایی اقتصادی، شکاف طبقاتی را کاهش داده و عدالت توزیعی را ارتقا می‌بخشد. در شرایط محدودیت منابع، حاکم اسلامی می‌تواند از ابزارهای مکملی مانند مالیات، انفال و خراج برای تحکیم عدالت اجتماعی بهره گیرد.

در مجموع، اجرای شفاف و مبتنی بر فناوری خمس می‌تواند زمینه‌ساز کاهش نابرابری، تقویت عدالت مالی و پایداری اقتصاد دینی شود و بستری برای بازآفرینی حکمرانی مالی اسلامی و تحکیم ارزش‌های عدالت‌محور تشیع فراهم آورد.

۱-۶. مقایسه خمس با نظام‌های مالیاتی متعارف: برتری عدالت‌محور و پیامدهای اجتماعی
یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهد میان ظرفیت بالقوه و ظرفیت تحقق‌یافته مالیات‌های اسلامی، مانند خمس و زکات، شکاف معناداری وجود دارد؛ به گونه‌ای که حجم منابع بالقوه چندین برابر میزان پرداخت واقعی برآورد شده است (ارشدی، نعمتی، فرخی و دلیری، ۱۴۰۲، ص. ۱۶۸). خمس به سبب ساختار تصاعدی، عدالت‌مدار و مبتنی بر سود خالص، نسبت به مالیات‌های متعارف برتری دارد؛ زیرا بر پایه توان واقعی مکلف تعیین می‌شود، نه بر مبنای کل درآمد ناخالص. افزون بر این، پرداخت خمس پس از تأمین ضروریات زندگی انجام می‌گیرد و از این رو با نظام مالیاتی مبتنی بر برآورد کلی درآمد تمایزی بنیادین دارد (شعبانی و کاشیان، ۱۳۹۵، صص. ۵۸-۵۹). این ویژگی‌ها پشتمانه نظری معتبری برای تبیین کارکرد بازتوزیعی و عدالت‌محور خمس در مدل مفهومی پژوهش فراهم می‌کنند.

مطالعات عاملی و رفیعی پیشوری (۱۴۰۳) نشان می‌دهد در نظام مالیات اسلامی، اصول «سهولت پرداخت» و «عدالت توزیعی» بر پیچیدگی‌های فنی مقدم‌اند. تعیین نرخ‌های پایین برای کالاهای اساسی و نرخ‌های بالاتر برای درآمدهای تجملی، همراه با

امکان پرداخت نقدی یا جنسی، انعطاف و انصاف مالی را به نظام مالی دینی افزوده است. در این چارچوب، خمس با محوریت سود خالص پس از کسر هزینه‌های ضروری، فشار مالی کمتری بر اقشار کم‌درآمد وارد می‌سازد. بگونه‌ی (۱۴۰۱) نیز خمس را سازوکاری کارآمدتر از مالیات برای انتقال ثروت از طبقات مرفه به اقشار محروم می‌داند؛ زیرا مشارکت واقعی نیازمندان را در دارایی ثروتمندان محقق می‌کند. این سازوکار عدالت‌محور موجب افزایش اعتماد، مشارکت داوطلبانه و در نهایت، پایداری مالی و اجتماعی نهادهای دینی می‌شود؛ یافته‌ای که در مدل نظری پژوهش حاضر نیز تأیید شده است.

در چارچوب مقاصد شریعت، خمس نه تنها وسیله‌ای برای تأمین منابع مالی، بلکه نهادی چندبعدی و معنابخش در اقتصاد اسلامی است که سه کارکرد کلیدی دارد: تأمین مالی پایدار نهادهای دینی، تطهیر اموال از منابع شبه‌ناک و تحقق فلاح جمعی از طریق بازتوزیع عادلانه ثروت (امینی، راعی و توکلی، ۱۳۹۷، صص. ۴۷-۵۲). برخلاف مالیات‌های سکولار که هدف اصلی آن‌ها درآمدزایی دولت است، خمس با تأکید بر ابعاد اخلاقی و معنوی، به تطهیر اقتصادی، تحکیم تکافل اجتماعی و تقویت عدالت شیعی می‌انجامد و اعتماد عمومی به نظام مالی دینی را افزایش می‌دهد (مهدوی، ۱۴۰۲). همچنین، شواهد پروین و فیروزی (۱۴۰۱) نشان می‌دهد شفافیت در وصول و مصرف خمس، سبب ارتقای مشارکت مردمی، تقویت تعلق دینی و باور به عدالت اجتماعی می‌شود؛ امری که یافته‌های کیفی این پژوهش (جدول ۷) نیز بر آن صحنه می‌گذارند.

از منظر کیفی، خمس افزون بر جایگاه عبادی، نهادی اقتصادی - اجتماعی با کارکردهای گسترده در عدالت اجتماعی، پشتیبانی از سادات، تقویت حکومت اسلامی و حمایت از امت شیعی است (مهدوی، ۱۴۰۲). بی‌توجهی به این فریضه، غالباً ناشی از ناآگاهی نسبت به آثار اقتصادی و معنوی آن است؛ بنابراین، تبیین علمی این کارکردها می‌تواند بستری برای احیای فرهنگ پرداخت خمس فراهم کند. در نهایت، اجرای شفاف، فناورانه و هماهنگ خمس با نظام مالیاتی، مکملی مؤثر برای نظام مالی اسلامی ایجاد کرده و با کاهش نابرابری و تقویت عدالت اجتماعی، مبنای نظری روشنی برای برتری عدالت‌محور خمس نسبت به مالیات‌های موجود فراهم می‌سازد.

۷-۱. چارچوب مفهومی تلفیقی: نقش خمس در پایداری مالی، هویتی و اجتماعی مراکز

دینی

بر اساس مبانی نظری و شواهد کیفی پژوهش، خمس به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین مالیه اسلامی، از دو مسیر هم‌افزا بر پایداری نهادهای دینی تأثیر می‌گذارد. در مسیر اقتصادی، تمرکز بر ظرفیت بالقوه خمس، کاهش شکاف میان پرداخت واقعی و پرداخت نظری، دیجیتالی‌سازی فرایند پرداخت و ارتقای شفافیت و اعتماد عمومی، به تقویت پایداری مالی مراکز دینی منجر می‌شود. در مقابل، مسیر عدالت اجتماعی، با تأکید بر مشروعیت منبع مالی (مال حلال)، برابری در تکلیف، عدالت توزیعی بالاتر و ضریب جینی پایین‌تر در مقایسه با مالیات‌های متعارف، به پایداری هویتی و اجتماعی نهادهای دینی می‌انجامد (جدول ۱). بدین ترتیب، این دو مسیر در تعامل با یکدیگر، خمس را به‌عنوان سازوکار اقتصادی-عدالتی و عاملی برای پویایی و نوسازی ساختار مالی و اجتماعی نهادهای دینی معرفی می‌کنند.

جدول (۱): چارچوب مفهومی تلفیقی نقش خمس در پایداری مراکز دینی

پیامد نهایی	مؤلفه‌های اصلی	مسیر
پایداری مالی مراکز دینی	برآورد ظرفیت کلان؛ کاهش شکاف تحقق؛ دیجیتالی‌سازی پرداخت؛ افزایش شفافیت و اعتماد عمومی	مسیر اقتصادی (ظرفیت بالقوه خمس)
پایداری هویتی و اجتماعی مراکز دینی	عدالت توزیعی بالاتر؛ تمرکز بر مال حلال؛ کاهش نابرابری درآمدی؛ تقویت بازتوزیع	مسیر عدالت اجتماعی (مقایسه خمس با مالیات)

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۸-۱. مروری بر کاربرد نظریه‌پردازی زمینه‌ای در مطالعات دینی یا مالی اسلامی

نظریه‌پردازی زمینه‌ای (نظریه داده‌بنیاد)، به دلیل قابلیت کشف الگوهای بومی و تولید نظریه‌های مبتنی بر داده‌های واقعی، در مطالعات دینی و مالی اسلامی کاربرد گسترده‌ای یافته است (مهرابی، خنیفر، امیری، زارعی متین و جندقی، ۱۳۹۰، صص. ۱۱-۱۳).

استراوس و کوربین^۴ (۱۹۹۸م) این روش را برای تحلیل مسائل پیچیده با ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مناسب می‌دانند. در حوزه مطالعات دینی، آخوندی (۱۳۹۶)، با استفاده از نظریه داده‌بنیاد، سیزده راهبرد فرهنگی برای نفوذ اجتماعی دین از آموزه‌های قرآنی استخراج کرده است. همچنین محمدی و هاشیمان (۱۴۰۱)، با بهره‌گیری از این رویکرد، پنج بعد همگرایی میان مردم و روحانیت را تبیین کرده‌اند. این مطالعات نشان می‌دهد نظریه داده‌بنیاد، با تأکید بر داده‌های میدانی، امکان ارائه مدل‌های عملی و بومی را فراهم می‌کند. پژوهش حاضر نیز با استفاده از این روش، چارچوبی برای بهره‌برداری راهبردی از خمس در تأمین مالی پایدار مراکز دینی توسعه می‌دهد.

۹-۱. جایگاه پژوهش حاضر در میان مطالعات قبلی

پژوهش حاضر، با هدف پرکردن خلأهای ادبیات علمی در حوزه خمس، رویکردی نوآورانه اتخاذ کرده و بر بهره‌برداری راهبردی از این فریضه برای تأمین مالی پایدار مراکز دینی تمرکز دارد. برخلاف مطالعات پیشین که عمدتاً بر جنبه‌های فقهی و حقوقی خمس متمرکز بوده‌اند (نجاتی، ۱۴۰۱؛ حسامی عزیزی و یعقوبیان کفشگری، ۱۳۹۵)، این تحقیق با استفاده از نظریه داده‌بنیاد، چارچوبی عملیاتی و بومی ارائه می‌کند که با ۱۱۸۳ کد استخراج‌شده (جداول ۴ تا ۹) پشتیبانی می‌شود. این چارچوب، با در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی، از تحلیل صرفاً فقهی فراتر می‌رود. در مقایسه با پژوهش‌هایی که به کلیات نقش خمس پرداخته‌اند (سرمست شوشتری، ۱۴۰۱؛ نامدار، مرادی، محمودیان، صادقی شاهدانی و حسن‌زاده، ۱۴۰۱)، این مطالعه به‌طور مشخص پایداری مالی را هدف قرار داده و مدلی مفهومی برای خوداتکایی مراکز دینی پیشنهاد می‌کند. برای روشن‌تر شدن جایگاه این پژوهش، جدول (۲) مقایسه‌ای میان مطالعات پیشین جهانی و بومی و نوآوری‌های پژوهش حاضر ارائه می‌دهد.

جدول (۲): مقایسه پژوهش حاضر با مطالعات پیشین

پژوهش	تمرکز	روش‌شناسی	خلأهای برطرف‌شده توسط پژوهش حاضر
Mizak & Sokolek (2024)	پایداری مالی کلیسای کاتولیک	کیفی، تحلیل موردی	ارائه مدل داده‌بنیاد برای خمس به‌عنوان منبعی پایدار با ۱۱۸۳ کد (جدول ۴ تا ۹)، با تأکید بر پایداری مالی مراکز دینی (۶۶ کد، جدول ۵)
Owusu & Agyemang (2025)	شفافیت در NGOهای دینی	کیفی، مصاحبه	تقویت شفافیت مالی در نظام خمس با فناوری دیجیتال (۱۶۸ کد، جدول ۸) و جلب اعتماد عمومی (۱۳۷ کد، جدول ۷)
Kachumi et al. (2025)	پایداری مالی NGOهای دینی	آمیخته (کیفی- کمی)	پیشنهاد استراتژی‌های مدیریتی برای خمس با ۷۴ کد (جدول ۸)، شامل اولویت‌بندی مصارف و سرمایه‌گذاری‌های مشروع
Orman (2019)	نقش نهادهای دینی در بحران‌های مالی	کمی، تفاوت در تفاوت ۵	تأکید بر پیامدهای اجتماعی و معنوی خمس، از جمله توانمندسازی اجتماعی (۴۲ کد، جدول ۹) و تقویت هویت دینی (۱۵ کد، جدول ۹)
Chapra (2008)	توسعه اسلامی و مقاصد شریعت	نظری	اتصال خمس به اهداف شریعت برای پایداری با ۱۱۸۳ کد (جدول ۴ تا ۹)، با تأکید بر عدالت اجتماعی (۲۵ کد، جدول ۹)
Kamali (1999)	مقاصد شریعت و فقه اسلامی	نظری	ارائه چارچوب فقهی برای نقش خمس در عدالت اجتماعی (۲۵ کد،

پژوهش	تمرکز	روش‌شناسی	خلأهای برطرف‌شده توسط پژوهش حاضر
			جدول ۹) و حفظ هویت دینی (۱۵ کد، جدول ۹)
سیاحتی‌زاده‌فرد و عصاره‌نژاد (۱۴۰۴)	تأمین مالی غیرانتفاعی مساجد	کیفی، تجربه‌نگاری	ادغام فقه، مدیریت و فناوری برای خمس با ۱۱۸۳ کد (جدول ۴ تا ۹)، با تأکید بر فرهنگ‌سازی (۲۱۹ کد، جدول ۸) و شفافیت دیجیتال (۱۶۸ کد، جدول ۸)
عاملی و رفیعی پیشوری (۱۴۰۳)	مقایسه مالیات با خمس و زکات	کیفی و کمی	پر کردن خلأ برتری عدالت‌محور خمس با مدل داده‌بنیاد (شکل ۲) و مستندسازی کیفی نقش آن به‌عنوان ابزار عدالت اجتماعی (۲۵ کد، جدول ۹).
نامدار و دیگران (۱۴۰۱)	نیکویی برازش محاسبه‌های مرتبط با خمس بالقوه کشور	معادله درجه سوم و چهارم سری فوریه	پر کردن شکاف پتانسیل و پرداخت واقعی خمس با راهبردهای عملیاتی داده‌بنیاد (شکل ۲)، دیجیتالی‌سازی (۱۶۸ کد، جدول ۸) و شفافیت و اعتماد عمومی (۱۳۷ کد، جدول ۷).

جدول (۲) نشان می‌دهد پژوهش حاضر، با ارائه مدلی داده‌بنیاد برای بهره‌برداری از خمس (۱۱۸۳ کد، جداول ۴ تا ۹)، خلأهای موجود در ادبیات جهانی و بومی را پر کرده و چارچوبی عملیاتی برای سیاست‌گذاری مالی دینی ارائه می‌کند. نوآوری این پژوهش در ادغام ابعاد فقهی، مدیریتی و فناوری و ارائه راهکارهای قابل‌تعمیم به جوامع اسلامی نهفته است.

۲. روش‌شناسی

این پژوهش از نظر ماهیت، کاربردی و از نظر روش اجرا، کیفی با رویکرد نظریه داده‌بنیاد است. نظریه داده‌بنیاد، روشی استقرایی و اکتشافی است که با تکیه بر داده‌های واقعی، پدیده‌ها را در بستر طبیعی آن‌ها تبیین می‌کند (Strauss & Corbin, 1998). این رویکرد، به‌جای اتکا به نظریه‌های پیش‌ساخته، به پژوهشگر امکان می‌دهد از داده‌های میدانی، مفاهیم، گزاره‌ها و نظریه‌ای هم‌خوان با واقعیت استخراج کند (Charmaz, 2014؛ بازرگان، ۱۳۹۳). هدف این پژوهش، تبیین ظرفیت خمس به‌عنوان منبعی پایدار برای تأمین مالی مراکز دینی است؛ امری که آن را در زمره تحقیقات کاربردی قرار می‌دهد.

۳. جامعه آماری و نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش را متخصصان و صاحب‌نظران حوزه مسائل دینی، به‌ویژه با تمرکز بر اقتصاد اسلامی، تشکیل می‌دهند. نمونه‌گیری به روش هدفمند و با استفاده از تکنیک گلوله‌برفی انجام شد. در این روش، هر مصاحبه‌شونده، علاوه بر ارائه اطلاعات، افراد دیگری از جامعه هدف را معرفی می‌کرد که این امر به شناسایی گروه‌های بعدی برای مصاحبه منجر شد (Strauss & Corbin, 2008). گردآوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. نشانه‌های اشباع از مصاحبه دوازدهم مشاهده شد، اما برای اطمینان از پوشش کامل ابعاد مفهومی و جلوگیری از اشباع کاذب، مصاحبه‌ها تا نفر شانزدهم ادامه یافت. در مجموع، ۱۶ مصاحبه با خبرگان انجام شد. تنوع در انتخاب مصاحبه‌شوندگان به افزایش گستره مفاهیم و مقوله‌ها کمک کرد.

۴. ابزار گردآوری داده‌ها

داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری شد. این ابزار، امکان تمرکز بر محورهای اصلی پژوهش (مانند شفافیت، چالش‌های اجرایی و ظرفیت مالی خمس) را فراهم کرد و درعین‌حال به مشارکت‌کنندگان آزادی بیان دیدگاه‌هایشان را می‌داد.

۵. روش تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۲۰۲۰ و بر پایه سه مرحله کدگذاری در نظریه داده‌بنیاد انجام شد (LaRossa, 2005).

- **کدگذاری باز:** در این مرحله، متن مصاحبه‌ها پیاده‌سازی و خط‌به‌خط تحلیل شد. داده‌ها به واحدهای معنایی کوچک تجزیه گردید و مفاهیم اولیه (مانند «شفافیت در وصول خمس» یا «چالش‌های فقهی») استخراج و برجسب‌گذاری شد. مفاهیم مشابه در مقوله‌های سطح بالاتر گروه‌بندی شدند. مقوله‌ها، به‌دلیل انتزاعی‌تر بودن نسبت به مفاهیم، قدرت مفهومی بالاتری دارند و می‌توانند مفاهیم جزئی را حول خود سازمان‌دهی کنند (Strauss & Corbin, 1990؛ دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶).
- **کدگذاری محوری:** در این مرحله، مقوله‌ها با زیرمقوله‌هایشان مرتبط شدند و روابط میان آن‌ها بر پایه مدل پارادایمی (شامل پدیده مرکزی، شرایط علی، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) سازمان یافت (Lee, Strauss & Corbin, 1998). پدیده مرکزی «خمس به‌عنوان منبع پایدار مالی مراکز دینی» انتخاب شد و سایر مقوله‌ها پیرامون آن سامان‌دهی شدند. این فرایند، با مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های معنایی، تبیین دقیق‌تری از پدیده فراهم آورد.
- **کدگذاری گزینشی:** در این مرحله، مقوله مرکزی به‌صورت نظام‌مند با سایر مقوله‌ها مرتبط شد و این روابط در قالب روایتی منسجم ارائه گردید. مقوله‌های نیازمند اصلاح (به‌دلیل هم‌پوشانی یا عدم وضوح) بازبینی شدند تا مدل نهایی یکپارچه شود (Strauss & Corbin, 1998).

۶. ملاحظات روش‌شناختی

در چارچوب نظریه داده‌بنیاد، استراوس و کوربین (Strauss & Corbin, 1998) به‌جای معیارهای سنتی روایی و پایایی، معیار «مقبولیت» را برای ارزیابی کیفیت پژوهش پیشنهاد می‌کنند. مقبولیت به این معناست که یافته‌های پژوهش تا چه اندازه توانسته‌اند تجربه‌های مشارکت‌کنندگان، برداشت‌های پژوهشگر و انتظارات خوانندگان را درباره پدیده مورد مطالعه، به‌صورت معتبر و قابل‌اعتماد بازتاب دهند. این معیار بر پایه ده شاخص اصلی سنجیده می‌شود که عبارت‌اند از: تناسب مفاهیم با داده‌های واقعی، کاربردی و مفیدبودن

نتایج، جامعیت یافته‌ها، وضوح و انسجام مفاهیم، زمینه‌مندی آن‌ها در بستر واقعی، منطق ارتباطی بین مقوله‌ها، عمق تحلیل، بازتاب تنوع و تفاوت در دیدگاه‌ها، بداعت و نوآوری در رویکرد و حساسیت و استناد به یادداشت‌ها برای حفظ ردیابی تحلیلی. بهره‌گیری از این شاخص‌ها، اتقان علمی و عملی مدل به‌دست‌آمده را تقویت می‌کند.

۷. یافته‌های پژوهش

در جدول (۳)، اطلاعات مصاحبه‌شوندگان برحسب سن و مدرک تحصیلی ارائه شده است.

جدول (۳): اطلاعات جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

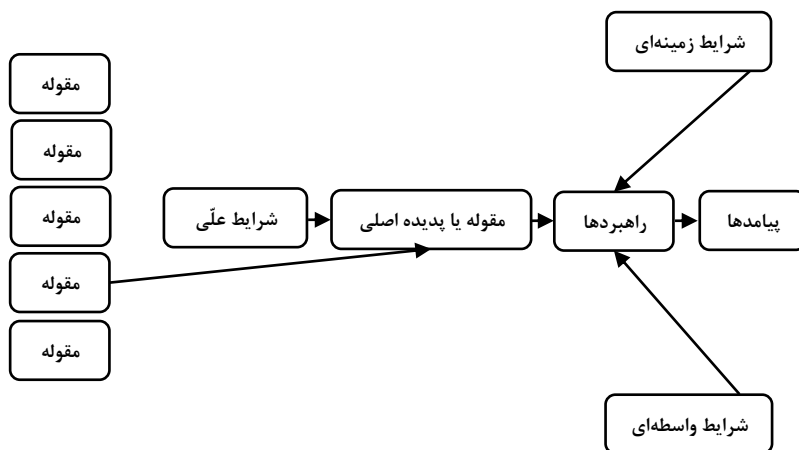
شماره مصاحبه‌شونده	سن	مدرک تحصیلی	شماره مصاحبه‌شونده	سن	مدرک تحصیلی
۱	۳۴	کارشناسی ارشد	۹	۵۵	دکتر
۲	۴۰	دکتر	۱۰	۴۹	کارشناسی ارشد
۳	۲۸	کارشناسی ارشد	۱۱	۶۱	دکتر
۴	۳۵	کارشناسی ارشد	۱۲	۴۸	کارشناسی ارشد
۵	۴۵	دکتر	۱۳	۵۶	کارشناسی ارشد
۶	۲۹	کارشناسی ارشد	۱۴	۵۹	دکتر
۷	۵۰	دکتر	۱۵	۶۰	دکتر
۸	۴۵	کارشناسی ارشد	۱۶	۶۳	دکتر

جدول (۳) ویژگی‌های جمعیت شناختی ۱۶ مصاحبه‌شونده را نشان می‌دهد که عمدتاً دارای تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) و در محدوده سنی ۲۸ تا ۶۳ سال هستند. این تنوع سنی و سطح بالای تحصیلات، نماینده‌ای متعادل و متخصص از جامعه هدف فراهم می‌آورد.

۸. تحلیل یافته‌ها

پس از انجام مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی بر داده‌های مصاحبه‌ها، یافته‌های پژوهش در قالب مفاهیم استخراج‌شده، کدها و مقوله‌های اصلی سازمان‌دهی شد. به‌منظور

دستیابی به سطح بالاتری از انتزاع و تبیین چارچوبی نظری و جامع، مقوله‌های اصلی بار دیگر بازنمایی شدند و بر اساس هم‌پوشانی معنایی و انسجام مفهومی، در قالب مقوله‌های کلی‌تر و تحلیلی‌تر گروه‌بندی شدند. این مقوله‌های ارتقایافته، در نهایت در شش بعد بنیادین -شامل مقوله هسته‌ای، شرایط علی، بسترها، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها- بازسازی و ساختارمند شدند (شکل ۱) تا چارچوبی نظری و نظام‌مند از پدیده مورد مطالعه ارائه کنند.



شکل (۱): مدل سیستماتیک گراند تئوری

منبع: (Strauss & Corbin, 2008)

جدول (۴): شرایط علی: چالش‌ها و اختلافات فقهی و اجرایی در وصول خمس

تعداد کدها	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
۱۰	محدودیت‌های فقهی خمس در اهل سنت	تفاوت‌های بین‌مذهبی	شرایط علی
۳۲	یکپارچه‌سازی و اجماع فقهی خمس	اختلاف‌نظرهای فقهی	
۳۴	ناهماهنگی و کاهش بهره‌وری در جمع‌آوری خمس	چالش‌های نهادی و اجرایی	
۳۰	کمبود آگاهی، مانع پرداخت خمس		
۱۴	نیاز به نظام متمرکز وصول خمس		
۱۲۰	جمع		

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۴)، شرایط علی مؤثر بر چالش‌ها و اختلافات فقهی و اجرایی وصول خمس را نشان می‌دهد. در کدگذاری گزینشی «شرایط علی»، سه مقوله محوری شناسایی شدند که شامل «تفاوت‌های بین‌مذهبی» با کد باز «محدودیت‌های فقهی خمس در اهل سنت» (۱۰ کد)، «اختلاف‌نظرهای فقهی» با کد باز «یکپارچه‌سازی و اجماع فقهی خمس» (۳۲ کد) و «چالش‌های نهادی و اجرایی» است. مقوله اخیر، سه کد باز را دربرمی‌گیرد: «ناهماهنگی و کاهش بهره‌وری در جمع‌آوری» (۳۴ کد)، «کمبود آگاهی به‌عنوان مانع پرداخت» (۳۰ کد) و «نیاز به نظام متمرکز وصول» (۱۴ کد). در مجموع، ۱۲۰ کد در این بخش استخراج شد.

جدول (۵): مقوله یا پدیده اصلی: خمس؛

پشتوانه‌ای چندبعدی برای پایداری مالی و هویتی مراکز دینی

تعداد کدها	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
۱۵	خمس و حفظ هویت شیعی	خمس؛ منبع مالی مشروع و پایدار برای مراکز دینی	پدیده اصلی
۲۵	خمس، ابزاری برای عدالت اجتماعی		
۶۶	خمس به عنوان منبع مالی و استقلال مراکز دینی		
۸	خمس و درآمد حلال: اصل کلیدی		
۱۱۴	جمع		

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۵)، مقوله اصلی پژوهش با عنوان «خمس: پشتوانه‌ای چندبعدی برای پایداری مالی و هویتی مراکز دینی» را نشان می‌دهد. در کدگذاری گزینشی «پدیده اصلی»، یک مقوله محوری با عنوان «خمس؛ منبعی مشروع و پایدار برای مراکز دینی» شناسایی شد که چهار کد باز را دربرمی‌گیرد: «حفظ هویت شیعی» (۱۵ کد)، «ابزاری برای عدالت اجتماعی» (۲۵ کد)، «منبع مالی و استقلال مراکز دینی» (۶۶ کد) و «درآمد حلال به‌عنوان اصل کلیدی» (۸ کد). در مجموع، ۱۱۴ کد در این بخش استخراج شد.

جدول (۶): شرایط زمینه‌ای: زمینه‌های اجتماعی و شرعی پایداری خمس

تعداد کدها	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
۲۱	مشارکت مردمی در تخصیص و نظارت خمس	مشارکت مردم در تصمیم‌گیری	شرایط زمینه‌ای
۱۷	رعایت تقسیم شرعی خمس	اصول فقهی و اعتقادی	
۱۲	نیت الهی در پرداخت خمس		
۵۰	جمع		

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۶)، شرایط زمینه‌ای مرتبط با پایداری خمس را با عنوان «زمینه‌های اجتماعی و شرعی پایداری خمس» نشان می‌دهد. در کدگذاری گزینشی «شرایط زمینه‌ای»، دو مقوله محوری شناسایی شد: «مشارکت مردم در تصمیم‌گیری» با کد باز «مشارکت مردمی در تخصیص و نظارت خمس» (۲۱ کد) و «اصول فقهی و اعتقادی» که شامل «رعایت تقسیم شرعی خمس» (۱۷ کد) و «نیت الهی در پرداخت خمس» (۱۲ کد) است. در مجموع، ۵۰ کد استخراج شده، نقش هم‌زمان مشارکت مردمی و التزام به اصول شرعی را در تقویت پایداری خمس نشان می‌دهد.

جدول (۷): شرایط مداخله‌گر: عوامل مداخله‌گر در پایداری و اعتمادسازی خمس

تعداد کدها	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
۲۲	قوانین و سازوکارهای وصول خمس	قوانین و حمایت‌های ساختاری	شرایط مداخله‌گر
۱۴	تقویت دانش مالی مراکز دینی	ظرفیت مالی و دانشی	
۴۰	بهینه‌سازی و نظام‌مندسازی مدیریت خمس	مراکز دینی	
۵۴	نظارت مردمی و مراجع بر مصارف خمس	شفافیت و اعتماد	
۸۳	شفافیت مالی و اعتمادسازی عمومی	عمومی	
۵۱	نظارت تخصصی و مراجع بر خمس	نظارت و	
۵۳	سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری متمرکز خمس	سیاست‌گذاری کلان	
۳۱۷	جمع		

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول ۷ با عنوان «عوامل مداخله‌گر در پایداری و اعتمادسازی خمس»، نتایج کدگذاری گزینشی «شرایط مداخله‌گر» را نشان می‌دهد. چهار مقوله محوری شناسایی شد: «قوانین و حمایت‌های ساختاری» که شامل «قوانین و سازوکارهای وصول خمس» (۲۲ کد) است؛ «ظرفیت مالی و دانشی مراکز دینی» که شامل «تقویت دانش مالی» (۱۴ کد) و «بهینه‌سازی و نظام‌مندسازی مدیریت خمس» (۴۰ کد) است؛ «شفافیت و اعتماد عمومی» که شامل «نظارت مردمی و مراجع بر مصارف» (۵۴ کد) و «شفافیت مالی و اعتمادسازی عمومی» (۸۳ کد) است؛ و «نظارت و سیاست‌گذاری کلان» که شامل «نظارت تخصصی و مراجع بر خمس» (۵۱ کد) و «سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری متمرکز» (۵۳ کد) است. در مجموع، ۳۱۷ کد استخراج شد که بر نقش هم‌افزای ساختار حقوقی، توانمندی نهادی، شفافیت و سیاست‌گذاری متمرکز در پایداری خمس تأکید دارد.

جدول (۸): راهبردها؛ راهبردهای زیرساختی، فرهنگی و مدیریتی برای پایداری خمس

تعداد کدها	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
۳۴	ابزارهای کاربرپسند برای محاسبه خمس	فناوری و شفافیت دیجیتال	راهبردها
۷۰	شفافیت و نظارت دیجیتال		
۶۴	سامانه‌های دیجیتال یکپارچه و شرعی		
۲۲	تطبیق خمس با نیازهای معاصر	فقه و سیاست‌گذاری روزآمد	
۱۶	اولویت‌بندی مصارف خمس	مدیریت و سازماندهی	
۱۷	توسعه اقتصادی با سرمایه خمس		
۴۱	مدیریت مالی و حسابداری دیجیتال		
۳۴	نقش مراجع و مبلغان در ترویج خمس	آموزش و فرهنگ‌سازی	
۱۲	مشوق‌های معنوی برای پرداخت خمس		
۷۰	آموزش کاربردی و تخصصی خمس		
۱۱۳	فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی عمومی		
۴۹۳	جمع		

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۸) با عنوان «راهبردهای زیرساختی، فرهنگی و مدیریتی برای پایداری خمس»، نتایج کدگذاری گزینشی «راهبردها» را نشان می‌دهد. چهار مقوله محوری شناسایی شد: «فناوری و شفافیت دیجیتال» که شامل «ابزارهای کاربرپسند محاسبه خمس» (۳۴ کد)، «شفافیت و نظارت دیجیتال» (۷۰ کد) و «سامانه‌های دیجیتال یکپارچه و شرعی» (۶۴ کد) است؛ «فقه و سیاست‌گذاری روزآمد» که شامل «تطبیق خمس با نیازهای معاصر» (۲۲ کد) است؛ «مدیریت و سازمان‌دهی» که شامل «اولویت‌بندی مصارف» (۱۶ کد)، «توسعه اقتصادی با سرمایه خمس» (۱۷ کد) و «مدیریت مالی و حسابداری دیجیتال» (۴۱ کد) است؛ و «آموزش و فرهنگ‌سازی» که شامل «نقش مراجع و مبلغان در ترویج خمس» (۳۴ کد)، «مشوق‌های معنوی» (۱۲ کد)، «آموزش تخصصی» (۷۰ کد) و «فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی عمومی» (۱۱۳ کد) است. در مجموع، ۴۹۳ کد استخراج شده، پیوند راهبردهای فناورانه، فقهی، مدیریتی و فرهنگی را در تقویت پایداری خمس نشان می‌دهد.

جدول (۹): پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و معنوی پایداری خمس

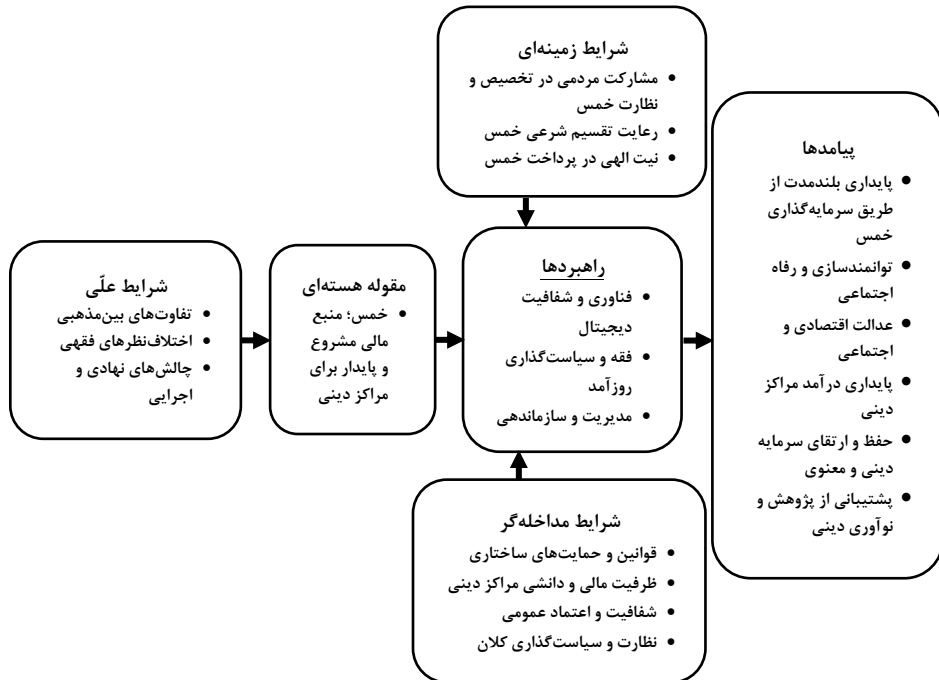
تعداد کدها	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
۱۲	سرمایه‌گذاری پایدار خمس با یکپارچگی اقتصادی - دینی	پایداری بلندمدت از طریق سرمایه‌گذاری خمس	پیامدها
۳۶	توانمندسازی اجتماعی با طرح‌های خمس	توانمندسازی و رفاه اجتماعی	
۶	عدالت دینی در دسترسی به منابع	عدالت اقتصادی و اجتماعی	
۴	خمس پشتوانه مالی مراکز دینی	پایداری درآمد مراکز دینی	
۶	توانمندسازی معنوی و اجتماعی جامعه با خمس	حفظ و ارتقای سرمایه دینی و معنوی	
۲۵	حمایت از نوآوری و پژوهش دینی با خمس	پشتیبانی از پژوهش و نوآوری دینی	
۸۹	جمع		

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۹) با عنوان «پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و معنوی پایداری خمس»، نتایج کدگذاری گزینشی «پیامدها» را نشان می‌دهد. شش مقوله محوری شناسایی شد: «پایداری

بلندمدت از طریق سرمایه‌گذاری خمس» که شامل «سرمایه‌گذاری پایدار و یکپارچه اقتصادی - دینی» (۱۲ کد) است؛ «توانمندسازی و رفاه اجتماعی» که شامل «طرح‌های اجتماعی مبتنی بر خمس» (۳۶ کد) است؛ «عدالت اقتصادی و اجتماعی» که شامل «عدالت دینی در دسترسی به منابع» (۶ کد) است؛ «پایداری درآمد مراکز دینی» که شامل «خمس به‌عنوان پشتوانه مالی» (۴ کد) است؛ «حفظ و ارتقای سرمایه دینی و معنوی» که شامل «توانمندسازی معنوی و اجتماعی» (۶ کد) است؛ و «پشتیبانی از پژوهش و نوآوری دینی» که شامل «حمایت از نوآوری و پژوهش دینی» (۲۵ کد) است. در مجموع، ۸۹ کد استخراج شد که گستره اثرات اقتصادی، اجتماعی و معنوی خمس را در تقویت پایداری نشان می‌دهد.

بر مبنای روابط به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها، مفاهیم استخراج‌شده در مراحل کدگذاری باز و محوری، در فرایند کدگذاری گزینشی تلفیق شده و در قالب مدل کیفی پژوهش (شکل ۲) تبیین شده‌اند.



شکل (۲): مدل کیفی پژوهش: «ظرفیت خمس در ایجاد درآمد پایدار برای مراکز دینی»

بر اساس رویکرد نظریه داده‌بنیاد

منبع: (یافته‌های تحقیق)

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش، مبتنی بر رویکرد نظریه داده‌بنیاد و تحلیل نظام‌مند مصاحبه‌های عمیق با خبرگان، نشان می‌دهد که خمس، به‌عنوان منبعی پایدار برای تأمین مالی مراکز دینی، ظرفیتی فراتر از کارکرد سنتی خود دارد. تحلیل روابط علی، شرایط زمینه‌ای و عوامل مداخله‌گر بیانگر آن است که تحقق این ظرفیت، مستلزم هم‌افزایی مؤلفه‌های فقهی، مدیریتی، فرهنگی و اقتصادی است. شفافیت در شناسایی مصادیق خمس، ساختارهای مدیریتی انعطاف‌پذیر و هماهنگ با نیازهای معاصر، و مدیریت موانع مداخله‌گر - مانند ضعف زیرساخت‌های مالی و ناهماهنگی نهادی - از پیش‌نیازهای کلیدی بهره‌برداری مؤثر از این منبع راهبردی به‌شمار می‌روند.

تحلیل داده‌ها در چارچوب نظریه داده‌بنیاد، نشان‌دهنده تأثیر شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها بر پایداری خمس به‌عنوان منبعی دینی-اقتصادی است؛ یافته‌هایی که در جداول ۴ تا ۹ انعکاس یافته‌اند.

نتایج نشان می‌دهد خمس، فراتر از یک تکلیف شرعی فردی، کارکردهای گسترده‌ای در تقویت و توسعه ساختارهای مالی و هویتی نهادهای مذهبی دارد. پایداری مالی مراکز و حوزه‌های علمیه، با ۶۶ کد، به‌طور قابل توجهی به منابع خمس وابسته است؛ پشتوانه‌ای که امکان برنامه‌ریزی بلندمدت، حفظ استقلال فکری و پرهیز از اتکای مراکز دینی به منابع دولتی یا حمایت‌های مشروط را فراهم می‌کند. در نبود این استقلال، نهادهای دینی ممکن است به مسیرهایی برای تأمین مالی روی آورند که هویت و اهداف آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

خمس، با ۲۵ کد، همچنین ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی شناخته می‌شود؛ زیرا با تمرکز بر توزیع مجدد منابع در حوزه‌های حمایتی، به کاهش فقر، رفع تبعیض‌های اجتماعی و ارتقای رفاه گروه‌های کمتر برخوردار کمک کرده و نقشی مهم در تعدیل نابرابری‌های اقتصادی ایفا می‌کند. افزون‌براین، خمس به‌عنوان یکی از شعائر کلیدی مذهب تشیع، با ۱۵ کد، نقش محوری در حفظ هویت شیعی دارد و از طریق تقویت مرزبندی‌های اعتقادی و ماندگاری سرمایه نمادین جامعه اثرگذار است. استمرار پرداخت و مصرف هدفمند خمس نیز به حفظ نمادها و مناسک دینی و تقویت انسجام فرهنگی

جامعه شیعی یاری می‌رساند. تأکید فقهی خمس بر درآمد حلال، با ۸ کد، معیار اخلاقی روشنی برای ارزیابی فعالیت‌های اقتصادی ارائه کرده و مشروعیت دینی منابع مالی را تضمین می‌کند؛ امری که به افزایش سلامت اقتصادی و اعتماد اجتماعی منجر می‌شود.

تحلیل‌ها همچنین نشان می‌دهد نظام وصول خمس با چالش‌های نهادی و اجرایی قابل توجهی روبه‌روست؛ از جمله ناهماهنگی‌های سازمانی، ضعف آگاهی عمومی نسبت به اهمیت خمس و نبود ساختاری متمرکز و یکپارچه برای مدیریت و وصول آن. این وضعیت پیامدهایی مانند پراکندگی منابع مالی، رقابت ناسازنده میان نهادهای وصول‌کننده، کاستی در نظارت و شفافیت و کاهش ظرفیت تجمیع سرمایه برای اجرای طرح‌های کلان دینی و اجتماعی را به دنبال دارد. رعایت تقسیم شرعی خمس، با ۱۷ کد، از انحراف در تخصیص منابع جلوگیری کرده و مشروعیت نظام را تقویت می‌کند. نیت الهی در پرداخت خمس، با ۱۲ کد، نیز محرک معنوی مهمی برای تداوم مشارکت مؤمنان و پایداری منابع مالی به‌شمار می‌رود. این عوامل - در کنار یکدیگر - مجموعه‌ای از موانع ساختاری، نهادی و ادراکی ایجاد می‌کنند که مانع تحقق کامل کارآمدی و پایداری نظام خمس هستند. رفع این چالش‌ها نیازمند هماهنگی فقهی، تقویت ساختارهای نهادی، ارتقای آگاهی عمومی و تشویق مشارکت مردمی با تأکید بر نیت الهی و رعایت اصول شرعی است.

تحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که چهار محور اساسی - با مجموع ۳۱۷ کد در بخش عوامل مداخله‌گر - نقشی تعیین‌کننده در تقویت یا تضعیف پایداری خمس دارند. «شفافیت و اعتماد عمومی»، با ۱۳۷ کد، مهم‌ترین محور است؛ زیرا اعتماد مؤمنان، بستر اصلی جریان پایدار منابع مالی خمس محسوب می‌شود. این اعتماد از طریق شفافیت مالی، گزارش‌دهی مستند و اطلاع‌رسانی قابل‌راستی آزمایی تقویت می‌گردد. هرگونه ابهام یا تأخیر در ارائه اطلاعات، جریان منابع را تضعیف کرده و مشروعیت نظام خمس را تهدید می‌کند. «نظارت و سیاست‌گذاری کلان»، با ۱۰۴ کد، جایگاه محوری دیگری دارد؛ زیرا ضعف در این حوزه به پراکندگی تصمیم‌گیری، کاهش بهره‌وری و تداخل منافع میان نهادهای مرتبط منجر می‌شود. «ظرفیت مالی و دانشی مراکز دینی»، با ۵۴ کد، نشان‌دهنده اهمیت مهارت‌های تخصصی در مدیریت منابع، سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی مالی است.

مراکز دینی که به دانش و ابزارهای روز مدیریت مالی مجهز نباشند، توان رقابت و استمرار را از دست می‌دهند. «قوانین و حمایت‌های ساختاری» با ۲۲ کد، اگرچه کم‌تواترترین محور است، اما از نظر ایجاد پشتوانه حقوقی و رسمیت‌بخشی به جایگاه خمس نقشی بنیادین دارد. خلأ قانونی یا ناهمسانی در مقررات، مانعی جدی در مسیر کارآمدسازی نظام خمس به‌شمار می‌رود. مجموع این محورها ضرورت رویکردی جامع، هماهنگ و چندبعدی را برای تقویت کارآمدی و پایداری نظام خمس آشکار می‌سازد.

تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر، راهبردهای ارتقای پایداری نظام خمس را در چهار دسته اصلی با مجموع ۴۹۳ کد شناسایی کرده است که توزیع فراوانی آن‌ها، اولویت‌های کلیدی را مشخص می‌سازد. «آموزش و فرهنگ‌سازی» با ۲۱۹ کد، مهم‌ترین راهبرد شناسایی شده است و نشان می‌دهد که آگاهی‌بخشی دینی و فرهنگی، نقشی زیرساختی در پایداری نظام خمس ایفا می‌کند. سرمایه‌گذاری در ابزارهای فنی یا اصلاحات سیاستی، بدون پشتوانه فرهنگی و بدون ارتقای شناخت فقهی و انگیزه دینی، با محدودیت‌های جدی در اثربخشی مواجه خواهد شد. این راهبرد، افزون‌بر تقویت درک عمومی از اهمیت خمس، با افزایش اعتماد عمومی، چرخه وصول و تخصیص منابع را نیز کارآمدتر می‌سازد.

«فناوری و شفافیت دیجیتال» با ۱۶۸ کد، دومین راهبرد برجسته است و بر اهمیت سامانه‌های شفاف مالی مبتنی بر داده‌های به‌روز تأکید دارد. این سامانه‌ها با تسهیل محاسبه خمس و پیگیری نحوه مصرف آن، از اتلاف منابع جلوگیری کرده و مقبولیت عمومی نظام خمس را افزایش می‌دهند. هم‌افزایی این راهبرد با فرهنگ‌سازی، دو مؤلفه مکمل اعتماد و کارایی را در مدل‌های نوین وصول و توزیع تقویت می‌کند.

«مدیریت و سازمان‌دهی» با ۷۴ کد، به نیاز مراکز دینی به سازوکارهای علمی در اولویت‌بندی مصارف، توسعه سرمایه‌گذاری‌های مشروع و برنامه‌ریزی بلندمدت اقتصادی اشاره دارد. ضعف در این حوزه، حتی در صورت پیشرفت در فرهنگ‌سازی و ابزارهای دیجیتال، مانع بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های خمس می‌شود. «فقه و سیاست‌گذاری روزآمد» با ۲۲ کد، هرچند کمترین فراوانی را دارد، نقشی تعیین‌کننده در مشروعیت‌بخشی به نوآوری‌های اجرایی و انطباق نظام خمس با تحولات اجتماعی و اقتصادی ایفا می‌کند.

نبود این انطباق می‌تواند اقبال عمومی به سایر راهبردها را کاهش داده و پایداری نظام خمس را با تهدید مواجه سازد. مجموعه این یافته‌ها بر ضرورت رویکردی جامع و هماهنگ تأکید دارد که در آن فرهنگ‌سازی، فناوری، مدیریت علمی و سیاست‌گذاری فقهی، به صورت یکپارچه برای تقویت کارآمدی و پایداری نظام خمس عمل کنند.

تحلیل یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که پیامدهای وصول و مدیریت اصولی خمس، در سه بُعد اصلی با مجموع ۸۹ کد قابل طبقه‌بندی است که توزیع فراوانی آن‌ها مسیرهای کلیدی اثرگذاری این نظام مالی را مشخص می‌کند. «بُعد اجتماعی» با ۴۲ کد، برجسته‌ترین حوزه اثرگذاری خمس است و نشان‌دهنده نقشی فراتر از کارکرد مالی در توانمندسازی اقشار کم‌برخوردار و تحقق عدالت اجتماعی دارد. تخصیص هدفمند منابع خمس، به کاهش نابرابری‌های اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی و ارتقای همبستگی مذهبی منجر می‌شود. غفلت از این بُعد، به معنای از دست دادن یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های خمس برای تأثیرگذاری مثبت بر جامعه است.

«بُعد معنوی» با ۳۱ کد، بر نقش خمس در تقویت هویت مذهبی، پشتیبانی از مراکز علمی - دینی و تولید پژوهش‌های فقهی و اجتماعی تأکید دارد. استمرار این پیامدها، نه تنها به تثبیت هویت شیعی کمک می‌کند، بلکه با توانمندسازی تولید دانش و گفتمان دینی، قابلیت مواجهه با چالش‌های معاصر را نیز افزایش می‌دهد. «بُعد اقتصادی» با ۱۶ کد، هرچند کمترین فراوانی را دارد، از اهمیت بنیادین برخوردار است؛ زیرا پایداری مالی و سرمایه‌گذاری مولد، بستر تحقق پیامدهای اجتماعی و معنوی را فراهم می‌آورد. فقدان امنیت مالی، می‌تواند دیگر کارکردهای خمس را با اختلال جدی روبه‌رو کند. این یافته‌ها بر ضرورت رویکردی یکپارچه تأکید دارند که در آن ابعاد اجتماعی، معنوی و اقتصادی خمس به صورت هماهنگ تقویت شوند تا بیشترین اثرگذاری این نظام مالی تحقق یابد.

کاربردهای نظری

این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد نظریه داده‌بنیاد، چارچوبی بومی برای استفاده راهبردی از خمس در تأمین مالی پایدار مراکز دینی ارائه کرده و به تقویت ادبیات فقهی - اقتصادی خمس کمک قابل توجهی می‌کند. این مطالعه، از طریق ادغام مؤلفه‌های فقهی،

مدیریتی و اقتصادی در یک مدل مفهومی منسجم، مبنای نظری نوینی برای تحلیل منابع مالی شرعی فراهم می‌آورد که قابلیت کاربرد در بررسی سایر نظام‌های مالی مشابه را دارد. همچنین، با شناسایی و اولویت‌بندی شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر، همراه با تدوین راهبردهای عملیاتی، چارچوبی تحلیلی ارائه شده است که امکان تعمیم به سایر حوزه‌های مالی اسلامی را داراست.

این پژوهش، مفهوم خمس را از یک حکم شرعی صرف به مقوله‌ای چندبعدی با کارکردهای هویتی، اجتماعی و توسعه‌ای ارتقا داده و از این طریق، دیدگاه‌های موجود در حوزه اقتصاد دینی را غنا بخشیده است. تأکید بر نقش شفافیت، فرهنگ‌سازی و فناوری در این مطالعه، پیوند نظری میان سرمایه اجتماعی و کارآمدی نظام‌های مالی شرعی را تقویت می‌کند. این چارچوب نه تنها به درک عمیق‌تر نقش خمس در توسعه پایدار کمک می‌کند، بلکه با ارائه راهبردهای عملی، زمینه‌ساز بهبود مدیریت منابع مالی دینی و افزایش اثربخشی آن در مواجهه با چالش‌های معاصر می‌شود.

پیامدهای جهانی و نظری

مدل پیشنهادی این پژوهش برای خمس، با تأکید بر شفافیت (Owusu & Agyemang, 2025)، تنوع درآمدی (Kachumi et al., 2025) و حمایت اجتماعی (Orman, 2019)، با نظام‌های مالی دینی دیگر، مانند کلیسای کاتولیک (Mizak & Sokolek, 2024)، قابل مقایسه است. این مدل نشان می‌دهد خمس، مشابه سایر نظام‌های مالی دینی، می‌تواند از طریق شفافیت و مدیریت کارآمد، اعتماد عمومی و پایداری مالی را تقویت کند (جدول ۷). همچنین، این مدل با مقاصد شریعت (Chapra, 2008; Kamali, 1999) هم‌راستا بوده و ظرفیت خمس برای توسعه پایدار جوامع اسلامی را نشان می‌دهد؛ به‌ویژه در تحقق عدالت اجتماعی (۲۵ کد، جدول ۹) و حفظ هویت دینی (۱۵ کد، جدول ۹). این هم‌راستایی، خمس را به‌عنوان ابزاری چندبعدی برای پاسخ‌گویی به چالش‌های معاصر معرفی می‌کند که می‌تواند در سایر جوامع اسلامی نیز مورد اقتباس قرار گیرد. مطالعات تطبیقی آینده با نظام‌های مالی دینی جهانی، می‌تواند قابلیت تعمیم این مدل را تقویت کرده و بخشی از خلأهای موجود در ادبیات جهانی را پر کند.

کاربردهای عملی

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد کارکردهای عملی، تأثیر مستقیمی بر بهبود نظام وصول و مصرف خمس دارند. این مطالعه، چارچوبی برای طراحی و پیاده‌سازی سامانه‌های یکپارچه دیجیتال ارائه می‌کند که با تقویت شفافیت مالی، کارایی فرایند وصول را ارتقا داده و اعتماد عمومی به این نظام مالی را تقویت می‌نماید. به‌طور خاص، استفاده از فناوری‌های دیجیتال برای محاسبه و پیگیری نحوه مصرف خمس (۱۶۸ کد، جدول ۸)، نه تنها از اتلاف منابع جلوگیری می‌کند، بلکه همان‌طور که اووسو و آگیمانگ (۲۰۲۵) نشان داده‌اند، شفافیت مالی در نظام‌های دینی را به‌عنوان عاملی کلیدی برای جلب اعتماد عمومی و افزایش مشارکت تقویت می‌کند. همچنین، نتایج پژوهش زمینه‌ساز توسعه برنامه‌های آموزشی و فرهنگ‌سازی هدفمند برای مبلغان، مدیران مراکز دینی و مؤمنان است که با افزایش آگاهی نسبت به مصادیق و روش‌های صحیح پرداخت خمس، مشارکت عمومی را بهبود می‌بخشد (۲۱۹ کد، جدول ۸).

علاوه‌براین، شناسایی دقیق چالش‌های نهادی و اختلاف‌های فقهی، ابزار تحلیلی ارزشمندی برای سیاست‌گذاران دینی و اقتصادی فراهم می‌آورد تا اصلاحات ساختاری و قوانین حمایتی را با نیازهای معاصر هم‌سو کنند. مدل پیشنهادی این پژوهش، امکان اولویت‌بندی مصارف خمس و هدایت منابع به‌سوی طرح‌های توانمندساز اجتماعی و اقتصادی را فراهم می‌سازد (۴۲ کد، جدول ۹). این رویکرد، هم‌افزایی میان نهادهای مرتبط را افزایش داده و پایداری مالی و هویتی مراکز دینی را تقویت می‌کند؛ ضمن آنکه ظرفیت خمس برای پاسخ‌گویی به چالش‌های معاصر را نیز ارتقا می‌دهد.

محدودیت‌ها و پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

این پژوهش، با وجود ارائه چارچوبی جامع برای بهره‌برداری پایدار از خمس، با محدودیت‌هایی همراه بوده است. جامعه آماری مطالعه به خبرگان فقه شیعی محدود بوده و دیدگاه‌های مخاطبان عام یا پیروان سایر مذاهب به‌صورت مستقیم بررسی نشده است؛ امری که دامنه شمول یافته‌ها را محدود می‌سازد. همچنین، تمرکز بر داده‌های کیفی و ماهیت تفسیری تحلیل‌ها، احتمال سوگیری ذهنی را افزایش می‌دهد؛ هرچند بهره‌گیری

از شاخص‌های مقبولیت و اشباع نظری، تا حدی این محدودیت را کاهش داده است. افزون‌براین، نتایج پژوهش در بستر فرهنگی، اقتصادی و نهادی خاص ایران شکل گرفته و تعمیم آن به سایر کشورها نیازمند تطبیق با شرایط محلی و زمینه‌ای است. برای پژوهش‌های آینده، انجام مطالعات تطبیقی بین‌مذهبی پیشنهاد می‌شود تا دیدگاه‌های متنوع درباره نظام خمس بررسی گردد. بهره‌گیری از روش‌های آمیخته (کیفی-کمی) برای سنجش دقیق‌تر اثرگذاری راهبردهای پیشنهادی و ارزیابی نقش فناوری‌های نوین در بهبود نظام وصول و مصرف خمس نیز توصیه می‌شود. همچنین، بررسی ابعاد رفتاری و روان‌شناختی پرداخت‌کنندگان و ذی‌نفعان خمس می‌تواند به غنای نظری و عملی این حوزه بیفزاید و درک عمیق‌تری از عوامل مؤثر بر مشارکت و پایداری این نظام مالی ارائه دهد. این رویکردها می‌توانند به توسعه مدل‌های جامع‌تر و کاربردی‌تر در حوزه اقتصاد دینی کمک کنند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد خمس، فراتر از یک فریضه شرعی، سازوکاری چندبعدی با دو مسیر مکمل است: مسیر اقتصادی که شامل بهره‌برداری از ظرفیت کلان خمس، کاهش شکاف میان پرداخت واقعی و ظرفیت نظری، دیجیتالی‌سازی فرایندها و ارتقای شفافیت است و به پایداری مالی مراکز دینی منجر می‌شود؛ و مسیر عدالت اجتماعی که با بازتوزیع عادلانه‌تر منابع، تمرکز بر مال حلال و کاهش نابرابری، پایداری هویتی و اجتماعی نهادهای دینی را تقویت می‌کند. این چارچوب مفهومی تلفیقی (شکل ۲)، ضمن پرکردن خلأ موجود در ادبیات مالی اسلامی، مدلی عملی برای سیاست‌گذاری دینی و توسعه پایدار نهادهای مذهبی ارائه می‌دهد.

تحلیل داده‌ها بر پایه رویکرد نظریه داده‌بنیاد، وجود پیوندی منسجم میان شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر و راهبردی را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد این هم‌پیوستگی، زمینه‌ساز بهره‌برداری بهینه از ظرفیت مالی خمس است. نتایج کدگذاری بر اهمیت شفافیت مالی (۱۳۷ کد)، اعتماد عمومی (۱۳۷ کد)، سیاست‌گذاری متمرکز (۱۰۴ کد) و فناوری‌های نوین (۱۶۸ کد) به‌عنوان عوامل اصلی کارایی نظام خمس دلالت دارد. همچنین، مشارکت

مردمی (۲۱ کد)، رعایت اصول فقهی (۱۷ کد) و نیت الهی (۱۲ کد) از مؤلفه‌های محوری مشروعیت و پذیرش اجتماعی مدل پیشنهادی به‌شمار می‌روند. نتایج تحلیل نشان می‌دهد پیامدهای اصلی مدل شامل تأثیرات اقتصادی (۱۶ کد)، توانمندسازی اجتماعی (۴۲ کد)، حفظ هویت مذهبی (۱۵ کد) و پشتیبانی از نوآوری‌های دینی (۳۱ کد) است که هر یک به پایداری و کارآمدی نظام خمس کمک می‌کنند. مدل پیشنهادی، چارچوبی علمی و عملی برای مدیریت به‌روز منابع شرعی فراهم می‌سازد و می‌تواند مبنایی برای اصلاحات ساختاری و جهت‌گیری پژوهش‌های آینده باشد. این مدل، ضمن تقویت پایداری مالی مراکز دینی شیعی و مقایسه‌پذیری با نظام‌های مالی دینی جهانی (Mizak & Sokołek, 2024)، خمس را به سازوکاری چندبعدی برای تحقق اهداف اقتصادی، اجتماعی و هویتی تبدیل می‌کند.

ملاحظات حقوقی
- پیروی از اصول حقوقی تمامی اصول اخلاقی در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.
- تعارض منافع بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد. بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه، رساله و طرح پژوهشی نیست.

کتابنامه

- ۱) آخوندی، محمدباقر (۱۳۹۶). راهبردهای فرهنگی نفوذ اجتماعی دین در آموزه‌های قرآن. پژوهش‌های قرآنی، ۲۲(۳)، ۱۷۳-۱۵۰.
- ۲) ارشدی، وحید؛ نعمتی، علی؛ فرخی، ابوالفضل؛ و دلیری، مرتضی (۱۴۰۲). بررسی فرایند کاهش فقر جامعه محلی از مسیر تجمیع و تخصیص زکات در مراکز نیکوکاری کمیته امداد امام خمینی (منطقه مورد مطالعه: خلیل آباد استان خراسان رضوی با تأکید بر روستاهای دهنو، جعفرآباد، جابوز و نقاب). توانمندسازی و محرومیت‌زدایی کمیته امداد امام خمینی، ۱(۱)، ۱۶۷-۱۸۸.
- ۳) افشاری، فاطمه؛ و رستمی، ولی (۱۳۹۸). واکاوی استقلال مالی مؤسسات عمومی غیردولتی از منظر حقوق مالیه عمومی. پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۲۰(۱)، ۹۷-۱۲۴.

- (۴) امیریگ، مرضیه؛ برادران، محمدمهدی؛ حسینی واعظ، سیدجلال‌الدین؛ و انوشه، سید سجاد (۱۴۰۰). بررسی و تدوین مدل توسعه تأمین مالی جمعی در سازمان های دینی (نمونه موردی حرم مطهر رضوی). *تحقیقات مالی اسلامی*، ۱۰(۲)، ۶۴۲-۶۰۳. DOI: [10.30497/ifr.2021.240861.1618](https://doi.org/10.30497/ifr.2021.240861.1618)
- (۵) امینی، حسینعلی؛ راعی، مسعود؛ و توکلی، احمدرضا (۱۳۹۷). واکاوی رویکرد حکومتی به خمس و زکات. *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۱۰(۱۹)، ۶۴-۳۷.
- (۶) بازرگان، عباس (۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری*، تهران: دیدار.
- (۷) بگونند، بهروز (۱۴۰۱). تبیین رابطه خمس و مالیات‌های حکومتی و تأثیر خمس بر اصلاح نظام مالیاتی با تأکید بر توسعه عدالت اجتماعی. *اقتصادی*، ۲۲(۳ و ۴)، ۱۳۱-۱۱۱.
- (۸) پروین، خیرالله؛ و فیروزی، مهدیه (۱۴۰۱). شفافیت در امور عمومی به مثابه راهکار جلب اعتماد عمومی با تأکید بر نظام حقوقی ایران. *مطالعات حقوق عمومی*، ۵۲(۲)، ۶۱۶-۵۹۷.
- (۹) دانایی‌فرد، حسن؛ و امامی، سید مجتبی (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده بنیاد. *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۲(۱)، ۹۷-۶۹. DOI: [10.30497/smt.2007.104](https://doi.org/10.30497/smt.2007.104)
- (۱۰) حسامی عزیزی، باقر؛ و یعقوبیان کفشگری، اسمعیل (۱۳۹۵). خمس و زکات و جایگاه آن در اقتصاد کشورهای اسلامی. *تحقیقات جدید در علوم انسانی*، ۲(۲)، ۱۴۶-۱۲۳.
- (۱۱) حسن‌زاده سروستانی، حسین؛ تمیزی‌فر، مهدی؛ و سیمپاری، محمدرضا (۱۳۹۷). تأمین مالی جمعی، الگویی مناسب جهت جذب مشارکت‌های خیرین. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۸(۱)، ۵۹-۹۰. DOI: [10.30497/ifr.2018.2276](https://doi.org/10.30497/ifr.2018.2276)
- (۱۲) خزائی، زینب؛ و یزادن‌پور، مرجان (۱۳۹۴). مالیات‌های اسلامی و جایگاه آن در تأمین منابع مالی. *اقتصادی*، ۳ و ۴، ۱۱۰-۸۹.
- (۱۳) سرمست شوشتری، مهدی (۱۴۰۱). امکان سنجی فقهی الزام قانونی به پرداخت خمس ارباح مکاسب توسط حاکمیت اسلامی. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۱۲(۱)، ۵۸-۲۹. DOI: [10.30497/ifr.2023.243895.1755](https://doi.org/10.30497/ifr.2023.243895.1755)

۱۴) سلیمی، محمدرضا، و شرفی، روح‌انگیز (۱۳۹۴). بررسی ساختار و ابعاد روش تحقیق کیفی پدیدارشناسی. کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روان‌شناسی و اجتماعی. تهران: مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما.

۱۵) سیاحی‌زاده‌فرد، سید حسنعلی؛ و عصاره‌نژاد دزفولی، سینا (۱۴۰۴). کارکرد اجتماعی نهاد دین در ایران امروز (۶): تجربه‌کاوی مساجد موفق در زمینه تأمین مالی غیردولتی نهاد مسجد. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۳۳(۳) (شماره مسلسل: ۲۰۷۵۴). DOI: [10.22034/report.mrc.2025.1404.33.3.20754](https://doi.org/10.22034/report.mrc.2025.1404.33.3.20754)

۱۶) شعبانی، احمد؛ و کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۹۵). طراحی سازوکار ورود خمس و زکات به نظام مالیاتی ایران و آثار بالقوه آن. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۸(۲)، ۷۴-۳۹. DOI: [10.30497/ies.2016.1798](https://doi.org/10.30497/ies.2016.1798)

۱۷) شیخ‌موحد، مهدی؛ و آزادی، محمدجواد (۱۴۰۱). تقویت اعتماد عمومی به مثابه ابزار ارتقای سلامت نظام اداری ایران. *پژوهش‌های نوین حقوق اداری*، ۴(۱۱)، ۲۱۸-۱۹۱.

۱۸) عسگری، محمد مهدی؛ و نیازخانی، سحر (۱۳۹۳). برآورد ظرفیت خمس در رفع فقر در ایران طی سال‌های ۸۹-۸۰. *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۳(۸)، ۱۲۲-۱۰۱.

۱۹) فرمانیان، مهدی؛ و معینی‌فر، محمد (۱۳۹۲). تحلیلی نقدگونه بر ادله اهل سنت در عدم وجوب خمس (تجارت). *پژوهش‌های فقهی*، ۹(۳)، ۱۵۶-۱۳۹.

۲۰) قرنجیک، اسماعیل؛ ضیالدینی، محمد؛ و هادوی‌نژاد، مصطفی (۱۴۰۰). نگاشت شناختی عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت در پرداخت مالیات. *چشم‌انداز مدیریت دولتی*، ۱۲(۳)، ۷۶-۵۷.

۲۱) عاملی، سیداحمد؛ و رفیعی پیشوری، ایمان (۱۴۰۳). واکاوی نرخ‌های پرداختی در زکات و خمس؛ رهیافتی برای نظام مالیاتی ایران. *جستارهای اقتصادی*، ۲۱(۴۴)، ۱۵۱-۱۲۹.

۲۲) محمدی، محمد؛ و هاشیمان، سید محمدحسین (۱۴۰۱). الگوی همگرایی مردم و روحانیت در جمهوری اسلامی ایران با رویکرد گراند تئوری. *اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۱۰(۳)، ۱۳۳-۱۷۰.

۲۳) مزینی، امیرحسین (۱۴۰۲). تحلیلی بر چالش‌های عملیاتی اقتصاد اسلامی در ایران. *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۱۲(۴۲)، ۷۰-۵۳.

- (۲۴) میرزاییان، رحمان؛ اسفندیاری، فرزاد؛ و سهراب‌زاده، شیث (۱۴۰۱). بررسی اثر مالیات‌های اسلامی در کاهش فقر و افزایش رفاه. *یازدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران*.
- (۲۵) مهرابی، امیرحمزه؛ خنیفر، حسین؛ امیری، علی‌نقی؛ زارعی‌متین، حسن؛ و جندقی، غلامرضا (۱۳۹۰). معرفی روش‌شناسی نظریه داده بنیاد برای تحقیقات اسلامی. *مدیریت فرهنگ سازمانی*، ۹(۲۳)، ۳۰-۵.
- (۲۶) مهدوی، سیدعلی (۱۴۰۲). آثار اجتماعی خمس از منظر کتاب و سنت. *نگاهی نو به فقه عبادی*، ۶(۷)، ۳۴-۹.
- (۲۷) موسائی، میثم (۱۴۰۱). عدالت و کارایی اقتصادی مالیات‌ها در تمدن اسلامی. *اقتصاد بانکداری اسلامی*، ۱۰(۳۷)، ۳۷۹-۳۹۷.
- (۲۸) نامدار، نادر؛ مرادی، مهدی؛ محمودیان، یعقوب؛ صادقی‌شاهدانی، مهدی؛ و حسن‌زاده، رقیه (۱۴۰۱). پیش‌بینی خمس در اقتصاد ایران برای ایجاد خزانه اسلامی با طراحی معادله سری فوریه. *اقتصاد اسلامی*، ۲۳(۸۵)، ۱۶۰-۱۳۵.
- (۲۹) نجاتی، محمدسعید (۱۴۰۱). نقش امام عسکری(ع) در نهاده‌سازی خمس. *پژوهش‌نامه امامیه*، ۱۰(۱۹)، ۲۵۴-۲۳۲.

Reference

- 1) Chapra, M. U. (2008). The Islamic vision of development in the light of Maqāsid al-sharī 'ah. *Islamic Research and Training Institute Islamic Development Bank Jeddah*.
- 2) Charmaz, K. (2014). *Constructing Grounded Theory*. Los Angeles: Sage.
- 3) LaRossa, R. (2005). Grounded theory methods and qualitative family research. *Journal of Marriage and Family*, 67(4), 837-857.
- 4) Creswell, J. W. (2003). *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches*, Second Edition, Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- 5) Kamali, M. H. (1999). Maqāsid Al-Shariah: The Objectives of Islamic Law. *Islamic studies*, 38(2), 193-208
- 6) Kachumi, M. M., Nawa, M., Mwanakatwe, J., Bwembya, R., Menda, D. M., Sichinga, K. S., & Shaikh, J. M. (2025). Financial sustainability

- of local NGOs funded by the Churches Health Association of Zambia in Zambia. *Humanities and Social Sciences Communications*, 12(1), 1-12.
- 7) Mizak, A., & Sokolek, M. (2024). Stability of the Roman Catholic Church Financing System Based on Germany. *Religions*, 15(4), 413.
 - 8) Orman, W. H. (2019). Religiosity and financial crises in the United States. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 58(1), 20-46.
 - 9) Owusu, C. A., & Agyemang, G. (2025, June). Turning to religion: NGO accountability in a faith-based development organisation. In *Accounting Forum* (pp. 1-25). Routledge.
 - 10) Strauss, Anselm L., & Corbin, Juliet (1990). *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*, Sage.
 - 11) Strauss A, Corbin J.(1998). *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques*. 2nd ed. Thousand Oaks, CA: Sage.
 - 12) Strauss, A. and Corbin, J. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. (3rd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.

Providing Solutions to the Financial-Economic Challenges of Implementing Takaful in Iran

Mohammad Mahdi Askari | Farzan Khamesian | Saeed Sehat | Ali Akbar Samavatian*

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.247967.1960>

ارائه راهکارهای چالش‌های مالی - اقتصادی پیاده‌سازی تکافل در ایران
نویسندگان: محمد مهدی عسگری | فرزانه خامسیان | سعید صحت | علی اکبر سماواتیان*
پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.247967.1960>



Copyright 2025 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified.

Islamic Finance Researches strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.



Providing Solutions to the Financial-Economic Challenges of Implementing Takaful in Iran

Mohammad Mahdi Askari: Professor, Department of Financial Economics, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

m.askari@isu.ac.ir | 0000-0002-3922-5165

Farzan Khamesian: PhD Student, General Insurance Research Group, Insurance Research Institute, Tehran, Iran.

khamesian@irc.ac.ir | 0000-0001-6113-4246

Saeed Sehat: Associate Professor, Department of Business Administration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabaie'i University, Tehran, Iran.

sehat@atu.ac.ir | 0000-0003-2801-7413

Ali Akbar Samavatian: PhD Student, Financial Management, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author).

aa.samavatian@ase.ui.ac.ir | 0009-0004-8144-200X

Abstract

1. Introduction and Objective

Takaful, as a Sharia-compliant alternative to conventional insurance, has experienced significant growth across Islamic countries over recent decades. Its cooperative structure, ethical foundations, and emphasis on shared responsibility have positioned it as a viable and competitive model even in several non-Muslim markets. The theoretical advantages of Takaful—such as reduced moral hazard, diminished adverse selection, enhanced transparency, and alignment of incentives between participants and operators—suggest that it can contribute meaningfully to improving financial inclusion, strengthening risk-sharing mechanisms, and fostering equitable insurance markets.

Although Iran has made preliminary efforts toward introducing Takaful, its implementation remains limited and faces substantial financial and economic constraints. Unlike Sunni-majority countries, where jurisprudential positions prohibit certain conventional insurance contracts and therefore create a strong religious motivation to adopt Takaful, Iran's predominantly Shia population does not recognize a jurisprudential necessity for replacing conventional insurance. As a result, Takaful in Iran cannot rely on religious motivation alone, and must instead be economically competitive, operationally feasible, and financially attractive for both insurers and insureds.

The Iranian macroeconomic environment compounds these challenges. Persistently high inflation, a significantly negative real

interest rate, elevated loss ratios, limited investment opportunities with high liquidity, and structural constraints in the insurance sector differentiate Iran from successful Takaful markets such as Malaysia, Saudi Arabia, Turkey, and the UAE. Moreover, the relatively low insurance penetration rate in Iran and the potential small scale of Takaful operations may undermine the law of large numbers, increasing volatility in claims and weakening the financial stability of Takaful funds.

Given these complexities, this study aims to identify, categorize, and validate the financial-economic challenges of implementing Takaful in Iran and subsequently propose feasible policy solutions tailored to the Iranian context. Unlike previous research, which has largely focused on conceptual or jurisprudential analyses, this study adopts a fully operational and implementation-oriented perspective. It systematically investigates both insurer-side and participant-side incentives, financial sustainability concerns, liquidity risks, loss ratio dynamics, investment constraints, and structural impediments that may impede the establishment of a viable Takaful system in Iran.

2. Methods and Materials

This research is applied in nature and utilizes a comparative and qualitative methodology. To ensure methodological rigor and validity, multiple qualitative research techniques were triangulated, including exploratory open-ended questionnaires, content analysis, Delphi validation, in-depth structured interviews, thematic coding, and focus group evaluation.

Phase 1: Identification of Potential Challenges

In the first stage, exploratory open-ended questionnaires were distributed among experts specializing in economics, insurance and actuarial science, Takaful, Islamic jurisprudence, reinsurance, financial markets, and insurance operations. These experts possessed postgraduate academic backgrounds and an average of at least 15 years of professional experience in the insurance industry. Responses were analyzed using qualitative content analysis and thematic coding, which resulted in the extraction of 30 preliminary financial-economic challenges related to Takaful implementation.

Phase 2: Delphi Validation of Challenges

The extracted challenges were subsequently subjected to a two-round Delphi process involving 12 experts.

- Round 1: Experts evaluated each challenge in terms of relevance and importance.
- Round 2: Experts rated the importance of each item on a 10-point Likert scale, with an acceptance threshold of ≥ 3.5 .

As a result, 24 key challenges were retained and classified into seven major components, including insurer motivation, participant motivation, fund liquidity, investment constraints, loss ratio dynamics, actuarial concerns, and transparency-related issues.

Phase 3: Identification of Policy Solutions

To formulate practical solutions to the validated challenges, in-depth structured interviews were conducted with the same expert group. Responses were analyzed using thematic analysis, and solution themes were linked to their corresponding challenge categories. Six major thematic solution categories were identified.

Phase 4: Delphi Validation of Solutions

Another two-round Delphi process was conducted to evaluate the feasibility and importance of each proposed remedy. Using a threshold of ≥ 6 on a 10-point scale, 18 solutions were selected as the most significant.

Phase 5: Focus Group Validation

Finally, a focus group of five senior insurance practitioners was convened to assess the operational feasibility of the approved solutions. The group endorsed 14 solutions as practically implementable within Iran's current regulatory, economic, and institutional environment. Inter-evaluator agreement, measured using Cohen's Kappa, exceeded 0.7 for all pairs of evaluators, confirming high reliability.

3. Research Findings

The findings show that the most critical financial-economic barriers to implementing Takaful in Iran stem from inflation-driven incentive distortions, negative real investment returns, high loss ratios, and liquidity vulnerabilities within Takaful funds.

Key Finding 1: Weak Incentives for Participants and Insurers

High inflation and negative real returns discourage participants from contributing personal capital to Takaful funds. Since returns on high-liquidity investments do not compensate for inflation, the real value of participants' contributions declines, eroding incentives. Similarly,

insurers lose the traditional investment profits of conventional insurance because investment returns in Takaful accrue to participants rather than to the operator. Additionally, religious motivation—an important driver in Sunni-majority countries—plays a minimal role in Iran.

Key Finding 2: Liquidity and Investment Constraints

Because Takaful funds must maintain high liquidity to meet claims obligations, they cannot invest heavily in long-term or illiquid assets that might outperform inflation. Meanwhile, the persistently negative real interest rate in Iran further reduces effective returns. This mismatch between inflation and investment returns creates a liquidity deficit when inflation-driven claim amounts rise.

Key Finding 3: High Loss Ratios and Actuarial Instability

Iran's loss ratios are significantly higher than those of leading Takaful markets. Combined with potentially low participation rates, the applicability of the law of large numbers diminishes, reducing the accuracy of actuarial pricing and increasing volatility in claims relative to contributions.

Key Finding 4: Risk-Pool Composition Challenges

Experts highlighted that without careful risk segmentation, the influx of high-risk participants could destabilize the fund. The Delphi method identified the most important single solution as:

“Adopting low-risk participants during initial years and excluding high-risk participants through detailed risk classification.”

4. Discussion and Conclusion

The study concludes that although Iran faces substantial financial-economic challenges in establishing Takaful, successful implementation is achievable through a combination of regulatory, financial, operational, and investment-related policy measures. The findings stress that importing Takaful models from Malaysia or GCC countries without adaptation to Iran's distinct macroeconomic conditions would be ineffective. Instead, Iran requires a localized model engineered to withstand high inflation, negative real returns, high loss ratios, and limited incentives.

Key policy recommendations include:

*** Strengthening Capital and Supporting the Fund**

- Issuing guarantee sukuk (Islamic bonds) to increase operators' supporting capital.

- Utilizing government or charitable contributions to compensate for the inability to provide interest-free loans.
- Limiting or postponing profit distribution in early years to build capital reserves.

*** Enhancing Liquidity and Investment Performance**

- Investing in supply chains and value-added sectors related to insured risks to hedge against inflation-driven claims.
- Investing in higher-return markets with controlled exposure through delayed claim payment structures.
- Designing products so that only medium to large claims are covered, reducing operational burdens.

*** Improving Risk Management and Transparency**

- Excluding high-risk entrants and focusing on low-risk participants in early stages.
- Implementing quota-based mechanisms linking benefits to contribution size.
- Using blockchain platforms to increase transparency and reduce fraud.
- Setting explicit claim caps in catastrophic events.

Overall, the research underscores that Takaful can promote fairness, strengthen risk-sharing practices, and enhance the long-term sustainability of Iran's insurance sector—provided that its implementation is grounded in realistic economic assessment and supported by adaptive, evidence-based policy intervention. With proper design, Takaful can complement conventional insurance in Iran, expand coverage, and create new cooperative financial instruments aligned with both economic and ethical principles.

5. Keywords: Takaful; Inflation; Implementation Model; Interest Rate; Loss Factor.

6. JEL Classification: G22, E31, E43, G28, D81, D78

ارائه راهکارهای چالش‌های مالی - اقتصادی پیاده‌سازی تکافل در ایران

محمد مهدی عسگری: استاد، گروه اقتصاد مالی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران. m.askari@isu.ac.ir

فرزان خامسیان: دانش‌آموخته دکتری، گروه پژوهشی عمومی بیمه، پژوهشکده بیمه، تهران، ایران. khamesian@irc.ac.ir

سعید صحت: دانشیار، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. sehat@atu.ac.ir

علی اکبر سماواتیان: دانشجوی دکتری، مدیریت مالی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). aa.samavatian@ase.ui.ac.ir

چکیده

۱. مقدمه و هدف

تکافل در سال‌های اخیر در کشورهای اسلامی رشد چشمگیری داشته است. در ایران نیز گام‌هایی در جهت اجرای آن برداشته شده، اما پیاده‌سازی تکافل با چالش‌هایی روبه‌رو است. با این حال، تکافل از فواید متعددی برخوردار است. هدف این پژوهش، ارائه راهکارهایی برای حل چالش‌های مالی - اقتصادی پیاده‌سازی تکافل در ایران است.

۲. مواد و روش‌ها

برای شناسایی چالش‌ها، ابتدا از روش پرسشنامه باز اکتشافی و تحلیل مضمون استفاده شد. بدین‌منظور، پرسشنامه‌های باز میان خبرگان توزیع شد و نظرات آنان درباره چالش‌های مالی - اقتصادی پیاده‌سازی تکافل در ایران جمع‌آوری شد. سپس پاسخ‌های خبرگان تحلیل مضمون و کدگذاری گردید. در ادامه، با بهره‌گیری از روش دلفی، چالش‌های استخراج شده بررسی، طبقه‌بندی و اعتبارسنجی شد و مهم‌ترین چالش‌ها مورد شناسایی قرار گرفت.

برای ارائه راهکارهای سیاستی، ابتدا از مصاحبه عمیق و تحلیل تم استفاده شد. در مرحله نهایی، برای ارزیابی راهکارهای ارائه‌شده، ابتدا از روش دلفی و سپس از گروه

کانونی بهره گرفته شد تا راهکارها اعتبارسنجی شده و راهکار نهایی برای رفع چالش‌ها به دست آید.

۳. یافته‌های تحقیق

بر اساس یافته‌های پژوهش، مهم‌ترین راهکار از دیدگاه خبرگان در روش دلفی، استفاده از متکافلان و مشارکت‌کنندگان کم‌ریسک و حذف متکافلان پرریسک از طریق طبقه‌بندی ریسک افراد است.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

با وجود چالش‌های مالی - اقتصادی در مسیر پیاده‌سازی تکافل در ایران، راهکارهایی وجود دارد که قابلیت اجرایی دارند. به‌طور کلی می‌توان از انتشار اوراق تضمین و بهره‌گیری از کمک‌های دولتی و خیریه‌ای برای رفع چالش‌های مربوط به سرمایه پشتیبان استفاده کرد. همچنین پرداخت خسارت‌ها در بازه زمانی طولانی‌تر و طراحی کارآمد محصولات و پرداخت خسارت از لایه‌های بالاتر موجب افزایش توانگری صندوق تکافل می‌شود. بهره‌گیری از سازوکار سهمیه‌بندی در حق بیمه‌ها و خسارت‌ها و اجرای تکافل بر بستر بلاک‌چین نیز می‌تواند در ایجاد شفافیت و کاهش تقلبات بیمه‌ای مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: تکافل؛ تورم؛ مدل اجرایی؛ نرخ سود؛ ضریب خسارت.

مقدمه

صنعت بیمه یکی از صنایع بزرگ جهان است و نقش مهمی در اقتصاد ایفا می‌کند (مطلبی کربکندی، داعی‌زاده و میرآقایی، ۱۳۹۸)؛ به طوری که تداوم حیات همه کسب‌وکارها و همچنین زندگی روزمره افراد عادی با بیمه گره خورده است و بیمه، به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی مردم و شرکت‌ها، برای تداوم زندگی ضروری است (Indrarini, Canggi & Rusmita, 2019). در همین راستا، تکافل به‌عنوان یک طرح بیمه‌ای منطبق با شریعت معرفی شده است؛ به گونه‌ای که مشارکت‌کنندگان براساس مفهوم کمک متقابل در صندوق تکافل مشارکت می‌کنند. از این رو، تکافل مفهومی از بیمه مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و اخلاقی است (عسگری و عظیم‌زاده آرانی، ۱۳۹۳).

واژه «تکافل» به معنای ضمانت مشترک است و هدف آن، مشارکت و یاری دوجانبه میان اعضای یک گروه مشخص است. تکافل روشی است مبتنی بر ضمانت مشترک اعضای این گروه؛ به گونه‌ای که اگر برای یکی از اعضا مشکل یا حادثه‌ای رخ دهد، بر ضمانت و وثیقه مشترک اتفاق نظر دارند و مجموع منابع گردآوری‌شده را برای جبران خسارت فرد زیان‌دیده به او پرداخت می‌کنند. ماهیت کسب‌وکار در بیمه‌های رایج، مبتنی بر کسب سود است؛ در حالی که در تکافل، مبتنی بر حمایت و تأمین رفاه اجتماعی تکافل‌شونده و خانواده اوست. همچنین، ماهیت قرارداد در بیمه‌های رایج همان قرارداد بیمه است که در آن بیمه‌گر در قبال پوشش ریسک بیمه‌گذار از او وجهی دریافت می‌کند؛ در حالی که تکافل، قراردادی است میان همه تکافل‌شوندگان برای تقسیم مخاطرات خود و مشارکت در حمایت. در بیمه‌های رایج، منافع بیمه‌گذار و بیمه‌گر کاملاً همسو نیست و تعاون واقعی شکل نمی‌گیرد؛ در حالی که در تکافل، اعضا هم بیمه‌گذارند و هم بیمه‌گر، در تمام خسارت‌ها شریک می‌شوند و در انتقال مخاطره نیز مشارکت دارند.

در تکافل، بیمه‌گذار از یک‌سو از دیدگاه بیمه‌گر به عملیات بیمه‌گری می‌نگرد و برای کاهش ریسک‌ها و هزینه‌های خود اقدام می‌کند و از سوی دیگر، از منظر بیمه‌گذار به عملیات بیمه‌گری به‌عنوان ابزاری برای برطرف کردن نیازهای واقعی خود در پوشش ریسک نگاه می‌کند؛ از این رو محصولاتی را طراحی می‌کند که متناسب با

نیازهای واقعی اوست و عملیات بیمه‌گری مطابق با سلیقه او انجام می‌شود. این امر، موجب افزایش عدالت اجتماعی و ارتقای بهره‌وری در صنعت بیمه می‌گردد؛ که خود به کاهش ریسک‌ها و خسارت‌ها، افزایش پوشش بیمه و چه بسا پرداخت حق بیمه کمتر از سوی بیمه‌گذار و دریافت خدمات باکیفیت‌تر می‌انجامد. در نتیجه، تقاضا برای خرید بیمه‌نامه‌ها افزایش یافته و ضریب نفوذ بیمه از سمت تقاضا رشد می‌کند؛ زیرا محصولات بیمه‌ای کارتر، با پوشش ریسک بیشتر و هزینه کمتر، از عوامل تقویت‌کننده تقاضا هستند (عبدالملکی و کریمی، ۱۴۰۱).

حذف کژگزینی یکی دیگر از مزایای تکافل است. اطلاعات نامتقارن زمانی رخ می‌دهد که معامله‌گر یک سوی بازار به اطلاعاتی دسترسی داشته باشد که معامله‌گر سوی دیگر بازار از آن بی‌اطلاع است. در تکافل، به دلیل ماهیت مشارکتی آن، متکافل به‌عنوان یک سرمایه‌گذار وارد این عقد می‌شود و می‌داند هر مقدار که به‌عنوان جبران خسارت از صندوق تکافل کسر شود، در واقع بخشی از سرمایه خودش است که می‌توانسته موجب سودآوری برای او گردد؛ بنابراین به‌هیچ‌وجه مایل به مخاطره‌آمیز کردن رفتار خود نیست. در نتیجه، پدیده کژگزینی در قرارداد تکافل بسیار کم‌رنگ‌تر از بیمه متعارف است (عسگری، ۱۳۹۸).

به دلیل همین مزیت‌ها و فوایدی که برای تکافل بیان شد، این نهاد در سال‌های اخیر در کشورهای اسلامی رشد چشمگیری داشته است و حتی در کشورهای غیراسلامی نیز پیاده‌سازی و اجرا شده است. در ایران نیز تلاش‌هایی در جهت پیاده‌سازی تکافل در سال‌های اخیر انجام شده است؛ از جمله این‌که مجموعه‌ای از اقدامات پژوهشی، حقوقی، نظارتی و اجرایی به‌صورت آزمایشی برای پیاده‌سازی تکافل در ایران صورت گرفته است. در پژوهش‌کنده بیمه و دانشگاه‌ها، گزارش‌های مطالعات تطبیقی، بررسی پیشینه تاریخی-فقهی تکافل و پیش‌نویس چارچوب عملیاتی-قانونی تهیه شده است تا سازوکارهای مبتنی بر فقه شیعه با مقررات منطبق شود. پژوهش‌های پیشین، الگوهای عملیاتی تکافل (مضاربه، وکالت، وکالت-مضاربه، وقف) را از منظر فقه امامیه بررسی کرده‌اند و سازوکارهای پیشنهادی برای پیاده‌سازی آن در نظام حقوقی ایران را تحلیل کرده‌اند.

همچنین بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران، جلسات تخصصی متعددی درباره تکافل برگزار کرده و رسماً اعلام کرده است که تکافل در دستور کار این نهاد سیاست‌گذاری قرار دارد. گزارش‌ها حاکی از انجام طرح‌هایی در زمینه مطالعه مقررات کشورهای منتخب و تلاش برای تهیه پیش‌نویس مقررات تکافل در ایران است. چند شرکت بیمه داخلی نیز به‌صورت آزمایشی برخی محصولات تکافل را طراحی یا راه‌اندازی کرده‌اند؛ از جمله این‌که شرکت بیمه ایران در سال ۱۴۰۲ از محصول جدید تکافلی خود تحت عنوان «طرح تکافل تکمیلی عمر و حوادث کارکنان دولت» رونمایی کرد. همچنین این شرکت، قرارداد تکافل خانواده و حوادث تکمیلی کارکنان دولت را برای بیش از ۳۳۰۰ نفر از شاغلان خود در اسفند ۱۴۰۲ صادر کرده است. بیمه دانا نیز از اسفند ۱۴۰۱ به‌عنوان نخستین شرکت بیمه‌ای، فعالیت خود را در رشته تکافل خانواده آغاز کرده و با ایجاد مدیریت تکافل در ساختار سازمانی خود، فعالیت در این عرصه را تحت عنوان «پنجره تکافل» در کنار ارائه خدمات بیمه‌ای رایج اجرا کرده است و نخستین بیمه‌نامه تکافل توسط این شرکت در ایران صادر شده است. این امر در بستر سامانه‌های بیمه عمر و پس‌انداز، به‌موازات فعالیت در رشته‌های زندگی انجام پذیرفته و حاصل آن، صدور بیش از ۱۱۰۰ فقره تکافل خانواده بوده است. همچنین، محصولات تکافلی تاکنون توسط شرکت‌های بیمه البرز، آسیا، کوثر و «ما» نیز عرضه شده است. با این حال، پیاده‌سازی تکافل در ایران همچنان با چالش‌هایی روبه‌رو است که باید به آن‌ها پرداخته شود و راهکارهایی برای حل این چالش‌ها ارائه گردد.

سؤالی که وجود دارد این است که آیا شرایط اقتصادی و وضعیت فنی بیمه‌گری در ایران، همراه با تفاوت‌های فقهی و فنی این کشور نسبت به دیگر کشورهای اسلامی، چالشی در مسیر پیاده‌سازی تکافل در ایران به‌شمار می‌آید؟ با توجه به این‌که در عقود اسلامی برای تکافل و ابزارهای مالی اسلامی، بهره نباید وجود داشته باشد، این پرسش نیز مطرح است که با در نظر گرفتن تورم بالا در ایران، آیا می‌توان این وضعیت بدون بهره را در کشور ایجاد کرد و آیا انگیزه‌ای برای بیمه‌گری تکافل از سوی بیمه‌گذار و بیمه‌گر وجود خواهد داشت؟

با توجه به تفاوت شاخص قدرت خرید در ایران نسبت به مالزی و کشورهای جنوب خلیج فارس، این پرسش مطرح است که آیا بیمه‌گذاران توانایی تأمین سرمایه اولیه در صندوق‌های تکافل را مشابه آن کشورها دارند؟ همچنین، آیا جمعیت متقاضیان تکافل در ایران با این کشورها قابل مقایسه است؟ افزون بر این، با وجود آن‌که منافع بیمه‌گری در تکافل به بیمه‌گذاران اختصاص می‌یابد، پرسش دیگر آن است که آیا نسبت بالای خسارت در ایران نسبت به متوسط جهانی و کشورهای یادشده، مازادی در صندوق تکافل باقی می‌گذارد تا به بیمه‌گذاران برسد و برای آنان انگیزه ایجاد کند؟ این مجموعه تفاوت‌ها میان ایران و کشورهای تکافل را پیاده‌سازی کرده‌اند، می‌تواند چالشی در مسیر اجرای تکافل در ایران باشد؛ از این رو ضروری است که این تفاوت‌ها و آثار احتمالی آن‌ها بررسی شود.

در پژوهش‌های پیشین کمتر به چالش‌های مالی-اقتصادی پیاده‌سازی تکافل در ایران پرداخته شده و موضوعات اقتصاد کلان و مسائل مالی مرتبط با اجرای تکافل نیز کمتر مورد توجه قرار گرفته است. همچنین پژوهش جامعی که این چالش‌ها را احصا کرده و راهکارهای معتبر و قابل اجرا ارائه دهد، انجام نشده است.

هدف این پژوهش، شناسایی چالش‌های پیاده‌سازی تکافل در ایران و ارائه راهکارهای سیاستی برای رفع این چالش‌هاست. لازم به ذکر است که این پژوهش به دنبال بررسی چالش‌های نظری مدل‌های تکافل نیست، بلکه بر چالش‌های عملیاتی و اجرایی تمرکز دارد. پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از:

- ۱) چالش‌های مالی-اقتصادی پیاده‌سازی تکافل در ایران چیست؟
- ۲) راهکارهای سیاستی برای رفع این چالش‌های مالی-اقتصادی کدام‌اند؟

با توجه به ماهیت اکتشافی پژوهش، این پژوهش فاقد فرضیه است. ابتدا پیشینه و مبانی نظری پژوهش بررسی و سپس روش‌شناسی توضیح داده می‌شود. در ادامه، چالش‌های مالی-اقتصادی پیاده‌سازی تکافل شناسایی و اعتبارسنجی شده و مهم‌ترین آن‌ها استخراج می‌گردد. پس از آن، با روش‌های علمی معرفی شده، راهکارهای مناسب برای حل این چالش‌ها ارائه و اعتبارسنجی خواهد شد.

۱. پیشینه تحقیق و مبانی نظری

۱-۱. پیشینه تحقیق

امیرپور (۱۳۹۷) در مقاله خود، با مطالعه توصیفی - تحلیلی، ضمن بررسی مفهوم تکافل و مزایای آن، مشروعیت آن را در فقه و حقوق موضوعه تحلیل و تفاوت آن را با قراردادهای مشابه تبیین کرد.

امجدی، رجایی، دالمن‌پور و رحیم‌زاده (۱۴۰۰) در مقاله خود به مقایسه تطبیقی بهره‌وری صنعت تکافل در مقابل بیمه متعارف بر اساس روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بهره‌وری بیمه متعارف از بهره‌وری تکافل بیشتر است و در بین شاخص‌های بهره‌وری انواع بیمه، مهم‌ترین شاخص، بازده دارایی است.

پریزاد و شکوری (۱۴۰۰) در مقاله خود به آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری نظام تکافل در صنعت بیمه ایران و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی ایران پرداخته‌اند. این پژوهش به این نتیجه رسیده است که تکافل می‌تواند به‌عنوان یک بیمه مکمل، نه جایگزین، در صنعت بیمه کشور کارایی داشته باشد و در رقابت با کشورهای اسلامی و اروپایی، تأثیر مثبتی بر توسعه اقتصادی ایران داشته باشد.

حاجی‌علی‌اکبری، زبان‌دان و جعفرلی (۱۳۹۹) در مقاله خود به بررسی عوامل مؤثر در پیاده‌سازی تکافل در سطح بیمه میهن پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد از دید خبرگان امور بیمه، چهار مؤلفه «بهای تمام‌شده (هزینه) ارائه خدمات بیمه‌ای»، «قوانین و دستورالعمل‌های ابلاغی»، «تحقیقات آماری» و «شفافیت اطلاعات ارائه‌شده» در پیاده‌سازی تکافل در سطح بیمه میهن بیشترین اهمیت را دارند که مؤلفه بهای تمام‌شده بیشترین اثر مستقیم را داشته است.

عباسچیان، حمیدی، رسولی و خلجی (۱۳۹۸) در مقاله خود به بررسی مبانی نظری و ساختار اجرایی تکافل در ایران و دیگر کشورهای اسلامی پرداخته‌اند. نتایج به‌دست‌آمده در این تحقیق نشان می‌دهد که برای گسترش صنعت تکافل باید فرهنگ‌سازی، ابتکار و خلاقیت و آموزش‌های عمومی صورت پذیرد تا این صنعت

به صورت عمومی معرفی شود و نیز آموزش‌های تخصصی برای فعالان اقتصادی که تمایل به ورود در این عرصه را دارند حائز اهمیت است.

همتی و طاهری (۱۴۰۰) در مقاله خود به بررسی تحلیلی بیمه اتکایی عمر و تکافل خانواده از منظر فقه و حقوق موضوعه پرداخته‌اند.

فوزی و دیگران^۱ (۲۰۱۶م) در مقاله خود، وضعیت صنعت تکافل در مالزی را مورد توجه قرار داده‌اند. آنان مروری بر تکافل و عملکرد آن در مالزی ارائه کرده و مسائل و چالش‌های پیش‌روی این صنعت را برجسته کرده‌اند. بر اساس نتایج این پژوهش، چالش‌های رشد تکافل شامل عناصر رقابتی، مدل کسب‌وکار و فرآیندها، تغییر نیازها و خواسته‌های مشتریان برای انتخاب محصولات بهتر، کانال‌های ارائه خدمات کارآمدتر و شیوه‌های مشتری‌پسندتر از سوی شرکت‌های تکافل، و نیز مقابله با تهدید جدی سودآوری ناشی از بحران مالی جهانی است.

شریف و شعیری^۲ (۲۰۱۳م) در مقاله خود به شناسایی نیروهای محرکی پرداخته‌اند که بر تقاضای تکافل خانواده در مالزی اثر می‌گذارند. این مقاله متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیت‌شناختی را بررسی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که درآمد، توسعه بانکداری اسلامی، تحصیلات، نسبت وابستگی و جمعیت مسلمان با تقاضای تکافل رابطه مثبت دارند. در مقابل، تورم، نرخ سود واقعی، توسعه مالی و امید به زندگی از عوامل اثرگذار منفی بر تقاضای تکافل خانواده هستند.

عبدو، علی و لیستر^۳ (۲۰۱۴م) در مقاله خود به بررسی تفاوت عملکرد صنعت تکافل مالزی و صنعت بیمه عمر متعارف پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بیمه‌گران متعارف از نظر سودآوری و شاخص‌های اندازه‌گیری ریسک عملکرد بهتری نسبت به شرکت‌های تکافل دارند. با این حال، شرکت‌های تکافل برای مهار عدم تقارن اطلاعاتی از روش‌های پذیرهنویسی محتاطانه‌تری استفاده می‌کنند. افزون بر این، برخلاف بیمه‌های متعارف، متغیرهای کلان اقتصادی بر رشد شرکت‌های تکافل - با سنجش نسبت خالص حق بیمه به خسارت پرداختی - تأثیر معناداری ندارند.

-
1. Fauzi et al.
 2. Sherif & Shaairi
 3. Abdou, Ali & Lister

اختر^۴ (۲۰۱۰م) در مقاله خود تلاش کرده است انواع مختلف ریسک‌های موجود در فرآیند تکافل را که بر عملکرد عملیاتی و سرمایه‌گذاری اپراتورهای تکافل در سراسر جهان اثر می‌گذارد، شناسایی کند و معیارهایی را برای مدیریت مؤثر این ریسک‌ها ارائه دهد. این پژوهش همچنین ابزارهای مالی اسلامی را معرفی می‌کند که می‌توانند به‌عنوان جایگزینی برای مشتقه‌های متعارف مورد استفاده قرار گیرند. ردزوان، رحمان و آیدید^۵ (۲۰۰۹م) در مقاله خود به بررسی عوامل تعیین‌کننده تقاضای تکافل خانواده با استفاده از شواهدی از کشور مالزی پرداخته‌اند. این مطالعه با استفاده از داده‌های سری زمانی دوره ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۷ میلادی نشان می‌دهد که درآمد سرانه، پیش‌بینی‌کننده قوی تقاضای تکافل خانواده است؛ در حالی که نرخ سود بلندمدت و شاخص سهام، رابطه معناداری با تقاضای تکافل خانواده دارند.

در پژوهش‌های پیشین، کمتر به چالش‌های مالی - اقتصادی اجرایی‌سازی تکافل در ایران پرداخته شده و مسائل مربوط به اقتصاد کلان و ابعاد مالی اجرای تکافل نیز کمتر مورد توجه قرار گرفته است. همچنین، پژوهش جامعی که این چالش‌های مالی - اقتصادی را احصا کند و برای آن‌ها راهکارهای معتبر و قابل اجرا ارائه دهد، انجام نشده است. از این رو، با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش در پی آن است که چالش‌های مالی - اقتصادی اجرایی‌سازی تکافل در ایران را به‌طور جامع شناسایی کرده و برای آن‌ها راهکارهای قابل اجرا و معتبر ارائه کند.

۲-۱. مبانی نظری

۱-۲-۱. آشنایی با مدل‌های تکافل

الگوهای مختلفی برای تکافل مطرح شده است و پژوهشگران درباره هر یک از این الگوها به بحث و بررسی پرداخته‌اند. از جمله الگوهای تکافل می‌توان به الگوی تکافل مبتنی بر مضاربه، الگوی تکافل مبتنی بر وکالت، الگوی تکافل مبتنی بر وقف و الگوی ترکیبی تکافل مبتنی بر مضاربه - وکالت اشاره کرد. پرداختن به مدل‌های مختلف تکافل

4. Akhter

5. Redzuan, Rahman & Aidid

موضوع این پژوهش نیست و صرفاً این پژوهش به بررسی چالش‌های اجرایی‌سازی تکافل در ایران و ارائه راهکارهای سیاستی جهت حل این چالش‌ها می‌پردازد، فارغ از هر نوع مدلی که برای آن به کار گرفته شود.

چالش‌هایی که در این پژوهش بیان می‌شوند، چالش‌های عمومی اجرایی‌سازی تکافل در ایران هستند و اختصاص به مدل خاصی از تکافل ندارند و هر مدلی از تکافل که بخواهد در ایران اجرا شود، از نظر این پژوهش با چالش‌های مطرح‌شده در این پژوهش مواجه خواهد شد. در واقع این چالش‌ها عمومی هستند و برای همه مدل‌های تکافل صادق و قابل استفاده‌اند. بنابراین در این پژوهش، مدل خاصی از تکافل مطرح نیست و تکافل به‌طور کلی و فارغ از هر مدلی از آن، مورد بررسی قرار گرفته و چالش‌ها و راهکارها استخراج شده است.

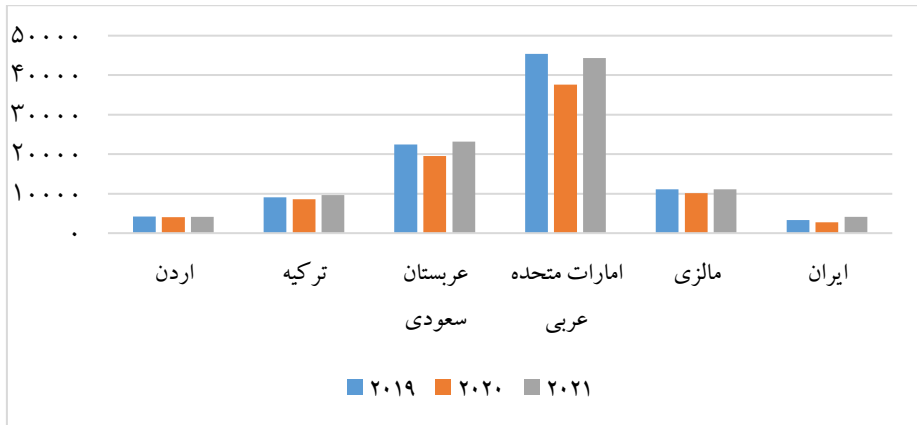
۱-۲-۲. شاخص‌های مالی - اقتصادی تأثیرگذار بر تقاضای بیمه‌نامه

مسئله‌ای که در اجرایی‌سازی تکافل در ایران مطرح است، آن است که آیا تفاوت‌های اقتصادی میان ایران و دیگر کشورها بر اجرایی‌سازی تکافل در ایران تأثیرگذار است یا خیر. در ادامه، به بررسی تعدادی از شاخص‌های کلان مالی و اقتصادی ایران و کشورهای صاحب تکافل پرداخته می‌شود.

یکی از عوامل اثرگذار بر خرید و تقاضای بیمه‌نامه از سوی بیمه‌گذاران، سطح قدرت خرید در ایران و سایر کشورهاست. این پرسش مطرح است که آیا در ایران، مانند کشورهای موفق در حوزه تکافل، بیمه‌نامه‌های تکافل به فروش می‌رسند و آیا بازاریابی این نوع بیمه‌نامه‌ها می‌تواند مانند کشورهای پیشرو در حوزه تکافل موفق باشد یا خیر. یکی از عوامل مهم در موفقیت بازاریابی این بیمه‌نامه‌ها، قدرت خرید است. طبیعتاً هرچه قدرت خرید در کشور بالاتر باشد، بازاریابی بیمه‌های تکافل در آن کشور موفق‌تر بوده و میزان فروش و تقاضای بیمه‌نامه‌های تکافل در آن کشور بالاتر خواهد بود.

همان‌طور که در نمودار (۱) مشاهده می‌شود، میزان قدرت خرید در ایران با کشورهای موفق در حوزه تکافل، مانند عربستان سعودی، امارات، مالزی و ترکیه،

فاصله قابل توجهی دارد و به مراتب کمتر از آن‌هاست. بنابراین به نظر می‌رسد یکی از چالش‌های مهم اجرایی‌سازی تکافل و تقاضای بیمه‌نامه‌های تکافل در ایران، پایین بودن سطح قدرت خرید در کشور است.



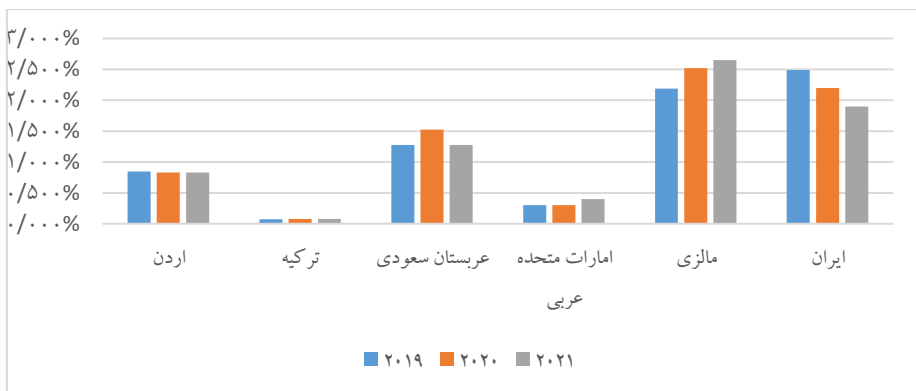
نمودار (۱): قدرت خرید در کشورهای اسلامی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

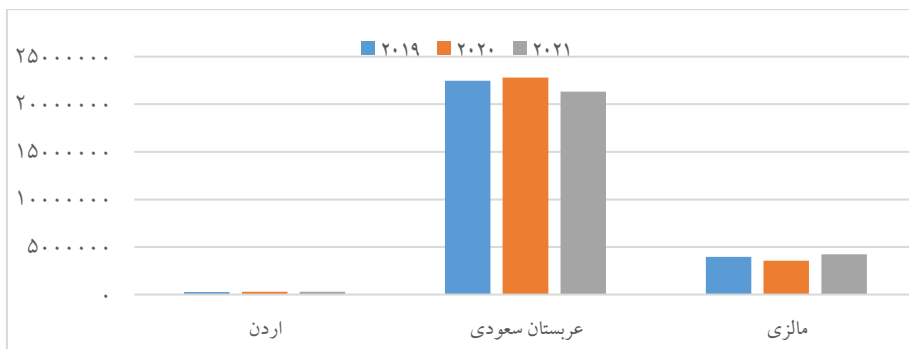
مسئله دیگری که مطرح است، این است که ضریب نفوذ تکافل در کشورهای که تکافل در آن‌ها موفق بوده چگونه بوده است و آیا می‌توان با اجرایی‌سازی تکافل در ایران به ضریبی مشابه ضریب نفوذ تکافل در کشور مالزی دست یافت؟ ضریب نفوذ تکافل در مالزی و ضریب نفوذ بیمه‌های متعارف در عربستان سعودی در سطح بالایی قرار دارد، در حالی که ضریب نفوذ بیمه‌های متعارف در ایران حتی از ضریب نفوذ تکافل در مالزی نیز پایین‌تر است و کل جمعیت تحت پوشش بیمه‌های متعارف در ایران کمتر از جمعیت تحت پوشش بیمه تکافل در مالزی است.

با این تفاسیر، آیا می‌توان انتظار داشت که در صورت اجرایی‌سازی تکافل در ایران، بیمه تکافل در کشور ضریب نفوذ مطلوبی داشته باشد و محصولات تکافل در ایران نیز موفق باشند، یا اینکه در این زمینه با چالش‌ها و مشکلاتی مواجه خواهیم شد؟ در نمودار (۲)، ضریب نفوذ بیمه‌های متعارف در ایران، ضریب نفوذ بیمه تکافل در برخی کشورهای صاحب تکافل و تعداد بیمه‌شدگان تکافل در این کشورها نشان داده

شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، عربستان سعودی با جمعیت ۳۵ میلیون نفر، بیش از ۲۱ میلیون نفر بیمه‌شده تکافل دارد که بیانگر گسترش و رشد بسیار مناسب بیمه تکافل در این کشور است.



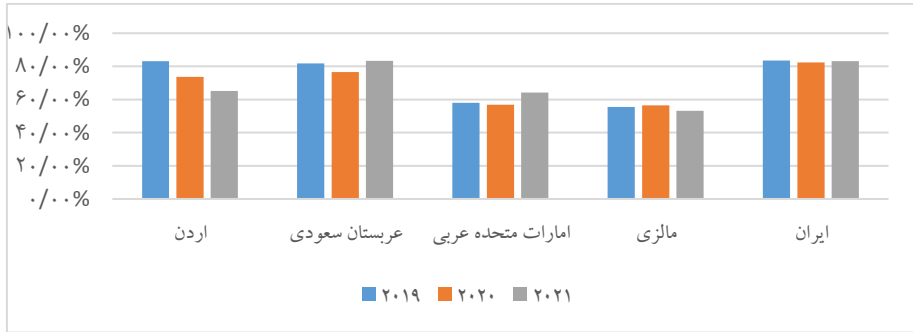
نمودار (۲): ضریب نفوذ بیمه در کشورهای اسلامی
منبع: (یافته‌های تحقیق)



نمودار (۳): تعداد کل بیمه‌شدگان تکافل در کشورهای اسلامی
منبع: (یافته‌های تحقیق)

ضریب خسارت یکی از عواملی است که می‌تواند بر توانگری صندوق تکافل تأثیرگذار باشد. اگر ضریب خسارت بالا باشد، توانگری صندوق کاهش می‌یابد. در ایران، در مقایسه با دیگر کشورهای جهان و همچنین کشورهای صاحب تکافل، ضریب خسارت بالاست. برای مثال، با وجود اینکه سطح پوشش بیمه در عربستان بیش از

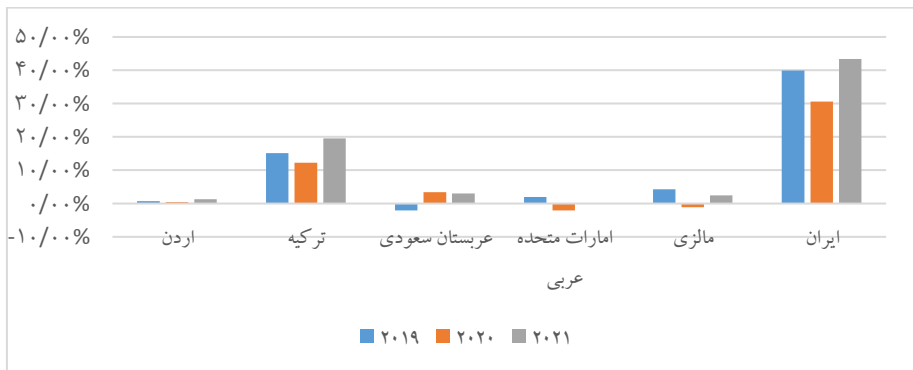
سطح پوشش بیمه در ایران است، اما ضریب خسارت این کشور تقریباً با ضریب خسارت در ایران برابر است یا حتی در برخی سال‌ها کمتر بوده است.



نمودار (۴): ضریب خسارت در کشورهای اسلامی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

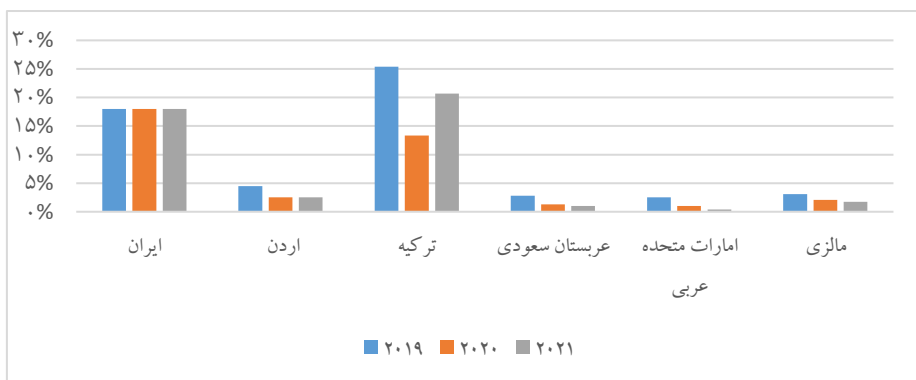
یکی از عواملی که ممکن است سودآوری صندوق تکافل یا توانگری صندوق تکافل را تحت تأثیر قرار دهد، تورم است؛ به طوری که هرچه تورم بالاتر باشد، طبیعتاً تقاضا برای بیمه کاهش می‌یابد و این امر بر توانگری صندوق تأثیر منفی می‌گذارد. همان‌طور که در نمودار (۵) مشاهده می‌شود، نرخ تورم در ایران در مقایسه با کشورهای صاحب تکافل بسیار بالاتر است و این مسئله می‌تواند برای اجرایی‌سازی تکافل در ایران چالش ایجاد کند.



نمودار (۵): نرخ تورم در کشورهای اسلامی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

یکی از مواردی که در تکافل مطرح است، این است که در تکافل، وام بدون بهره به صورت قرض الحسنه اعطا می‌شود. یکی از تفاوت‌های چالش‌برانگیز ایران با کشورهای صاحب تکافل، سطح نرخ سود است. همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود، سطح نرخ سود در ایران بسیار بالاتر از کشورهای صاحب تکافل است. البته باید به این نکته اشاره کرد که در سال‌های اخیر، ترکیه نیز به دلیل تورم‌های بالا، نرخ‌های بهره بالایی داشته است و همین مسئله می‌تواند برای بیمه تکافل در ترکیه مشکلاتی ایجاد کند. در ایران نیز، به دلیل تورم و نرخ‌های بهره بالا، برای اجرایی‌سازی تکافل چالش‌هایی وجود دارد؛ زیرا اعطای وام بدون بهره، که در مدل تکافل از آن استفاده می‌شود، بسیار مشکل خواهد بود.

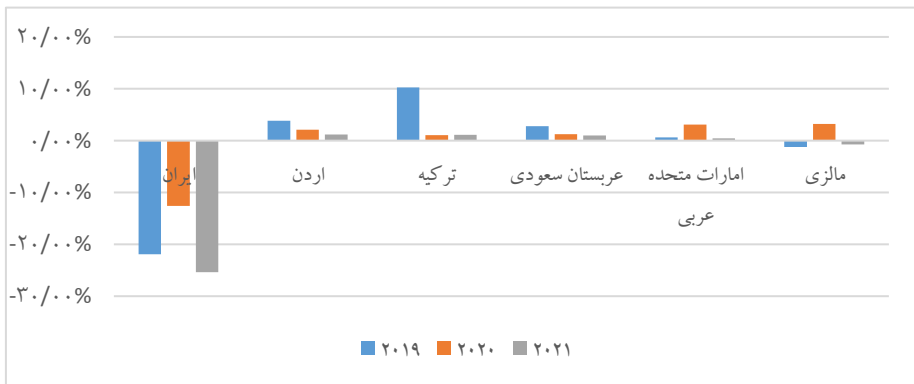


نمودار (۶): نرخ سود در کشورهای اسلامی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر توانگری صندوق‌های بیمه تکافل، بازده واقعی است؛ زیرا حق بیمه‌ها در ابتدای دوره توسط شرکت بیمه گرفته می‌شود، اما خسارت‌ها در طول دوره به وقوع می‌پیوندند و پرداخت خسارت توسط شرکت بیمه در طول دوره انجام می‌شود و تورم خسارت‌های پرداختی باید توسط بازده سرمایه‌گذاری پوشش داده شود. چنانچه بازده سرمایه‌گذاری کمتر از تورم باشد، قطعاً این مسئله بر توانگری صندوق بیمه تکافل تأثیر منفی خواهد داشت و برای صندوق تکافل چالش‌برانگیز خواهد بود.

نمودار (۷) بازده واقعی بانکی را، که حاصل تفاضل تورم از نرخ سود بانکی است، نشان می‌دهد. همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود، بازده واقعی بانکی به‌عنوان حداقل بازده سرمایه‌گذاری در ایران، به‌طور قابل توجهی منفی است. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای پیشرو در حوزه تکافل، نرخ بازده واقعی مثبت است یا در صورت منفی بودن، بسیار به صفر نزدیک است. بنابراین این مسئله می‌تواند بر توانگری صندوق تکافل تأثیر منفی قابل توجهی بگذارد و یکی از چالش‌های اساسی اجرایی شدن تکافل در ایران به‌شمار آید.



نمودار (۷): نرخ بازده واقعی در کشورهای اسلامی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

شاخص‌هایی که به نظر می‌رسد بر تقاضا و بازاریابی تکافل و بیمه، عملکرد و وضعیت مالی شرکت‌های بیمه و تکافل، توانگری و سودآوری صندوق تکافل و ... مؤثر باشند، در این بخش مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۲. روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر ماهیت، در زمره پژوهش‌های کاربردی است. روش تحقیق، تطبیقی و کیفی است. ناظر به سؤال اول، یعنی شناسایی چالش‌های مالی و اقتصادی پیاده‌سازی تکافل در ایران، ابتدا با استفاده از پرسشنامه باز اکتشافی و سپس تحلیل مضمون، با طراحی پرسشنامه‌های باز از خبرگان در خصوص چالش‌های مالی-اقتصادی اجرایی‌سازی تکافل در ایران نظرسنجی به عمل آمد. سپس پاسخ‌های خبرگان در

پرسشنامه‌های باز، تحلیل مضمون و کدگذاری شد. در نهایت، با توجه به نظر خبرگان، چالش‌های مالی - اقتصادی احتمالی اجرایی‌سازی تکافل در ایران استخراج گردید. سپس با بهره‌گیری از روش دلفی و بر پایه مطالعات انجام‌شده، چالش‌های به‌دست‌آمده بر اساس نظر خبرگان اعتبارسنجی و آزمون شد و مهم‌ترین چالش‌های پیاده‌سازی تکافل در ایران شناسایی شد.

ناظر به سؤال دوم، یعنی ارائه راهکارهای سیاستی برای حل چالش‌های مالی - اقتصادی اجرایی‌سازی تکافل در ایران، از روش مصاحبه عمیق و تحلیل تم برای یافتن راهکارهای سیاستی استفاده شد. در مرحله پایانی و برای ارزیابی راهکارهای ارائه‌شده، ابتدا با استفاده از روش دلفی، راهکارهای ارائه‌شده آزمون شد و مهم‌ترین راهکارها بر اساس نظر خبرگان استخراج گردید. سپس با برگزاری گروه کانونی، راه‌حل‌های ارائه‌شده اعتبارسنجی شد.

خبرگانی که در این پژوهش از آن‌ها نظرسنجی به عمل آمد، به‌صورت کاملاً هدفمند و به روش خوشه‌ای و فنی، با تنوع علمی و تخصصی مورد نیاز و بر اساس هدف مقاله - یعنی شناسایی چالش‌های مالی - اقتصادی اجرایی‌سازی تکافل در ایران، بررسی تفاوت‌های شرایط اقتصادی ایران و کشورهای صاحب تکافل و ارائه راهکارهای سیاستی - برگزیده شدند. خبرگان شامل متخصصان اقتصادی (اقتصاد بیمه)، آمار بیمه و اکچوئری، تکافل، فقهی - حقوقی، فقه بورس، بیمه اتکایی، کارشناسان فنی، مالی و سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه، کارشناسان فنی بازار سرمایه و نیز نمایندگان و کارگزاران بیمه، به‌منظور انعکاس دیدگاه و تمایل بیمه‌گذاران بودند. افراد انتخاب‌شده دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر و به‌طور میانگین دارای سابقه کاری ۱۵ سال و بیش‌تر در حوزه بیمه هستند و یکی از کارشناسان تکافل نیز دارای سابقه چندین‌ساله در انجام تحقیقات پژوهشی در حوزه تکافل است. همچنین، دیگر خبرگان تکافل نیز از صنعت بیمه و تکافل امارات، مالزی و ترکیه انتخاب شده‌اند. برخی از این خبرگان نیز از اعضای هیئت علمی پژوهشکده بیمه هستند که در دوره‌های تکافل شرکت کرده‌اند. لازم به ذکر است که خبرگان به‌دلیل محرمانه بودن نظرات شخصی، تمایلی به ذکر نام خود در این پژوهش نداشتند.

۳. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

۳-۱. اجرای روش پرسشنامه باز اکتشافی و تحلیل محتوا جهت استخراج چالش‌های

احتمالی مالی - اقتصادی اجرایی‌سازی تکافل در ایران

همان‌طور که اشاره شد، در این پژوهش برای به‌دست‌آوردن چالش‌های اجرای تکافل، با استفاده از پرسشنامه باز اکتشافی و سپس تحلیل محتوا، با طراحی پرسشنامه‌های باز از خبرگان در خصوص چالش‌های احتمالی اجرایی‌سازی تکافل در ایران نظرسنجی به عمل آمد. در نهایت، با توجه به نظرات خبرگان، چالش‌های مالی - اقتصادی احتمالی اجرایی‌سازی تکافل در ایران استخراج گردید. سپس با استفاده از روش دلفی، این چالش‌ها اعتبارسنجی و مؤلفه‌بندی شد و مهم‌ترین چالش‌های مطرح‌شده استخراج شد که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

ضمناً این چالش‌ها تنها بر تقاضای یک رشته خاص تکافلی اثرگذار نیستند، بلکه بر کلیت تقاضای رشته‌های تکافل تأثیر دارند. ممکن است اثر این چالش‌ها بر تقاضای رشته‌های مختلف تکافل متفاوت باشد، اما در اینجا مقصود، اثر آن‌ها بر کلیت تقاضای تکافل است و نه تنها یک رشته خاص تکافلی.

چالش‌های احتمالی مطرح‌شده توسط خبرگان، با استفاده از پرسشنامه باز اکتشافی و سپس کدگذاری پاسخ‌های خبرگان در پرسشنامه‌های باز با استفاده از روش تحلیل مضمون، در مجموع ۳۰ مورد چالش کدگذاری شده بوده است که در جدول (۱) ارائه می‌شود:

جدول (۱): چالش‌های احتمالی مطرح‌شده توسط خبرگان

ردیف	عنوان چالش‌ها
۱	عدم انگیزه بیمه‌گذار برای آوردن سرمایه شخصی به دلیل تورم
۲	کمتربودن بازدهی صندوق تکافل نسبت به تورم
۳	دریافت سود بسیار اندک از صندوق
۴	ضریب خسارت بالا
۵	بازده کم سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل سرمایه‌گذاری در منابع با نقدشوندگی بالا
۶	بازده کم سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل نرخ سود واقعی منفی

ردیف	عنوان چالش‌ها
۷	کاهش توانایی جبران خسارت به دلیل ضریب خسارت و تورم بالا
۸	حلال بودن بیمه رایج براساس نظر فقهای شیعه و احتمال رعایت نشدن قانون اعداد بزرگ
۹	کاهش سود بیمه‌گر به دلیل عدم انتفاع از سود مضاربه
۱۰	کم‌بودن ظرفیت بیمه‌گری به دلیل سرمایه پشتیبان ناکافی و کم
۱۱	کم‌بودن ظرفیت بیمه‌گری به دلیل تورم بالا
۱۲	کم‌بودن ظرفیت بیمه‌گری به دلیل نرخ سود واقعی منفی
۱۳	کم‌بودن ظرفیت بیمه‌گری به دلیل ضریب خسارت بالا
۱۴	کم‌بودن ظرفیت بیمه‌گری به دلیل ضریب نفوذ کم
۱۵	عدم انگیزه بیمه‌گر برای آوردن سرمایه پشتیبان جهت پوشش لایه‌های سوم به بعد خسارت و بالا بردن حق‌الوکاله
۱۶	عدم دریافت سود توسط شرکت تکافل
۱۷	مضاربه و سود بیمه‌گر از آن و نوع تقسیم سود
۱۸	پرداخت وام بدون بهره با وجود تورم بالا
۱۹	تعدد مازاد خسارت یا خسارت‌های بالاتر از حق‌بیمه در رشته‌های مختلف
۲۰	چگونگی تعیین حق‌الوکاله
۲۱	هزینه تحصیل و هزینه‌های مرتبط با سرمایه پشتیبان
۲۲	حق‌الوکاله بالا به دلیل پرداخت سرمایه اولیه توسط شرکت تکافل جهت پوشش خسارات لایه سوم به بعد
۲۳	محدودیت اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه
۲۴	آسیب‌پذیری نقدینگی صندوق
۲۵	تحریم‌ها و کاهش روابط بین‌الملل جهت جذب مشتریان خارجی
۲۶	هزینه بالای منابع انسانی شرکت
۲۷	عدم تعامل مناسب صنعت بیمه با مراجع قانون‌گذاری کشور
۲۸	قوانین و مقررات برای بیمه‌های بازرگانی (مصوب ۱۳۱۶) و عدم وجود قوانین و مقررات برای تکافل
۲۹	عدم تنوع در محصولات بیمه‌ای و تکافل و عدم تولید محصولات جدید بیمه و تکافل

ردیف	عنوان چالش‌ها
۳۰	عدم شناخت کافی مردم نسبت به تکافل در ایران

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۲-۳. اجرای روش دلفی جهت آزمون و استخراج مهم‌ترین چالش‌ها

در این پژوهش، پس از تدوین الگوی مفهومی پژوهش بر مبنای چالش‌های مستخرج از روش پرسشنامه باز اکتشافی و تحلیل محتوا در مرحله قبل، چالش‌های احصاشده (۳۰ مورد چالش احتمالی) با روش دلفی اعتبارسنجی گردید. فرایند دلفی در دو دور و با مشارکت ۱۲ نفر از خبرگانی که دارای سابقه اجرایی یا مدیریتی و دانش و آگاهی کافی در این حوزه بودند، انجام شد.

همچنین در فرایند دلفی، جهت سنجش روایی شاخص‌ها و مؤلفه‌ها، پس از کدگذاری باز و محوری، نظرات ۱۲ خبره طی دو مرحله با توزیع پرسشنامه به شرح زیر دریافت گردید:

○ مرحله اول: نظرات خبرگان در مورد سؤالات پرسشنامه به صورت «بلی» یا «خیر» دریافت شد و درصد تأیید خبرگی برای هر یک از سؤالات پرسشنامه مشخص گردید.

○ مرحله دوم: با اختصاص امتیاز ۱ تا ۱۰ به میزان اهمیت هر شاخص و سؤال در پرسشنامه، از «خیلی کم» (امتیاز ۱) تا «خیلی زیاد» (امتیاز ۱۰)، و با در نظر گرفتن مبنای میانگین $\leq 3/5$ برای پذیرش هر شاخص، شاخص‌های مهم مشخص شد.

سپس با مشخص شدن نمره چالش‌ها، تعداد ۲۴ چالش مهم (با نمره بزرگ‌تر یا مساوی ۳/۵) استخراج گردید. سپس این ۲۴ چالش در ۷ مؤلفه دسته‌بندی شد و نمره مؤلفه‌ها با میانگین‌گیری از نمره چالش‌های آن مؤلفه استخراج گردید.

کارشناسان، به تعداد ۱۲ نفر، با تخصص‌های اقتصادی (اقتصاد بیمه)، بیمه‌ای و فنی، اکچوئری، تکافل، فقهی-حقوقی، فقه بورس، اتکایی، کارشناسان فنی، مالی و سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه، کارشناس فنی بازار سرمایه و همچنین نمایندگان و کارگزاران بیمه، جهت انعکاس تمایل بیمه‌گذاران انتخاب شدند. افراد انتخاب‌شده

دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر و به‌صورت میانگین دارای سابقه کاری ۱۵ سال و بیش‌تر در حوزه بیمه هستند و کارشناس تکافل نیز دارای تحقیقات پژوهشی چندین‌ساله در حوزه تکافل است.

در مجموع، ۳۰ چالش از مطالعات تطبیقی و نظرسنجی از خبرگان استخراج شد که ۶ چالش از آن‌ها به‌دلیل آن‌که میانگین نمره خبرگان برای آن‌ها کمتر از ۳/۵ بود، حذف گردید. در نهایت، چالش‌ها به تعداد ۲۴ چالش مهم معرفی شد. در ادامه، پس از توضیح مختصری درباره این ۲۴ چالش مهم استخراج‌شده از روش دلفی، این چالش‌ها در انتهای این بخش معرفی می‌شوند و در قالب یک جدول، دسته‌بندی چالش‌ها براساس تحلیل محتوای کیفی انجام‌شده و میانگین امتیاز هر چالش و هر مؤلفه گزارش می‌شود.

۲-۳-۱. انگیزه بیمه‌گر

(۱) پرداخت وام بدون بهره در فرایند اجرای تکافل، در شرایط تورم در ایران، برای بیمه‌گر یک ضدانگیزه است. در نمودار نرخ سود که پیش‌تر آمد، نرخ سود در ایران و برخی از کشورهای صاحب تکافل در سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱ نمایش داده شده است. در این نمودار مشاهده می‌شود که نرخ‌های بهره در ایران، نسبت به نرخ‌های بهره در کشورهای صاحب تکافل (به‌جز ترکیه) در سال‌های اخیر بسیار بالاتر بوده و همین موضوع بیانگر آن است که شرکت بیمه، در فرایند اجرای تکافل، با توجه به شرایط تورمی در ایران، انگیزه‌ای برای پرداخت وام بدون بهره نخواهد داشت و این مسئله یک چالش اساسی در فرایند اجرای تکافل خواهد بود.

(۲) سرمایه بیمه‌گر باید مطابق آیین‌نامه ۱۰۴ سرمایه‌گذاری شود؛ در این صورت، این سرمایه‌گذاری آن بازدهی را که بتواند تورم را پوشش دهد، نخواهد داشت؛ چون بخش مهمی از این سرمایه‌گذاری‌ها را سرمایه‌گذاری در سپرده‌های بانکی یا صندوق‌های با درآمد ثابت تشکیل می‌دهد. همچنین ذخایر مازاد یا سرمایه‌ای که بیمه‌گر تکافل برای پشتیبانی از صندوق تکافل، جهت حفظ توانگری صندوق، باید اختصاص دهد، منجر به پدیده خواب سرمایه خواهد شد. در نمودار نرخ سود

واقعی که پیش‌تر آمد، مشاهده می‌کنید که نرخ سود واقعی نشان می‌دهد قدرت خرید سرمایه، اگر بهره بانکی به آن تعلق گیرد، دچار چه تغییراتی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که آن نمودار بیانگر آن است که در ایران، قدرت خرید سرمایه، حتی اگر بهره بانکی هم به آن تعلق گیرد، بر اثر تورم کاهش می‌یابد و نرخ سود واقعی در ایران به شدت منفی است، در حالی که در کشورهای صاحب تکافل، نرخ سود واقعی در حدود صفر یا حتی مثبت است.

(۳) به دلیل اینکه ممکن است شیعیان، به علت فتوای امام خمینی (ره) که استفاده از بیمه متعارف را جایز می‌داند و با توجه به این که اکثر جمعیت ایران نیز شیعه هستند، بر خلاف اهل سنت که مطابق فتوای علمای خود استفاده از بیمه متعارف را جایز نمی‌دانند و به همین دلیل انگیزه بیشتری نسبت به شیعیان برای استفاده از محصولات تکافلی دارند، متقاضی تکافل نباشند و احتمال دارد مشتریان تکافل در ایران کم باشد؛ مگر این که محصولات تکافل به اندازه محصولات بیمه رایج جذاب باشند و محصولات تکافل نسبت به بیمه‌های رایج دارای مزیت‌هایی باشند که شیعیان انگیزه لازم برای استفاده از محصولات تکافل را داشته باشند و صرفاً انگیزه دینی برای ایجاد انگیزه در میان شیعیان برای استفاده از محصولات تکافل کفایت نمی‌کند.

(۴) سود بیمه‌گر از کل فرایند بیمه‌گری، از ناحیه بازده سرمایه‌گذاری منابع ناشی از ذخایر است. در تکافل، بازده ناشی از سرمایه‌گذاری به بیمه‌گذار بازمی‌گردد. در نتیجه، بیمه‌گری که در بیمه‌های متعارف از بازده سرمایه‌گذاری ذخایر منتفع است، در بیمه‌های تکافل، کل آن بازده را از دست می‌دهد.

۲-۳-۲. انگیزه بیمه‌گذار

(۱) در بیمه‌های متعارف، بیمه‌گذار تنها حق بیمه را پرداخت می‌کند؛ اما در تکافل، بیمه‌گذار علاوه بر آن باید سرمایه شخصی خود را نیز وارد صندوق کند. با توجه به نمودار قدرت خرید که پیش‌تر ارائه شد - که نشان‌دهنده قدرت خرید در ایران و کشورهای صاحب تکافل است - و با توجه به پایین بودن قدرت خرید در ایران

نسبت به این کشورها، تأمین این سرمایه توسط بیمه‌گذار دشوارتر خواهد بود. در نتیجه این موضوع یک عامل ضدانگیزه برای تکافل نسبت به بیمه‌های رایج محسوب می‌شود. همچنین با توجه به تورم بالا در ایران و این که نرخ بازدهی سرمایه در صندوق تکافل کمتر از نرخ تورم است، این عامل ضدانگیزه تقویت خواهد شد.

(۲) با توجه به بالا بودن ضریب خسارت در ایران و نیز این که تورم خسارت‌های پرداختی بیش از سود مضاربه صندوق است، میزان سود ناشی از سرمایه‌گذاری ذخایر صندوق تکافل که به بیمه‌گذار تعلق می‌گیرد، بسیار ناچیز خواهد بود. این در حالی است که یکی از انگیزه‌های بیمه‌شونده تکافل برای ورود به عملیات تکافل، استفاده از سود صندوق تکافل است؛ اما با توجه به شرایط فوق، این سود اندک خواهد بود و سرمایه‌گذاری در صندوق تکافل برای بیمه‌شونده ارزش چندانی نخواهد داشت. در نتیجه انگیزه بیمه‌گذار برای استفاده از سود صندوق کاهش می‌یابد. علت این مسئله آن است که نرخ رشد خسارت‌های پرداختی (تورم) بیش از بازده سرمایه‌گذاری حق بیمه‌هاست. همان‌طور که در نمودار نرخ بازده واقعی که پیش‌تر آمد مشاهده می‌شود، نرخ بازده واقعی در ایران به شدت منفی است، در حالی که در کشورهای صاحب تکافل مانند مالزی، عربستان سعودی، ترکیه و ... نرخ سود واقعی نزدیک به صفر یا اندکی مثبت است.

(۳) در تکافل، به جای آنکه شرکت بیمه علاوه بر حق بیمه پرداختی بیمه‌شوندگان، سرمایه‌ای به صندوق اضافه کند، این سرمایه باید توسط بیمه‌گذار تأمین شود؛ یعنی بیمه‌گذار علاوه بر پرداخت حق بیمه، باید سرمایه شخصی خود را نیز به صندوق تکافل اضافه کند. اما نکته‌ای که اینجا وجود دارد و به‌عنوان یک ضدانگیزه برای بیمه‌گذار به شمار می‌آید آن است که بازده واقعی صندوق تکافل منفی است و بازده سرمایه‌گذاری در صندوق تکافل - به دلیل کمتر بودن از نرخ تورم - حتی نمی‌تواند تورم را پوشش دهد. در حالی که بیمه‌گذار می‌تواند همین سرمایه را در کالاهای فیزیکی، طلا یا سایر دارایی‌هایی که بازدهی آن‌ها به اندازه تورم یا حتی بیشتر است سرمایه‌گذاری کند و بازده واقعی مثبت به دست آورد. بنابراین

سرمایه‌گذاری در صندوق تکافل با بازده واقعی منفی، یک عامل ضدانگیزه محسوب می‌شود. این وضعیت در کشورهای صاحب تکافل مانند مالزی وجود ندارد، زیرا بازده سرمایه‌گذاری در صندوق تکافل یا همان نرخ مضاربه برابر یا بیش از نرخ تورم است و نرخ سود واقعی در آن کشورها مثبت است.

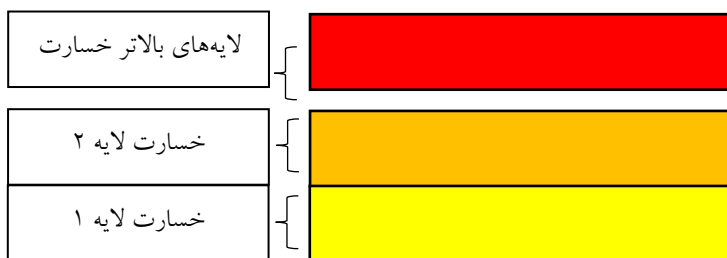
(۴) به دلیل آنکه ممکن است شیعیان، بر اساس فتوای امام خمینی (ره) که استفاده از بیمه متعارف را جایز می‌داند - و با توجه به اکثریت شیعه در ایران - برخلاف اهل سنت که مطابق فتوای علمای خود استفاده از بیمه متعارف را جایز نمی‌دانند و به همین دلیل انگیزه بیشتری برای استفاده از محصولات تکافلی دارند، نسبت به استفاده از تکافل تمایل کمتری داشته باشند، احتمال دارد تعداد متقاضیان تکافل در ایران کم باشد؛ مگر آن‌که محصولات تکافل به اندازه بیمه‌های رایج جذاب باشند و مزایایی نسبت به آن‌ها داشته باشند. بنابراین صرفاً انگیزه دینی برای ایجاد تمایل در میان شیعیان جهت استفاده از تکافل کافی نیست.

(۵) نقدینگی و توانایی صندوق در پرداخت خسارت: برای پوشش خسارت‌ها، سه لایه منابع مالی نقدشونده مورد نیاز است. همان‌طور که در شکل (۱) مشاهده می‌شود:

○ لایه اول خسارت: حداکثر تا جایی که حق بیمه دریافتی، منهای هزینه تحصیل، کفاف پوشش آن را می‌دهد.

○ لایه دوم خسارت: لایه اول مازاد خسارت است. احتمال وقوع این لایه نسبتاً زیاد است و بنابراین منابع مالی برای پوشش آن باید نقدشوندگی بالایی داشته باشند.

چالش‌های مؤلفه سوم که در ادامه بیان می‌شود، مربوط به این بخش از لایه خسارت است.



شکل (۱): لایه‌های مختلف خسارت

منبع: (یافته‌های تحقیق)

- (۱) برخلاف کشورهای صاحب تکافل، همان‌طور که پیش‌تر درباره تورم توضیح داده شد، نرخ تورم در ایران نسبت به بازده سرمایه‌گذاری صندوق در قالب مضاربه بیشتر است؛ زیرا منابع صندوق در قالب عقد مضاربه باید در دارایی‌هایی سرمایه‌گذاری شوند که نقدشوندگی بالایی دارند و انتظار نمی‌رود سود مضاربه - با کسر سهم مضاربه‌شونده - فاصله چندانی با نرخ سود بانکی داشته باشد یا به اندازه نرخ تورم در ایران برسد. همان‌گونه که در نمودار نرخ بازده واقعی و مقایسه آن با کشورهای صاحب تکافل (که پیش‌تر ارائه شد) مشاهده می‌شود، این موضوع کاملاً مشهود است. این وضعیت باعث می‌شود ریسک نقدینگی صندوق در ایران نسبت به کشورهای مذکور بیشتر باشد؛ زیرا با افزایش تورم و عقب‌ماندن سود مضاربه از نرخ تورم (بر خلاف کشورهای مذکور که سود مضاربه از تورم بیشتر است)، احتمال کاهش نقدینگی برای پوشش خسارت‌های متأثر از تورم افزایش می‌یابد.
- (۲) از سوی دیگر، همان‌طور که در نمودار ضریب خسارت که پیش‌تر آمد مشاهده می‌شود، ضریب خسارت در ایران نسبت به کشورهای موفق در حوزه تکافل مانند مالزی و امارات متحده عربی بسیار بالاتر است. این وضعیت، توان نقدینگی صندوق تکافل برای پوشش خسارت‌ها در ایران را نسبت به کشورهای مذکور آسیب‌پذیرتر می‌کند.
- (۳) چالش دیگر در رابطه با آسیب‌پذیری نقدینگی صندوق تکافل در ایران، موضوع قانون اعداد بزرگ است. با توجه به این‌که اکثر جمعیت ایران شیعه هستند و از نظر شرعی نیازی به جایگزینی تکافل به جای بیمه‌های متعارف احساس نمی‌کنند - و با توجه به نمودار ضریب نفوذ و تعداد بیمه‌شوندگان در کشورهای صاحب تکافل و مقایسه آن با ایران - احتمال کم بودن تعداد بیمه‌شوندگان تکافل در ایران وجود دارد. بر اساس قانون اعداد بزرگ، در صورتی که تعداد بیمه‌شوندگان کم باشد، آماره‌های به‌دست‌آمده از ریسک صندوق با پارامترهای واقعی جامعه و میزان خسارت جامعه سازگار نخواهد بود. از این رو احتمال خطا در برآورد نرخ‌ها و حق‌بیمه‌ها افزایش می‌یابد و این مسئله می‌تواند شرایط پیشی‌گرفتن خسارت‌ها

نسبت به حق بیمه‌ها را فراهم کند. این وضعیت نقدینگی صندوق تکافل در ایران را نسبت به سایر کشورهای موفق در حوزه تکافل آسیب‌پذیرتر می‌سازد.

(۴) همان‌طور که در شکل (۱) مشاهده می‌شود، پس از لایه اول مازاد خسارت، لایه‌های سوم به بعد خسارت وجود دارند. این لایه‌ها در بیمه‌ها احتمال وقوع پایینی دارند، اما به معنای عدم نیاز به سرمایه پشتیبان نیست. سرمایه پشتیبان این بخش نشانگر توانگری صندوق تکافل است. عمده خسارت‌های این بخش ناشی از حوادث طبیعی است. با توجه به احتمال کم وقوع این خسارت‌ها، این بخش نیازمند منابع مالی با نقدشوندگی بالا نیست. از چالش‌های مربوط به توانگری صندوق تکافل در ایران آن است که با توجه به این‌که شرکت تکافل تنها حق الوکاله خود را دریافت می‌کند، حق بیمه‌ها متعلق به شرکت نیست. در اختیار گذاشتن سرمایه شرکت برای پوشش این بخش از خسارت یا با نبود انگیزه در بیمه‌گر همراه است یا سبب می‌شود بیمه‌گر نرخ حق الوکاله را به شدت افزایش دهد. دلیل این چالش، ضریب خسارت بالای ایران نسبت به سایر کشورهاست و با توجه به شرایط جغرافیایی ایران، در بسیاری از بیمه‌نامه‌ها احتمال وقوع خسارت در این لایه بیشتر از کشورهای مورد مقایسه است.

۲۴ چالش مهم معرفی شده، مطابق جدول (۲) ارائه می‌شود:

جدول (۲): چالش‌های اجرایی‌سازی تکافل در ایران

ردیف	چالش‌ها
۱	عدم انگیزه بیمه‌گذار برای آوردن سرمایه شخصی به دلیل تورم
۲	کمتر بودن بازدهی صندوق تکافل نسبت به تورم
۳	دریافت سود بسیار اندک از صندوق
۴	ضریب خسارت بالا
۵	بازده کم سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل سرمایه‌گذاری در منابع با نقدشوندگی بالا
۶	بازده کم سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل نرخ سود واقعی منفی
۷	کاهش توانایی جبران خسارت به دلیل ضریب خسارت و تورم بالا
۸	حلال بودن بیمه رایج بر اساس نظر فقهای شیعه و احتمال رعایت نشدن قانون اعداد بزرگ

ردیف	چالش‌ها
۹	کاهش سود بیمه‌گر به دلیل عدم انتفاع از سود مضاربه
۱۰	کم بودن ظرفیت بیمه‌گری به دلیل سرمایه پشتیبان ناکافی و کم
۱۱	کم بودن ظرفیت بیمه‌گری به دلیل تورم بالا
۱۲	کم بودن ظرفیت بیمه‌گری به دلیل نرخ سود واقعی منفی
۱۳	کم بودن ظرفیت بیمه‌گری به دلیل ضریب خسارت بالا
۱۴	کم بودن ظرفیت بیمه‌گری به دلیل ضریب نفوذ کم
۱۵	عدم انگیزه بیمه‌گر برای آوردن سرمایه پشتیبان جهت پوشش لایه‌های سوم به بعد خسارت و بالا بردن حق‌الوکاله
۱۶	عدم دریافت سود توسط شرکت بیمه تکافل
۱۷	مضاربه و سود بیمه‌گر از آن و نوع تقسیم سود
۱۸	پرداخت وام بدون بهره با وجود تورم بالا
۱۹	تعدد مازاد خسارت یا خسارت‌های بالاتر از حق بیمه در رشته‌های مختلف
۲۰	چگونگی تعیین حق‌الوکاله
۲۱	هزینه تحصیل و هزینه‌های مرتبط با سرمایه پشتیبان
۲۲	حق‌الوکاله بالا به دلیل پرداخت سرمایه اولیه توسط شرکت تکافل جهت پوشش خسارات لایه سوم به بعد
۲۳	محدودیت اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه
۲۴	آسیب‌پذیری نقدینگی صندوق

منبع: (یافته‌های تحقیق)

نمره‌های داده شده توسط خبرگان به چالش‌ها و مجموع و میانگین نمرات مربوط به هر چالش به صورت جدول (۳) می‌باشد:

جدول (۳): نمرات داده‌شده توسط خبرگان برای اهمیت هر چالش

ردیف	چالش‌ها	اهمیت چالش از نظر خبرگان (۱۲ نفر)	مجموع	میانگین
۱	عدم انگیزه بیمه‌گذار برای آوردن سرمایه شخصی به دلیل تورم	(۱۰،۱۰،۱۰،۱۰،۱۰،۱۰،۱۰،۱۰،۱۰،۱۰،۹،۱۰،۱۰،۱۰،۱۰،۱۰،۱۰،۱۰،۹،۱۰)	۱۱۸	۹،۸۳

ردیف	چالش‌ها	اهمیت چالش از نظر خبرگان (۱۲ نفر)	مجموع	میانگین
۲	کمتر بودن بازدهی صندوق تکافل نسبت به تورم	(۸.۷، ۱۰.۹، ۱۰.۶، ۱۰.۹، ۱۰.۴)	۹۹	۸.۲۵
۳	دریافت سود بسیار اندک از صندوق	(۸.۴، ۶.۸، ۷.۶، ۵.۹، ۷.۷، ۸.۱۰)	۸۵	۷.۰۸
۴	ضریب خسارت بالا	(۵.۶، ۴.۷، ۵.۲، ۵.۷، ۶.۴، ۵)	۶۴	۵.۳۳
۵	بازده کم سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل سرمایه‌گذاری در منابع با نقدشوندگی بالا	(۴.۵، ۵.۶، ۷.۴، ۳.۹، ۱.۷، ۳.۴)	۵۸	۴.۸۳
۶	بازده کم سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل نرخ سود واقعی منفی	(۸.۸، ۹.۷، ۷.۱، ۱۰.۸، ۴.۱۰، ۹.۹، ۸)	۹۷	۸.۰۸
۷	کاهش توانایی جبران خسارت به دلیل ضریب خسارت و تورم بالا	(۵.۴، ۶.۷، ۳.۵، ۵.۷، ۸.۵، ۴.۲)	۶۱	۵.۰۸
۸	حلال بودن بیمه رایج بر اساس نظر فقهای شیعه و احتمال رعایت نشدن قانون اعداد بزرگ	(۱۰.۱۰، ۸.۶، ۵.۸، ۸.۱۰، ۹.۹، ۷.۸)	۹۸	۸.۱۷
۹	کاهش سود بیمه‌گر به دلیل عدم انتفاع از سود مضاربه	(۵.۴، ۶.۶، ۵.۷، ۳.۸، ۸.۶، ۴.۳)	۶۵	۵.۴۲
۱۰	کم بودن ظرفیت بیمه‌گری به دلیل سرمایه پشتیبان ناکافی و کم	(۶.۵، ۸.۴، ۶.۹، ۶.۵، ۴.۳، ۸.۷)	۷۱	۵.۹۲

ردیف	چالش‌ها	اهمیت چالش از نظر خبرگان (۱۲ نفر)	مجموع	میانگین
۱۱	کم بودن ظرفیت بیمه‌گری به دلیل تورم بالا	(۷،۷،۸،۹،۶،۵،۶،۶،۷،۴،۳،۶)	۷۴	۶،۱۷
۱۲	کم بودن ظرفیت بیمه‌گری به دلیل نرخ سود واقعی منفی	(۷،۸،۹،۹،۷،۵،۶،۴،۷،۸،۱۰،۶)	۸۶	۱۷،۱۷
۱۳	کم بودن ظرفیت بیمه‌گری به دلیل ضریب خسارت بالا	(۵،۴،۶،۶،۷،۴،۲،۵،۹،۶،۴،۴)	۶۲	۵،۱۷
۱۴	کم بودن ظرفیت بیمه‌گری به دلیل ضریب نفوذ کم	(۶،۶،۷،۵،۴،۴،۸،۶،۹،۳،۷،۸)	۷۳	۶،۰۸
۱۵	عدم انگیزه بیمه‌گر برای آوردن سرمایه پشتیبان جهت پوشش لایه‌های سوم به بعد خسارت و بالا بردن حق‌الوکاله	(۶،۶،۵،۷،۴،۸،۱۰،۳،۵،۷،۸،۷)	۷۶	۶،۳۳
۱۶	عدم دریافت سود توسط شرکت بیمه تکافل	(۵،۶،۷،۳،۷،۴،۶،۶،۵،۶،۹،۵)	۶۹	۵،۷۵
۱۷	مضاربه و سود بیمه‌گر از آن و نوع تقسیم سود	(۵،۴،۶،۷،۳،۸،۲،۶،۶،۴،۴،۳)	۵۸	۴،۸۳
۱۸	پرداخت وام بدون بهره با وجود تورم بالا	(۷،۷،۶،۸،۸،۹،۵،۵،۹،۶،۹،۳)	۸۲	۶،۸۳
۱۹	تعدد مازاد خسارت یا خسارت‌های بالاتر از حق بیمه در رشته‌های مختلف	(۵،۶،۴،۶،۷،۳،۴،۵،۶،۶،۹،۳)	۶۴	۵،۳۳۳۳۳

ردیف	چالش‌ها	اهمیت چالش از نظر خبرگان (۱۲ نفر)	مجموع	میانگین
۲۰	چگونگی تعیین حق‌الوکاله	(۴،۳،۲،۵،۶،۷،۸،۱،۳،۳،۳،۲)	۴۷	۳.۹۲
۲۱	هزینه تحصیل و هزینه‌های مرتبط با سرمایه پشتیبان	(۴،۵،۶،۳،۳،۴،۲،۸،۵،۴،۳،۲)	۴۹	۴.۰۸
۲۲	حق‌الوکاله بالا به دلیل پرداخت سرمایه اولیه توسط شرکت تکافل جهت پوشش خسارات لایه سوم به بعد	(۶،۷،۵،۴،۸،۶،۸،۵،۷،۳،۹،۶)	۷۴	۶.۱۷
۲۳	محدودیت اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه	(۷،۸،۹،۶،۵،۷،۶،۷،۸،۷،۹)	۸۶	۷.۱۷
۲۴	آسیب‌پذیری نقدینگی صندوق	(۹،۱۰،۱۰،۸،۹،۱۰،۸،۱۰،۸،۱۰،۹،۵،۳)	۹۹	۸.۲۵

منبع: (یافته‌های تحقیق)

پس می‌توان گفت مهم‌ترین چالش‌ها از نظر خبرگان، به ترتیب، عدم انگیزه بیمه‌گذار برای آوردن سرمایه شخصی به دلیل تورم، کمتر بودن بازدهی صندوق تکافل نسبت به تورم و آسیب‌پذیری نقدینگی صندوق است. کم‌اهمیت‌ترین چالش نیز چگونگی تعیین حق‌الوکاله است. در ادامه، این چالش‌ها در ۷ مؤلفه دسته‌بندی شدند و نمره هر مؤلفه با میانگین‌گیری از نمرات چالش‌های مربوط به آن به دست آمد.

جدول (۴): مؤلفه‌بندی و امتیازات هر چالش و هر مؤلفه

ردیف	چالش‌ها	نمره چالش‌ها	مؤلفه‌ها	نمره مؤلفه‌ها
۱	عدم انگیزه بیمه‌گذار برای آوردن سرمایه شخصی به دلیل تورم	۹.۸۳	سرمایه پشتیبان	۶.۹۵

ردیف	چالش‌ها	نمره چالش‌ها	مؤلفه‌ها	نمره مؤلفه‌ها
۲	هزینه تحصیل و هزینه‌های مرتبط با سرمایه پشتیبان	۴۰۰۸		
۳	کمتر بودن بازدهی صندوق تکافل نسبت به تورم	۸۰۲۵	بازدهی و سود اندک صندوق تکافل	۶۰۳۲
۴	دریافت سود بسیار اندک از صندوق	۷۰۰۸		
۵	بازده کم سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل سرمایه‌گذاری در منابع با نقدشوندگی بالا	۴۰۸۳		
۶	بازده کم سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل نرخ سود واقعی منفی	۸۰۰۸		
۷	کاهش سود بیمه‌گر به دلیل عدم انتفاع از سود مضاربه	۵۰۴۲		
۸	عدم دریافت سود توسط شرکت بیمه تکافل	۵۰۷۵		
۹	مضاربه و سود بیمه‌گر از آن و نوع تقسیم سود	۴۰۸۳		
۱۰	ضریب خسارت بالا	۵۰۳۳		
۱۱	کاهش توانایی جبران خسارت به دلیل ضریب خسارت و تورم بالا	۵۰۰۸		
۱۲	تعدد مازاد خسارت یا خسارت‌های بالاتر از حق بیمه در رشته‌های مختلف	۵۰۳۳		
۱۳	آسیب‌پذیری نقدینگی صندوق	۸۰۱۹	نقدینگی صندوق	۸۰۱۸
۱۴	حلال بودن بیمه رایج بر اساس نظر فقهای شیعه و احتمال رعایت نشدن قانون اعداد بزرگ	۸۰۱۷		
۱۵	کم بودن ظرفیت بیمه‌گری به دلیل سرمایه پشتیبان ناکافی و کم	۵۰۹۲	کم بودن ظرفیت بیمه‌گری	۶۰۱۰
۱۶	کم بودن ظرفیت بیمه‌گری به دلیل تورم بالا	۶۰۱۷		

ردیف	چالش‌ها	نمره چالش‌ها	مؤلفه‌ها	نمره مؤلفه‌ها
۱۷	کم بودن ظرفیت بیمه‌گری به دلیل نرخ سود واقعی منفی	۷.۱۷		
۱۸	کم بودن ظرفیت بیمه‌گری به دلیل ضریب خسارت بالا	۵.۱۷		
۱۹	کم بودن ظرفیت بیمه‌گری به دلیل ضریب نفوذ کم	۶.۰۸		
۲۰	عدم انگیزه بیمه‌گر برای آوردن سرمایه پشتیبان جهت پوشش لایه‌های سوم به بعد خسارت و بالابردن حق‌الوکاله	۶.۳۳	حق‌الوکاله	۵.۴۷
۲۱	چگونگی تعیین حق‌الوکاله	۳.۹۲		
۲۲	حق‌الوکاله بالا به دلیل پرداخت سرمایه اولیه توسط شرکت تکافل جهت پوشش خسارات لایه سوم به بعد	۶.۱۷		
۲۳	پرداخت وام بدون بهره با وجود تورم بالا	۶.۸۳	وام بدون بهره	۷
۲۴	محدودیت اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه	۷.۱۷		

منبع: (یافته‌های تحقیق)

پس می‌توان گفت مهم‌ترین مؤلفه در چالش‌های پیاده‌سازی تکافل در ایران، مربوط به نقدینگی صندوق است و کم‌اهمیت‌ترین مؤلفه در میان این مؤلفه‌ها، مؤلفه ضریب خسارت است.

۲-۴. اجرای روش مصاحبه عمیق جهت یافتن راهکارهای مربوط به چالش‌ها

همانطور که گفته شد برای یافتن راهکارها ابتدا به سراغ مصاحبه با خبرگان رفته و با آنها مصاحبه شد. در این پژوهش برای انجام مصاحبه از مصاحبه ساختاریافته استفاده شد. برای انجام این کار بین ۱۲ نفر از خبرگان پرسشنامه توزیع و در نهایت جمع‌آوری گردید.

جهت محاسبه روایی ابزار اندازه‌گیری این تحقیق، روایی صوری پرسشنامه توسط اساتید و خبرگان مورد تایید قرار گرفت. همچنین روایی محتوایی پرسشنامه، توسط اساتید و خبرگان بررسی و تایید شده و بین جامعه آماری آن که شامل خبرگان صنعت بیمه هستند، توزیع گردیده است.

کلیه خبرگانی که در این تحقیق از آنها نظرسنجی به عمل آمد، در ابتدا پرسشنامه به صورت حضوری و مصاحبه ای بین آنها توزیع گردید و تکمیل شد. پس از جمع آوری نظر همه خبرگان و انجام تحلیل مضمون، دوباره به همه آن خبرگان به صورت حضوری مراجعه شد و نظرات همه خبرگان در اختیار آنها قرار گرفت و اگر در مورد نظرات دیگر خبرگان سوال یا ابهامی برای آنها وجود داشت کاملاً رفع ابهام شد. کلیه مصاحبه شوندگان نتایج تحلیل مضمون را بررسی و تایید کردند و روایی تحلیل مضمون مورد تایید همه خبرگان مصاحبه شوند قرار گرفت. همچنین همه خبرگان نظرات دیگر خبرگان را نیز مورد بررسی قرار داده و تایید نمودند. بدین ترتیب خبرگان نظرات یکدیگر را مورد تایید قرار دادند و پایایی تحلیل مضمون نیز توسط خبرگان مورد تایید قرار گرفت. همچنین جهت اطمینان بیشتر از روایی و پایایی تحلیل مضمون، چند پژوهشگر مقاله حاضر نیز، هر یک اقدام به کدگذاری مجدد داده‌ها و نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نموده و نتایج آنها با یکدیگر مقایسه شده است تا اطمینان حاصل شود که نتایج تحلیل مضمون مصاحبه‌ها، روایی و پایایی لازم را دارا هستند و روایی و پایایی تحلیل مضمون توسط اساتید مورد تایید قرار گرفت.

همچنین، برای اطمینان بیشتر از روایی و پایایی تحلیل مضمون، چند نفر از پژوهشگران مقاله حاضر، هر یک به‌طور مستقل اقدام به کدگذاری مجدد داده‌ها و نتایج حاصل از مصاحبه‌ها کردند و نتایج آنها با یکدیگر مقایسه شد تا اطمینان حاصل شود که نتایج تحلیل مضمون مصاحبه‌ها، روایی و پایایی لازم را داراست. روایی و پایایی تحلیل مضمون نیز توسط اساتید مورد تایید قرار گرفت.

۲-۵. اجرای روش تحلیل مضمون

پس از انجام مصاحبه، مصاحبه‌ها مقوله‌بندی و کدگذاری شد و هر بخش به چالش‌های مرتبط با خود پیوند داده شد. همه راهکارهای مستخرج از پرسشنامه‌ها در قالب مضمون تنظیم شد. سپس راهکارها مقوله‌بندی شد و هر راهکار به چالش مربوط به خود مرتبط شد. در جدول قسمت بعد، راهکارها در قالب شش مقوله دسته‌بندی شده‌اند که عبارت‌اند از: سرمایه پشتیبان، توانگری، ایجاد انگیزه در بیمه‌گذاران و شیعیان، سرمایه‌گذاری، ضریب خسارت و شفافیت و حذف تقلبات.

۲-۵-۱. نتایج کدگذاری‌ها و تحلیل مضمون

در این قسمت، نتایج کدگذاری‌ها و تحلیل مضمون مصاحبه‌ها به شرح جدول (۴) ارائه شده است:

جدول (۵): کدگذاری و تحلیل مضمون و مقوله‌بندی چالش‌ها

ردیف	راهکارها	کد	شماره چالش مربوطه	کد مصاحبه
۱	کاهش ضریب خسارت در تکافل نسبت به بیمه‌های رایج و افزایش مسئولیت‌پذیری افراد بیمه‌شده	ضریب خسارت	۴	۷،۱۱
۲	محاسبه دقیق حق‌بیمه و تقویت مدیریت ریسک جهت افزایش توان جبران خسارت	ضریب خسارت	۷،۱۹	۷،۱۲،۹
۳	کمک به پذیرش عمومی تکافل در بلندمدت	توانگری	۸	۹
۴	استفاده از تشکل‌های تخصصی برای انجام تکافل به صورت گروه‌های بزرگتر	توانگری	۱۰،۱۱،۱۲	۷
۵	استفاده از ظرفیت نهادهای	ضریب خسارت	۱۹	۷

ردیف	راهکارها	کد	شماره چالش مربوطه	کد مصاحبه
	رگولاتوری صنعت بیمه (نهاد تنظیم‌گری) جهت رفع تعارض منافع			
۶	استفاده از ظرفیت‌های افراد مشمول به عنوان تضمین‌دارایی‌ها	سرمایه پشتیبان	۲۰،۲۱	۷
۷	پرداخت سرمایه شخصی بیمه‌گذار در صندوق تکافل با طلا یا ارز معتبر	سرمایه پشتیبان	۱۶،۷،۱۱،۱۲	۳،۵
۸	عملکرد مناسب صندوق تکافل	توانگری	۸،۱۱	۱۱
۹	پیش‌بینی جریان سرمایه پشتیبان و ظرفیت بیمه‌گری در آیین‌نامه‌ها	سرمایه پشتیبان - توانگری	۱۰	۵
۱۰	نرخ‌گذاری دقیق و با لحاظ ریسک پیش‌بینی نشده	توانگری	۱۰،۱۳،۱۴	۵،۱۲
۱۱	پیش‌بینی جریان (افزایش) ظرفیت بیمه‌گری و کاهش ضریب خسارت در آیین‌نامه‌ها	توانگری - ضریب خسارت	۱۳	۵
۱۲	پیش‌بینی جریان و جذب سرمایه پشتیبان از طریق راهکارهایی به جز آوردن سرمایه پشتیبان توسط بیمه‌گر و بالابردن حق‌الوکاله	سرمایه پشتیبان	۱۴	۵
۱۳	پیش‌بینی دقیق حق‌الوکاله و	سرمایه پشتیبان	۲۰،۲۱	۵

ردیف	راهکارها	کد	شماره چالش مربوطه	کد مصاحبه
	سرمایه پشتیبان در آیین‌نامه‌ها			
۱۴	عدم انجام و حذف وام بدون بهره از فرآیند	توانگری	۱۸	۵،۷
۱۵	پیش‌بینی شیوه تأمین مالی و جبران هزینه‌های مرتبط با مازاد خسارت یا خسارت‌های بالاتر از حق‌بیمه در آیین‌نامه‌ها	ضریب خسارت	۱۹	۵
۱۶	قرار دادن سرمایه مشتری در مسیر تورم	سرمایه‌گذاری	۱	۳،۱۱
۱۷	پرداخت سود به صورت غیرنقدی مثل طلا	سرمایه‌گذاری	۱	۳
۱۸	استفاده از راهکارهای تشویقی برای متصدی تکافل جهت بالابردن بازدهی صندوق	سرمایه‌گذاری	۲	۳
۱۹	کاهش خسارات با آموزش و تشویق مشتریان تکافل	ضریب خسارت	۴،۷،۱۳،۱۹	۱۱
۲۰	افزایش نرخ بازدهی صندوق با سرمایه‌گذاری‌های متناسب با تورم	سرمایه‌گذاری	۱،۲،۳،۵،۶،۱۶	۱۰،۳،۱۱
۲۱	تأکید بر مشارکت متکافلین در کار خیر و کاهش ضریب خسارت در تکافل	ضریب خسارت	۴	۱۲
۲۲	سرمایه‌گذاری بخش قابل‌توجهی از منابع در دارایی‌های با نقدشوندگی	سرمایه‌گذاری	۵	۳

ردیف	راهکارها	کد	شماره چالش مربوطه	کد مصاحبه
	کمتر جهت افزایش بازدهی			
۲۳	سرمایه‌گذاری منابع در دارایی‌های غیربانکی با بازدهی بالا	سرمایه‌گذاری	۱،۲،۳،۵،۶	۳،۱۱،۶
۲۴	کاهش ضریب خسارت با کاهش مخاطرات اخلاقی	ضریب خسارت	۷،۴،۱۹	۳
۲۵	کاهش ضریب خسارت با افزایش شفافیت و اطلاع‌رسانی صحیح	ضریب خسارت	۷،۴،۱۹	۱۰،۲
۲۶	کاهش ضریب خسارت با تقویت انگیزه معنوی مشتریان	ضریب خسارت	۷،۴،۱۹	۳
۲۷	ارائه راهکارهای تشویقی برای سرمایه‌گذار جهت افزایش بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها	سرمایه‌گذاری	۱،۲،۳،۵،۶	۳
۲۸	جذب مشتری از کشورهای همسایه خصوصا اهل سنت و جبران کمبود مشتری در ایران	توانگری	۸،۹،۱۰،۱۶،۱۷	۳،۱۱
۲۹	مشارکت بیمه‌گر در سود مضاربه (به صورت مشارکت درصدی با توافق طرفین)	سرمایه‌گذاری	۹	۱۰،۱۶،۳،۲،۴
۳۰	سرمایه‌گذاری مناسب سرمایه بیمه‌گر به صورت مشارکتی با متکافلین و افزایش سرمایه پشتیبان از این طریق	سرمایه پشتیبان	۱،۱۰،۲۱	۳
۳۱	استفاده از الگوی وکالت-	سرمایه پشتیبان	۱۵،۲۱	۳،۶

ردیف	راهکارها	کد	شماره چالش مربوطه	کد مصاحبه
	مضاربه و شراکت بیمه‌گر در سود مضاربه			
۳۲	سرمایه‌گذاری مناسب و انتخاب مناسب مشتری	ضریب خسارت	۴،۷،۱۹،۱،۲،۳،۵،۶	۳،۱۱
۳۳	کاهش هزینه‌ها با توجه به سیاست اپراتور تکافل و استفاده از روش‌های مختلف جهت کاهش هزینه‌ها مانند استفاده از فناوری روز	سرمایه‌گذاری	۲۲،۲،۳،۵،۶	۳
۳۴	توضیح برای مردم و توجه به اسلامی بودن تکافل (حداقل برای اهل سنت که اعتقادی به بیمه متعارف ندارند)	سرمایه‌گذاری - توانگری	۱،۲،۳،۸،۲۴	۱۲
۳۵	مدیریت ریسک به صورت مناسب	ضریب خسارت - توانگری	۱۳،۱۸	۷،۱۲
۳۶	خرید محصولات تکافلی توسط افرادی که بیمه رایج را حرام می‌دانند	توانگری	۱۴،۸	۱۲
۳۷	عدم سپرده‌گذاری منابع نزد بانک	سرمایه‌گذاری	۶	۱۲
۳۸	استفاده از تکافل انکایی یا تکافل مشترک	ضریب خسارت	۷،۱۳	۱۲
۳۹	جذب شیعیان از طریق ایجاد توانایی در صندوق برای ایجاد	توانگری	۸	۱۲

ردیف	راهکارها	کد	شماره چالش مربوطه	کد مصاحبه
	بازدهی مناسب و پرداخت سود در پایان دوره			
۴۰	افزایش دقت و کاهش هزینه‌ها در مدیریت عملیات تکافل	سرمایه‌گذاری	۱،۲،۳،۵،۶،۱۵	۱۲
۴۱	سرمایه‌گذاری در موقعیت‌های سودده مانند توریسیم	سرمایه‌گذاری	۱،۲،۳،۵،۶	۱۲
۴۲	فروش تکافل به صورت کنترل‌شده	ضریب خسارت	۱۳	۱۲
۴۳	تصمیم‌گیری عاقلانه تکافل‌گر با در نظر گرفتن منافع خود و تکافل‌گذار در تعیین حق‌الوکاله	سرمایه پشتیبان	۲۰،۲۲،۱۵	۳،۱۲
۴۴	استفاده از کمک‌های مالی خیرین	سرمایه پشتیبان	۲۱،۱،۱۰	۸،۱۲
۴۵	دریافت حق‌الوکاله بیشتر از متکافلین جهت پشتیبانی از سرمایه و منابع مالی شرکت در مقابل خسارت‌های لایه‌های بالاتر	سرمایه پشتیبان	۱،۱۰،۲۱	۲،۱۰
۴۶	اختصاص حق مضاربه متکافلین به منابع مالی و سرمایه شرکت جهت پشتیبانی از سرمایه شرکت در مقابل خسارت‌های لایه‌های بالاتر	سرمایه پشتیبان	۱،۱۰،۲۱	۲۸،۶،۴
۴۷	انتشار اوراق تضمین (خامسیان)	سرمایه پشتیبان	۱،۱۰،۲۱	۱،۲،۴،۱۰

ردیف	راهکارها	کد	شماره چالش مربوطه	کد مصاحبه
	و اثنی عشری و پیره، (۱۳۹۷) و اختصاص وجوه جمع‌آوری شده از انتشار اوراق به سرمایه شرکت جهت پشتیبانی از سرمایه شرکت در مقابل خسارت‌ها			
۴۸	استفاده از کمک‌های دولتی و خیریه‌ای / حمایت‌های خارجی جهت عدم نیاز به وام قرض‌الحسنه و پشتیبانی از سرمایه شرکت در مقابل خسارت‌ها	سرمایه پشتیبان	۱،۱۰،۲۱	۱،۸،۷،۲،۴،۶،۱۰
۴۹	عدم تقسیم سود مضاربه بین متکافلین به خصوص در سال‌های اولیه فعالیت صندوق جهت انباشت سرمایه در صندوق و تامین سرمایه اولیه موردنیاز صندوق و پشتیبانی از سرمایه شرکت در مقابل خسارت‌ها	سرمایه پشتیبان	۱،۱۰،۲۱	۱،۱۰،۸،۴،۲،۶
۵۰	در قرارداد اولیه با متکافلین، شرکت تکافل شرطی را در قرارداد بیاورد که در صورت رخداد حوادث طبیعی فاجعه‌آمیز، جهت توانایی	توانگری	۴،۷،۱۹،۲۴،۱۳،۱۸	۲،۶،۸

ردیف	راهکارها	کد	شماره چالش مربوطه	کد مصاحبه
	صندوق در جبران خسارت‌های وارده و توانگری صندوق، در آن دوره متکافلین هیچ سودی را دریافت نکنند.			
۵۱	پرداخت خسارت به صورت بازه زمانی طولانی مدت جهت افزایش توانگری صندوق و بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها	توانگری	۴،۷،۱۹،۲۴،۱۳،۱۸	۱،۲،۸
۵۲	طراحی محصولات بیمه‌ای به صورت کارا (یعنی شرکت تکافل هزینه‌ها و خسارت‌هایی که مبالغ جزئی هستند را پرداخت نمی‌کند ولی برای خسارت‌های با مبالغ بالاتر خسارت‌ها را جبران می‌کند) و پرداخت خسارت از لایه‌ای به بالاتر	توانگری	۴،۷،۱۹،۲۴،۱۳،۱۸	۱،۱۰،۲،۸
۵۳	حضور محصولات تکافلی در کنار بیمه‌های رایج و به صورت مکمل برای بیمه‌های رایج به عنوان بیمه‌های تکمیلی جهت ایجاد انگیزه در شیعیان	ایجاد انگیزه در بیمه‌گذاران و شیعیان	۸	۲،۱۱،۱۰،۶،۸
۵۴	حضور بیمه‌های تکافلی در حوزه‌های سرمایه‌گذاری که	سرمایه‌گذاری	۱،۲،۳،۵،۶،۹	۶

ردیف	راهکارها	کد	شماره چالش مربوطه	کد مصاحبه
	بیمه‌های رایج تمایلی به حضور در آن حوزه‌های سرمایه‌گذاری را ندارند جهت افزایش بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها			
۵۵	سرمایه‌گذاری صندوق در زنجیره تولید و زنجیره ارزش موضوع فرآیند بیمه‌گری جهت در امان ماندن از تورم خسارت‌ها	سرمایه‌گذاری	۱،۲،۳،۵،۶،۹	۱،۸،۶،۴
۵۶	سرمایه‌گذاری در بازارهایی که به اندازه یا بیش از تورم بازدهی دارند جهت افزایش بازده سرمایه‌گذاری‌ها	سرمایه‌گذاری	۱،۲،۳،۵،۶،۹	۱،۱۱،۱۰،۸،۳،۱۲،۲
۵۷	استفاده از متکافیلین و مشارکت‌کنندگان کم ریسک در سال‌های اولیه فعالیت صندوق و حذف متکافیلین پریسک از طریق طبقه‌بندی ریسک افراد جهت کاهش ضریب خسارت	ضریب خسارت	۴،۷،۱۹	۱،۱۰،۳،۴،۶
۵۸	استفاده از سازوکار سهمیه‌بندی در حق بیمه‌ها و خسارت‌ها (یعنی افرادی که حق بیمه بالاتر پرداخت	شفافیت و حذف تقلبات	۴،۷،۱۹،۲۴،۱۳،۱۰	۱،۴،۶

ردیف	راهکارها	کد	شماره چالش مربوطه	کد مصاحبه
	می‌کنند و سهم بیشتری در سرمایه صندوق تکافل دارند، مبلغ بیشتری برای جبران خسارت دریافت می‌کنند) جهت ایجاد شفافیت بیشتر و حذف تقلبات بیمه‌ای			
۵۹	سقف پرداخت خسارت به صورت تابعی از سرمایه اولیه باشد تا شفافیت بیشتر و تقلبات بیمه‌ای کمتر شود	شفافیت و حذف تقلبات	۴،۷،۱۹،۲۴،۱۳،۱۰	۱۰،۱۸،۴،۶
۶۰	اجرائی‌سازی تکافل در بستر بلاکچین بر اساس طبقه‌بندی ریسک مشتریان جهت ایجاد شفافیت بیشتر و حذف تقلبات بیمه‌ای	شفافیت و حذف تقلبات	۴،۷،۱۹،۲۴،۱۳،۱۰	۱،۱۰،۲
۶۱	آموزش و افزایش آگاهی تکافل‌شوندگان جهت کاهش هزینه‌ها و خسارت‌ها	ضریب خسارت	۳،۴،۷،۸،۱۳،۱۴	۱۱
۶۲	بهبود تیم سرمایه‌گذاری شرکت‌های تکافل از افراد متخصص در بازارهای مالی	سرمایه‌گذاری	۵	۱۱
۶۳	کاهش نرخ تورم با استفاده از سیاست‌های مناسب پولی و مالی جهت افزایش بازدهی واقعی سرمایه‌گذاری‌ها	سرمایه‌گذاری	۶،۷	۱۱

ردیف	راهکارها	کد	شماره چالش مربوطه	کد مصاحبه
۶۴	آگاهی دادن به بیمه‌گذاران از منفعت بیشتر تکافل نسبت به سایر انواع بیمه‌ها	ایجاد انگیزه در بیمه‌گذاران و شیعیان	۸	۱۱

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۳-۵. روش دلفی برای راهکارها جهت اعتبارسنجی راهکارهای ارائه شده و استخراج

مهم‌ترین راهکارها

در این پژوهش، پس از به‌دست‌آوردن راهکارها با استفاده از مصاحبه عمیق و تحلیل مضمون مصاحبه‌ها، راهکارهای به‌دست‌آمده با روش دلفی آزمون گردید. فرایند دلفی در دو دور و با مشارکت ۱۲ نفر از خبرگان انجام شد.

همچنین، در فرایند دلفی، جهت سنجش روایی شاخص‌ها و مؤلفه‌ها، پس از کدگذاری باز و محوری، نظرات ۱۲ خبره طی دو مرحله با توزیع پرسشنامه، به شرح زیر دریافت گردید:

- مرحله اول: ابتدا راهکارهای به‌دست‌آمده از مصاحبه عمیق با خبرگان و تحلیل مضمون آن‌ها، در قالب یک پرسشنامه برای خبرگان ارسال گردید تا نظر خود را درباره اهمیت هر یک از راهکارها با امتیازدادن به راهکارها اعلام کنند.
- مرحله دوم: با اختصاص امتیاز ۱ تا ۱۰ به میزان اهمیت هر شاخص و سؤال در پرسشنامه، به صورت «خیلی کم» (امتیاز ۱) تا «خیلی زیاد» (امتیاز ۱۰)، و با در نظر گرفتن مبنای میانگین ≤ 6 برای پذیرش هر شاخص، شاخص‌های مهم مشخص شد.

سپس با مشخص شدن نمره راهکارها، تعداد ۱۸ راهکار مهم (با نمره بزرگ‌تر یا مساوی ۶) استخراج گردید. سپس این ۱۸ راهکار در ۶ مؤلفه دسته‌بندی شد و نمره مؤلفه‌ها با میانگین‌گیری از نمره راهکارهای آن مؤلفه استخراج گردید.

کارشناسان، همان خبرگانی هستند که در اجرای روش دلفی برای چالش‌ها، در تکمیل پرسشنامه‌ها مشارکت داشتند.

نمره‌های داده‌شده توسط خبرگان به راهکارها و مجموع و میانگین نمرات مربوط به هر راهکار (راهکارهای مهم) به صورت زیر است:

جدول (۶): امتیازات داده‌شده توسط خبرگان به راهکارها و میانگین و مجموع آن‌ها

ردیف	راهکارها	اهمیت راهکار از نظر خبرگان (۱۲ نفر)	مجموع	میانگین / امتیاز راهکارها	مؤلفه	امتیاز مؤلفه
۱	دریافت حق‌الوکاله بیشتر از متکافلین جهت پشتیبانی از سرمایه و منابع مالی شرکت در مقابل خسارت‌های لایه‌های بالا تر	۶،۴،۴،۶،۱۰،۷،۸ ۶،۷،۶،۵،۸،	۷۷	۶،۴۱۷	سرمایه پشتیبان	۸،۴۱۷
۲	انتشار اوراق تضمین در بورس و اختصاص وجوه جمع‌آوری‌شده از انتشار اوراق به سرمایه شرکت جهت پشتیبانی از سرمایه شرکت در مقابل خسارت‌ها	۹،۱۰،۸،۱۰،۹،۱ ۰،۱۰،۱۰،۱۰،۱۰،۱۰ ۱۰،۷،	۱۱۳	۹،۴۱۷		
۳	استفاده از کمک‌های دولتی و خیریه‌ای / حمایت‌های خارجی	۸،۱۰،۹،۵،۸،۷،۹ ۱۰،۸،۹،۸،۸،	۹۹	۸،۲۵۰۷۸		

امتیاز مؤلفه	مؤلفه	میانگین / امتیاز راهکارها	مجموع	اهمیت راهکار از نظر خبرگان (۱۲ نفر)	راهکارها	ردیف
					جهت عدم نیاز به وام قرض الحسنه و پشتیبانی از سرمایه شرکت در مقابل خسارت‌ها	
		۹.۵۸۳	۱۱۵	۹.۹،۱۰.۸،۹.۱۰، ۱۰.۱۰،۱۰.۱۰،۱۰.۱ ۰.۱۰	عدم تقسیم سود مضاربه بین متکافلین به خصوص در سال‌های اولیه فعالیت صندوق جهت انباشت سرمایه در صندوق و تأمین سرمایه اولیه موردنیاز صندوق و پشتیبانی از سرمایه شرکت در مقابل خسارت‌ها	۴
۸.۰۵۰	توانگری	۹.۱۶۷	۱۱۰	۸.۹،۹.۹،۷.۹،۹.۹، ۱۰.۱۰،۱۰.۱۰،۱۰.۱ ۰	اختصاص حق مضاربه متکافلین به منابع مالی و سرمایه شرکت جهت پشتیبانی از سرمایه شرکت در مقابل خسارت‌های لایه‌های بالاتر	۵

امتیاز مؤلفه	مؤلفه	میانگین / امتیاز راهکارها	مجموع	اهمیت راهکار از نظر خبرگان (۱۲ نفر)	راهکارها	ردیف
		۶.۵۸۳	۷۹	۶،۷،۷،۵،۷،۸،۶، ۷،۴،۵،۹،۸	عدم انجام و حذف وام بدون بهره از فرآیند	۶
		۶.۳۳۳	۷۶	۷،۸،۹،۸،۷،۵،۶، ۷،۵،۵،۶،۳	پرداخت خسارت به صورت بازه زمانی طولانی مدت جهت افزایش توانگری سندوق و بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها	۷
		۹.۳۳۳	۱۱۲	،،۶،۹ ۸،۹،۱۰،۱۰،۱۰،۱۰، ۱۰،۱۰،۱۰،۱۰،۱۰، ۰	طراحی محصولات بیمه‌ای به صورت کارا (یعنی شرکت تکافل هزینه‌ها و خسارت‌هایی که مبالغ جزئی هستند را پرداخت نمی‌کند ولی برای خسارت‌های با مبالغ بالاتر خسارت‌ها را جبران می‌کند) و پرداخت خسارت از لایه‌ای به بالاتر	۸
		۸.۸۳۳	۱۰۶	۸،۸،۶،۹،۷،۸،۱۰ ۱۰،۱۰،۱۰،۱۰،، ۱۰	سقف پرداخت خسارت به صورت تابعی از سرمایه اولیه	۹

امتیاز مؤلفه	مؤلفه	میانگین / امتیاز راهکارها	مجموع	اهمیت راهکار از نظر خبرگان (۱۲ نفر)	راهکارها	ردیف
					باشد تا شفافیت بیشتر و تقلبات بیمه‌ای کمتر شود	
۶.۶۱۱ ۳۴	جذب مشتری و بازاریابی	۶.۲۵۰	۷۵	۶،۷،۶،۷،۵،۴،۶، ۶،۶،۹،۸،۵	جذب مشتری از کشورهای همسایه خصوصاً اهل سنت و جبران کمبود مشتری در ایران	۱۰
		۶.۱۶۷	۷۴	۶،۸،۷،۶،۹،۷،۵، ۴،۵،۶،۵،۶	آموزش و افزایش آگاهی تکافل‌شوندگان از منفعت بیشتر تکافل نسبت به سایر انواع بیمه‌ها	۱۱
		۷.۴۱۷	۸۹	۷،۶،۸،۸،۹،۵،۶، ۱۰،۹،۵،۹،۷	حضور محصولات تکافلی در کنار بیمه‌های رایج و به صورت مکمل برای بیمه‌های رایج به عنوان بیمه‌های تکمیلی جهت ایجاد انگیزه در شیعیان	۱۲

امتیاز مؤلفه	مؤلفه	میانگین / امتیاز راهکارها	مجموع	اهمیت راهکار از نظر خبرگان (۱۲ نفر)	راهکارها	ردیف
۸.۴۴۴	سرمایه‌گذاری	۸.۴۱۷	۱۰۱	۸،۷،۹،۱۰،۸،۸،۹ ۵۸،۱۰،۹،۱۰،	حضور بیمه‌های تکافلی در حوزه‌های سرمایه‌گذاری که بیمه‌های رایج تمایلی به حضور در آن حوزه‌های سرمایه‌گذاری را ندارند جهت افزایش بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها	۱۳
		۹.۲۵۰	۱۱۱	۱۰،۱۰،۸،۷،۸،۹، ۹،۱۰،۱۰،۱۰،۱۰، ۱۰،	سرمایه‌گذاری صندوق در زنجیره تولید و زنجیره ارزش موضوع فرآیند بیمه‌گری جهت در امان ماندن از تورم خسارت‌ها	۱۴
		۷.۶۶۷	۹۲	۷،۸،۸،۷،۶،۷،۷، ۸،۹،۱۰،۷،۸	سرمایه‌گذاری در بازارهایی که به اندازه یا بیش از تورم بازدهی دارند جهت افزایش بازده سرمایه‌گذاری‌ها	۱۵

ردیف	راهکارها	اهمیت راهکار از نظر خبرگان (۱۲ نفر)	مجموع	میانگین/ امتیاز راهکارها	مؤلفه	امتیاز مؤلفه
۱۶	استفاده از متکافلین و مشارکت‌کنندگان کم‌ریسک در سال‌های اولیه فعالیت صندوق و حذف متکافلین پرریسک از طریق طبقه‌بندی ریسک افراد جهت کاهش ضریب خسارت	۹،۹،۸،۱۰،۱۰،۱ ۰،۱۰،۱۰،۱۰،۱۰ ۱۰،۱۰،	۱۱۶	۹،۶۶۷	ضریب خسارت	۹،۶۶۷
۱۷	استفاده از سازوکار سهمیه‌بندی در حق‌بیمه‌ها و خسارت‌ها (یعنی افرادی که حق‌بیمه بالاتر پرداخت می‌کنند و سهم بیشتری در سرمایه صندوق تکافل دارند، مبلغ بیشتری برای جبران خسارت دریافت می‌کنند) جهت ایجاد شفافیت بیشتر و حذف تقلبات بیمه‌ای	۸،۹،۹،۸،۱۰،۱۰، ۱۰،۱۰،۱۰،۱۰،۱ ۰،۱۰	۱۱۴	۹،۵۰۰	شفافیت و حذف تقلبات	۹،۰۸۳

امتیاز مؤلفه	مؤلفه	میانگین / امتیاز راهکارها	مجموع	اهمیت راهکار از نظر خبرگان (۱۲ نفر)	راهکارها	ردیف
		۸.۶۶۷	۱۰۴	۹،۸،۱۰،۸،۸،۹،۶ ۷،۱۰،۹،۱۰،۱۰،	اجرائی‌سازی تکافل در بستر بلاکچین بر اساس طبقه‌بندی ریسک مشتریان جهت ایجاد شفافیت بیشتر و حذف تقلبات بیمه‌ای	۱۸

منبع: (یافته‌های تحقیق)

با توجه به نتایج روش دلفی، مشخص شد که مهم‌ترین مؤلفه راهکارها، مؤلفه ضریب خسارت است. همچنین، مهم‌ترین راهکار، استفاده از متکافلان و مشارکت‌کنندگان کم‌ریسک در سال‌های اولیه فعالیت صندوق و حذف متکافلان پرریسک از طریق طبقه‌بندی ریسک افراد، به‌منظور کاهش ضریب خسارت است.

لازم به ذکر است که در حوزه سرمایه‌گذاری، برای آنکه این سرمایه‌گذاری‌ها بازدهی بالاتر از تورم داشته باشند و دست‌کم بتوانند تورم خسارت‌ها را پوشش دهند، فرصت‌های سرمایه‌گذاری زیر توسط خبرگان پیشنهاد شد:

۱) سرمایه‌گذاری در استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، هم به‌صورت کوتاه‌مدت جهت تأمین سرمایه در گردش و هم به‌صورت بلندمدت در طرح‌های سرمایه‌گذاری این شرکت‌ها.

۲) سرمایه‌گذاری در زنجیره ارزش موضوع فرایند بیمه‌گری، برای در امان ماندن از تورم خسارت‌ها (مثلاً اگر موضوع بیمه‌نامه و جبران خسارت، اتومبیل و قطعات یدکی اتومبیل باشد، شرکت بیمه می‌تواند برای در امان ماندن از تورم خسارت‌ها در زنجیره تولید و زنجیره ارزش قطعات اتومبیل سرمایه‌گذاری کند).

۳) سرمایه‌گذاری در طرح‌های بزرگ کشاورزی و صنعتی کشور و زنجیره ارزش آن‌ها.

۳-۶. تشکیل گروه کانونی جهت اعتبارسنجی راهکارهای به‌دست‌آمده در این پژوهش، برای اعتبارسنجی راهکارهای به‌دست‌آمده، از روش گروه کانونی استفاده شد. گروه کانونی متشکل از ۵ نفر از خبرگان بود و راهکارهای به‌دست‌آمده توسط آن‌ها اعتبارسنجی شد. این ۵ نفر دارای موقعیت‌های شغلی به شرح جدول (۷) هستند:

جدول (۷): مشخصات اعضای گروه کانونی

خبرگان	موقعیت شغلی	مدرک تحصیلی	رشته تحصیلی
۱	معاون فنی شرکت بیمه	کارشناسی ارشد	اقتصاد
۲	مدیر اتکایی شرکت بیمه	کارشناسی ارشد	مدیریت بیمه
۳	مدیر سرمایه‌گذاری شرکت بیمه	کارشناسی ارشد	مدیریت مالی
۴	مدیر بیمه‌های اشخاص شرکت بیمه	کارشناسی ارشد	مدیریت بیمه
۵	مدیر مالی شرکت بیمه	کارشناسی ارشد	مدیریت مالی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جلسه گروه کانونی با حضور ۵ نفر از خبرگانی که در حوزه اجرایی صنعت بیمه فعالیت دارند، تشکیل شد و از آن‌ها خواسته شد راهکارهایی را که در صنعت بیمه قابل اجرا هستند و همچنین راهکارهایی را که قابل اجرا نیستند معرفی و مشخص کنند. در نهایت، راهکارهای زیر از لحاظ قابلیت اجرا مورد تأیید قرار گرفت:

(۱) انتشار اوراق تضمین در بورس و اختصاص وجوه جمع‌آوری‌شده از انتشار اوراق به سرمایه شرکت، جهت پشتیبانی از سرمایه شرکت در مقابل خسارت‌ها.

(۲) استفاده از کمک‌های دولتی و خیریه‌ای یا حمایت‌های خارجی، برای عدم نیاز به وام قرض‌الحسنه و پشتیبانی از سرمایه شرکت در مقابل خسارت‌ها (در صورتی که دولت پشتیبان این طرح باشد).

- ۳) عدم تقسیم سود مضاربه بین متکافلان، به‌ویژه در سال‌های اولیه فعالیت صندوق، جهت انباشت سرمایه در صندوق و تأمین سرمایه اولیه مورد نیاز صندوق و پشتیبانی از سرمایه شرکت در مقابل خسارت‌ها (زیرا سرمایه صندوق متعلق به متکافلان است و هر کس که سهم بیشتری در صندوق داشته باشد، سود سهم بیشتری به سرمایه‌اش اضافه می‌شود).
- ۴) عدم انجام و حذف وام بدون بهره از فرایند.
- ۵) پرداخت خسارت به‌صورت بازه زمانی بلندمدت (در صورت عدم توانایی صندوق برای پرداخت خسارت به‌صورت یکجا) جهت افزایش توانگری صندوق و بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها (تا در صورت رخداد حوادث فاجعه‌آمیز، حق‌الوکاله بیشتری پرداخت نشود) یا تعیین سقف پرداخت خسارت به‌صورت تابعی از سرمایه اولیه، تا شفافیت بیشتر و تقلبات بیمه‌ای کمتر شود.
- ۶) طراحی محصولات به‌صورت کارا (یعنی شرکت تکافل هزینه‌ها و خسارت‌هایی را که مبالغ جزئی دارند پرداخت نمی‌کند، اما خسارت‌های با مبالغ بالاتر را جبران می‌کند) و پرداخت خسارت از لایه‌ای به بالا.
- ۷) حضور محصولات تکافلی در کنار بیمه‌های رایج و به‌صورت مکمل برای بیمه‌های رایج، به‌عنوان بیمه‌های تکمیلی، جهت ایجاد انگیزه در شیعیان.
- ۸) ورود بیمه‌های تکافلی به حوزه‌های سرمایه‌گذاری که بیمه‌های رایج تمایلی به حضور در آن‌ها ندارند، جهت افزایش بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها (زیرا در آن حوزه‌های سرمایه‌گذاری رقیب کمتری وجود دارد).
- ۹) سرمایه‌گذاری صندوق در زنجیره تولید و زنجیره ارزش موضوع فرایند بیمه‌گری، جهت در امان ماندن از تورم خسارت‌ها و پوشش ریسک شرکت تکافل.
- ۱۰) سرمایه‌گذاری در بازارهایی که به اندازه یا بیش از تورم بازدهی دارند، جهت افزایش بازده سرمایه‌گذاری‌ها (با توجه به آیین‌نامه سرمایه‌گذاری موجود، ممکن است این سرمایه‌گذاری‌ها بازده کمی داشته باشند؛ زیرا در این آیین‌نامه‌ها محدودیت‌هایی برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه وجود دارد،

اما شرکت‌های تکافلی می‌توانند با قرار دادن شرط تأخیر در پرداخت خسارت‌ها یا تعیین سقف پرداخت خسارت، در موقعیت‌های پرریسک‌تر سرمایه‌گذاری کنند و در نتیجه بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها را افزایش دهند؛ البته برای این امر نیاز به آیین‌نامه‌های سرمایه‌گذاری جداگانه وجود دارد.

۱۱) استفاده از متکافلان کم‌ریسک در سال‌های اولیه فعالیت صندوق و حذف متکافلان پرریسک از طریق طبقه‌بندی ریسک افراد، جهت کاهش ضریب خسارت.

۱۲) استفاده از سازوکار سهمیه‌بندی در حق‌بیمه‌ها و خسارت‌ها (یعنی افرادی که حق‌بیمه بالاتری پرداخت می‌کنند و سهم بیشتری در سرمایه صندوق تکافل دارند، مبلغ بیشتری برای جبران خسارت دریافت کنند) جهت ایجاد شفافیت بیشتر و حذف تقلبات بیمه‌ای.

۱۳) اجرایی‌سازی تکافل در بستر بلاک‌چین، بر اساس طبقه‌بندی ریسک مشتریان، جهت ایجاد شفافیت بیشتر و حذف تقلبات بیمه‌ای.

۱۴) قرار دادن سقف پرداخت خسارت در صورت وقوع حوادث فاجعه‌آمیز.

همچنین، ضریب کاپای کوهن - که یک معیار آماری توافق درون‌ارزیاب برای موارد کیفی (اسمی) است - برای دو به دوی خبرگان به صورت زیر محاسبه شد. مشاهده می‌شود که همه ضرایب توافق بین آن‌ها بالاتر از ۰/۷ است؛ به این معنا که نتایج به دست آمده از گروه کانونی مورد تأیید است و در این گروه کانونی، توافق مناسبی بین خبرگان وجود دارد.

جدول (۸): ضریب کاپای کوهن A,B

1	8
8	1
A,B	خبرگان
pr(a)	0.888889
pr(e)	0.5
k	0.777778

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۹): ضریب کاپای کوهن A,C

1	8
8	1
A,C	خبرگان
pr(a)	0.888889
pr(e)	0.5
k	0.777778

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۱۰): ضریب کاپای کوهن A,D

2	7
9	0
A,D	خبرگان
pr(a)	0.888889
pr(e)	0.5
k	0.777778

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۱۱): ضریب کاپای کوهن A,E

0	7
9	2
A,E	خبرگان
pr(a)	0.888889
pr(e)	0.5
k	0.777778

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۱۲): ضریب کاپای کوهن C,B

2	6
10	0
B,C	خبرگان
pr(a)	0.888889
pr(e)	0.518519
k	0.769231

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۱۳): ضریب کاپای کوهن D,B

0	9
7	2
B,D	خبرگان
pr(a)	0.888889
pr(e)	0.5
k	0.777778

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۱۴): ضریب کاپای کوهن E,B

1	8
8	1
B,E	خبرگان
pr(a)	0.888889
pr(e)	0.5
k	0.777778

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۱۵): ضریب کاپای کوهن D,C

1	9
8	0
C,D	خبرگان
pr(a)	0.944444
pr(e)	0.5
k	0.888889

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۱۶): ضریب کاپای کوهن E,C

0	8
8	2
E,C	خبرگان
pr(a)	0.888889
pr(e)	0.493827
k	0.780488

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۱۷): ضریب کاپای کوهن E,D

2	6
10	0
E,D	خبرگان
pr(a)	0.888889
pr(e)	0.518519
k	0.769231

منبع: (یافته‌های تحقیق)

همان‌طور که مشاهده می‌شود، ضریب کاپای کوهن برای دو به دوی خبرگان بالاتر از ۰/۷ است؛ بنابراین می‌توان گفت در این گروه کانونی، توافق مناسبی بین خبرگان وجود دارد.

نتیجه‌گیری

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تکافل به‌عنوان یک سازوکار بیمه‌ای مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، اخلاقی و مشارکت جمعی، ظرفیت‌های قابل‌توجهی برای ارتقای کارایی و عدالت در صنعت بیمه ایران دارد. ماهیت غیرانتفاعی و مشارکتی تکافل، وجود انگیزه‌های همسو میان تکافل‌شوندگان، حذف یا کاهش چشمگیری پدیده‌هایی مانند کژگزینی و مخاطرات اخلاقی، و مشارکت بیمه‌گذاران در فرایندهای بیمه‌گری موجب می‌شود تکافل نسبت به بیمه‌های رایج از کارآمدی بیشتری برخوردار باشد. در تکافل، بیمه‌گذار هم‌زمان نقش سرمایه‌گذار و ذی‌نفع را دارد و همین امر باعث تقویت روحیه پیشگیری، کاهش خسارت، افزایش شفافیت، افزایش تقاضا برای محصولات بیمه‌ای و در نهایت افزایش ضریب نفوذ بیمه از سمت تقاضا می‌شود. تجربیات کشورهای مختلف نیز نشان می‌دهد که تکافل حتی در محیط‌های غیراسلامی نیز می‌تواند به‌عنوان یک مدل موفق مورد استفاده قرار گیرد و با استقبال بازار مواجه شود.

با این حال، اجرایی‌سازی تکافل در ایران با مجموعه‌ای از چالش‌های مالی-اقتصادی روبه‌رو است. تفاوت وضعیت اقتصاد کلان ایران با کشورهای موفق در حوزه

تکافل - از جمله تورم بالا، قدرت خرید پایین، ضریب خسارت بالا، نرخ سود بالا، نرخ سود واقعی منفی، محدودیت‌های سرمایه‌گذاری، مسائل مربوط به فقه امامیه، ضریب نفوذ پایین و ... - سبب می‌شود الگوبرداری مستقیم از تجارب بین‌المللی ممکن نباشد و نیاز به بومی‌سازی دقیق وجود داشته باشد. علاوه بر این، پرسش‌هایی درباره انگیزه بیمه‌گذاران برای مشارکت در صندوق‌های تکافل، توانایی تأمین سرمایه اولیه، جذابیت اقتصادی تکافل برای شرکت‌های بیمه و پایداری منابع صندوق تکافل نشان می‌دهد که پیاده‌سازی این نظام بدون سیاست‌گذاری دقیق مالی و اقتصادی امکان‌پذیر نیست. بنابراین این پژوهش تأکید می‌کند که برای استقرار موفق تکافل در ایران، لازم است چالش‌های مالی - اقتصادی به صورت جامع شناسایی شده و راهکارهای سیاستی متناسب با شرایط اقتصاد ایران طراحی و اجرا شود تا بتوان از ظرفیت‌های قابل توجه تکافل در جهت ارتقای عدالت، کارایی و پایداری صنعت بیمه کشور بهره‌برداری کرد.

در این پژوهش، با استفاده از روش پرسشنامه باز اکتشافی و سپس تحلیل مضمون، از خبرگان درباره چالش‌های مالی - اقتصادی اجرایی‌سازی تکافل در ایران نظرسنجی به عمل آمد و با توجه به نظرات خبرگان، چالش‌های مالی - اقتصادی احتمالی استخراج شد. سپس با بهره‌گیری از روش دلفی، چالش‌های به دست آمده بر اساس نظر خبرگان اعتبارسنجی و آزمون و مهم‌ترین چالش‌ها شناسایی شد. پس از آن، با استفاده از مصاحبه عمیق و تحلیل تم، راهکارهای سیاستی استخراج گردید و در ادامه، راهکارهای ارائه شده با استفاده از روش دلفی سنجیده و مهم‌ترین راهکارها شناسایی شد و سپس با تشکیل گروه کانونی، این راهکارها اعتبارسنجی شدند.

بررسی وضعیت اقتصادی و فنی بیمه‌گری در ایران نشان داد که پیاده‌سازی تکافل در ایران با مجموعه‌ای از چالش‌های مالی - اقتصادی بنیادین مواجه است. نخستین دسته چالش‌ها به مسئله سرمایه پشتیبان و عدم انگیزه بیمه‌گذاران و بیمه‌گر بازمی‌گردد. تورم بالا، بازده کمتر سرمایه‌گذاری نسبت به تورم، بازده اندک سرمایه‌گذاری‌های صندوق تکافل به دلیل سرمایه‌گذاری در دارایی‌های دارای نقدشوندگی بالا، نرخ سود واقعی منفی و سود اندک صندوق تکافل موجب می‌شود بیمه‌گذاران انگیزه‌ای برای وارد کردن سرمایه شخصی به صندوق نداشته باشند. علاوه بر این، هزینه تحصیل و هزینه‌های

مربوط به سرمایه پشتیبان، کاهش سود بیمه‌گر به علت عدم انتفاع از سود مضاربه و محدودیت اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه، فشار بیشتری بر صندوق وارد می‌کند.

برای رفع این چالش‌ها، راهکارهایی نظیر موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- ✓ انتشار اوراق تضمین در بورس و اختصاص وجوه حاصل به سرمایه شرکت جهت پشتیبانی از سرمایه شرکت در مقابل خسارت‌ها؛
- ✓ استفاده از کمک‌های دولتی و خیریه‌ای جهت عدم نیاز به وام قرض‌الحسنه و پشتیبانی از سرمایه شرکت در مقابل خسارت‌ها؛
- ✓ عدم تقسیم سود مضاربه بین متکافلان به ویژه در سال‌های اولیه فعالیت صندوق، جهت انباشت سرمایه در صندوق و تأمین سرمایه اولیه مورد نیاز؛
- ✓ اختصاص حق مضاربه متکافلان به منابع مالی و سرمایه شرکت جهت پشتیبانی از خسارت‌های لایه‌های بالاتر؛
- ✓ حذف وام بدون بهره از فرایند؛
- ✓ پرداخت خسارت در بازه زمانی طولانی مدت برای افزایش توانگری صندوق و بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها؛
- ✓ طراحی کارای محصولات بیمه‌ای (پرداخت خسارت‌های عمده و عدم پرداخت خسارت‌های جزئی) و پرداخت خسارت از لایه‌ای به بالا و تعیین سقف خسارت به صورت تابعی از سرمایه اولیه.

این مجموعه راهکارها می‌تواند توان اولیه صندوق را تقویت کرده و انگیزه مشارکت را افزایش دهد.

دسته دوم چالش‌ها مربوط به بازدهی پایین سرمایه‌گذاری‌ها و آسیب‌پذیری نقدینگی صندوق است؛ موضوعی که با وجود الزامات نقدشوندگی بالا، نرخ سود واقعی منفی، بالا بودن نرخ تورم و محدودیت‌های آیین‌نامه‌ای تشدید می‌شود. از سوی دیگر، ضریب خسارت بالا، تعدد مازاد خسارت و خسارت‌های بیش از حق بیمه در رشته‌های مختلف، ظرفیت بیمه‌گری تکافل را به شدت کاهش می‌دهد. برای مقابله با این مسائل، راهکارهایی مانند سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی با بازده بالاتر از تورم، ورود

به صنایع و زنجیره‌های تولید مرتبط با موضوع بیمه‌گری برای کاهش اثر تورم خسارت‌ها، پرداخت خسارت در بازه زمانی بلندمدت و طراحی کارای محصولات بیمه‌ای پیشنهاد شده است. همچنین، سرمایه‌گذاری در حوزه‌های پرریسک‌تر یا حوزه‌هایی که بیمه‌های رایج تمایلی به حضور در آن‌ها ندارند، با شرط تأخیر در پرداخت خسارت یا تعیین سقف پرداخت خسارت در صورت وقوع حوادث فاجعه‌آمیز، می‌تواند بازده سرمایه‌گذاری صندوق را افزایش داده و توانگری مالی آن را بهبود بخشد.

دسته سوم چالش‌ها به ظرفیت محدود بیمه‌گری و مسائل مرتبط با ریسک مربوط است. تورم بالا، ضریب خسارت زیاد، سرمایه پشتیبان ناکافی و ضریب نفوذ پایین بیمه در ایران سبب شده ظرفیت پذیرش ریسک در تکافل کاهش یابد. از سوی دیگر، حضور افراد پرریسک، احتمال عدم رعایت قانون اعداد بزرگ و نیز حلال بودن بیمه رایج در فقه شیعه، مانعی برای گسترش تکافل محسوب می‌شود. برای رفع این چالش‌ها، راهکارهایی مانند استفاده از متکافلان کم‌ریسک در سال‌های اولیه فعالیت صندوق، طبقه‌بندی دقیق ریسک افراد، بهره‌گیری از سازوکار سهمیه‌بندی در حق بیمه و خسارت‌ها (یعنی افرادی که حق بیمه بالاتر پرداخت می‌کنند و سهم بیشتری در سرمایه صندوق تکافل دارند، مبلغ بیشتری برای جبران خسارت دریافت کنند) و اجرای تکافل بر بستر بلاک‌چین برای افزایش شفافیت و کاهش تقلبات بیمه‌ای، می‌تواند مؤثر باشد.

در نهایت، با توجه به اینکه تکافل بر پایه تعاون، مشارکت و عدالت اجتماعی بنا شده و نسبت به بیمه رایج از مزایایی مانند کاهش کژگزینی، مشارکت واقعی بیمه‌گذاران در ریسک، افزایش عدالت توزیعی، شفافیت بیشتر و هم‌سویی منافع بیمه‌گذار و بیمه‌گر برخوردار است، توسعه آن می‌تواند آثار مثبت قابل توجهی بر صنعت بیمه ایران داشته باشد. با این حال، موفقیت اجرایی تکافل وابسته به آن است که چالش‌های مالی-اقتصادی شناسایی شده به‌صورت سیاست‌گذاری شده و منسجم برطرف شود. اجرای راهکارهای پیشنهادی، به‌ویژه تقویت سرمایه صندوق، بهبود بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها، کنترل ریسک و شفاف‌سازی سازوکارهای عملیاتی، می‌تواند مسیر پیاده‌سازی پایدار و موفق تکافل در ایران را هموار کند.

ملاحظات اخلاقی

- پیروی از اصول حقوقی

تمامی اصول اخلاقی در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

- تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه ارشد با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی چالش‌های مالی - اقتصادی اجرایی‌سازی تکافل در ایران و ارائه راهکار سیاستی» آقای اکبر سماواتیان که با راهنمایی آقای دکتر محمدمهدی عسگری در دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در سال ۱۴۰۴ دفاع شده است.

کتابنامه

- ۱) امجدی، کاظم؛ و رجایی، یدالله؛ دالمن‌پور، محمد؛ و رحیم‌زاده، اشکان (۱۴۰۰). مقایسه تطبیقی بهره‌وری صنعت تکافل در مقابل بیمه متعارف بر اساس روش تحلیل سلسله مراتبی فازی. مدیریت بهره‌وری، ۱۵(۵۹)، ۲۷۶-۲۹۳.
- ۲) امیرپور، حیدر (۱۳۹۷). بررسی مبانی فقهی و حقوقی تکافل و مقایسه آن با عقود مشابه. دانش حقوق مدنی، ۷(۱۳)، ۱۱-۲۰.
- ۳) پریزاد، رضا؛ و شکوری، زهرا (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری نظام تکافل در صنعت بیمه ایران تأثیر آن بر توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش ملل، ۷(۷۳)، ۴۹-۶۹.
- ۴) حاجی‌علی‌اکبری، فیروزه؛ زبان‌دان، الهام؛ و جعفرلی، فریماه (۱۳۹۹). بررسی عوامل مؤثر در پیاده‌سازی بیمه اسلامی (تکافل) در سطح بیمه میهن. پژوهشنامه بیمه، ۳۵(۱۴۰)، ۱۹۸-۱۶۴.
- ۵) خامسیان، فرزانه؛ اثنی‌عشری، مریم؛ و پیره، مجید (۱۳۹۷). اوراق بهادار بیمه‌ای با رویکرد نیاز بازار بیمه کشور ایران. تهران: پژوهشکده بیمه.
- ۶) عباسچیان، ابوالفضل؛ حمیدی، غفور؛ رسولی، حمید؛ و خلجی، سمیرا (۱۳۹۸). مروری بر مبانی تکافل. اقتصادی، ۱۹(۴ و ۳)، ۱۲۵-۱۵۳.
- ۷) عبدالملکی، حجت‌الله؛ و کریمی، سید محمد (۱۴۰۱). الگوی تکافل در پوشش ریسک و بیمه. تهران: پژوهشکده بیمه.
- ۸) عسگری، محمدمهدی (۱۳۹۸). تکافل از نظریه تا عمل. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

- ۹) عسگری، محمدمهدی، و عظیم‌زاده آرانی، محمد (۱۳۹۳). تحلیل مقایسه‌ای بیمه اتکایی و ارائه راهکارهایی جهت اجرایی کردن تکافل اتکایی در جمهوری اسلامی ایران. تحقیقات مالی اسلامی، ۷(۶)، ۹۹-۱۳۰. DOI: [10.30497/ifr.2014.1656](https://doi.org/10.30497/ifr.2014.1656)
- ۱۰) مطلبی کربکندی، محسن؛ داعی‌زاده، مجید؛ و میرآقایی، میرمهدی (۱۳۹۸). طراحی الگوریتم تغییرات تکافل (بیمه اسلامی)، زمینه‌ای برای ارائه مدل‌های نوین. دومین کنفرانس بین‌المللی پیشرفت در مدیریت، کسب و کار تجارت اقتصاد و امور مالی، برلین. <https://civilica.com/doc/937785>
- ۱۱) همتی، مهدی؛ و طاهری، محسن (۱۴۰۰). بررسی تحلیلی بیمه اتکایی عمر و تکافل خانواده از منظر فقه و حقوق موضوعه. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۱۴(۴)، ۱۵۵-۱۷۲.

References

- 1) Abbaschian, A., Hamidi, G., Rasouli, H., & Khalaji, S. (2019). A review of the principles of Takaful. *Economic*, 19(3-4), 125-153. [in Persian].
- 2) Abdou, H., Ali, K., & Lister, R. J. (2014). A comparative study of Takaful and conventional insurance: empirical evidence from the Malaysian market. *Insurance Markets and Companies: Analyses and Actuarial Computations*, 5(1), 22-34.
- 3) Abdul-Malaki, H., & Karimi, S. M. (1401). *Takaful Model in Risk Coverage and Insurance*. Tehran: Insurance Research Institute. [in Persian].
- 4) Akhter, W. (2010). Takaful models and global practices. *Journal of Islamic Banking and Finance*. 27(1).30-44.
- 5) Amjadi, K., Rajae, Y., & Dalmanpour, M., & Rahimzadeh, A. (2021). A Comparative Analysis of Productivity of Takaful industry versus conventional insurance based on fuzzy analytic hierarchy process. *Productivity Management*, 15(59), 276-293. [in Persian].
- 6) Amirpour, H. (2018). Study of the jurisprudential and legal foundations of Takaful and its comparison with similar contracts. *Civil Law Knowledge*, 7(13), 11-20. [in Persian].
- 7) Askari, M., M. (2019). *Takaful from theory to practice*. Tehran: Imam Sadiq University. [in Persian].
- 8) Asgari, M, M., & Azimzadeh Arani, M, (2014). Comparative analysis of reinsurance and providing solutions for implementing reinsurance in the Islamic Republic of Iran. *Islamic Financial Research*, 7(6), 99-130. [in Persian]. DOI: 10.30497/ifr.2014.1656
- 9) Fauzi, P. N. F. N. M., Rashid, K. A., Sarkawi, A. A., Hasan, S. F., Aripin, S., & Ariffin, M. A. (2016). Takaful: A review on performance, issues and challenges in Malaysia. *Journal of Scientific Research and Development*, 3(4), 71-76.
- 10) Haji Ali Akbari, F., & Zaban Dan, E., & Jafarli, F. (2021). Investigation of effective factors in the implementation of Islamic insurance (Takaful) at the level of Bimi Mihan. *Insurance Research*, 35(140), 164-198. [in Persian].

- 11) Hemmati, M., & Taheri, M. (2022). Analytical study of life insurance and family takaful from the perspective of jurisprudence and subject law. *Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law*, 14(4), 155-172. [in Persian].
- 12) Indrarini, R., Canggih, C., & Rusmita, S. A. (2019). Efficiency determinants of Islamic insurance in Indonesia. *KnE Social Sciences*, 175-182.
- 13) Parizad, R., & Shakouri, Z. (2022). Pathology of Takaful System Policymaking in Iran's Insurance Industry and Its Impact on the Economic Development of the Islamic Republic of Iran. *Nations Research*, 7(73), 49-69. [in Persian].
- 14) Redzuan, H., Rahman, Z. A., & Aidid, S. S. S. H. (2009). Economic determinants of family takaful consumption: Evidence from Malaysia. *International Review of Business Research Papers*, 5(5), 193-211.
- 15) Sherif. M. & Shaairi. N. A. (2013). Determinants of demand on family Takaful in Malaysia. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*. 4(1).26-50.
- 16) Khamesian, F., & Esni Ashari, M, & Peereh, M. (2018). Insurance Securities with an Approach to the Needs of the Iranian Insurance Market, Research Project No. 95, *Insurance Research Institute*. [in Persian].
- 17) Motlabi Karbakandi, M., Daeizadeh, M., & Miraghaei, M. (2019). Designing Takaful (Islamic Insurance) Variation Algorithm, a Framework for Presenting New Models. *Second International Conference on Advances in Management, Business, Trade, Economics and Finance*, Berlin, 1-18, <https://civilica.com/doc/937785>. [in Persian].

Jurisprudential Review of the Issuing Money Outside of the Sovereignty Based on the Typology of Cryptocurrencies

Seyyed Ahmad Ameli* | Aminaldin Shahidian

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.247618.1942>

بررسی فقهی انتشار پول خارج از حاکمیت با تکیه بر گونه‌شناسی رمز ارزها

سیداحمد عاملی | امین‌الدین شهیدیان*

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.247618.1942>



Copyright 2025 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Finance Researches* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.



Jurisprudential Review of the Issuing Money Outside of the Sovereignty Based on the Typology of Cryptocurrencies

Seyyed Ahmad Ameli: Assistant Professor, Kharazmi University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

ameli@khu.ac.ir |  0000-0003-3347-9735

Aminaldin Shahidian: Level 4 student, Khorasan Seminary, Khorasan, Iran.

aminaldinshahidian@gmail.com |  0009-0002-6910-6033

Abstract

1. Introduction and Objective

Over the past decade, cryptocurrencies have emerged as a significant financial and technological phenomenon, raising fundamental questions about the nature of money, assets, and monetary sovereignty. Unlike conventional fiat money, cryptocurrencies operate largely outside the direct control of states and central banks, relying instead on decentralized technologies such as blockchain and distributed ledgers. This development has challenged traditional frameworks of monetary governance and has generated extensive debates in economics, law, and Islamic jurisprudence regarding the legitimacy, classification, and regulatory treatment of these instruments.

From a governance perspective, cryptocurrencies simultaneously exhibit monetary functions—such as acting as a medium of exchange, unit of account, or store of value—and asset functions, including investment, speculation, and wealth preservation. The coexistence of these functions has important implications for monetary policy, financial stability, and regulatory design at both national and international levels. While some cryptocurrencies aspire to function as money, others primarily operate as digital assets with limited or no monetary roles. Failure to distinguish clearly between these functions may lead to inappropriate regulatory responses and flawed jurisprudential judgments.

The primary objective of this study is to provide a jurisprudential and economic analysis of issuing money outside state sovereignty by relying on a functional typology of cryptocurrencies. The research seeks to clarify whether and under what conditions cryptocurrencies can be regarded as money or assets from the perspective of Islamic jurisprudence, and how this distinction affects the legitimacy of their issuance, circulation, and regulation. In doing so, the paper aims to contribute to policy debates by offering a nuanced framework that

aligns jurisprudential principles with observed market behavior and contemporary regulatory practices.

2. Methods and Materials

This research adopts a descriptive–analytical methodology grounded in library-based studies and qualitative analysis. Classical and contemporary jurisprudential sources are examined to extract the foundational principles governing money, assets, contracts, and monetary authority in Islamic law. These principles include the role of custom (*urf*), the concept of value (*māliyya*), the conditions for the validity of transactions, and the jurisprudential bases for monetary issuance and governance.

In parallel, the study analyzes empirical data related to the cryptocurrency market, with particular attention to price volatility, market capitalization, and trading volume of major cryptocurrencies. Indicators such as the ratio of daily trading volume to total market capitalization are used to assess whether a cryptocurrency predominantly functions as a medium of exchange or as an investment asset. Regulatory approaches adopted by countries with affirmative or supportive stances toward cryptocurrencies—especially developed economies—are also reviewed to identify prevailing policy patterns and rationales.

By integrating jurisprudential reasoning with economic analysis and comparative regulatory observation, the study provides a comprehensive framework for evaluating cryptocurrencies beyond purely technical or speculative perspectives. This interdisciplinary approach allows for a more accurate classification of cryptocurrencies and a clearer understanding of their implications for monetary and financial governance.

3. Research Findings

The findings of the study indicate that cryptocurrencies cannot be treated as a homogeneous category from either an economic or jurisprudential standpoint. A functional typology is essential to distinguish between cryptocurrencies that exhibit monetary characteristics and those that primarily operate as assets.

First, with regard to cryptocurrencies that claim intrinsic value or are backed by tangible assets (such as gold-backed tokens) or fiat currencies (stablecoins), the validation of the declared backing is of central importance. From a jurisprudential perspective, ensuring the authenticity and transparency of the backing serves to prevent fraud, deception, and unjust enrichment. The study finds that the legitimacy

of such cryptocurrencies does not depend on the identity of the supervising authority; rather, what matters is the existence of reliable and effective mechanisms for verification and disclosure, whether public or private.

Second, cryptocurrencies with clearly established non-monetary functions – such as those primarily used for governance rights, utility access, or specific technological services – fall outside the scope of debates concerning the issuance of money. These instruments should be analyzed as assets rather than money, and their issuance is subject to general jurisprudential rules governing property and contracts, not monetary authority.

Third, market behavior analysis reveals that the majority of major cryptocurrencies, including Bitcoin and Ethereum, function predominantly as investment assets rather than as mediums of exchange. Their relatively low ratios of daily transaction volume to total market capitalization suggest that most holdings are retained for capital gains rather than transactional use. Consequently, their impact on national and international monetary systems remains limited. This observation is consistent with the regulatory treatment in many developed countries, where such cryptocurrencies are classified as financial assets and subjected to taxation and financial market regulations rather than monetary policy controls.

An important exception is Tether (USDT), a stablecoin whose trading volume constitutes a substantial share of the total cryptocurrency market volume. Tether effectively operates as a medium of exchange within the crypto ecosystem, facilitating conversions between fiat currencies and other cryptocurrencies. Its functional role aligns closely with that of money within this specific market context, although its influence on broader national or international monetary systems remains constrained.

4. Discussion and Conclusion

The analysis demonstrates that a functional and behavior-based approach is essential for both jurisprudential evaluation and policy design in the context of cryptocurrencies. Treating all cryptocurrencies as money risks overstating their monetary impact and misapplying jurisprudential and regulatory principles. Conversely, ignoring their potential monetary roles may underestimate the need for oversight in specific cases, such as stablecoins with high transactional usage.

From a policy perspective, the findings suggest that regulatory efforts should primarily focus on the financial market implications of cryptocurrencies rather than framing them as direct threats to

monetary sovereignty. Financial market regulation – addressing issues such as consumer protection, market integrity, fraud prevention, and systemic risk – is better suited to the predominant asset-like nature of most cryptocurrencies. Monetary regulation becomes relevant only in limited cases where a cryptocurrency demonstrably fulfills monetary functions at scale.

However, the study also acknowledges that contextual factors matter. In countries experiencing sanctions, geopolitical conflicts, or severe currency instability – such as Iran, Venezuela, or Russia – cryptocurrencies may have more pronounced effects on foreign exchange markets and capital flows. In such contexts, supplementary regulatory considerations related to currency substitution, capital flight, and exchange rate stability may be warranted.

In conclusion, this research argues that issuing money outside sovereignty, when examined through a jurisprudential and economic lens, cannot be evaluated in abstract or uniform terms. A nuanced typology based on function, market behavior, and verification mechanisms provides a more accurate basis for determining legitimacy and appropriate governance. By aligning Islamic jurisprudential principles with empirical market realities, the study offers a coherent framework for policymakers, scholars, and regulators seeking to navigate the evolving landscape of cryptocurrencies.

5. Keywords: Tether; Financial Market; Issuing Money; Digital Assets; Cryptocurrencies.

6. JEL Classification: E42, E44, E51, G28, G38.

بررسی فقهی انتشار پول خارج از حاکمیت با تکیه بر گونه‌شناسی رمز ارزها

سیداحمد عاملی: استادیار، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) ameli@khu.ac.ir

امین‌الدین شهیدیان: طلبه سطح ۴ حوزه، حوزه علمیه خراسان، خراسان، ایران
aminaldinshahidian@gmail.com

چکیده

۱. مقدمه و هدف

کارکردهای پولی و دارایی رمزارزها و نحوه اثرگذاری هر یک بر بازار پول و بازار مالی، همراه با فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از آنها در سطوح ملی و بین‌المللی، از مهم‌ترین مسائل حکمرانی در حوزه رمزارزها به‌شمار می‌آید. هدف این پژوهش، تبیین فقهی و اقتصادی انتشار رمزارزها خارج از حاکمیت، با تأکید بر تمایز میان کارکرد پولی و دارایی آنها و پیامدهای سیاست‌گذاری مترتب بر این تمایز است.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. در این راستا، ضمن بررسی مبانی فقهی و اقتصادی مرتبط با پول و دارایی، رفتارهای قیمتی و حجمی رمزارزهای مهم تحلیل شده و مقررات کشورهای دارای رویکرد مساعد و تأییدی نسبت به بازار رمزارزها مورد توجه قرار گرفته است.

۳. یافته‌های تحقیق

یافته‌ها نشان می‌دهد در رمزارزهای دارای ارزش ذاتی و رمزارزهای با پشتوانه ارزهای فیات، صحت‌سنجی ادعای پشتوانه موضوعیت دارد و نوع نهاد ناظر نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا نمی‌کند. همچنین رمزارزهایی که دارای کارکرد غیرپولی متقن هستند، از شمول بحث انتشار پول خارج بوده و باید در قالب دارایی تحلیل شوند. به‌جز معدودی از رمزارزها، مانند تتر، که توانسته‌اند نقش ابزار مبادله و پول را در بازار رمزارز ایفا کنند، سایر رمزارزها اثرگذاری معناداری بر نظام پولی ملی و بین‌المللی ندارند؛ از این‌رو، رویکرد غالب کشورهای توسعه‌یافته نسبت به آنها، رویکرد دارایی‌محور است.

۴. بحث و نتیجه گیری

بر اساس نتایج پژوهش، سیاست گذاری در حوزه انتشار، مبادله و معاملات رمزارزها باید عمدتاً معطوف به مقررات گذاری در بازار مالی باشد، نه بازار پول. باین حال، در کشورهایی که با تحریم‌ها، مخصصات یا التهابات ارزی مواجه‌اند، ملاحظات مربوط به بازار ارز نیز می‌تواند به‌عنوان حوزه‌ای مکمل در تنظیم‌گری رمزارزها مدنظر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تتر؛ بازار مالی؛ انتشار پول؛ دارایی دیجیتال؛ رمزارزها.

مقدمه

شرایع الهی، معاملات میان مردم را مورد بررسی قرار داده، معاملات صحیح را امضا و معاملات باطل را ممنوع کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، اسلام معاملات رایج در جامعه آن زمان را ساختارمند کرد و عقودی مانند بیع را جایز و ربا را حرام دانست و در ذیل آن، احکام جزئی مالی و اقتصادی را بیان نمود تا در صورت حدوث مسائل جدید، بتوان با مراجعه به این اصول، مسائل نوپدید را حل و فصل کرد: «علینا إلقاء الاصول و علیکم التفریع» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص. ۶۲).

بر اساس نظر مشهور فقهای معاصر شیعه، دین اسلام عقود معاملات را توقیفی نمی‌داند؛ «برای صحت یک قرارداد، نیازی به دلیل خاص قانونی یا شرعی وجود ندارد، بلکه طبق قواعد عمومی، هر معامله خردمندانه‌ای صحیح است، مگر آنکه دلیل خاصی بر بطلان آن اقامه شود» (یزدی طباطبایی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص. ۷۱۱). به این معنا، فضایی برای ایجاد انواع جدید معاملات گشوده شده است؛ زیرا مبادلات و معاملات، به تبع تغییرات اقتصادی، همواره در حال تحول هستند. در جهان غرب، نظریه توقیفی نبودن عقود، به‌عنوان اصل «حاکمیت اراده» شناخته می‌شود (پرور، ۱۳۹۹).

پس از جنگ جهانی دوم، خلق اعتبار آثار عمیقی بر ساختار اقتصادی جوامع بر جای گذاشته است. در موارد متعددی، مدیریت مالی جامعه توسط دولت‌ها از طریق خلق اعتبار، به کاهش قدرت خرید افراد، افزایش نابرابری اجتماعی و بروز بحران‌های عمیق مالی و بانکی انجامیده است. بی‌اعتمادی نسبت به عملکرد بازارهای پولی و مالی، سبب حرکت جوامع به سوی استقلال از نظام پولی مسلط شده و فناوری بلاک‌چین به‌عنوان پنجره ورود به این بستر جدید مطرح شده است.

به دلایل مختلف، فناوری‌های بلاک‌چین پس از بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ مورد توجه قرار گرفتند. هدف این فناوری‌ها، سازمان‌دهی تراکنش‌ها و جریان‌های اطلاعاتی هم‌تابه‌همتا^۱ و بدون واسطه است و بانک‌های مرکزی نیز فرصت‌هایی برای بهره‌گیری از فناوری‌های بلاک‌چین در راستای بهبود خدمات خود در اختیار دارند (World Bank Group, 2018).

ارزهای دیجیتال، نخستین و توسعه‌یافته‌ترین کاربرد فناوری‌های بلاک‌چین به شمار می‌آیند. این ارزها بدون بانک مرکزی پول ایجاد می‌کنند و بدون مؤسسات مالی، پرداخت‌ها را تسهیل می‌نمایند. موفقیت برخی از ارزهای دیجیتال، فشار رقابتی قابل توجهی بر شیوه‌های انجام تراکنش توسط مؤسسات مالی موجود وارد کرده است (World Bank Group, 2018).

با وجود فرصت‌ها و تهدیدهای جدید اقتصادی که به واسطه صنعت ارزهای دیجیتال پدید آمده است، ضرورت موضوع‌شناسی آن‌ها و بررسی ماهیت فقهی عملکردشان، به‌منظور تبیین بایدها و نبایدهای مرتبط با آن‌ها برای افراد جامعه و سیاست‌گذاران آشکار می‌شود. شایان ذکر است که در این پژوهش، بر اساس دلایل مختلف از جمله دیدگاه‌های حقوقی، اقتصادی و فتاوی‌ موجود - که در متن تحقیق به آن‌ها اشاره خواهد شد - جنبه مال و مالیت و دارایی‌بودن در حوزه رمزینها (رمزارش‌ها) پذیرفته می‌شود. بر این اساس، تمرکز مقاله از یک‌سو بر تبیین وجه دارایی و پول‌بودن گونه‌های مختلف رمزارز و از سوی دیگر بر بررسی نحوه سیاست‌گذاری و نظارت بر انتشار رمزارزهای خارج از حاکمیت قرار دارد.

در ادامه، پیشینه تحقیق بیان و جنبه‌های اصلی پژوهش در آن مشخص خواهد شد. سپس، نظرات فقهی اساتید و مراجع معظم تقلید مطرح می‌شود. در بخش بعد، مفاهیم پایه مرور و طبقه‌بندی رمزینها (رمزارش‌ها)ی منتخب تحقیق استخراج می‌گردد. پس از آن، مؤلفه‌های حاکم بر استخراج نظر منتخب، شامل جایگاه عرف و اعتبار در پذیرش پول و نیز مبانی فقهی صحت معاملات، انتشار و حکمرانی پول، تبیین می‌شود و در نهایت، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های تحلیلی فراهم‌شده، پول یا دارایی‌بودن رمزینها (رمزارش‌ها) در امتداد سیر تحقیق عرضه خواهد شد.

۱. پیشینه تحقیق

۱-۱. مطالعه محققان اقتصاد اسلامی

نواب‌پور، یوسفی و طالبی (۱۳۹۷) در مقاله خود، در مقام تبیین و تحلیل فقهی کارکردهای رمزارزها با تمرکز بر بیت‌کوین برآمده‌اند. در این پژوهش، با طرح این دیدگاه که تغییر

ماهیت و کارکرد پول می‌تواند به تغییر حکم فقهی این نوع پول جدید در مقایسه با پول بانکی بینجامد، ضرورت بررسی فقهی کارکرد اقتصادی این نوع نوپدید از پول تبیین شده است تا حوزه‌های مجاز و غیرمجاز کارکردهای آن مشخص شود. در این مقاله، با انجام موضوع‌شناسی در تعیین ماهیت بیت‌کوین و بررسی فقهی آن از منظر فردی و حکومتی، تحلیل جنبه‌های اقتصادی در حوزه استخراج و معامله ارائه شده است. همچنین، نویسندگان از اجتهاد چندمرحله‌ای، با لحاظ دیدگاه‌های خبرگان این حوزه و مراجع معظم تقلید، به‌عنوان روشی برای تعیین شروط جواز استفاده از این نوع پول بهره گرفته‌اند. در نهایت، با تطبیق بیت‌کوین به‌عنوان نمونه‌ای از این رمزارزها بر شروط تعیین‌شده، وجود شبهه لاضرر در این نوع پول، موجب ایجاد اشکال فقهی در استفاده از آن دانسته شده است.

سبحانی و قائمی‌نیا (۱۳۹۷) در مقاله خود بیان می‌کنند که خاستگاه پول، اجتماع بشری است و پول نوعی واقعیت اجتماعی به شمار می‌آید که با برخورداری از حیثیتی مستقل از افراد جامعه، واجد پذیرش اجتماعی نیز هست. نویسندگان، منشأ ارزش بیت‌کوین را با این مبنا که می‌تواند به‌عنوان مصداقی از پول دیجیتال بدون پشتوانه و غیرمتمرکز مطرح شود، بر اساس نظریه اعتباریات علامه طباطبایی تبیین کرده‌اند و در نتیجه، پول‌بودن آن را سازگار با این نظریه دانسته‌اند. بر این اساس، بیت‌کوین افزون بر دارا بودن تمام ویژگی‌های پول، مطابق نظریه اعتباریات علامه طباطبایی، از آن جهت که اعتبار پول صرفاً با قبول طرفین تحقق می‌یابد و تأیید مرجع ثالث در آن شرط نیست، می‌تواند واجد عنوان پول تلقی شود.

ترابی (۱۳۹۸) در کتاب خود بر آن است که در پرتو ادله فقهی، به بررسی احکام شرعی ارزش‌های دیجیتال پردازد. به‌منظور روشن‌سازی ویژگی‌های این موضوع، وی ابتدا مباحثی را در زمینه خرید و فروش پول‌های دیجیتال و حکم افزایش تورمی سرمایه، تاریخیچه و تعریف پول، تعریف بیت‌کوین و ویژگی‌های آن، و نیز حق‌الضرب مطرح می‌کند و سپس به استنباط حکم شرعی آن می‌پردازد. البته این اثر صرفاً به بررسی بیت‌کوین از میان تمامی ارزش‌های دیجیتال اختصاص دارد.

عیوضلو، رضایی صدرآبادی و نوری (۱۴۰۰) در مقاله خود درصدد تبیین فنی و تحلیل فقهی - حقوقی مبادلات در حوزه رمزارزها هستند و با توجه به تهدیدها و فرصت‌های این حوزه برای کشور، به بررسی صحت یا عدم صحت مبادله رمزارزهای قابل استخراج می‌پردازند. در این تبیین، ابتدا تنوع ماهیت انواع رمزارزها اثبات شده و سپس ارزش رمزارزها، از جمله بیت‌کوین، در عرف مرتبط با بازار رمزارزها پذیرفته شده است؛ با این حال، نویسندگان از منظر شرعی، آن را فاقد مالیت شرعی و در نتیجه فاقد ارزش می‌دانند و دلیل این امر را نداشتن ماه‌ازای حقیقی در خارج از فضای دیجیتال عنوان می‌کنند. در ادامه پژوهش، وجود پیچیدگی فنی در فرایند استخراج بیت‌کوین به‌عنوان عاملی مؤثر در تمرکز ثروت در طبقه‌ای خاص معرفی شده و این وضعیت، مخالف عدالت توزیعی ارزیابی شده است. البته این نظریه از سوی نویسندگان در سال ۱۴۰۰ مورد بازنگری قرار گرفته که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

رستمی و رستمی (۱۴۰۰) در مقاله خود، ماهیت و آثار فقهی و اقتصادی بیت‌کوین را تبیین کرده‌اند. بر اساس نوع تحلیل و یافته‌های مقاله، نویسندگان معتقدند که علی‌رغم نقش رمزارزها در تسهیل امور مالی و کاهش برخی از نظارت‌های محدودکننده بانک مرکزی، این ماهیت می‌تواند موجب ایجاد اختلال در اقتصاد شود. آنان با تمرکز بر بیت‌کوین، به دلیل برخورداری از عنوان کاربردی‌ترین رمزارز، آن را پولی با ارزش موهومی تعریف کرده‌اند که امکان از بین رفتن کامل این ارزش در هر لحظه وجود دارد. به‌زعم نویسندگان، بیت‌کوین می‌تواند به ایجاد تورم، گسترش سفته‌بازی و خلق پول در اقتصاد منجر شود و زمینه فعالیت‌های غیرقانونی را در اقتصاد فراهم آورد. از این رو، توسعه و ترویج رمزارزها در جامعه را به صلاح اقتصاد ندانسته و بر این باورند که سیاست‌گذار باید از ترویج و توسعه آن‌ها ممانعت به عمل آورد.

اسدیان لالیمی و حبیبیان نقیعی (۱۴۰۰) در مقاله خود، ابتدا به موضوع‌شناسی پرداخته و سپس چالش‌های مطرح‌شده از سوی خبرگان مالی اسلامی و مراجع عظام تقلید، از جمله شبهه‌اتی مانند «لاضرر»، «نفی سبیل»، «وجود هک سایبری» و بسیاری از چالش‌های دیگر که به‌عنوان موانع مشروعیت رمزارزها مطرح می‌شوند را احصا کرده و مورد بررسی قرار داده‌اند. در جمع‌بندی، نویسندگان رمزارزها را نوعی پول خصوصی، مشابه پول طلا

و نقره، دانسته و آن را نزدیک به نظام نقدی صدر اسلام ارزیابی کرده‌اند. در ادامه، انطباق آن با موازین شرعی از حیث نحوه تحقق در جامعه، با تمرکز بر بیت‌کوین، مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس، از نظر خرید و فروش و بر پایه عناوین اولیه، اشکال شرعی در آن مشاهده نمی‌شود؛ اما از جهت آثار منفی اقتصادی و تحت عناوین ثانویه، پیشنهاد شده است که خرید و فروش آن در یک دوره موقت، به صورت میدانی مورد ارزیابی قرار گیرد.

عیوضلو، رضایی صدرآبادی و نوری (۱۳۹۹) در مقاله خود، مبانی، اصول و چارچوب کلان نظام پولی اسلامی را از منظر اقتصاد اسلامی تبیین و استخراج کرده‌اند. در فرایند تبیین این چارچوب نظری، عرف، حاکمیت و بازار به عنوان سه عنصر نهادی مهم در الگوی نظام پولی معرفی شده‌اند؛ منظور از بازار در این چارچوب، بازار میان پول‌های مختلف است. همچنین، شرایط و ویژگی‌های پول در این تبیین عبارت‌اند از: مالیت داشتن پول، معلوم بودن آن از حیث جنس، وصف و مقدار، و وجود ثبات نسبی در ارزش پول. در این بررسی، منشأ پول از تعامل میان عناصر نهادی شکل می‌گیرد؛ به گونه‌ای که عرفی بودن پول و اقبال عمومی مردم اهمیت اساسی دارد و تشخیص حاکمیت نیز از حیث مصداق پول، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند، زیرا با پذیرش حاکمیت، یک نوع پول می‌تواند در اقتصاد حضور رسمی پیدا کند. افزون بر این، در خروجی این چارچوب نظری، آنچه به عنوان پول به صورت اصیل مورد پذیرش قرار می‌گیرد، پول دارای ارزش ذاتی است. در مورد پول با مالیت اعتباری نیز باید مفهومی از «ارزیدن» و «دارا بودن صورت، بدون وجود مابه‌ازای مشخص، پذیرش آن ممکن نخواهد بود.

کشاوری و رضایی صدرآبادی (۱۴۰۱) در مقاله خود درصدد تبیین و طبقه‌بندی رمزارزش‌ها بر اساس ماهیت آن‌ها برآمده‌اند. این طبقه‌بندی با رویکرد تفکیک رمزارزش‌های باثبات و بی‌ثبات آغاز می‌شود. در ادامه، نویسندگان به تبیین نظام پولی در اسلام پرداخته‌اند و به عنوان برآیند حاصل از طبقه‌بندی انجام‌شده و نظام پولی تبیین‌شده، به این نتیجه رسیده‌اند که نمی‌توان حکم فقهی ثابت و یکسانی برای همه انواع رمزارزش‌ها صادر کرد. بر این اساس، رمزارزش‌ها صرف پذیرش از سوی عرف - اعم

از عرف عام و خاص - و استفاده در معاملات، واجد شرايط ماليت و ذی‌ارزش بودن می‌شوند و تعيين حکم ماليت و جواز استفاده از آن‌ها، با توجه به شرايط، قوانين و مقررات و نیز مبانی و اصول، بر عهده حکومت اسلامی است. همچنین، در این مقاله رمزارزش‌ها به دو دسته کلی رمزارزش‌های با ماهيت پولی و رمزارزش‌های با ماهيت دارایی تقسيم شده‌اند. از میان انواع رمزارزش‌ها، آن دسته که باثبات بوده و با پشتوانه دارایی یا کالا طراحی شده‌اند، نسبت به سایر رمزارزش‌ها قرابت بیشتری با اصول و ضوابط نظام پولی اسلامی دارند و این ضوابط را به میزان بیشتری رعایت می‌کنند.

کشاوری، رضایی صدرآبادی و رعایایی (۱۴۰۱) در مقاله خود، به‌منظور تبیین ماليت رمزارزش‌ها، درصدد ارائه طبقه‌بندی مناسبی از آن‌ها برآمده‌اند و پس از بررسی طبقه‌بندی‌های مختلف، در نهایت طبقه‌بندی بر اساس کاربرد رمزارزش‌ها را پیشنهاد و ارائه می‌کنند. در ادامه، بحث با تبیینی از نظام پولی در اسلام و بررسی تفصیلی مفهوم ماليت در اسلام گسترش می‌یابد. در جمع‌بندی نتایج تحقیق نشان داده می‌شود که نخست، شرع مقدس در نظام پولی و مالی، برای تعیین ماليت دارایی‌ها و اشیاء در مبادلات، جایگاه ویژه‌ای برای مردم و عرف عقلا در نظر گرفته و از سوی دیگر، حکومت اسلامی را موظف کرده است که در راستای تأیید و امضای ماليت پول و دارایی‌ها و نیز سایر ضوابط معاملات، نظارت و کنترل لازم را اعمال کند. دوم، شرع مقدس افزون بر ملاک‌های عرفی، ملاک‌های دیگری را نیز برای ماليت در نظر گرفته و در مواردی، آثار ماليت برخی اشیاء را که عقلا با آن‌ها معامله مالی انجام می‌دهند - مانند شراب - الغا کرده است. سوم، از میان چهار نوع رمزارزش مطرح‌شده در طبقه‌بندی ارائه‌شده، همه موارد با توجه به ماهيت دارایی و وجود مابه‌ازای عینی و حقیقی (مانند توکن‌های بهادار و کاربردی) به‌عنوان پشتوانه، یا وجود مابه‌ازای حقیقی همراه با اقبال عمومی - نظیر کوین‌های رمزنگاری‌شده - دارای منشأ عقلایی دانسته شده‌اند. این دسته از رمزارزش‌ها، با توجه به استقبال عمومی و خدماتی که در کاهش هزینه‌های تبادل و افزایش سرعت مبادلات به بشر و نظام اقتصادی ارائه داده‌اند، از نظر اسلام فی‌نفسه واجد ماليت هستند. با این حال، در دایره فقه حکومتی ممکن است شرايط و ضوابط معاملات را رعایت نکنند که این امر منجر به ساقط‌شدن ماليت آن‌ها نمی‌شود، بلکه شارع می‌تواند آثار ماليت آن‌ها را الغا کند.

غمامی و علی‌پور (۱۴۰۱) در مقاله خود، به بررسی تطبیقی حقوق آمریکا و ایران در حوزه رمزارزها پرداخته‌اند و درصدد تبیین ماهیت حقوقی رمزارزها در این دو نظام حقوقی و نحوه مواجهه حوزه‌های پولی و مالی هر یک از این کشورها با این پدیده برآمده‌اند. بر اساس یافته‌های تحقیق، رمزارزها در دو دسته کلی «دارایی مالی» و «پول» طبقه‌بندی می‌شوند که این امر نشان می‌دهد نحوه مواجهه با هر یک از این دو دسته باید متفاوت باشد. در مقام توصیه سیاستی، نویسندگان تأکید می‌کنند که حوزه‌های پولی و مالی، با مقررات‌گذاری مناسب در این زمینه و اجتناب از سوءاستفاده‌هایی مانند پول‌شویی، می‌توانند به فعالان این صنعت در حوزه استخراج و مبادلات بین‌المللی کمک کرده و نقش تسهیل‌گری ایفا کنند. از سوی دیگر، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نظام حقوقی آمریکا به صورت مؤثر و متنوع در این حوزه مقررات‌گذاری کرده است، در حالی که نظام حقوقی ایران تاکنون نتوانسته است به انسجام مناسبی در سیاست‌گذاری این حوزه دست یابد.

ضیائی و حسینی (۱۴۰۲) در مقاله خود، درصدد تبیین نحوه مواجهه با رمزارزها از منظر حقوق تجارت بین‌الملل و از حیث سرمایه‌گذاری خارجی برآمده‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش، غالب کشورها رمزارزها را به‌عنوان پول شناسایی کرده‌اند و برخی دیگر آن‌ها را در قالب دارایی مالی - که می‌تواند شامل کالا یا خدمات باشد - مورد شناسایی قرار داده‌اند. در چارچوب نتایج مقاله، سازمان تجارت جهانی مقررات روشنی در خصوص رمزارزها تدوین نکرده است. در صورتی که رمزارزها شرایط سرمایه‌گذاری خارجی را احراز کنند، مسئله اصلی در تلقی آن‌ها به‌عنوان سرمایه خارجی، منشأ داخلی یا خارجی رمزارز خواهد بود. همچنین، اگر رمزارزها در زمره اوراق بهادار یا خدمات مخابراتی محسوب شوند، می‌توانند مشمول بخشی از مقررات سازمان تجارت جهانی قرار گیرند. افزون بر این، چنانچه رمزارزها در خرید تجهیزات، توکن‌های سرمایه‌گذاری یا سهام شرکت‌ها به کار روند، می‌توانند مصداقی از سرمایه تلقی شده و در ذیل معاهدات سرمایه‌گذاری قرار گیرند.

در جمع‌بندی مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با موضوع تحقیق حاضر، می‌توان عناصر اصلی بحث را در سه محور خلاصه کرد: ارائه طبقه‌بندی مناسب در

خصوص رمزینه‌ها (رمزارزش‌ها)، تبیین اصول و مبانی پول در اقتصاد اسلامی، و استخراج نظر موافق یا مخالف شارع درباره پول‌بودن یا نبودن انواع رمزینه‌ها (رمزارزش‌ها). بر این اساس، با ارائه عناصر اصلی تحقیق، بررسی و نقد دیدگاه‌های مرتبط، و نیز تبیین مقام ناظر و سازوکار صحت‌سنجی (اعتبارسنجی) - که می‌تواند بخشی از حکمرانی رمزارزش‌ها تلقی شود و در عین حال، نیاز به مداخله مستقیم دولت‌ها را کم‌رنگ‌تر سازد - شواهد دیگری همچون حجم معاملات بازار و حجم ارزش بازاری هر رمزارز نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت. نتایج گونه‌شناسی رمزینه‌ها (رمزارزش‌ها) در ادامه سیر تحقیق عرضه می‌شود.

۲-۱. نظرات فقهی درس خارج اساتید

استاد محمد جواد مروی، فقه بیت‌کوین و رمز ارزها^۲

تعریف مختار بیت‌کوین: دارایی اعتباری و دیجیتال که در فرایند تولید و نقل‌وانتقال آن از تکنیک رمز‌گذاری استفاده می‌شود، فاقد پشتوانه است و مبادله آن به‌صورت همتابه‌همتا انجام می‌گیرد.^۳

همان‌گونه که تحقق ملاک پول‌بودن، منوط به پذیرش آن نزد همه عقلا نیست، بلکه پذیرش نزد جمعی از عقلا نیز کفایت می‌کند. با توجه به این توضیح، بدون تردید بیت‌کوین نزد شمار قابل‌توجهی از عقلا، وسیله مبادله، معیار سنجش و ابزار حفظ ارزش به شمار می‌آید. شاهد این امر، حجم بالای مبادلات بیت‌کوین در جهان و نیز وجود صدها شرکتی است که آمادگی دارند کالاهای خود را در ازای بیت‌کوین مبادله کنند. از این رو، نفی پول‌بودن بیت‌کوین ادعایی گزاف تلقی می‌شود.^۴

بر فرض جواز استخراج و مبادله بیت‌کوین به‌عنوان یک رمزارز، این پرسش مطرح می‌شود که آیا عناوین ثانویه می‌توانند استخراج یا مبادله این رمزارز را ممنوع سازند؟

2. <http://www.ostadmarvi.ir/index.php/feqh/>

۳. جلسه ۶ - چهارشنبه ۱۳۹۹/۰۹/۰۱۲

۴. جلسه ۲۱ - چهارشنبه ۱۴۰۰/۰۶/۲۴

پاسخ آن است که چنین احتمالی وجود دارد و ممکن است فقیه با تمسک به قواعد و عناوین ثانویه در این بحث، حکم به احتیاط، حذر یا منع صادر کند.^۵

استاد غلامرضا مصباحی مقدم^۶

ابهامات جدی درباره اینکه آیا رمزارزها مال تلقی می‌شوند یا واجد مالیت هستند، وجود دارد. با وجود اذعان به اقبال اشخاص و شرکت‌ها و نیز افزایش قیمت برخی از رمزارزها، از جمله بیت‌کوین، همچنان این پرسش مطرح است که آیا می‌توان برای آن‌ها مالیت معتبر قائل شد یا خیر؛ زیرا هیچ‌گونه ضمانت حقوقی مشخصی در این زمینه وجود ندارد، به این معنا که هیچ دولت، بانک یا بانک مرکزی‌ای پشتوانه این رمزارزها نیست. این ابهامات سبب شده است که از منظر فقهی، به مشروعیت قطعی این اوراق دست نیابیم. البته این امر لزوماً به معنای نامشروع بودن فی الواقع خرید و فروش رمزارزها نیست؛ چراکه «مال» آن چیزی است که عقلاً آن را مال بدانند و عرفاً نیز آن را به‌عنوان مال تلقی کنند.^۷

استاد محمدحسین ملک‌زاده، درس خارج فقه فضای مجازی و رمزارزها^۸

حقیقت پول، حقیقتی عرفی و عقلایی است و بر اساس کارکردهای آن تعریف می‌شود (تعریف به غایت). این کارکردها عبارت‌اند از: ۱. وسیله مبادله، ۲. واحد سنجش ارزش، ۳. ابزار ذخیره ارزش و مدیریت مالی. همچنین، ملاک انتخاب بهترین پول، اخص بودن (کم‌هزینه بودن)، امن بودن و اسهل بودن آن است.

در عین حال، باید توجه داشت که ماهیت رمزارزها دارای تطور و سیورورت است و در وضعیت کنونی، بحث ناظر به ماهیت و مصداق موجود آن‌هاست و این امکان وجود

۵. جلسه ۳۲ - چهارشنبه ۱۴۰۰/۱۰/۲۲

6. <https://mesbahi.ir/>

۷. جلسه ۲۲ - درس خارج «فقه بورس»

8. <http://ramzearz.madynatolelm.ir/film/index/122>

دارد که در آینده دچار تغییر شود.^۹ در ادامه، این ویژگی‌های پول عرفی بر بیت‌کوین تطبیق داده می‌شود و در نتیجه، پول‌بودن آن استنتاج می‌گردد. البته پذیرفته می‌شود که بیت‌کوین برای کسانی که آن را پذیرفته‌اند ارزشمند است، هرچند ممکن است همانند ارزی یک کشور، در سایر کشورها مورد پذیرش قرار نگیرد.^{۱۰}

۱-۳. استفتائات مربوط به مراجع تقلید

جواز

استاد محمدعلی گرامی به‌طور صریح، خرید و فروش ارز دیجیتال را جایز می‌داند. به تصریح ایشان: «منظور، ارز قراردادی میان طرفین است؛ اگر برای طرفین معامله معلوم باشد، به نظر حقیر صحیح است» و نیز «هرگونه ارز که ارزش و کیفیت آن برای طرفین معامله معلوم باشد، اشکالی ندارد».^{۱۱}

استاد سید احمد مددی نیز خرید و فروش با ارز دیجیتال را در صورت معلوم بودن آن نزد بایع و مشتری جایز می‌داند و تصریح می‌کند: «اعتبار پول به شناخته شدن و به‌کاربردن آن از طرف دولت‌هاست».^{۱۲}

مقام معظم رهبری: «حکم آن، تابع قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران است».^{۱۳} ظاهر پاسخ معظم‌له دلالت بر آن دارد که بنابر حکم اولی، این موضوع جایز دانسته می‌شود؛ اما بر اساس حکم ثانوی، نباید مغایر با قوانین و مقررات کشور باشد.

حرمت به حکم ثانوی

بسیاری از فقها، به‌سبب تطبیق عناوین ثانویه، حکم به عدم جواز دادوستد با رمزارها داده‌اند.

۹. جلسه دوم؛ تاریخ بارگزاری ۱۴۰۰/۱۰/۱۵

۱۰. جلسه سوم؛ تاریخ بارگزاری ۱۴۰۰/۱۰/۱۵

11. <http://www.ayat-gerami.ir/data.asp?L=1&Id=4092>

12. <http://www.ostadmadadi.ir/persian/qa/13706/>

13. <https://www.leader.ir/fa/content/25476/>

آیت‌الله سید موسی شبیری زنجانی: «چنانچه استفاده از این گونه ارزها نوعاً مفسده اقتصادی داشته باشد یا خلاف قانون باشد، خرید و فروش آنها اشکال دارد»^{۱۴}. ایشان در خصوص استخراج نیز می‌فرمایند: «اگر اعتبار دریافتی در مقابل کار حلال داده شود و خلاف قانون نباشد، اشکال شرعی ندارد»^{۱۵}.

آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی: «با توجه به ابهامات فراوانی که بیت‌کوین دارد، از جمله اینکه منشأ استخراج این ارز روشن نیست، غالباً از سوی دولت‌ها به‌عنوان پول معتبر پذیرفته نشده است و نیز منشأ سوءاستفاده‌های متعددی بوده است، بنابراین معامله آن جایز نیست»^{۱۶}.

آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی: «با توجه به ابهامات فراوانی که این نوع معامله دارد، استفاده از این پول جایز نیست»^{۱۷}.

آیت‌الله سید محمدعلی علوی گرگانی: «چنانچه این گونه ارزها از سوی حکومت در ایران یا حکومت‌های دیگر در سطوح بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفته باشند، به‌گونه‌ای که از غش، فریب و اضرار عمومی به اموال مردم و نیز از جهل مصون باشند و در موارد خاص، همانند ارزهای فیزیکی، قابلیت پیگیری و احقاق حق را داشته باشند، مورد قبول خواهند بود. تشخیص مصادیق این امر بر عهده عرف جامعه و کارشناسان اقتصادی و حقوقی است»^{۱۸}.

این فتوا به‌خوبی نشان می‌دهد که ایشان مفهوم عرفی پول را در پول‌های اعتباری و دیجیتالی بدون پشتوانه نیز صادق می‌دانند و از این حیث، اشکالی مشاهده نمی‌کنند. ظاهر تصریح به لزوم پذیرش از سوی حکومت‌ها نیز ناظر به مصون‌بودن از نیرنگ، جهل، ضرر و مانند آن است که همگی در شمار عناوین ثانویه قرار می‌گیرند. بنابراین، مقصود ایشان این نیست که پول‌ها الزاماً باید در انحصار دولت‌ها باشند (مظفری و اسدیان دیلمی، ۱۴۰۰).

14. <https://zanjani.ir/>

15. <https://www.islamquest.net/fa/archive/fa60559>

16. <https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=21&mid=265846>

17. <http://www.hashemishahroudi.org/fa/question/11705/>

18. <http://site.agorgani.ir/estefaa/>

حرمت به حکم اولی

برخی از فقہا در پاسخ به پرسش «حکم استخراج و خرید و فروش ارز دیجیتال (بیت‌کوین) چیست؟» دیدگاه‌های زیر را بیان کرده‌اند:

آیت‌الله حسین وحید خراسانی: «خرید و فروش آن باطل است.»^{۱۹}

آیت‌الله سید علی سیستانی: «فعالیت مذکور را اجازه نمی‌دهند.»^{۲۰}

آیت‌الله حسین نوری همدانی: «ورود در این معاملات اشکال دارد.»^{۲۱}

آیت‌الله صافی گلپایگانی: «بیت‌کوین مالیت ندارد و قابل خرید و فروش نیست؛ اما اگر آن را به غیرمسلمان واگذار کرده و در مقابل وجهی دریافت کنید، اشکال ندارد.»^{۲۲}

جمع بندی فتاوا

با توجه به فتاوی موجود، می‌توان گفت برخی فقہا خرید و فروش با رمزارزها، از جمله بیت‌کوین، را به حکم اولی حرام نمی‌دانند و تنها در صورت تحقق عناوین ثانویه، به حرمت آن حکم کرده‌اند. برخی دیگر نیز دادوستد با آن را به جهت غرر یا اکل مال به باطل حرام می‌دانند که در واقع، ناظر به تشخیص موضوع است. با این حال، از آنجا که بسیاری از فقہا قاعده الزام را در حق کفار نیز جاری می‌دانند، چنانچه فقیہی دادوستد با بیت‌کوین را حرام بدانند، فروش آن به کفار و دریافت پول یا کالا از آنان را باید بر اساس این قاعده جایز تلقی کند؛ چنان‌که برخی از پژوهشگران به این نکته اشاره کرده‌اند (مظفری و اسدیان دیلمی، ۱۴۰۰).

همان‌گونه که گذشت، هیچ‌یک از مراجع و اندیشمندان به‌طور مستقل در این باره که چرا باید به همه انواع رمزارزها - از جمله بیت‌کوین - عنوان «پول» اطلاق شود، نظری ارائه نکرده‌اند؛ بلکه با پیش‌فرض پول‌بودن آن‌ها، به صدور حکم پرداخته‌اند.

در فتاوی مراجع معظم، مسائلی همچون مالیت، پول‌انگاری و منشأ استخراج، به حوزه موضوع‌شناسی ماهیت رمزارزها بازمی‌گردد؛ در حالی که مفاهیمی مانند مفسده اقتصادی، غرر و مانند آن، ناظر به مبانی صحت فقهی معاملات است. همچنین، فقدان

19. <https://www.hawzahnews.com/news/497038/>

20. <https://www.islamquest.net/fa/archive/fa60559>

21. <https://www.islamquest.net/fa/archive/fa60559>

22. <https://www.islamquest.net/fa/archive/fa60559>

نظارت و تأیید حاکمیت و نیز نقض قوانین، به حوزه حکمرانی دولت‌ها در این زمینه تعلق دارد که در ادامه، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. مفاهیم پایه و طبقه‌بندی رمزینه‌ها (رمز ارزش‌ها)

با توجه به ابعاد متنوع فنی در حوزه بلاک‌چین و ارزهای دیجیتال، ارائه تفصیلی این مباحث در این مقاله نه امکان‌پذیر است و نه در زمره اهداف مقاله قرار دارد. از این رو، با لحاظ حجم محتوایی بررسی‌های فقهی مقاله، تنها مفاهیم فنی مرتبط با هدف تحقیق بیان خواهد شد.

۲-۱. ارز دیجیتال^{۲۳}، ارز مجازی^{۲۴} و رمز ارز^{۲۵}

در حوزه اقتصاد دیجیتال، سه اصطلاح وجود دارد که از یکدیگر متمایز هستند. اصطلاح نخست «ارز دیجیتال» است که شامل هر آن چیزی می‌شود که به صورت الکترونیکی ذخیره و منتقل می‌گردد و با حواس ظاهری قابل لمس نیست. این اصطلاح، در واقع، افزون بر شمول تمامی رمزارزها، پول‌های ذخیره‌شده در حساب‌های بانکی و دستگاه‌های خودپرداز را نیز در بر می‌گیرد.

«ارز مجازی» پول بانکی محسوب نمی‌شود، اما برخی از اقسام آن قابلیت تبدیل به پول بانکی را دارند. به عبارت دیگر، ارز مجازی زیرمجموعه‌ای از ارزهای دیجیتال است که به دو شاخه ارزهای قابل تبدیل و غیرقابل تبدیل تقسیم می‌شود. فرایند هر یک از این شاخه‌ها می‌تواند به صورت متمرکز یا غیرمتمرکز مورد نظارت قرار گیرد.

به ارزهای مجازی قابل تبدیل که به صورت غیرمتمرکز و در بستر بلاک‌چین نظارت می‌شوند، در اصطلاح «رمزارز» گفته می‌شود. تعریف دیگری که از شهرت بیشتری برخوردار است، رمزارزها را ارزهایی می‌داند که در بستر بلاک‌چین ایجاد شده‌اند و مستلزم نوعی نظارت جمعی در این فضا هستند. با این حال، درباره اینکه رمزارزها از منظر قوانین کشورهای مختلف «پول» محسوب می‌شوند یا «دارایی»، اختلاف نظر قابل توجهی وجود دارد (میثمی و بیابانی، ۱۳۹۹، صص. ۹-۱۱).

23. Digital Currency

24. Virtual Currency

25. Cryptocurrency

۲-۲. طبقه‌بندی رمزینها (رمز ارزش‌ها)

در پایگاه «کوین مارکت‌کپ»، در زمان نگارش این مقاله، کریپتوها در قالب ۹۴۹۴ فقره و در ۲۶۲۹۵ طبقه دسته‌بندی شده‌اند؛ به گونه‌ای که با انتخاب هر دسته، مهم‌ترین کوین‌ها و توکن‌های مرتبط با آن دسته گزارش می‌شود و نوسانات قیمتی آن‌ها نیز مشخص می‌گردد.^{۲۷} لازم به ذکر است که در بررسی منابع دیگر، بسته به نوع رویکرد، تعداد این دسته‌بندی‌ها به صورت متفاوتی ارائه شده است^{۲۸ و ۲۹ و ۳۰}.

از این رو، آنچه در یک مطالعه علمی حائز اهمیت است، آن است که محدود کردن نگاه به ارزش‌های دیجیتال به عنوان «پول خارج از حاکمیت» در بررسی علمی و ارزیابی فقهی آن‌ها، موجب نادیده گرفتن بسیاری از کارکردهای غیرپولی آن‌ها می‌شود و در نتیجه، ظرافت‌های بررسی یک پدیده فناورانه و آثار متنوع آن به درستی لحاظ نخواهد شد.

از این رو، در این پژوهش نیز با ملاحظه دسته‌بندی‌های مختلف - چه در قالب‌های فناورانه و چه در چارچوب بازارهای مالی^{۳۱} - از یک سو و با توجه به رویکردهای محققان و پژوهشگران اقتصادی و مالی از سوی دیگر، در میان دسته‌بندی‌های ارائه‌شده، رویکرد مبتنی بر کارکردهای رمزینها (رمزارزش‌ها) ترجیح داده می‌شود (میثمی و بیابانی، ۱۳۹۹، ص. ۲۰؛ کشاورزی، رضایی صدرآبادی و رعایایی، ۱۴۰۱، ص. ۸۴) و بر رویکرد ماهیت‌شناسانه (کشاورزی، رضایی صدرآبادی، ۱۴۰۱، ص. ۴۰۶) مقدم دانسته می‌شود. بر این اساس، با ارائه مدل منتخب برگرفته از مقاله کشاورزی و رضایی صدرآبادی و رعایایی (۱۴۰۱) و با رعایت اختصار و نقد حداقلی، مبنای طبقه‌بندی مورد استفاده در این تحقیق تبیین می‌شود.

۳-۲. ارائه طبقه‌بندی منتخب

برای دستیابی به طبقه‌بندی منتخب تحقیق، نکاتی به منظور تکمیل و ارتقای طبقه‌بندی ارائه‌شده در پژوهش کشاورزی، رضایی صدرآبادی و رعایایی (۱۴۰۱) مطرح می‌شود.

۲۶. تاریخ درج این عدد ۱۴۰۴/۰۷/۱۱ است.

27. <https://coinmarketcap.com/cryptocurrency-category/>

28. <https://learn.bitmit.co/types-of-cryptocurrencies/>

29. <https://arzdigital.com/coins/categories/>

30. <https://zoomarz.com/classification-of-cryptocurrencies/>

31. <https://learn.bitmit.co/types-of-cryptocurrencies/>

ابتدا باید گفت هر چند مؤلفان مقاله «تحلیل فقهی - اقتصادی مالیت رمزارزش‌ها در اقتصاد اسلامی» واژه «رمزارزش» را به‌تأسی از برخی مقالات دیگر، به‌عنوان واژه‌ای دارای بار معنایی لازم برای مفهوم موجودیت رمزنگاری شده پذیرفته و اصطلاح Crypto Values را معادل آن معرفی کرده‌اند، با این حال، این واژه در جست‌وجوهای متعدد در زبان انگلیسی به‌عنوان یک اصطلاح رایج شناخته نمی‌شود.

از این رو، با توجه به اصطلاح Cryptocurrency که در عنوان آن مقاله مبنای انتخاب واژه «رمزارزش» قرار گرفته است، به نظر می‌رسد استفاده از همان واژه اصلی با ترجمه‌ای جدید، یعنی «رمزارزش» به‌جای «رمزارز»، به معنای تحمیل بار معنایی تازه‌ای بر این واژه انگلیسی باشد. در مقابل، واژه پیشنهادی این تحقیق «رمزینه» است که از نظر دلالت مفهومی، با واژه «رمزارز» یا «ارز رمزنگاری شده» - که معادل انگلیسی آن محسوب می‌شود - قرابت معنایی بیشتری دارد.

نکته قابل‌ذکر در خصوص رمزپول‌ها در این طبقه‌بندی آن است که آنچه به‌عنوان «پول» در حوزه رمزینه‌ها (رمزارزش‌ها) پذیرفته می‌شود، مستقل از مباحث فقهی و اقتصادی، باید در حوزه بازارهای مالی دارای نوسانات ارزشی بسیار ناچیز و با گرایش به صفر باشد. از شناخته‌شده‌ترین رمزپول‌هایی که واجد این ویژگی است، می‌توان به تتر اشاره کرد؛ بدین معنا که به‌صورت عرفی و عقلایی، معامله‌گران انگیزه‌ای برای ذخیره و نگهداری آن با قصد کسب سود ناشی از افزایش قیمت سرمایه^{۳۲} ندارند.

نکته دوم آن است که بخش عمده‌ای از ارزش بازار این رمزینه‌ها (رمزارزش‌ها) باید در جریان معاملات روزانه قرار داشته باشد و دچار رسوب نشود. بر اساس گزارش‌های منتشرشده در پایگاه کوین‌مارکت‌کپ، این ویژگی در مورد تتر مشاهده می‌شود. از این رو، زمانی که چنین رمزینه‌ای در بازار رمزارزها مشاهده شود، نمی‌توان در این طبقه‌بندی برای آن ماهیت دارایی نیز در نظر گرفت؛ زیرا همان‌گونه که بخشی از پول‌های فیات همواره خارج از جریان روزانه معاملات قرار دارند، با این حال در زمره دارایی‌های واجد سود سرمایه محسوب نمی‌شوند.

با توجه به این توضیحات، خط‌چین ارائه‌شده در طبقه‌بندی مذکور حذف می‌شود.

نکته قابل ذکر در خصوص رمزدارایی‌ها نیز - با رجوع به استدلال ارائه شده در بند پیشین - آن است که رمزینه‌هایی (رمزارزش‌هایی) که در این بازارها دارای نوسانات قیمتی بالایی هستند، به گونه‌ای که قصد غالب و اصلی از نگهداری آن‌ها کسب منفعت در قالب سود سرمایه است، در زمره دارایی‌ها تلقی می‌شوند. همچنین، ناچیز بودن حجم معاملات روزانه این رمزینه‌ها نسبت به ارزش کل بازار آن‌ها، مؤید دیگری برای تأیید رویکرد دارایی‌محور نسبت به این دسته از رمزینه‌ها (رمزارزش‌ها) به شمار می‌آید.

افزون بر این، با رجوع به مباحث فقهی که در ادامه مطرح خواهد شد، ثمن یک معامله می‌تواند کالا یا دارایی باشد؛ از این رو، این استدلال که صرف استفاده از این رمزینه‌ها در مبادلات برای خرید کالا یا خدمات، آن‌ها را در زمره پول قرار می‌دهد، با توجه به نکات پیش گفته در حوزه رمزپول‌ها قابل قبول به نظر نمی‌رسد. بر این اساس، خط‌چین ارتباط میان رمزدارایی‌ها و رمزپول‌ها در طبقه‌بندی منتخب اولیه حذف خواهد شد.

افزون بر این، نکته دیگری که قابل ذکر است و می‌تواند این دسته‌بندی را دستخوش تغییر کند، بحث توکن‌های کاربردی است. این پرسش مطرح می‌شود که آیا همه توکن‌هایی که در این دسته جایابی شده‌اند، دارای مابه‌ازای دارایی هستند؛ به این معنا که بتوان آن‌ها را به نحوی ارزش‌گذاری کرد و با معیارهای پیش گفته، مشمول سود سرمایه (یا زیان سرمایه) دانست؟

به نظر می‌رسد اگر در تعیین ماهیت رمزدارایی‌ها، نوسانات ارزش به عنوان ملاک در نظر گرفته شود، می‌توان موارد متعددی از کارکردهای توکن‌ها را فاقد نوسانات قیمتی دانست. افزون بر این، در برخی موارد، این توکن‌ها فاقد معادل پولی صریح هستند؛ هرچند ممکن است آثار مالی (پولی) غیرمستقیمی به همراه داشته باشند.

از جمله این توکن‌ها، توکن‌های حاکمیتی هستند که به دارندگان خود، در درون یک شبکه ارز دیجیتال، حق رأی در موارد مشخصی اعطا می‌کنند. به طور کلی، این حق رأی به تصمیمات و تغییرات کلان و مهم‌تری منتهی می‌شود که برای حفظ ماهیت غیرمتمرکز شبکه ضروری‌اند.

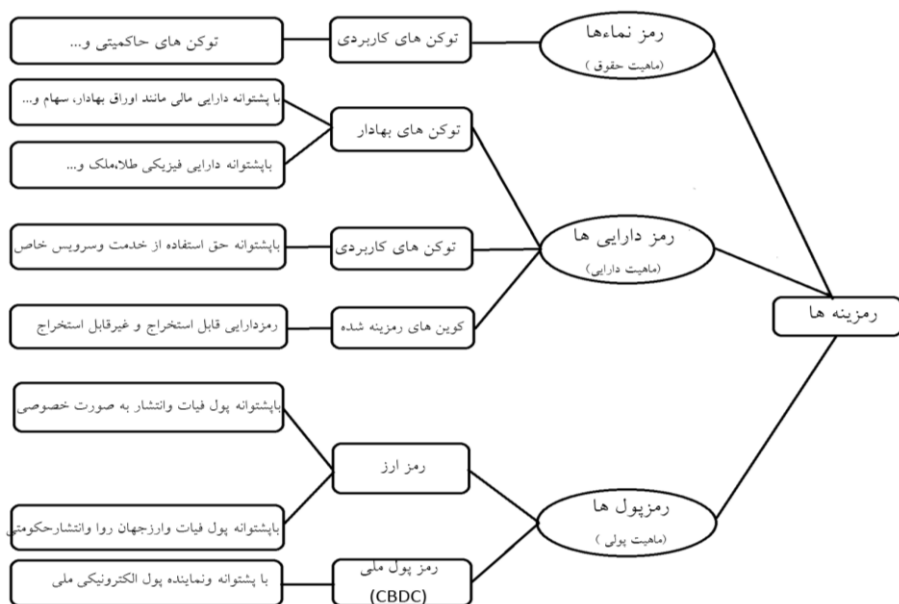
این سازوکار به جامعه مورد نظر امکان می‌دهد تا از طریق آرای خود، به جای تمرکز قدرت تصمیم‌گیری در یک گروه محدود، همگان در فرایند تصمیم‌گیری درباره پیشنهادها و سیاست‌های شبکه مشارکت داشته باشند.

این دسته از توکن‌ها فاقد ارزش پولی مستقیم هستند و نوسانات مالی نیز برای آن‌ها مفهومی ندارد. لازم به ذکر است که توکن‌های سرگرمی و تبلیغاتی^{۳۳} و همچنین توکن‌های غیرقابل تعویض^{۳۴}، ممکن است برخی از ویژگی‌های دارایی مندرج در بخش «رمزدارایی‌ها» را نداشته باشند؛ به گونه‌ای که در حوزه سرگرمی، توکن ممکن است اساساً فاقد بازار باشد و ارزش درون‌بازی آن قابلیت واگذاری نداشته باشد. همچنین، در توکن‌های غیرقابل تعویض، توکن عملاً تک‌نسخه‌ای است و قابلیت تکثیر ندارد، هرچند ممکن است دارای نوسان قیمتی باشد.

از این رو، در جمع‌بندی این بخش می‌توان عنوان جدیدی با نام «رمزینه‌ها با ماهیت غیر دارایی و غیر پولی» تعریف کرد که برای آن اصطلاح «رمزنا» پیشنهاد می‌شود. مقصود از این عنوان آن است که این نوع ارزش، ناظر به نماء و ثمره داشتن یک دارایی است و به صورت مستقل تعریف نمی‌شود. در وضعیت فعلی، توکن‌های حاکمیتی ذیل این عنوان قرار می‌گیرند و تفاوت‌های جزئی میان مصادیق اخیر یا موارد مشابه، در این طبقه‌بندی مبنا و منتخب، مسکوت گذاشته می‌شود.

33. Media and Entertainment Tokens

34. Non-Fungible Tokens (NFTs)



شکل (۱): طبقه‌بندی رمزینہ‌ها بر اساس ماهیت ارزش و کارکردها

۳. مؤلفہ‌های حاکم بر استخراج نظر منتخب

۳-۱. جایگاہ عرف و اعتبار در پذیرش پول

در نظر مشہور فقہای شیعه، ثمن معاملات می‌تواند ہم شامل کالا و ہم شامل پول باشد (کاتوزیان، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۱۱؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۷۱). همچنین، کالاها و دارایی‌های مشتری، در صورتی کہ فروشنده ارزش ذاتی آن مال را بپذیرد، می‌توانند بہ عنوان ثمن معاملہ قرار گیرند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۸، ص ۴۶۰).

با این حال، با توجہ بہ نگاہ جامع‌تری کہ امروزہ نسبت بہ کارکرد پول در اقتصاد شکل گرفته است، پول بہ چیزی اطلاق می‌شود کہ واجد سه کارکرد اصلی باشد: واسطہ مبادلہ، معیار سنجش ارزش و ابزار ذخیرہ ارزش. بر اساس این تعریف، پول یا دارای ارزش ذاتی است - مانند طلا و نقرہ - کہ در این صورت بہ طور عام در معاملات مورد پذیرش قرار می‌گیرد، یا دارای ارزش اعتباری است.

در صورت اعتباری بودن پول، اعتبارکنندہ‌ای کہ ارزش پول را تضمین می‌کند و موجب اقبال عمومی و پذیرش آن در میان مردم می‌شود، یا دولت است کہ در این

صورت، معتبر خاص محسوب می‌شود، یا آنکه اعتبار پول به صورت تعینی و از سوی عموم تحقق می‌یابد؛ بدین معنا که افرادی به صورت خصوصی و بر اساس قراردادی میان خود، چیزی را به عنوان پول اعتبار می‌کنند.

بدیهی است که این اعتبار، تنها در میان همان افرادی که قرارداد را پذیرفته‌اند، ارزشمند است؛ در حالی که افراد خارج از آن قرارداد یا اساساً برای آن اعتبار، مالیتی قائل نیستند، یا اگر ارزشی برای آن در نظر بگیرند، لزوماً آن را به عنوان واسطه مبادله نمی‌پذیرند. بر این اساس، آن چیز در میان گروه پذیرنده قرارداد، نقش پول را ایفا می‌کند و خارج از آن گروه، صرفاً به عنوان دارایی یا ملک اشخاص مورد احترام قرار می‌گیرد، نه اینکه الزاماً واجد مالیت عام باشد.

این وضعیت، مشابه کاربرد نمک یا صدف در برخی ادوار تاریخی است که در بعضی جوامع، نقش پول را ایفا می‌کرده‌اند.

عدم اقبال عموم مردم به پول دارای اعتبار خاص می‌تواند ناشی از برآورده نشدن یکی از انتظارات پولی باشد؛ بدین معنا که یا امکان ایفای نقش واسطه‌گری در مبادلات برای این پول‌ها فراهم نیست، یا معیار سنجش قابل اعتمادی برای آن‌ها شکل نمی‌گیرد، و یا ذخیره ارزش آن‌ها با ریسک قابل توجهی همراه است. در چنین شرایطی، مردم نسبت به این پول‌ها اعتماد و اقبال نشان نمی‌دهند.

با توجه به تاریخچه پول و تحولات آن، شروط یک وسیله برای آنکه بتواند به عنوان پول در جامعه نقش ایفا کند، عبارت‌اند از:

- الف) به سادگی به واحد استاندارد تبدیل شود؛
- ب) به طور گسترده مقبولیت پیدا کند؛
- ج) تقسیم‌پذیر باشد تا در معاملات به کار گرفته شود؛
- د) قابل حمل و نقل باشد؛
- ه) فسادپذیر نباشد.

نتیجه‌ای که می‌توان از شروط و محتوای تعریف پول استنباط کرد آن است که ماهیت پول با اقبال و اعتماد مردم رابطه‌ای مستقیم دارد؛ به گونه‌ای که رابطه میان آن‌ها، عموم و

خصوص مطلق است. هر چیزی که قرار است در یک جامعه به عنوان پول ایفای نقش کند، باید مورد اعتماد و اقبال عمومی همان جامعه قرار گیرد (طباطبایی، بی تا). به عبارت دیگر، ماهیت پول باید با توجه به جامعه مورد نظر بررسی شود و سرایت دادن اعتبار پول از یک جامعه به جامعه‌ای فراتر از آن، نیازمند اقامه دلیل است. دامنه اعتبار از سوی عموم را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: اعتبار در عرف خاص و اعتبار در عرف عمومی. گاه ادعا می‌شود که تنها اعتبار عرف عمومی واجد ارزش است و اعتبار گروهی خاص فاقد ارزش تلقی می‌شود؛ اما این دیدگاه خالی از اشکال نیست. فرض تحقق عرف عمومی، عملاً تنها در مقیاس جامعه جهانی قابل تصور است و آن نیز غالباً ناظر به اموری است که واجد ارزش ذاتی‌اند؛ از این رو، ممکن است اساساً چنین اعتباری در قالب یک عرف عمومی تحقق نیابد. در نتیجه، تقسیم یادشده به گونه‌ای است که در عمل، یکی از اقسام آن تحقق خارجی ندارد و اعتبارهای موجود در این حوزه، صرفاً در چارچوب عرف خاص شکل می‌گیرند. البته باید توجه داشت که عرف خاص محدود به گروهی اندک نیست، بلکه شامل تمامی افرادی می‌شود که آن اعتبار و قرارداد را پذیرفته‌اند. این پرسش مطرح می‌شود که چرا عرف عام باید در مقیاس جهانی تعریف شود و چرا نمی‌توان هر حاکمیت سیاسی را به عنوان عرف عام پذیرفت؟ افزون بر این، مفاهیم «عام» و «خاص» ماهیتی نسبی دارند؛ به گونه‌ای که هر مجموعه‌ای را که در نظر بگیریم، در قیاس با مجموعه‌ای گسترده‌تر، خاص تلقی می‌شود. از این رو، چنین شیوه‌ای از تقسیم‌بندی نمی‌تواند معیار دقیقی برای تحلیل اعتبار عرفی به شمار آید. با توجه به نتیجه‌ای که پیش‌تر به دست آمد، می‌توان گفت همه مجموعه‌ها، اعم از عرف خاص، عرف عام نسبی و عرف عام مطلق، در چارچوب خود واجد اعتبار هستند. نظر دیگری در مقابل مطرح شده است و آن اینکه هرگاه اعتبار توسط گروهی متخصص ایجاد شود، این اعتبار می‌تواند در میان عموم نیز مورد توجه قرار گرفته و قابلیت سرایت پیدا کند (سبحانی و قائمی‌نیا، ۱۳۹۷).

در پاسخ باید گفت که این ادعا نیز بدون اقامه دلیل است؛ زیرا یا این اعتبار از سوی معتبر خاص، یعنی دولت یا حاکمیت، ایجاد شده است که در این صورت، به تبع قدرت

و سلطه حاکمیت بر جامعه، لازم‌الاتباع برای همگان خواهد بود و این فرض، خارج از محل بحث است. یا آنکه اعتبارکننده، عرف خاص است که در این حالت، این اعتبار تنها برای کسانی الزام‌آور خواهد بود که قرارداد آن گروه خاص را پذیرفته‌اند و لزوماً برای همه مردم تعهدآور نیست.

بر این اساس، اعتبار گروهی خاص - حتی اگر از متخصصان تشکیل شده باشند - نمی‌تواند برای عموم مردم الزام ایجاد کند. همچنین، اگر ادعا شود که معتبر، عرف عام است، همان‌گونه که در نقد پیشین بیان شد، چنین فرضی یا اساساً فاقد نمونه خارجی است یا دست‌کم به شدت نادرالوقوع است.

بنابراین، دامنه اعتبارات - به‌ویژه در حوزه پول - باید به‌دقت مورد توجه قرار گیرد و تعمیم این دامنه اعتبار به همه جوامع، نیازمند اقامه دلیل است که غالباً چنین دلیلی وجود ندارد. البته اگر روزی، در فرضی که اکثریت جامعه بشری نسبت به شیئی به‌عنوان واسطه مبادله اقبال عمومی پیدا کنند، این اعتبار فراگیر می‌تواند در عرف عام به پول بودن آن شیء بینجامد.

۴. مبانی فقهی صحت معاملات و انتشار و حکمرانی پول

۴-۱. مبانی فقهی حاکم بر صحت معاملات

شارع مقدس، برای ساختارمندکردن معاملات، اصولی را بر پایه مصالح و مفاسد واقعی بنیان نهاده است که رعایت آن‌ها در جامعه الزامی است. این اصول به‌مثابه زیربنای تمامی معاملات به‌شمار می‌آیند و سایر عقود و شرایط، در چارچوب همین بستر تحقق می‌یابند. برخی از اصول کلی حاکم بر معاملات عبارت‌اند از:

(۱) **فراگیری علم و احکام معاملات:** هر کس قصد تجارت دارد، باید احکام دینی مربوط به معاملات را بیاموزد تا از این طریق حلال را از حرام بازشناسد. کسی که بدون آموختن احکام دین به تجارت بپردازد، در شبهات فرو می‌رود (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص. ۲۸۳).

- ۲) **حرمت اکل مال به باطل**^{۳۵}: «اکل مال به باطل» در معنای عام و گسترده آن، به اموری اطلاق می‌شود که موجب هلاکت و نابودی مردم و ازهم‌گسیختگی جامعه اسلامی می‌گردد (اسماعیلی، ۱۳۷۳، ص. ۱). این قاعده با توجه به عمومیت خود، موارد متعددی را دربر می‌گیرد؛ از جمله، مالیت‌نداشتن ثمن یا مثن نیز ذیل این قاعده قابل طرح است.
- ۳) **ممنوعیت ربا**^{۳۶}: ربا به معنای افزون‌شدن، رشد و نمو یافتن و دریافت سودی بیش از اصل مال تعریف شده است.
- ۴) **ممنوعیت ضرر و ضرار**: بر اساس قاعده «لا ضرر و لا ضرار»، هیچ‌گونه ضرر و زیانی در معاملات مشروعیت ندارد؛ چنان‌که در آیه «لا تُضارَّ والدَةُ بولدها ولا مولودٌ له بولده» (بقره: ۲۳۳) نیز به این معنا اشاره شده است.
- ۵) **ممنوعیت غرر**: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از بیع غرری نهی کرده‌اند: «نهی النبی عن بیع الغرر» (حر عاملی، ج. ۱۷، ص. ۴۴۸). به تعبیر استاد تسخیری، غرر عبارت است از «جهالتی که به نزاع منتهی شود».
- ۶) **ممنوعیت قمار**^{۳۷}: بخشی از اشکالات مطرح‌شده درباره بطلان خریدوفروش رمزینه‌ها (رمزارزش‌ها) بر اساس احکام اولیه، ناظر به همین مبانی فقهی صحت معاملات است؛ بدین معنا که هرگاه یکی از این اصول رعایت نشود، حکم به بطلان معامله صادر می‌شود. از این رو، اگر فقهی معاملات رمزینه‌ها را مشمول عناوینی همچون قمار، غرر، ربا یا سایر موارد بداند، به حکم اولی فتوا به بطلان چنین معاملاتی خواهد داد.

۴-۲. مبانی فقهی حاکم بر انتشار و حکمرانی پول

برای آنکه بررسی فقهی مناسبی درباره مبانی پول و دارایی صورت گیرد، به نظر می‌رسد اشاره‌ای اجمالی به مهم‌ترین تحقیقات انجام‌شده در این حوزه بتواند جایگاه بحث را روشن‌تر سازد. شایان ذکر است که در میان پژوهش‌های مبسوط انجام‌شده درباره نظام

۳۵. نساء: ۲۹

۳۶. بقره: ۲۷۸ تا ۲۸۰

۳۷. بقره: ۲۱۹

پولی اسلامی، مقاله منتشرشده از سوی عیوضلو و رضایی صدرآبادی و نوری (۱۴۰۰) از جمله آثاری است که در مطالعات متعدد مورد استفاده قرار گرفته است. طرح برخی ملاحظات درباره این پژوهش می‌تواند توجیه‌کننده رویکرد اتخاذشده در مقاله حاضر باشد.

نخست آنکه یکی از اهداف فرعی این مقاله، بررسی ماهیت و ویژگی‌های پول است؛ هدفی که با ارائه یک «نظام پولی در اقتصاد اسلامی» متفاوت است. از این رو، ضرورتی برای ورود تفصیلی به مباحث محتوایی نظام پولی اسلامی وجود ندارد و تمرکز اصلی بر ارائه تبیینی مناسب از ماهیت پول قرار گرفته است. در ادامه مقاله نیز به روشنی مشاهده می‌شود که دستیابی به نتایج مورد نظر تحقیق، بدون ورود به پیچیدگی‌های نظری نظام پولی اسلامی، هم ممکن است و هم در مقام نتیجه‌گیری، شباهت قابل توجهی با نتایج پژوهش‌هایی دارد که به‌طور مفصل وارد این بحث شده‌اند.

نکته دوم آن است که باید پرسید آیا ارائه مفهوم «نظام پولی اسلامی» تمایزی واقعی با آنچه در ادبیات اقتصادی متعارف مطرح است، ایجاد می‌کند یا صرفاً بازخوانی مفاهیمی است که مابه‌ازای تقریباً مشابهی در حوزه پولی دارند و تنها در قالبی بومی شده و با چیدمان واژگانی جدید عرضه شده‌اند؛ مفاهیمی مانند شرایط انتشار پول، ویژگی‌های سیاست پولی مناسب در دوره‌های رکود و رونق، و جایگاه حکمرانی مطلوب در نظام پولی.

نکته سوم آنکه پدیده «استدراج» در علوم، به‌ویژه در علوم انسانی و از جمله اقتصاد، رخ داده است؛ از این رو، هرچند تدوین چارچوب‌ها و بلوک‌هایی تحت عنوان زیرنظام‌های مختلف، از حیث پژوهشی قابل تقدیر است، اما میزان اثربخشی آن‌ها می‌تواند محل تردید باشد. بر این اساس، نقد و بررسی تفصیلی رویکرد یادشده، به دلایل فوق، خارج از هدف مقاله حاضر تلقی شده و از آن صرف‌نظر می‌شود.

۴-۲-۱. بررسی فقهی انتشار پول با ارزش ذاتی توسط حاکمیت (نهاد پولی)

با توجه به اینکه اسلام در باب معاملات، غالباً به عرف رجوع می‌کند و رویکرد آن، تأیید، اصلاح یا رد قواعد عرفی است، در بررسی حق تولید و انتشار پول با ارزش ذاتی، ادله و

شواهد متعددی وجود دارد که انحصار این حق در حاکمیت را تأیید نمی‌کند. از این رو، این مسئله ابتدا در قالب پول‌های دارای ارزش ذاتی بررسی می‌شود و بحث مربوط به حق تولید و انتشار پول اعتباری، در ادامه مطرح خواهد شد.

(۱) طبق شهادت مورخانی مانند طبری، ابن اثیر و بلاذری، نخستین کسی که سکه اسلامی را به صورت رسمی رواج داد، عبدالملک مروان بود. وی در فاصله سال‌های ۷۴ تا ۷۶ هجری اقدام به ضرب دینار اسلامی کرد و تا پیش از آن، در جامعه اسلامی از دینارهای قیصری و درهم‌های کسروی استفاده می‌شد. با این حال، هیچ گزارشی در روایات مبنی بر منع استفاده از این سکه‌ها تا آن زمان وارد نشده است.

این وضعیت تا زمانی ادامه داشت که در پی تهدید پادشاه روم مبنی بر حک کردن عباراتی توهین‌آمیز نسبت به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بر روی سکه‌ها، امام محمد باقر علیه‌السلام دستور به ممنوعیت استفاده از سکه‌های رومی دادند و در خصوص ضرب سکه‌های اسلامی و تعیین نوع و اندازه آن‌ها، رهنمودهایی به حاکم وقت ارائه فرمودند. با فرض پذیرش سند این روایت، روشن است که ممنوعیت استفاده از سکه‌های رومی، ناظر به شرایط خاص سیاسی و اجتماعی آن زمان بوده است؛ از این رو، منع به‌کارگیری سکه‌هایی که خارج از حاکمیت ضرب شده و در بازار رایج‌اند، نیازمند دلیل خاص است و تنها از باب نفی سلطه کفار می‌توان آن را توجیه کرد. در غیر این صورت، صرف مقبولیت بازار و عرف، می‌تواند مجوز حضور آن‌ها در فضای اقتصادی باشد.

افزون بر این، شواهد متعددی برخلاف انحصار یادشده از معصومان علیهم‌السلام نقل شده است؛ از جمله آنکه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از پول‌هایی که در عصر جاهلیت ضرب شده بودند، زکات اخذ می‌کردند و پول رایج جامعه را، همان‌گونه که وجود داشت، تأیید و تقریر فرمودند (زراءنژاد، ۱۳۸۳). همچنین از برخی روایات استفاده می‌شود که نسبت ثابتی میان درهم و دینار وجود نداشته و این نسبت، تابع میزان عرضه و تقاضا در جامعه بوده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص. ۱۹۷).

در دوره حکومت عباسیان نیز تغییرات متعددی در سکه‌ها رخ می‌داد؛ به گونه‌ای که وزن دینار و درهم در نوسان بود و گاه حتی در دوره حکومت یک خلیفه نیز این

تغییرات اتفاق می‌افتاد. در چنین شرایطی، حاکم سکه‌های جدید را رسمی اعلام می‌کرد که این امر به اختلافاتی میان مردم، از جمله در پرداخت دیون، می‌انجامید. در یکی از این موارد، امام رضا علیه‌السلام دستور به دریافت سکه‌های پیشین با وزن کمتر دادند، در حالی که مأمون عباسی حکم به اسقاط آن سکه‌ها داده بود (صدوق قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص. ۱۹۱؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص. ۱۱۷). این روایت نمونه‌ای عملی از رد نظر حاکمیت توسط شارع است؛ بدین معنا که سکه جدید ضرب شده از سوی حاکمیت، برای ادای دین مناسب تلقی نشده و در این گونه موارد، باید به ارزش ذاتی سکه‌ها، یعنی سکه‌های با ضرب پیشین، رجوع کرد.

(۲) امام صادق علیه‌السلام اصل تولید درهم را جایز دانسته‌اند و تنها در خصوص روکش مس یا غیر آن تصریح فرموده‌اند که برای صحت معامله، تبیین و آگاهی بخشی به مشتری ضرورت دارد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص. ۱۸۸). بر اساس این روایت، اصل تولید و انتشار پول توسط غیر حاکمیت، به صراحت مورد امضا قرار گرفته است.

(۳) از امام صادق علیه‌السلام درباره درهم‌های مغشوش سؤال شد. حضرت فرمودند: اگر چیزی را که خرج می‌کنی در میان اهل شهر رواج دارد، اشکالی ندارد؛ اما اگر چیزی را خرج می‌کنی که در میان اهل شهر رواج ندارد، جایز نیست (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص. ۱۸۸).

از این روایت می‌توان شاخصه‌های بسیار مهمی برای معرفی پول مورد پذیرش استنباط کرد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

○ پول هر جامعه باید با عرف اهل بلد (کشور یا شهر) همان جامعه سنجیده شود.

○ پول مورد نظر باید از اقبال عمومی برخوردار باشد؛ به گونه‌ای که حتی اگر شیء مفروض دارای ارزش ذاتی باشد (چنان‌که در روایت، درهم موضوع بحث است)، اما در میان اهل بلد رواج و پذیرش نداشته باشد، از سوی حضرت به‌عنوان پول امضا نمی‌شود.

○ شرط انتشار از جانب حاکمیت مطرح نشده است؛ با آنکه در آن دوره، ضرب سکه عموماً توسط حکومت انجام می‌گرفت.

(۴) در روایتی درباره تحریم غش، به ضرورت جلوگیری از هرج و مرج مالی و راه یافتن پول‌های نامعتبر و مغشوش در میان مردم تصریح شده است؛ به عبارت دیگر، وجود ناظرانی برای جلوگیری از رواج پول تقلبی امری ضروری تلقی می‌شود. مقصود از این نظارت، ایجاد شفافیت مالی در فرایند تولید و عرضه پول در بازار و در میان مردم است تا از سوءاستفاده‌های مالی پیشگیری شود. نکته قابل توجه آن است که امام علی‌السلام در این روایت، فرد را در جامعه - و نه نهاد حاکمیتی را - به از بین بردن سکه تقلبی امر می‌کنند؛ بدین معنا که نظارت بر صحت پول، وظیفه‌ای اجتماعی و عمومی تلقی شده است. افزون بر این، این احتمال نیز وجود دارد که سکه مغشوش توسط حاکمیت یا کارگزاران آن ضرب شده باشد؛ زیرا حضرت در مقام بیان حکم استفاده از سکه‌های رایج بوده‌اند و تصریحی در خصوص انحصار تولید و انتشار پول توسط حاکمیت ارائه نکرده‌اند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص. ۲۸۱).

بنابراین، با توجه به دلایل پیش‌گفته، در خصوص پول‌هایی که دارای ارزش ذاتی هستند، بر اساس شواهد و ادله روایی، حق ضرب و انتشار آن‌ها به صورت ذاتی در انحصار حاکمیت قرار ندارد و حتی نظارت و مقررات‌گذاری آن نیز منحصر به حاکمیت نیست.

نکته قابل تأمل آن است که در زمان معصومان علیهم‌السلام که این روایات صادر شده‌اند، حکومت وقت منصوب از سوی معصومان علیهم‌السلام نبوده است؛ از این رو، این بی‌اعتنایی نسبت به جایگاه نظارت و مقررات‌گذاری حاکمیت، می‌تواند ناشی از عدم تأیید آن حاکمیت باشد. با این حال، در فرضی که حاکمیت منصوب از سوی معصومان علیهم‌السلام باشد و به طور خاص در چارچوب حکومت اسلامی در عصر غیبت - که در آن پول با ارزش ذاتی عملاً کنار گذاشته شده است - حداقل ضرب سکه، چه در قالب پول خاص و چه در قالب دارایی، باید تحت نظارت مؤثر نهاد مسئول انجام پذیرد.

این امر می‌تواند نشان‌دهنده حکمرانی نامناسب در حوزه ضرب و انتشار پول باشد و در عین حال، حضور هسته‌های صحت‌سنجی و اعتبارسنجی غیرحاکمیتی را نیز در جامعه تأیید کند. افزون بر این، در وضعیت کنونی، ضرب سکه طلا - هرچند

نه با قصد ضرب پول مبادلاتی - در جامعه رواج یافته است که می‌تواند دلالت بر عدم انحصار کامل در ضرب سکه دولتی داشته باشد؛ هرچند تحقق این امر با نظارت نهاد پولی صورت پذیرفته است.

۲-۲-۴. بررسی فقهی انتشار پول اعتباری توسط حاکمیت (نهاد پولی)

پول‌های اعتباری، پول‌هایی هستند که ارزش آن‌ها وابسته به اعتبار معتبر است. گونه‌های موجود از پول‌های اعتباری، به صورت مستقل طرح و بررسی می‌شوند:

(۱) رسیدهای اعتباری با پشتوانه دارایی واقعی: چنانچه رسید اعتباری به پشتوانه طلا، نقره یا هر دارایی با ارزش دیگری صادر شود، به گونه‌ای که اعتماد عمومی را جلب کند، از حیث کارکرد تفاوتی با پول‌های دارای ارزش ذاتی نخواهد داشت. در عصر غیبت و در چارچوب حکومت اسلامی، نظارت بر اجرای صحیح و پیشگیری از اضرار به جامعه در فرایند انتشار این نوع پول‌های دارای پشتوانه، به‌طور خاص بر عهده نهاد پولی و مالی و به‌طور عام بر عهده همه افراد جامعه است؛ زیرا این موضوع از جمله مسائلی است که با امنیت اقتصادی جامعه ارتباط مستقیم دارد. در این چارچوب، دولت و حاکمیت، به نمایندگی از عموم جامعه، متکفل اعمال نظارت خواهند بود. بنابراین، تولید و انتشار این نوع رسیدهای اعتباری، با توجه به عمومات ادله، در انحصار نهاد پولی و مالی مسئول (بانک مرکزی) قرار ندارد.

(۲) رسیدهای اعتباری مبتنی بر اقتصاد کلان و تولید ناخالص داخلی (پول فیات): چنانچه رسید اعتباری مبتنی بر تولید ناخالص داخلی و ثبات اقتصاد کشور (پول فیات) بوده و موجب اعتماد و اقبال عمومی شود، با توجه به آنکه چنین پولی سابقه‌ای در عصر شارع مقدس نداشته، صرفاً اعتباری و فاقد ارزش ذاتی است و دامنه‌ای سرزمینی دارد، امکان ضرب و انتشار آن توسط غیر از نهاد پولی مسئول (بانک مرکزی) وجود ندارد و این فرض، سالبه به انتفای موضوع است. در این حالت، دولت از طریق بانک مرکزی و به نمایندگی از افراد جامعه، با رعایت منفعت و مصلحت عمومی و بر اساس سیاست‌های متناسب پولی و مالی، و با لحاظ متغیرهای اقتصادی از جمله

رشد اقتصادی، اقدام به انتشار چنین رسیدهایی می‌کند. بدیهی است که حق تولید و انتشار این نوع پول‌ها، منحصر به حاکمیت خواهد بود.

(۳) پول‌های اعتباری بدون پشتوانه و خلق نقدینگی بی‌ضابطه: پول‌های اعتباری بدون پشتوانه که از طریق نهاد پولی کشور (بانک مرکزی) یا بانک‌ها، در قالب افزایش پایه پولی یا خلق نقدینگی و بدون رعایت منفعت و مصلحت عمومی جامعه، و در چارچوب رشد بی‌ضابطه نقدینگی منتشر شوند، جایز نیستند. این نوع خلق پول، عوارض اقتصادی متعددی از جمله تورم، افزایش نابرابری درآمدی و کاهش قدرت خرید جامعه را به دنبال دارد. با توجه به ادله روایی مربوط به پول‌های دارای ارزش ذاتی، به طریق اولی می‌توان گفت که انتشار این دسته از پول‌ها نیز نباید مجاز شمرده شود. در این زمینه، ادله حرمت تصرف غیرمأذون و غضب، و نیز ادله ناظر بر نفی و از بین بردن پول‌های مغشوش، نامشخص و تقلبی، می‌تواند به‌عنوان مستند فقهی عدم صحت این نوع خلق پول مورد استناد قرار گیرد.

۵. تبیین و تعیین پول و دارایی بودن رمزینه‌ها (رمز ارزش‌ها)^{۳۸}

با توجه به اینکه رمزینه‌ها (رمزارزش‌ها) می‌توانند در یکی از سه قالب پول، دارایی - که خود ممکن است شامل حق، کالا یا نمایانگر دارایی‌هایی همچون سهام در انواع طرح‌ها و پروژه‌ها، یا اسناد رمزنگاری شده باشد - و یا نوع سوم (توکن‌های حاکمیتی) قرار گیرند که در طبقه‌بندی منتخب تحقیق به آن اشاره شد، در این بخش درصدد تشخیص پول‌بودن یا دارایی‌بودن اقسام رمزینه‌ها (رمزارزش‌ها)، با اتکا به مقدمات پیش‌گفته، هستیم.

(۱) رمزینه‌های دارای پشتوانه طلا و نقره که در بستر بلاک‌چین و به‌صورت غیرمتمرکز و با نظارت عمومی منتشر می‌شوند، بیشترین مشابهت را با پول‌های دارای ارزش ذاتی دارند. بر اساس عمومات ادله و با توجه به عدم ردع شارع نسبت به منع ضرب خصوصی، جواز انتشار این دسته از رمزینه‌ها (رمزارزش‌ها) قابل اثبات است. با این حال، صحت‌سنجی ادعای پشتوانه آن‌ها - از طریق افشای مالی اطمینان‌آور، نهادهای خصوصی اعتبارسنجی یا نهادهای پولی و مالی ملی یا

۳۸. ارقام به‌کاررفته در این قسمت با آخرین تغییرات بازار در ۱۴۰۴/۰۷/۱۸ بروزرسانی شده است.

بین‌المللی - به‌منظور اجتناب از عوارض مالی، از جمله تقلب و کلاهبرداری، ضروری است. بدین معنا که اصل صحت‌سنجی موضوعیت دارد و نوع نهاد ناظر، فی‌نفسه، اهمیت تعیین‌کننده‌ای ندارد.

(۲) رمزینیهایی که بر پایه ارزش‌های با ارزش ثابت و در بستر بلاک‌چین، با نظارت عمومی غیرمتمرکز - مانند تتر - به‌عنوان پول طراحی شده‌اند، قابل پذیرش هستند. دلیل صحت آن‌ها، افزون بر عموماًت پیش‌گفته، روایات ناظر به پذیرش پول‌هایی است که به‌صورت عمومی در جامعه مورد قبول واقع می‌شوند؛ یا به تعبیر دیگر، اعتماد عمومی را جلب می‌کنند. در این دسته نیز، همانند پول‌های دارای ارزش ذاتی، صحت‌سنجی موضوعیت دارد و نوع نهاد ناظر، واجد اهمیت ذاتی نیست.

(۳) در خصوص بیت‌کوین، که به‌تنهایی حدود ۵۹ درصد از بازار رمزینیه‌ها را در زمان نگارش مقاله به خود اختصاص داده است، مشاهده می‌شود که نسبت حجم معاملات روزانه آن به ارزش بازار، حدود سه و دو دهم درصد است^{۳۹}؛ به‌عبارت دیگر، بخش عمده این رمزینیه در چرخه روزانه معاملات قرار ندارد و کارکرد غالب آن، سرمایه‌گذاری است، نه ایفای نقش وسیله مبادله در جایگاه پول. به همین دلیل، در کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا (غمامی و علی‌پور، ۱۴۰۱)، بریتانیا، ژاپن، استرالیا و کره جنوبی - که رویکردی مثبت در حوزه سیاست‌گذاری و مقررات‌گذاری رمزینیه‌ها اتخاذ کرده‌اند - بیت‌کوین به‌عنوان دارایی و نه پول شناسایی می‌شود و معاملات آن مشمول نرخ‌های مالیاتی است^{۴۰}. در مورد اتریوم، به‌عنوان دومین رمزینیه با بیشترین ارزش بازار، نسبت یادشده حدود نه و نیم درصد است و در این مورد نیز، رویکرد دارایی‌بودن بر نگاه پولی و مبادله‌ای غلبه دارد. از این رو، با توجه به شیوه رگولاتوری کشورهای توسعه‌یافته‌ای که برخوردی مساعد با رمزینیه‌ها داشته‌اند و با عنایت به تحلیل پیش‌گفته، می‌توان گفت بیت‌کوین و اتریوم - که در مجموع بیش از ۷۰ درصد ارزش بازار رمزینیه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند - واجد غلبه کارکرد دارایی بر کارکرد مبادله‌ای هستند. بر

39. <https://arzdigital.com/coins/>

40. <https://nobitex.ir/mag/global-cryptocurrency-regulations/>

این اساس، جایگاه رمزینه‌ها به‌عنوان رقیب پول‌های فیات، چه از حیث اثرگذاری بر سیاست‌های پولی کشورهای توسعه‌یافته و چه از حیث حجم رمزینه‌های در گردش، قابل اغماض است. بنابراین، تمرکز سیاست‌گذاری دولت‌ها باید از بررسی اثرگذاری رمزینه‌ها بر بازار پول، به سمت **بازار مالی و دارایی معطوف** شود. البته شایان ذکر است که به‌منظور اجتناب از عوارض مالی، از جمله تقلب و کلاهبرداری در سطح معاملات فردی، و پول‌شویی و جرائم ملی و بین‌المللی در سطح کلان، کشورهای پیشرو در حمایت از صنعت رمزینه‌ها، این حوزه را با دقت و سخت‌گیری تحت مقررات‌گذاری قرار داده‌اند.

(۴) در خصوص رمزارز تتر، که به‌عنوان یک رمزارز با ثبات و با ارزش اسمی حدود یک دلار مورد توجه بازار رمزینه‌هاست، شایان ذکر است که این رمزینه - به‌عنوان سومین رمزینه از حیث ارزش بازار - در زمان نگارش مقاله، نسبت حجم معاملات روزانه به ارزش بازار آن بیش از نود و هشت درصد است. این نسبت بالا نشان می‌دهد که در مورد تتر، رویکرد پول‌بودن به‌طور کامل تأیید می‌شود.

نکته دیگر آن است که سایر استیبل‌کوین‌هایی که به‌عنوان وسیله مبادله به کار می‌روند، هیچ‌یک نتوانسته‌اند این نقش را به‌خوبی ایفا کنند^{۴۱}؛ به‌گونه‌ای که برای نمونه، USDC با نسبت حدود بیست و هفت درصد و ریپل با نسبت حدود سه درصد، فاصله معناداری با کارکرد پولی تتر دارند. از این‌رو، در یک جمع‌بندی مبتنی بر مشاهدات بازار، شامل حجم معاملات روزانه، اندازه بازار و نسبت این دو متغیر در بخش عمده بازار رمزینه‌ها، و با عنایت به رویکردهای مقررات‌گذاری در کشورهای توسعه‌یافته، می‌توان گفت کارکرد غالب در صنعت رمزینه‌ها، کارکرد دارایی است و تنها معدودی از رمزینه‌ها، از جمله تتر، توانسته‌اند جایگاه خود را به‌عنوان پول در گردش در بازار رمزینه‌ها تثبیت کنند.

نکته قابل توجه در خصوص تتر آن است که با توجه به حجم معاملات روزانه بازار رمزینه‌ها - که حدود دویست و دوازده میلیارد دلار برآورد می‌شود - تتر به‌تنهایی حدود صد و هفتاد و هشت میلیارد دلار از این حجم را به خود

41. <https://arzdigital.com/coins/>

اختصاص داده است. بر این اساس، کارکرد اصلی تتر، ایفای نقش پول در جریان بازار رمزینها و واسطه تبدیل دلار به رمزینها است؛ از این رو، دغدغه اخلاص در بازار پول و سیاست‌های پولی کشورهای توسعه‌یافته در این خصوص، به صورت جدی قابل طرح نخواهد بود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با تبیین مبانی فقهی و اقتصادی، ملاحظه رفتار بازار رمزینها و در نظر گرفتن نحوه مقررات‌گذاری کشورهایی که رویکردی مساعد نسبت به این بازار اتخاذ کرده‌اند، می‌توان چنین جمع‌بندی کرد:

در خصوص پول‌های دارای ارزش ذاتی، دولت‌ها در حوزه ضرب و انتشار، واجد انحصار ذاتی نیستند و نظارت دولت‌ها بر فرایند انتشار و ضرب پول خارج از حاکمیت (نهاد پولی) کفایت می‌کند. همچنین، رسیده‌های حاکی از ارزش ذاتی از حیث حکم، ملحق به پول‌های دارای ارزش ذاتی محسوب می‌شوند.

در خصوص پول اعتباری متعارف، شامل سکه و اسکناس، باید گفت ضرب و انتشار آن در انحصار حاکمیت (نهاد پولی) قرار دارد. افزون بر این، خلق پول اعتباری بدون ضابطه از سوی دولت‌ها و بانک‌ها، مشمول ادله حرمت بوده و ممنوع است؛ به عبارت دیگر، پولی‌سازی کسری بودجه و ایجاد تورم از این طریق، می‌تواند موجب ضمان حاکمیت شود.

در خصوص رمزینها (رمزارش‌ها) نیز، با عنایت به تفصیل ارائه‌شده درباره رمزینهای دارای ارزش ذاتی و رمزینهای مبتنی بر ارزشهای فیات، صحت‌سنجی ادعای پشتوانه موضوعیت دارد و نوع نهاد ناظر، فی‌نفسه، واجد اهمیت تعیین‌کننده نیست. افزون بر این، با توجه به نکات پیش‌گفته، آن دسته از رمزینها که دارای کارکرد غیرپولی متقن هستند، از شمول بررسی ادله مربوط به انتشار پول خارج شده و بررسی آن‌ها در قالب دارایی صورت می‌گیرد.

در نهایت، به نظر می‌رسد جز معدودی از رمزینها - مانند تتر - که توانسته‌اند جایگاه خود را به‌عنوان ابزار مبادله و نیز واسطه تبدیل ارزشهای فیات به رمزینها تثبیت کنند،

ساير رمزينه‌ها، با توجه به حجم محدود ارزش بازار آن‌ها، توان اثرگذاري معنادار بر نظام پولی ملی و بين‌المللی را ندارند. از همين رو، غالب کشورهاي توسعه‌يافته، رمزينه‌ها را در قالب دارايی شناسایی می‌کنند.

البته شايان ذکر است که به‌منظور اجتناب از عوارض مالی، از جمله تقلب و کلاهبرداری در سطح معاملات فردی و پول‌شویی و جرائم ملی و بين‌المللی از حيث حکمرانی مالی، کشورهای پیشرو در حمايت از صنعت رمزينه‌ها، اين حوزه را با دقت و سخت‌گیری تحت مقررات گذاري قرار داده‌اند.

مطالب پیش‌گفته را می‌توان به‌منظور جمع‌بندی و وضوح بیشتر، در قالب جدول (۱) ارائه کرد.

جدول (۱): حکم انتشار پول در قالب‌های مختلف توسط دولت یا ناشر خصوصی

انوع پول	نوع ارزش	نوع پشتوانه	انتشار دولتی	انتشار خصوصی با امکان صحت‌سنجی	
پول	ذاتی	واقعی	✓	✓	
		رسید کاغذی			با پشتوانه طلا یا کالا
	اعتباری	باضابطه	✓	-	با پشتوانه تولید ملی جامعه
		بی‌ضابطه	-	-	بدون پشتوانه برای تأمین کسری بودجه دولت
	رمز پول‌ها	رمز ارز	با پشتوانه پول فیات و انتشار به صورت خصوصی	-	✓
با پشتوانه پول فیات و ارز جهان روا و انتشار حکومتی			✓	-	

انواع پول	نوع ارزش	نوع پشتوانه	انتشار دولتی	انتشار خصوصی با امکان صحت‌سنجی
	رمز پول ملی (CBDC)	با پشتوانه و نماینده پول الکترونیکی ملی	✓	-

منبع: (یافته‌های تحقیق)

از این رو می‌توان گفت مکلف مورد خطاب، اگر شهروند کشورهای توسعه‌یافته باشد، با لحاظ نکات پیش‌گفته و در چارچوب تمکین از قوانین سرزمینی، می‌تواند در بازار رمزیندها فعالیت کند. اما اگر شهروند کشورهایی باشد که فعالیت در بازار رمزیندها را در تمامی مراحل ممنوع کرده‌اند، به نظر می‌رسد بر اساس حکم اولیه و از حیث فقه فردی و صحت معاملات، اقدام به این فعالیت فی‌نفسه خالی از اشکال باشد؛ هرچند بر مبنای حکم ثانوی، تمکین از قانون، موجب منع از فعالیت در این حوزه خواهد شد.

در مقام توصیه و پیشنهاد سیاستی به نهادهای تصمیم‌گیر، به نظر می‌رسد دغدغه اصلی در موضوع انتشار، مبادلات و معاملات رمزیندها، باید مقررات‌گذاری از حیث اثرات بر بازار مالی باشد، نه بازار پول. البته در کشورهایی مانند ایران، ونزوئلا و روسیه که تحت تأثیر مخاصمات، تحریم‌ها و التهابات ارزی قرار دارند، ملاحظات مربوط به اثرات رمزیندها بر بازار ارز نیز می‌تواند به حوزه مقررات‌گذاری افزوده شود. بر این اساس، مقررات‌گذاری باید با رویکرد بهره‌گیری از فرصت‌های ممکن در حوزه رمزیندها و مدیریت تهدیدهای آن صورت پذیرد.

در نهایت، با توجه به اینکه بازارهای مالی، از جمله بازار رمزیندها، در زمره بازارهای پرریسک قرار می‌گیرند و افراد بدون برخورداری از دانش و تجربه کافی، در معرض از دست دادن سرمایه خود هستند، لازم است به‌عنوان یک مقدمه عقلایی، افراد به لوازم و الزامات انتشار (استخراج)، مبادلات و معاملات در این بازار مجهز شوند.

ملاحظات اخلاقی

- پیروی از اصول حقوقی

تمامی اصول اخلاقی در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

- تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه، رساله و طرح پژوهشی نیست.

کتابنامه

- ۱) اسدیان لالیمی، مرتضی؛ و حبیبیان نقیبی، مجید (۱۴۰۰). موضوع‌شناسی رمز ارزها و تحلیل فقهی آن‌ها (مورد مطالعه بیت کوین). معرفت، ۳۰(۲۸۱)، ۱۱-۲۲.
- ۲) اسماعیلی، اسماعیل (۱۳۷۳). اکل مال به باطل در بینش فقهی شیخ انصاری. (۱)۱.
- ۳) بحرانی، آل‌عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة (جلد ۱۸؛ چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۴) پرور، اسماعیل (۱۳۹۹). بررسی فقهی اصل حاکم بر عقود و قراردادها: آزادی یا توقیف؟! نظام ولایی، ۲(۳)، ۷۹-۱۰۱.
- ۵) ترابی، مرتضی (۱۳۹۸). خرید و فروش و استخراج پول دیجیتال (بیت‌کوین) و حکم افزایش تورمی سرمایه (چاپ اول). قم: توحید قم.
- ۶) موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق) التفتیح فی شرح العروة الوثقی (جلد اول؛ چاپ اول). قم: ایران.
- ۷) رستمی، محمدزمان؛ و رستمی، محمدهادی (۱۴۰۰). تحلیل ماهیت، آثار و چالش‌های اقتصادی و فقهی بیت کوین. معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۲(۲۴)، ۲۳۱-۲۵۰.
- ۸) زراءنژاد، منصور (۱۳۸۳). برآورد ارزش اقتصادی درهم و دینار در تاریخ اقتصادی مسلمانان. پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۶(۲۱)، ۵۱-۶۶.
- ۹) سبحانی، حسن؛ و قائمی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۹۷). تأملی در منشا ارزش بیت کوین از منظر اعتباریات علامه طباطبایی (ره). پژوهشنامه اقتصادی، ۱۸(۷۰)، ۲۴۵-۲۶۳.
- ۱۰) نرم‌افزار مجموعه آثار علامه طباطبایی، اصول فلسفه و روش رئالیسم.

(۱۱) حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه* (جلد ۱۷، ۱۸، ۱۲ و ۲۷؛ چاپ اول). قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

(۱۲) عیوضلو، حسین؛ رضائی صدرآبادی، محسن؛ و نوری، جواد (۱۳۹۹). تحلیل فقهی - حقوقی مبادله ارزهای قابل استخراج در اقتصاد اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۲۰(۷۷)، ۱۸۳-۲۱۰.

(۱۳) عیوضلو، حسین؛ رضایی صدرآبادی، محسن؛ و نوری، جواد (۱۴۰۰). تحلیل فقهی - اقتصادی مبانی، اصول و چارچوب کلان نظام پولی اقتصاد اسلامی. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۱۰(۲)، ۴۹۴-۴۴۵. DOI: [10.30497/ifr.2021.240337.1595](https://doi.org/10.30497/ifr.2021.240337.1595)

(۱۴) غمامی، محمد مهدی؛ و علی‌پور، محمدرضا (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی مواجهه حقوقی با رمز ارزها در نظام های حقوقی ایران و آمریکا. *دانشنامه حقوق اقتصادی*، ۲۹(۲۱)، ۱۵۰-۱۸۴.

DOI: [10.22067/economlaw.2022.77059.1184](https://doi.org/10.22067/economlaw.2022.77059.1184)

(۱۵) صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه* (جلد سوم؛ چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

(۱۶) ضیایی، سید یاسر؛ و حسینی، سیده معصومه (۱۴۰۲). وضعیت رمزارزها در حقوق بین‌الملل تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی. *حقوق فناوری‌های نوین*، ۴(۸)، ۱۶۹-۱۸۰.

DOI: [10.22133/mtlj.2023.384061.1166](https://doi.org/10.22133/mtlj.2023.384061.1166)

(۱۷) کاتوزیان، ناصر (۱۳۵۳). *حقوق مدنی*. تهران: دانشگاه تهران.

(۱۸) کشاورزی، محمدرضا؛ و رضایی صدرآبادی، محسن (۱۴۰۱). طبقه‌بندی و تحلیل فنی - اقتصادی انواع رمزارزها از منظر چارچوب کلان نظام پولی در اقتصاد اسلامی. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۱۱(۲)، ۳۹۳-۴۳۴.

DOI: [10.30497/ifr.2023.243231.1722](https://doi.org/10.30497/ifr.2023.243231.1722)

(۱۹) کشاورزی، محمدرضا؛ رضایی صدرآبادی، محسن؛ و رعایائی، مهدی (۱۴۰۲). تحلیل فقهی - اقتصادی مالیت رمزارزها در اقتصاد اسلامی. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱۵(۱)، ۷۹-۱۲۲.

DOI: [10.30497/ies.2023.243339.2108](https://doi.org/10.30497/ies.2023.243339.2108)

(۲۰) کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی* (جلد پنجم؛ چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الإسلامیه.

- (۲۱) مظفری، موسی الرضا؛ و اسدیان دیلمی، مرتضی (۱۴۰۰). گزارش بررسی فقهی طرح حمایت از استخراج رمزارزها و ساماندهی بازار مبادلات داخلی آن. تهران: مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران.
- (۲۲) میثمی، حسین؛ و بیابانی، زینب (۱۳۹۹). تحلیل ماهیت، استخراج و مبادله انواع رمز ارزها و توکن‌ها از منظر فقه اسلامی و قوانین کشور. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- (۲۳) نواب‌پور، علیرضا؛ یوسفی، احمدعلی؛ و طالبی، محمد (۱۳۹۷). تحلیل فقهی کارکردهای پول‌های رمزنگاری شده (مورد مطالعه بیت کوین). *اقتصاد اسلامی*، ۱۸ (۷۲)، ۲۱۳-۲۴۳.
- (۲۴) یزدی طباطبایی، سید محمدکاظم (۱۴۰۹ق). *العروه الوثقی (للسید الیزدی)* (جلد دوم؛ چاپ دوم). بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

Reference

- 1) Asdiyān Lālimī, Mortazā, & Ḥabībiyān Naqībī, Majīd. (1400 SH / 2021). *Mawḏūʿ-shenāsi-ye Ramz-Arzhā va Taḥlīl-e Feqhī-ye Ānhā (Mored-e Moṭāleʿeh: Bīt-Kūyīn)* [Subject Analysis of Cryptocurrencies and Their Jurisprudential Evaluation (Case Study: Bitcoin)]. *Maʿrefat* [Maʿrifat], Vol. 30, No. 281, pp. 11-22. [in Persian]
- 2) Esmāʿīlī, Esmāʿīl. (1373 SH / 1994). *Akl-e Māl be-Bāṭel dar Bīnesh-e Feqhī-ye Shaykh Anṣārī* [Unlawful Consumption of Property in Shaykh Anṣārī's Jurisprudential Thought]. *Feqh Studies Journal*, Vol. 1, No. 1. [in Persian]
- 3) Parvar, Esmāʿīl. (1399 SH / 2020). *Barrasī-ye Feqhī-ye Aṣl-e Ḥākem bar ʿUqūd va Qarārdādḥā: Āzādī yā Tʿāwūq?* [A Jurisprudential Study of the Governing Principle of Contracts: Freedom or Restriction?]. *Neẓām-e Velāyī* [Wilāyī System], Vol. 2, No. 3, pp. 79-101. [in Persian]
- 4) Rostamī, Moḥammad-Zamān, & Rostamī, Moḥammad-Hādī. (1400 SH / 2021). *Taḥlīl-e Māhiyat, Āthār va Chālesh-hā-ye Eqteṣādī va Feqhī-ye Bīt-Kūyīn* [Analysis of the Nature, Effects, and Economic-Jurisprudential Challenges of Bitcoin]. *Maʿrefat-e Eqteṣād-e Eslāmī* [Islamic Economics Knowledge], Vol. 12, No. 24, pp. 231-250. [in Persian]

- 5) Zarrā'-Nejād, Manṣūr. (1383 SH / 2004). Barāvard-e Arzesh-e Eqteṣādī-ye Derham va Dīnār dar Tāriḵh-e Eqteṣādī-ye Mosalmānān [Estimating the Economic Value of Dirhams and Dinars in Muslim Economic History]. *Pazhūhesh-hā-ye Eqteṣādī-ye Īrān* [Iranian Economic Studies], Vol. 6, No. 21, pp. 51-66. [in Persian]
- 6) Sobhānī, Ḥasan, & Qā'emī-Niyā, 'Alī-Aṣghar. (1397 SH / 2018). Ta'ammolī dar Mansha'-e Arzesh-e Bīt-Kūyīn az Manẓar-e E'tebāriyāt-e 'Allāmeḥ Ṭabāṭabāī [A Reflection on the Origin of Bitcoin's Value from the Perspective of Allāmah Ṭabāṭabāī's Theory of Constructed]. *Pazhūheshnāmeḥ-ye Eqteṣādī* [Economic Research Journal], Vol. 18, No. 70, pp. 245-263. [in Persian]
- 7) Eyvazlū, Ḥosayn, Reẓā'ī Ṣadrābādī, Moḥsen, & Nūrī, Javād. (1399 SH / 2020). Taḥlīl-e Feqhī-Ḥoqūqī-ye Mobādalah-ye Arz-hā-ye Qābel-e Estekhrāj dar Eqteṣād-e Eslāmī [Jurisprudential-Legal Analysis of Mineable Currency Exchange in Islamic Economics]. *Eqteṣād-e Eslāmī* [Islamic Economics], Vol. 20, No. 77, pp. 183-210. [in Persian]
- 8) Eyvazlū, Ḥosayn, Reẓā'ī Ṣadrābādī, Moḥsen, & Nūrī, Javād. (1400 SH / 2021). Taḥlīl-e Feqhī-Eqteṣādī-ye Mabānī, Oṣūl va Chārbūb-e Kalān-e Neẓām-e Pūli-ye Eqteṣād-e Eslāmī [Jurisprudential-Economic Analysis of the Foundations and Macro-Framework of the Islamic Monetary System]. *Taḥqīqāt-e Mālī-ye Eslāmī* [Islamic Financial Research], Vol. 10, No. 2, pp. 445-494.
DOI: <https://doi.org/10.30497/ifr.2021.240337.1595> [in Persian]
- 9) Ghamāmī, Moḥammad-Mahdī, & 'Alī-Pūr, Moḥammad-Reẓā. (1401 SH / 2022). Barrasī-ye Taṭbīqī-ye Movājehe-ye Ḥoqūqī bā Ramz-Arzhā dar Neẓām-hā-ye Ḥoqūqī-ye Īrān va Āmrīkā [A Comparative Study of Legal Approaches to Cryptocurrencies in Iran and the United States]. *Dāneshnāmeḥ-ye Ḥoqūq-e Eqteṣādī* [Encyclopedia of Economic Law], Vol. 29, No. 21, pp. 150-184. DOI: https://lawecon.um.ac.ir/article_42741.html [in Persian]
- 10) Kāshāvarzī, Moḥammad-Reẓā, & Reẓā'ī Ṣadrābādī, Moḥsen. (1401 SH / 2022). Ṭabaqeh-bandī va Taḥlīl-e Fannī-Eqteṣādī-ye Anwā-e Ramz-Arzhā az Manẓar-e Chārbūb-e Neẓām-e Pūli-ye Eqteṣād-e Eslāmī [Classification and Technical-Economic Analysis of Crypto-Assets within the Islamic Monetary Framework]. *Taḥqīqāt-e Mālī-ye Eslāmī* [Islamic Financial Research], Vol. 11, No. 2, pp. 393-434. DOI: <https://doi.org/10.30497/ifr.2023.243231.1722> [in Persian]

- 11) Kāshāvarzī, Moḥammad-Rezā, Rezā'ī Ṣadrābādī, Moḥsen, & Ra'āyā'ī, Maḥdī. (1402 SH / 2023). Taḥlīl-e Feqhī-Eqteṣādī-ye Mālīyyat-e Ramz-Arzhā dar Eqteṣād-e Eslāmī [Jurisprudential-Economic Analysis of the Proprietary Status of Crypto-Assets]. *Moṭāle'āt-e Eqteṣād-e Eslāmī* [Islamic Economics Studies], Vol. 15, No. 1, pp. 79-122. DOI: <https://doi.org/10.30497/ies.2023.243339.2108> [in Persian]
- 12) Tarābī, Mortazā. (1398 SH / 2019). Kharīd va Forūsh va Estekhrāj-e Pūl-e Dijītāl (Bīt-Kūyīn) va Ḥokm-e Afzāyesh-e Tavarromī-ye Sarmāye [Buying, Selling, and Mining Digital Currency (Bitcoin) and the Ruling on Inflationary Capital Growth]. Iran, Qom: Tawḥīd-e Qom. [in Persian]
- 13) Kātūziyān, Nāṣer. (1353 SH / 1974). Ḥoqūq-e Madanī [Civil Law]. Iran, Tehran: University of Tehran Press. [in Persian]
- 14) al-Baḥrānī, Yūsuf b. Aḥmad b. Ibrāhīm Āl al-'Aṣfūr. (1405 AH / 1985). *al-Ḥadā'iq al-Nāḍira fī Aḥkām al-Itrah al-Ṭāhira* (Vol. 18, 1st ed.). Iran, Qom: Daftar al-Intishārāt al-Islāmiyya. [in Arabic]
- 15) Al-Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad b. al-Ḥasan. (1409 AH / 1989). *Wasā'il al-Shī'a* (Vols. 12, 17, 18 & 27). Iran, Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt ('a). [in Arabic]
- 16) Al-Ṣadūq al-Qummī, Muḥammad b. 'Alī b. Bābawayh. (1413 AH / 1993). *Man Lā Yaḥḍuruḥu al-Faqīh* (Vol. 3, 2nd ed.). Iran, Qom: Daftar al-Intishārāt al-Islāmiyya. [in Arabic]
- 17) Al-Kulaynī, Muḥammad b. Ya'qūb. (1407 AH / 1987). *al-Kāfi* (Vol. 5, 4th ed.). Iran, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. [in Arabic]
- 18) Al-Mūsawī al-Khū'ī, Sayyid Abū al-Qāsim. (1418 AH / 1997). *al-Tanqīh fī Sharḥ al-Urwa al-Wuthqā* (Vol. 1, 1st ed.). Iran, Qom. [in Arabic]
- 19) Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Ḥusayn. (n.d.). Uṣūl-e Falsafeh va Ravesh-e Re'alism [Principles of Philosophy and the Method of Realism]. Software collection of works. [in Persian]
- 20) Mozaḥfārī, Mūsā al-Rezā, & Asdiyān Dīlamī, Mortazā. (1400 SH / 2021). Gozāresh-e Barrasī-ye Feqhī-ye Ṭarḥ-e Ḥemāyat az Estekhrāj-e Ramz-Arzhā va Sāmāndehī-ye Bāzār-e Mobādālāt-e Dākhlī-ye Ān [Report on the Jurisprudential Review of the Bill Supporting Cryptocurrency Mining and Organizing the Domestic Exchange Market]. Iran, Tehran: Majles-e Shūrā-ye Eslāmī-ye Jomhūrī-ye Eslāmī-ye Īrān. [in Persian]

- 21) Mithamī, Ḥosayn, & Biyābānī, Zeynab. (1399 SH / 2020). Taḥlīl-e Māhīyat, Estekhrāj va Mobādalah-ye Anwā-e Ramz-Arzhā va Tūkan-hā az Manẓar-e Feqh-e Eslāmī va Qavānīn-e Keshvar [Analysis of the Nature, Mining, and Exchange of Various Cryptocurrencies and Tokens from the Perspective of Islamic Jurisprudence and National Law]. Iran, Tehran: Pazhūheshkadeh-ye Pūlī va Bānkī, Bank-e Markazī-ye Jomhūrī-ye Eslāmī-ye Īrān. [in Persian]
- 22) Navvāb-Pūr, ‘Alīreẓā, Yūsufī, Aḥmad-‘Alī, & Ṭālebī, Moḥammad. (1397 SH / 2018). Taḥlīl-e Feqhī-ye Kār-kard-hā-ye Pūl-hā-ye Ramzneḡārī-Shodeh (Mored-e Moṭāleeh: Bīt-Kūyīn) [Jurisprudential Analysis of the Functions of Cryptocurrencies (Case Study: Bitcoin)]. *Eqtesād-e Eslāmī* [Islamic Economics], Vol. 18, No. 72, pp. 213-243. [in Persian]
- 23) Word Bank Group, Cryptocurrencies and Blockchain (2018). DOI: [10.1596/978-1-4648-1299-6](https://doi.org/10.1596/978-1-4648-1299-6)
- 24) Ziaee, S. Y. and Hoseini, S. M. (2023). The Status of Cryptocurrencies in International Law of Trade and Foreign Investment. *Modern Technologies Law*, 4(8), 169-180. DOI: [10.22133/mtlj.2023.384061.1166](https://doi.org/10.22133/mtlj.2023.384061.1166)
- 25) <https://www.arzdigital.com/coins/categories/>
- 26) <https://www.ayat-gerami.ir/data.asp?L=1&Id=4098>
- 27) <https://www.ayat-gerami.ir/data.asp?L=1&Id=4092>
- 28) <https://www.bit24.cash/blog/bitcoin-difference-with-altcoins/>
- 29) <https://www.coinmarketcap.com/cryptocurrency-category/>
- 30) <https://corporatefinanceinstitute.com/resources/cryptocurrency/types-of-cryptocurrency>
- 31) <https://www.hashemishahroudi.org/fa/question/11705/>
- 32) <https://www.hawzahnews.com/news/497038/>
- 33) <https://www.iranbroker.net/what-is-digital-assets/>
- 34) <https://www.islamquest.net/fa/archive/fa60559>
- 35) <https://www.kanoonebourse.com/web3-crypto/>
- 36) <https://www.khanesarmaye.com/metaverse>
- 37) <https://www.leader.ir/fa/content/25476/>
- 38) <https://www.learn.bitmit.co/types-of-cryptocurrencies/>
- 39) <https://www.makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=21&mid=265846>
- 40) <https://www.mesbahi.ir/>
- 41) <https://nobitex.ir/mag/global-cryptocurrency-regulations/>
- 42) <https://www.nobitex.ir/mag/smartcontract>
- 43) <https://www.ompfinex.com/blog/what-is-shitcoin>

- 44) <https://www.ostadmadadi.ir/persian/qa/13706/>
- 45) <https://www.ostadmarvi.ir/index.php/feqh/>
- 46) <https://www.pooleno.ir/blog/what-is-stablecoin>
- 47) <https://www.ramzearz.madynatolelm.ir/film/index/122>
- 48) <https://www.sarmayex.com/college/learn/what-is-nft/>
- 49) <https://www.site.agorgani.ir/estefta/>
- 50) <https://www.tabdeal.org/academy/what-is-meme-coin/>
- 51) <https://www.wallex.ir/blog/what-are-privacy-coins/>
- 52) <https://www.zanjani.ir/>
- 53) <https://www.zoomarz.com/classification-of-cryptocurrencies/>
- 54) <https://www.zoomarz.com/cryptocurrency-money-making-games/>
- 55) <https://B2n.ir/mu3452>
- 56) <https://B2n.ir/wb7802>
- 57) <https://B2n.ir/eb8587>
- 58) <https://B2n.ir/nq5209>

تحقیقات
مالی اسلامی

Journal of

Islamic Finance Research

Designing Future Ijarah (Mawsufah fi al-Dhimmah) based on Imami Jurisprudence

Mohammad Rasoul Fakhreh | Mohammad Mehdi Fereydouni*

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.248793.1983>

طراحی اوراق اجاره آتی (موصوفه فی الذمه) مبتنی بر فقه امامیه

رسول فخره | محمد مهدی فریدونی*

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.248793.1983>



Copyright 2025 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Finance Researches* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.



Designing Future Ijarah (Mawsufah fi al-Dhimmah) based on Imami Jurisprudence

Mohammad Rasoul Fakhreh: PhD student in Jurisprudence and Fundamentals of Law, Faculty of Theology, Islamic Studies and Guidance, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

m.fakhreh@isu.ac.ir |  0009-0000-7627-767X

Mohammad Mehdi Fereydouni: PhD student in Financial Management, Department of Financial Management, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

m.fereydouni@isu.ac.ir |  0000-0001-5388-3239

Abstract

1. Introduction and Objective

The expansion of financial instruments for project financing constitutes one of the most critical needs of contemporary capital markets, particularly in Islamic financial systems that seek to avoid interest-based mechanisms. Conventional participatory contracts, such as *mushārahah* and *muḍārabah*, although theoretically aligned with Islamic principles, often encounter serious practical and Shari'ah-related challenges due to their variable income streams, uncertainty in returns, and complex monitoring requirements. These challenges have motivated policymakers and market participants to explore alternative Islamic instruments that provide greater certainty while maintaining Shari'ah compliance.

Among Islamic financial instruments, *Ijarah Sukuk* have emerged as one of the most widely used and operationally successful tools for financing large-scale projects. Their asset-backed nature, predictable cash flows, and relative simplicity have contributed to their extensive adoption across various jurisdictions. Despite this global development, the Iranian capital market has thus far relied on a limited form of *Ijarah Sukuk*, primarily restricted to leases involving existing and identifiable assets. In contrast, many Islamic countries have developed and implemented more diversified forms of *Ijarah Sukuk*, including instruments designed to finance assets that are not yet constructed or delivered at the time of issuance.

One such instrument is Forward *Ijarah Sukuk*, also referred to in Islamic jurisprudence as *Ijarah Mawsufah fi al-Dhimmah*. In this structure, the leased asset does not exist in a tangible form at the time of contract execution; instead, its essential characteristics are precisely defined in the contract, and the lessor undertakes to deliver an asset conforming to those specifications at a future date. This structure offers

a potentially effective solution for financing infrastructure, real estate, and service-based projects that are under construction or planned for future delivery.

Despite its practical relevance, the application of Forward Ijarah Sukuk within the framework of Imāmī (Twelver Shīʿī) jurisprudence has not been sufficiently explored in the Iranian academic literature. Accordingly, the primary objective of this study is to examine the jurisprudential validity of Forward Ijarah Sukuk from the perspective of Imāmī fiqh. The research seeks to address key questions concerning the permissibility of leasing non-existent assets, the legitimacy of advance rental payments, the tradability of such sukuk in secondary markets, and the allocation of rights and obligations between contracting parties in the presence of operational risks.

2. Methods and Materials

This research adopts a qualitative and applied approach, employing a descriptive-analytical methodology. The study relies primarily on library-based research, drawing upon classical and contemporary Imāmī jurisprudential sources, including foundational works on *ijārah*, *bayʿ*, and *gharar*, as well as modern fiqh discussions related to Islamic financial instruments. In addition, relevant legal materials – such as the Iranian Civil Code and regulatory guidelines governing the issuance of Ijarah Sukuk – are examined to ensure consistency between jurisprudential analysis and existing legal frameworks.

The analytical process proceeds in several stages. First, the conceptual foundations of Ijarah Sukuk and Forward Ijarah contracts are clarified, with particular attention to the distinction between leasing an existing asset (*ʿayn muʿayyanah*) and leasing an asset described in liability (*kullī fi al-dhimmah*). Second, the study analyzes the jurisprudential conditions for the validity of Ijarah Mawsūfah fi al-Dhimmah, focusing on issues such as the requirement of certainty (*ilm*), the avoidance of excessive uncertainty (*gharar*), and the permissibility of deferred delivery.

Third, the research evaluates the permissibility of advance rental payments prior to the delivery of the leased asset, based on Imāmī jurisprudential principles governing ownership of benefits (*manfaʿah*) and contractual stipulations. Fourth, the tradability of Forward Ijarah Sukuk in secondary markets is examined, with special consideration given to the jurisprudential debate surrounding the sale of benefits and claims versus the sale of tangible assets. Finally, the study identifies

and analyzes key operational risks associated with Forward Ijarah Sukuk—such as asset destruction, non-delivery, and non-conformity—and assesses the legal and jurisprudential remedies available to lessors and lessees in each scenario.

3. Research Findings

The findings of this study demonstrate that Ijarah Mawsūfah fī al-Dhimmah is, in principle, valid under Imāmī jurisprudence, provided that the leased asset is described with sufficient precision to eliminate material uncertainty. Classical and contemporary Imāmī jurists generally agree that the existence of the leased asset at the time of contract is not a necessary condition for the validity of an Ijarah contract, so long as the characteristics affecting value and utility are clearly specified. Consequently, leasing future assets does not inherently violate Sharī'ah principles.

The analysis further reveals that the primary objection raised against Forward Ijarah—namely, the allegation of gharar—can be effectively addressed through detailed contractual descriptions that remove ambiguity regarding the nature, quality, and specifications of the asset. Jurisprudential discussions indicate that uncertainty concerning the future realization of an asset does not automatically constitute prohibited gharar, particularly where such uncertainty is commonly tolerated in rational commercial practice.

Regarding rental payments, the study finds that advance payment of rent prior to the delivery of the leased asset is permissible under Imāmī fiqh if it is explicitly stipulated in the contract and mutually agreed upon by the parties. Such stipulations do not contradict the essence of the Ijarah contract, as ownership of benefits may be established contractually even if their actual enjoyment is deferred.

In relation to secondary market trading, the findings suggest that Forward Ijarah Sukuk may be traded under certain conditions. When the sukuk represent ownership of a defined benefit linked to a described asset obligation, and not merely a debt claim, their tradability can be justified within the framework of Imāmī jurisprudence. Nevertheless, careful structuring—potentially through the use of ancillary contracts such as *ṣulḥ*—may be required to avoid contentious interpretations.

Finally, the study identifies several operational risks inherent in Forward Ijarah Sukuk, including the destruction of the asset prior to delivery, failure to deliver the asset on time, and discrepancies between the delivered asset and contractual specifications. Jurisprudential analysis shows that, due to the *kullī fī al-dhimmah*

nature of the obligation, the lessor remains responsible for providing a substitute asset that meets the agreed specifications. Where delivery becomes impossible or non-conformity persists, the lessee is entitled to contractual remedies, including rescission and compensation.

4. Discussion and Conclusion

The findings of this research contribute to the growing body of Islamic finance literature by demonstrating that Forward Ijarah Sukuk can be reconciled with the principles of Imāmī jurisprudence. Contrary to prevailing assumptions that restrict Ijarah to existing assets, the study shows that Imāmī fiqh provides sufficient doctrinal flexibility to accommodate leases of future assets, provided that contractual clarity and risk allocation are appropriately addressed.

From a policy and market perspective, the adoption of Forward Ijarah Sukuk could significantly enhance the capacity of the Iranian capital market to finance infrastructure and development projects that cannot be supported through conventional Ijarah structures. By enabling rental payments prior to asset delivery and facilitating predictable cash flows, these instruments offer a practical alternative to participatory contracts while remaining faithful to Shari'ah principles.

Nevertheless, the study underscores the importance of robust contractual design and regulatory oversight to manage operational risks and safeguard the rights of investors. Explicit stipulations concerning asset specifications, delivery timelines, remedies for non-performance, and mechanisms for dispute resolution are essential for ensuring both jurisprudential validity and market confidence.

In conclusion, the research recommends that Forward Ijarah Sukuk be considered for implementation within the Iranian capital market, subject to appropriate jurisprudential approval and regulatory adaptation. Such an initiative could diversify Islamic financial instruments, strengthen project financing capabilities, and contribute to the sustainable development of Shari'ah-compliant capital markets.

5. Keywords: Ijarah; Ijarah Sukuk; Imami Jurisprudence; ; Mawsufah fi al-zimmah; Islamic Securities.

6. JEL Classification: G23, G24, Z12.

طراحی اوراق اجاره آتی (موصوفه فی الذمه) مبتنی بر فقه امامیه

محمدرسول فخره: دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران m.fakhreh@isu.ac.ir

محمد مهدی فریدونی: دانشجوی دکتری مدیریت مالی، گروه مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول) m.fereydooni@isu.ac.ir

چکیده

۱. مقدمه و هدف

گسترش ابزارهای مالی اسلامی برای تأمین مالی طرح‌ها، به‌ویژه در بازار سرمایه، از نیازهای اساسی نظام مالی محسوب می‌شود. در این میان، اوراق اجاره به دلیل انعطاف‌پذیری ساختاری و اتکای آن‌ها به دارایی‌های واقعی، جایگاه ویژه‌ای در تأمین مالی طرح‌ها یافته‌اند. با وجود تنوع ابزارهای اجاره‌ای در سایر کشورهای اسلامی، در بازار سرمایه ایران تاکنون تنها از اشکال محدود اوراق اجاره استفاده شده است. یکی از ابزارهای نوین در این حوزه، اوراق اجاره آتی (موصوفه فی الذمه) است که تاکنون در ایران عملیاتی نشده است. هدف این پژوهش، بررسی فقهی اوراق اجاره آتی و ارزیابی میزان انطباق آن با مبانی فقه امامیه، به‌منظور امکان‌سنجی استفاده از این ابزار در تأمین مالی طرح‌ها است.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر رویکرد، کیفی و از حیث هدف، کاربردی است و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در این مطالعه، با بهره‌گیری از منابع معتبر فقه امامیه، شامل کتب فقهی، آرای فقها و مستندات حقوقی، ماهیت اجاره آتی (موصوفه فی الذمه) مورد تحلیل قرار گرفته است. همچنین، مسائل فقهی مرتبط با صحت عقد، امکان پرداخت اجاره‌بها پیش از تحویل عین، قابلیت معامله در بازار ثانویه و چالش‌گر در این نوع اوراق بررسی شده و در نهایت، ریسک‌های عملیاتی مترتب بر انتشار این اوراق تحلیل گردیده است.

۳. یافته‌های تحقیق

یافته‌ها نشان می‌دهد که انعقاد قرارداد اجاره آتی (موصوفه فی الذمه) از منظر فقه امامیه صحیح بوده و اجاره منافع آتی با وصف رافع غرر، با عموماً صحت معاملات سازگار است. همچنین، در صورت توافق طرفین، پرداخت اجاره‌بها پیش از تحویل عین موضوع اجاره، فاقد اشکال فقهی بوده و امکان‌پذیر است. نتایج تحقیق همچنین حاکی از آن است که اوراق اجاره آتی، در صورت رعایت شرایط فقهی، قابلیت معامله در بازار ثانویه را دارا می‌باشند. با این حال، این اوراق با ریسک‌های عملیاتی متعددی مواجه‌اند که مهم‌ترین آن‌ها شامل خراب شدن دارایی موضوع اجاره، عدم تحویل دارایی مطابق قرارداد و عدم انطباق دارایی تحویلی با اوصاف مندرج در زمان انتشار اوراق است.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج پژوهش، اوراق اجاره آتی (موصوفه فی الذمه) از منظر فقه امامیه واجد مشروعیت بوده و می‌تواند به‌عنوان ابزاری کارآمد در تأمین مالی طرح‌ها مورد استفاده قرار گیرد. با این وجود، مدیریت ریسک‌های عملیاتی از طریق پیش‌بینی شروط مناسب ضمن عقد و تبیین دقیق حقوق و تعهدات موجر و مستأجر، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در طراحی این اوراق است. در صورت تحقق این الزامات، عملیاتی‌سازی اوراق اجاره آتی در بازار سرمایه ایران می‌تواند ضمن توسعه ابزارهای مالی اسلامی، به تأمین مالی طرح‌های زیرساختی و تولیدی کمک شایانی نماید.

واژگان کلیدی: اوراق اجاره؛ اجاره آتی؛ صکوک اجاره؛ فقه امامیه؛ موصوفه فی الذمه.

مقدمه

اوراق اجاره یکی از ابزارهای نوین در نظام مالی اسلامی به شمار می‌آید که طی دو دهه اخیر، به‌ویژه در کشورهای اسلامی، جایگاهی ویژه یافته است. اهمیت بررسی این اوراق از آن روست که به‌عنوان جایگزینی مناسب برای اوراق قرضه ربوی مطرح می‌شوند و این قابلیت را دارند که بدون ایجاد تعارض با اصول و موازین شریعت اسلامی، منابع مالی قابل توجهی را تجهیز نمایند (Iqbal & Mirakhor, 2011).

ویژگی اصلی اوراق اجاره، اتکای آن‌ها به دارایی‌های واقعی است؛ امری که افزون بر افزایش شفافیت در ساختار تأمین مالی، از شکل‌گیری بحران‌هایی مشابه بحران‌های مالی ناشی از دارایی‌های صوری جلوگیری می‌کند (Usmani, 2008). این پیوند مستقیم با دارایی واقعی، ضمن کاهش ریسک نکول، نقش مهمی در تقویت اعتماد سرمایه‌گذاران و پایداری بازارهای مالی ایفا می‌نماید.

اوراق اجاره یکی از پرکاربردترین انواع اوراق مالی در سطح ملی و بین‌المللی به شمار می‌آید. دلیل اصلی این گستردگی، سادگی فرآیند انتشار و قابلیت بالای انطباق آن با ساختارهای متنوع و حتی پیچیده تأمین مالی است. در اوراق اجاره، سرمایه‌گذار در قالب این ابزار مالی، اجاره‌بهایی منظم و قابل پیش‌بینی دریافت می‌کند (International Shari'ah Research Academy for Islamic Finance, 2017, p. 296).

صکوک اجاره نقش مهمی در تأمین مالی طرح‌های زیربنایی بزرگ ایفا کرده است، به‌ویژه در کشورهایی که نظام مالی اسلامی در آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دولت‌ها و شرکت‌ها از این ابزار برای تأمین مالی طرح‌هایی همچون فرودگاه‌ها، بزرگراه‌ها و سایر خدمات عمومی اساسی بهره گرفته‌اند. به‌عنوان نمونه، دولت مالزی به‌عنوان یکی از پیشگامان انتشار صکوک اجاره، از این اوراق در تأمین مالی طرح‌های حمل‌ونقل و توسعه مسکن استفاده کرده است (Al-Saadi & Safa, 2016).

یکی از مزایای مهم صکوک اجاره آن است که به دلیل ماهیت دارایی‌محور و برخوردار از جریان درآمدی نسبتاً ثابت، برای طیف گسترده‌ای از سرمایه‌گذاران، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، جذابیت دارد (Thomas, 2015).

از منظر اقتصادی، اوراق اجاره ظرفیت قابل توجهی در تأمین مالی طرح‌های زیرساختی و ملی دارند. این گونه طرح‌ها معمولاً به منابع مالی گسترده‌ای فراتر از بودجه‌های دولتی نیازمندند و اوراق اجاره می‌توانند به‌عنوان راهکاری مطمئن و کارآمد برای پاسخ‌گویی به این نیازها مورد استفاده قرار گیرند (El-Gamal, 2006). از همین رو، این اوراق به‌عنوان ابزاری مؤثر در تحقق توسعه پایدار و تقویت رشد اقتصادی شناخته می‌شوند.

علاوه بر این، گسترش بازار اوراق اجاره موجب تنوع‌بخشی به ابزارهای بازار سرمایه اسلامی شده و جذابیت آن را برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی افزایش می‌دهد (Siddiqi, 2006). با این حال، توسعه این ابزارها خالی از چالش نیست. مهم‌ترین چالش‌ها به حوزه انطباق فقهی بازمی‌گردد؛ به‌ویژه در زمینه تنوع قراردادهای و تفاوت تفسیرهای فقهی در کشورهای اسلامی. نبود استانداردهای یکسان و شفاف نیز بر پیچیدگی این موضوع افزوده است.

از این رو، انجام پژوهش‌های علمی می‌تواند نقش مهمی در رفع ابهام‌ها، تدوین استانداردهای مشترک و در نهایت تقویت اعتماد فعالان بازار سرمایه اسلامی ایفا کند. بررسی اوراق اجاره صرفاً به جنبه‌های اقتصادی آن محدود نمی‌شود، بلکه از منظر اجتماعی نیز حائز اهمیت فراوان است. کاهش وابستگی نظام مالی به بهره، تقویت اعتماد عمومی مسلمانان به بازارهای مالی، و ایجاد پیوند میان پس‌اندازهای خرد و طرح‌های تولیدی از جمله مهم‌ترین پیامدهای مثبت این ابزار به شمار می‌رود (Khan & Bhatti, 2008).

افزون بر این، تجربه‌های عملی نشان می‌دهد که انتشار اوراق اجاره، علاوه بر ایفای نقش مؤثر در تأمین مالی دولت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی، به رونق تولید و افزایش اشتغال نیز کمک کرده است (Iqbal & Mirakhor, 2011).

بر این اساس، پژوهش درباره اوراق اجاره ضرورتی انکارناپذیر دارد؛ ضرورتی که نه تنها به توسعه و تعمیق دانش مالی اسلامی می‌انجامد، بلکه می‌تواند پشتوانه‌ای نظری و عملی برای حرکت در مسیر رشد اقتصادی پایدار در کشورهای اسلامی فراهم آورد.

با وجود کارکردهای گسترده اوراق اجاره، این ابزار با یک چالش اساسی مواجه است و آن، تبعیت عقد اجاره از وجود «عین» مورد اجاره است. این ویژگی موجب شده است که تأمین مالی طرح‌هایی که هنوز ایجاد نشده‌اند یا در مراحل ابتدایی ساخت قرار دارند، با دشواری‌هایی روبه‌رو شود. برای مثال، تأمین مالی ساخت هتلی که هنوز احداث نشده یا به صورت نیمه تمام باقی مانده است، چگونه می‌تواند از طریق اوراق اجاره انجام گیرد؟ آیا اصولاً می‌توان عینی را که هنوز تحقق نیافته است اجاره داد و پیش از تحویل آن، اجاره‌بها دریافت کرد؟ اوراق اجاره آتی می‌تواند پاسخی برای این پرسش‌ها و راهکاری عملی برای رفع این چالش باشد.

اوراق اجاره آتی، که در ادبیات فقهی با عنوان «اجاره موصوفه فی الذمه» شناخته می‌شود، به اوراقی اطلاق می‌گردد که در آن دارایی موضوع اجاره هنوز تحویل نشده و به صورت عینی وجود خارجی ندارد، اما ویژگی‌ها و اوصاف آن به‌طور دقیق در قرارداد مشخص شده است. در این نوع قرارداد، متعهد (ناشر اوراق) موظف است دارایی‌ای را که مشخصات آن در قرارداد تعیین شده است، در موعد مقرر تحویل دهد. پس از تحویل دارایی، رابطه اجاره آغاز می‌شود و سرمایه‌گذاران از منافع و درآمد اجاره‌ای آن بهره‌مند می‌گردند (International Shari'ah Research Academy for Islamic Finance, 2017, p. 314).

در این ساختار، سرمایه‌گذار به‌عنوان مالک منافع دارایی تلقی می‌شود، هرچند دارایی مورد نظر هنوز ساخته نشده یا آماده بهره‌برداری نیست. اوراق اجاره موصوفه فی الذمه از این جهت با صکوک اجاره متعارف تفاوت دارد که در زمان انتشار، دارایی مشخص و ملموسی وجود ندارد، اما در عوض، اوصاف و ویژگی‌های دارایی به‌صورت دقیق و شفاف در متن قرارداد تعیین می‌شود (Obaidullah & Khan, 2008).

در این مقاله، تلاش می‌شود اوراق اجاره موصوفه فی الذمه از منظر فقه امامیه مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. پرسش‌های اصلی پژوهش عبارت‌اند از: آیا اوراق اجاره آتی بر اساس مبانی فقه امامیه صحیح است؟ آیا دریافت اجاره‌بها پیش از تحویل عین مورد اجاره امکان‌پذیر است؟ آیا این اوراق قابلیت معامله در بازار ثانویه را دارند؟ و در صورت

انطباق این اوراق با مبانی نظری فقه امامیه، چه ریسک‌های عملیاتی برای آن‌ها قابل تصور خواهد بود؟

در پژوهش حاضر، برای دستیابی به پاسخ پرسش‌های مطرح شده، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. بدین منظور، در گام نخست به بررسی پیشینه پژوهش و میزان توسعه‌یافتگی این موضوع پرداخته می‌شود. سپس، با تبیین مبانی نظری و تشریح مفهومی اوراق اجاره آتی، مواردی که لازم است از منظر فقه امامیه مورد بررسی و انطباق قرار گیرند، شناسایی می‌شوند. در ادامه، این موارد با رویکردی فقهی مورد تحلیل قرار گرفته و حکم شرعی آن‌ها بررسی می‌شود. در پایان نیز، نتایج و یافته‌های حاصل از این پژوهش ارائه و جمع‌بندی خواهد شد.

۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی در زمینه اوراق اجاره انجام شده است که هر یک از زوایای مختلف به بررسی این ابزار مالی پرداخته‌اند. بخشی از این مطالعات، بر ماهیت حقوقی و شرایط انتشار اوراق اجاره تمرکز داشته‌اند. در این زمینه، موسویان و رحیمی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به بررسی ماهیت حقوقی و شرایط اوراق اجاره پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که واگذاری اوراق اجاره در بازار، در قالب «بیع سهم مشاع» قابل تحلیل است و رابطه دارندگان اوراق با یکدیگر نیز از نوع شرکت مدنی محسوب می‌شود.

قنوتی و داوری لنگرودی (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی، ماهیت حقوقی اوراق اجاره را بر اساس عقد صلح، عقد اجاره و ماده ۱۰ قانون مدنی مورد بررسی قرار داده‌اند. آنان نتیجه می‌گیرند که اوراق اجاره قراردادی مرکب از چند عقد، از جمله بیع، وکالت و اجاره است. به اعتقاد ایشان، این قرارداد را می‌توان نوعی عقد جدید دانست که مشمول ادله «اوفوا بالعقود» می‌شود. همچنین، امکان استفاده از ترکیب چند عقد در قالب عقد صلح وجود دارد و بر همین اساس می‌توان اوراق اجاره را ذیل ماده ۱۰ قانون مدنی تفسیر و توجیه حقوقی کرد.

دسته دیگری از پژوهش‌ها، به بررسی عوامل جذابیت و مزایای اوراق اجاره پرداخته‌اند. نکو و باقی‌زاده (۱۳۹۸) در مقاله‌ای، مزایای اوراق اجاره را مورد تحلیل قرار

داده و به این نتیجه رسیده‌اند که این اوراق با محدودیت‌های شرعی مواجه نیستند. آنان با اشاره به نواقص اوراق مشارکت، اوراق اجاره را به‌عنوان ابزاری مناسب با پرداخت سود ثابت پیشنهاد می‌کنند. همچنین محمدی‌نسب و رشیدی‌راد (۱۳۹۷) در پژوهشی، عوامل جذابیت اوراق اجاره از منظر سرمایه‌گذاران را بررسی کرده و به رتبه‌بندی این عوامل پرداخته‌اند.

برخی دیگر از مقالات به بررسی ویژگی‌ها و ابعاد خاص اوراق اجاره پرداخته‌اند. در این راستا، توحیدی و اعتصامی (۱۳۹۵) امکان انتشار اوراق اجاره مصون از تورم را از منظر فقهی بررسی کرده‌اند. آنان در این مقاله پیشنهاد می‌کنند که برای تحقق این هدف، از چند عقد اجاره متوالی استفاده شود؛ به‌گونه‌ای که در ضمن عقد نخست، شرط انعقاد قراردادهای بعدی پیش‌بینی گردد. همچنین اعتصامی و سلیمانی (۱۳۹۶) به امکان‌سنجی تمدید مدت اوراق اجاره پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که در ساختار این اوراق، امکان تمدید مدت اجاره وجود دارد.

بخش دیگری از مطالعات به اوراق اجاره سهام اختصاص یافته است. امین‌زاده (۱۳۹۷) اجاره سهام را بر اساس نظر مشهور فقها با چالش‌هایی مواجه می‌داند؛ با این حال، بر مبنای دیدگاهی که شرکت را یک مال اعتباری تلقی کرده و سهم را جزء مشاعی از آن می‌داند، اجاره سهام را صحیح می‌شمارد. اعتصامی و سعدی (۱۳۹۸) نیز شروط عقد اجاره را با ماهیت سهام تطبیق داده‌اند و بر اساس نظر مشهور فقها که سهم را عین می‌دانند، اجاره سهام را بدون اشکال ارزیابی کرده‌اند. آنان نتیجه‌گیری می‌کنند که در صورتی که سهام به‌عنوان دین یا حق تلقی شود، اجاره آن با اشکال فقهی مواجه خواهد بود.

برخی از مقالات نیز به بررسی ریسک‌های مرتبط با اوراق اجاره پرداخته‌اند. در این زمینه، باغ‌سیائی و پارسائیان (۱۴۰۱) و طالبی و رحیمی (۱۳۹۱) مخاطرات اوراق اجاره را شناسایی و رتبه‌بندی کرده‌اند.

تاکنون در ایران پژوهشی درباره کاربرد قرارداد اجاره آتی نگاشته نشده است؛ با این حال، در ادبیات خارجی مطالعاتی در این زمینه صورت گرفته است. فوادی^۱ (۲۰۲۰م)

به بررسی کاربرد قرارداد اجاره موصوفه فی‌الذمه در نظام بانکی پرداخته است. آرتادو^۲ (۲۰۲۳م) اجاره موصوفه فی‌الذمه را ابزاری کارآمد برای تأمین مالی افرادی می‌داند که به خدمات مختلف نیاز دارند. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که این نوع از اوراق اجاره از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار است و می‌تواند در تأمین مالی حوزه‌هایی همچون مراقبت‌های پزشکی، آموزش، بلیت هواپیما، اقامت در هتل، حج و عمره و به‌ویژه در تأمین مالی املاک و طرح‌های زیرساختی مورد استفاده قرار گیرد.

زوبیر، مهاجر و وحیدانی^۳ (۲۰۲۲م) نیز به بررسی کاربرد اجاره موصوفه فی‌الذمه در بانکداری پرداخته و نتیجه‌گیری کرده‌اند که در قراردادهای تملیک مسکن، استفاده از این قرارداد مناسب‌تر است؛ زیرا در صورتی که دارایی تحویلی با آنچه مشتری انتظار داشته تفاوت داشته باشد، امکان فسخ قرارداد وجود خواهد داشت. آنان همچنین بیان می‌کنند که بانک‌ها به دلایلی همچون عدم آگاهی کافی، سهولت استفاده از قرارداد مرابحه و نیز ریسک بالای این قراردادهای سازنده و بانک، تمایل کمتری به استفاده از اجاره موصوفه فی‌الذمه دارند.

منیره^۴ (۲۰۲۲م) نیز در پژوهشی به بررسی فقهی عقد اجاره موصوفه فی‌الذمه پرداخته و نتیجه‌گیری کرده است که انعقاد چنین قراردادی از نظر شرعی صحیح می‌باشد. در مجموع، با وجود مطالعات انجام‌شده در داخل و خارج از کشور، تاکنون پژوهشی که به‌طور خاص به بررسی فقهی اوراق اجاره آتی بر اساس فقه امامیه بپردازد، انجام نشده است. از این رو، مقاله حاضر می‌کوشد با تمرکز بر فقه امامیه، به بررسی فقهی این اوراق بپردازد و خلأ موجود در ادبیات پژوهش را پوشش دهد.

۲. مبانی نظری

اوراق اجاره، اوراق بهادار بانام و قابل نقل و انتقالی هستند که نشان‌دهنده مالکیت مشاع دارندگان آن‌ها در دارایی مبنای انتشار اوراق اجاره می‌باشند. ناشر، به وکالت از طرف خریداران، ملزم است و جوه حاصل از فروش اوراق اجاره را صرف خرید دارایی موضوع

2. Artado

3. Zubir, Muhazir & Wahyudani

4. Munīrah

انتشار کرده و سپس آن دارایی را به بانی اجاره دهد (دستورالعمل انتشار اوراق اجاره، ۱۳۹۰، مواد ۱ و ۱۳).

اوراق اجاره را می‌توان از جهات مختلفی دسته‌بندی کرد. از منظر ماهیت قرارداد و با توجه به مصوبات کمیته فقهی، اوراق اجاره به سه نوع «اجاره عادی»، «اجاره با حق اختیار فروش» و «اجاره به شرط تملیک» تقسیم می‌شوند. بر اساس دستورالعمل انتشار اوراق اجاره در ایران، در عمل تنها از دو نوع «اجاره به شرط تملیک» و «اجاره با اختیار فروش دارایی در سررسید اجاره با قیمت معین» استفاده می‌شود.

گاهی نیز اوراق اجاره با توجه به ماهیت فروشنده دارایی و مستأجر، و بر اساس مصوبات کمیته فقهی، به دو نوع تقسیم می‌شوند: اوراق اجاره با فرض «تعدد فروشنده دارایی و مستأجر» و اوراق اجاره با فرض «اتحاد فروشنده دارایی و مستأجر» (توحیدی و حامدی، ۱۴۰۱). در ادامه، به بررسی این دو نوع پرداخته می‌شود.

۲-۱. اوراق اجاره آتی

در کشور ایران، اوراق اجاره و منفعت تاکنون صرفاً بر دارایی‌ها، خدمات و منافع منتشر شده‌اند که در زمان انعقاد قرارداد وجود خارجی داشته‌اند. این در حالی است که بر اساس مصوبات کمیته فقهی مالزی و همچنین استانداردهای هیئت حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی^۵، امکان انتشار اوراق اجاره بر دارایی‌ها، منافع یا خدماتی که در آینده ایجاد یا تولید می‌شوند نیز وجود دارد (Shariah Advisory Council of the Securities Commission Malaysia, 2023).

اجاره می‌تواند به صورت موصوفه فی الذمه - به شرط آنکه اوصاف مورد اجاره به‌طور دقیق تعیین شده باشد - منعقد شود، حتی اگر عین مورد اجاره در زمان انعقاد قرارداد در مالکیت موجر نباشد. در این حالت، عقد اجاره زمانی اجرا می‌شود که عین موصوف تحویل داده شود و فرض بر این است که موجر تا زمان آغاز اجاره، نسبت به تملک یا ساخت دارایی اقدام خواهد کرد. تا پیش از شروع مدت اجاره، پرداخت اجاره‌بها الزامی نیست.

چنانچه دارایی تحویلی از سوی موجر، با اوصاف و مشخصات مورد توافق در قرارداد مطابقت نداشته باشد، مستأجر حق دارد از پذیرش آن خودداری کرده و تحویل دارایی مطابق با مشخصات مقرر را مطالبه نماید (Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions, Sharia standard).

اجاره آتی از حیث ماهیت، ترکیبی از عقد استصناع و عقد اجاره محسوب می‌شود؛ به گونه‌ای که قرارداد استصناع بخشی از فرآیند تحقق عقد اجاره را تشکیل می‌دهد. در واقع، در اجاره آتی، بانی متعهد می‌شود که با ساخت دارایی موضوع قرارداد، آن را در سررسید مقرر و در زمان تعیین شده، به مستأجر اجاره دهد (Lahsasna et al., 2018).

اجاره آتی (موصوفه فی‌الذمه) به معنای فروش منافع آتی در قبال دریافت مبلغی نقد است. به بیان دیگر، می‌توان این اوراق را نوعی فروش سلف منافع حاصل از یک دارایی یا خدمت تلقی کرد. از این رو، این قرارداد در ادبیات فقهی با عنوان اجاره فی‌الذمه شناخته می‌شود (Ahmad, 2009).

بر این اساس، اجاره آتی واجد ویژگی‌های هر دو عقد اجاره و سَلَم است. با چنین تفسیری، می‌توان دامنه کاربرد این اوراق را فراتر از دارایی‌های فیزیکی گسترش داد و آن را در حوزه‌هایی همچون خدمات، گردشگری، آموزش و سلامت نیز به کار گرفت.

۲-۲. توضیح فرآیند و مراحل انتشار صکوک (ساختار صکوک اجاره آتی)

ساختار اجاره آتی (موصوفه فی‌الذمه) در کلیت خود مشابه اجاره عادی است؛ با این تفاوت اساسی که برخلاف اجاره عادی، دارایی موضوع قرارداد در زمان انعقاد عقد وجود خارجی ندارد. در اوراق اجاره موصوفه فی‌الذمه، بانی یک طرح را برای پذیره‌نویسی به سرمایه‌گذاران عرضه می‌کند.

اوراق اجاره موصوفه فی‌الذمه از دو بخش اصلی استصناع و اجاره تشکیل می‌شود. در این ساختار، دارایی‌ای که ساخت آن مورد نظر است باید از حیث ویژگی‌ها، مشخصات فنی و کارکردی، به گونه‌ای دقیق و جامع تبیین شود تا ابهامی در موضوع قرارداد باقی نماند.

در ادامه، مراحل انتشار و اجرای این نوع اوراق تشریح می‌شود.

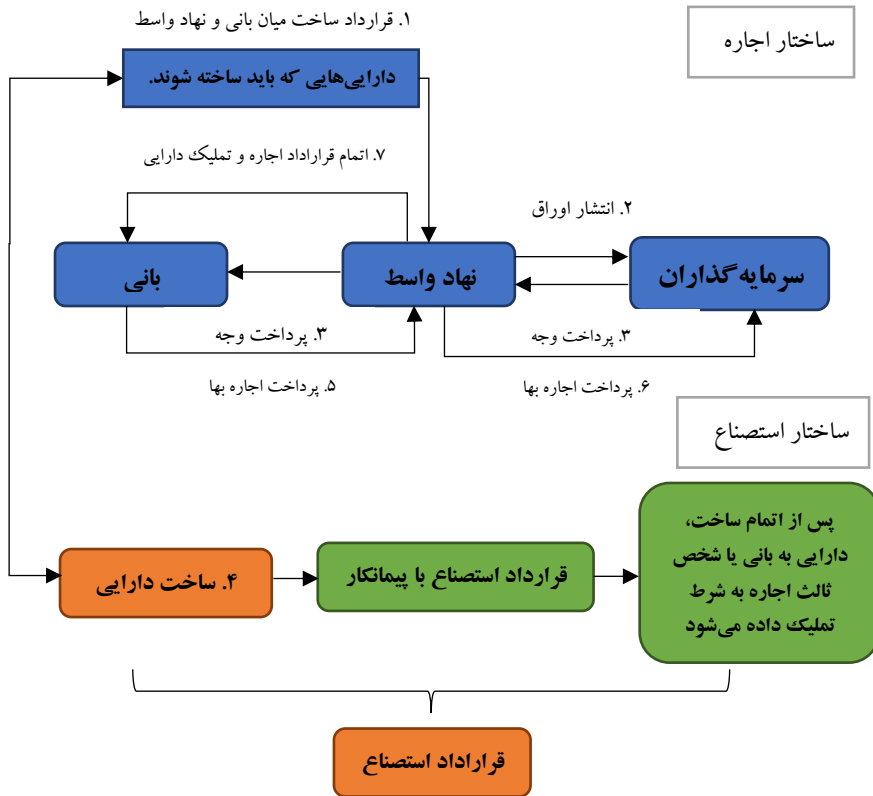
۱. بانی با نهاد واسط قرارداد اجاره موصوفه فی‌الذمه منعقد کرده و دارایی‌ها را به وی منتقل می‌کند. پیش از آغاز طرح، دارایی‌هایی که مالکیت آن‌ها موجود است — مانند زمین محل اجرای طرح — به نهاد واسط منتقل می‌شود.

۲ و ۳. نهاد واسط اقدام به انتشار اوراق کرده و منابع حاصل از پذیره نویسی سرمایه گذاران را جمع آوری نموده و در اختیار بانی قرار می دهد.

۴. بانی به صورت مستقل با پیمانکار، قرارداد ساخت طرح را منعقد می کند. پس از اتمام عملیات ساخت، نهاد واسط دارایی ایجاد شده را در قالب اجاره به شرط تملیک به بانی یا شخص ثالث اجاره می دهد.

۵ و ۶. اجاره بها مطابق قرارداد، به سرمایه گذاران پرداخت می شود.

۷. در سررسید قرارداد، اجاره خاتمه می یابد و مالکیت دارایی مطابق شروط قرارداد به بانی منتقل می شود (Bouheraoua & Salma, 2012).



شکل (۱): ساختار اوراق اجاره موصوفه فی الذمه
منبع: (Lahtasna et al, 2018)

بهترین ساختار صکوک از دیدگاه بانی، ساختاری است که امکان تأمین وجوه مورد نیاز را فراهم کرده و بانی بتواند منابع جذب شده را به طور مؤثر در فعالیت‌های کسب و کار خود به کار گیرد. از سوی دیگر، از منظر سرمایه‌گذاران، دو عامل ریسک و بازده مهم‌ترین معیارها در انتخاب اوراق به شمار می‌آیند.

بر این اساس، مناسب‌ترین نوع صکوک برای انتشار، اوراقی است که ساختاری ساده، قابل فهم و کم‌ریسک داشته باشد. همچنین از نگاه بازار سرمایه، مدل صکوک باید به گونه‌ای طراحی شود که فعالان بازار با آن آشنایی داشته باشند و تا حد امکان از پیچیدگی‌های غیرضروری پرهیز شود؛ به نحوی که امکان احراز و اثبات انطباق شرعی آن نیز به سادگی فراهم گردد.

در مجموع می‌توان گفت عوامل مؤثر در انتخاب یک مدل مرجح برای اوراق شامل موارد زیر است:

- ساختاری ساده و روان داشته باشد؛
- ساختاری که نهاد ناشر و فعالان بازار با آن آشنایی کافی داشته باشند؛
- ساختاری که شناخته شده و متداول باشد؛
- ساختاری که فرآیند انتشار آن سریع و کم‌هزینه انجام شود؛
- ساختاری که ابعاد حقوقی آن تأیید و تثبیت شده باشد؛
- ساختاری که مشوق‌های بیشتری، از جمله مشوق‌های مالیاتی، در بر داشته باشد؛
- ساختاری که در آن بانی با هزینه‌ها و تعهدات کمتری مواجه باشد (Lahsasna, 2018).

یکی از چالش‌های اساسی در طراحی اوراق مالی اسلامی، انتخاب چارچوبی مناسب برای تأمین مالی طرح‌ها است. در این میان، اوراق اجاره آتی می‌تواند ساختاری کارآمد برای تأمین مالی طرح‌ها فراهم آورد؛ چراکه از نظر عملیاتی، نسبت به ساختار استصناع کاربردی‌تر و منعطف‌تر است. افزون بر این، بازار سرمایه و نهاد ناظر آشنایی بیشتری با اوراق اجاره در مقایسه با اوراق استصناع دارند. همان‌گونه که در ادامه توضیح داده خواهد شد، در ساختار اوراق اجاره آتی، پرداخت‌ها به سرمایه‌گذاران از ابتدای قرارداد و پیش

از بهره‌برداری طرح آغاز می‌شود و به این ترتیب، سود میان‌دوره‌ای از طریق اجاره‌بها به دارندگان اوراق پرداخت می‌گردد.

این اوراق تا حد زیادی مشابه صکوک ترکیبی استصناع-اجاره است که پیش‌تر در ایران عملیاتی شده است. صکوک ترکیبی اجاره-استصناع از رویکردی دو مرحله‌ای بهره می‌برد که در آن دو نوع قرارداد اسلامی به صورت توأمان مورد استفاده قرار می‌گیرد:

- **قرارداد استصناع:** در این مرحله، ناشر (نهاد واسط) با پیمانکار یا سازنده، قرارداد استصناع منعقد می‌کند تا دارایی مورد نظر — مانند ساختمان، کارخانه یا زیرساخت — ساخته یا تولید شود.
- **قرارداد اجاره:** پس از تکمیل مرحله ساخت، نهاد واسط دارایی ایجادشده را به دارندگان صکوک یا طرف تعیین‌شده، در قالب عقد اجاره واگذار می‌کند (Ayub, 2007).

اجاره آتی صرفاً متضمن عقد اجاره است و اجاره زمانی آغاز می‌شود که دارایی موضوع قرارداد تحویل داده شده و تمامی شرایط تعیین‌شده تحقق یابد. هرچند مطابق دیدگاه فقه اهل سنت، امکان پیش‌پرداخت بخشی از اجاره‌بها وجود دارد.

در مقابل، صکوک ترکیبی اجاره-استصناع مشتمل بر دو قرارداد مستقل است: قرارداد استصناع برای مرحله ساخت دارایی و قرارداد اجاره برای مرحله بهره‌برداری. در این ساختار، ابتدا از عقد استصناع به منظور تأمین مالی ساخت دارایی استفاده می‌شود و پس از تکمیل آن، عقد اجاره آغاز می‌گردد که منجر به ایجاد جریان درآمدی اجاره‌ای خواهد شد.

۳. مبانی فقهی اوراق اجاره آتی

اصلی‌ترین مسائلی که در تجزیه و تحلیل فقهی استفاده از این اوراق باید مورد توجه قرار گیرد، عبارت‌اند از: صحت اجاره آتی، مسئله غرر در معامله، امکان معامله اوراق اجاره آتی در بازار ثانویه، و صحت اجاره‌بهایی که در فاصله زمانی میان انعقاد عقد اجاره تا تحویل منافع پرداخت می‌شود. در ادامه، هر یک از این موارد به صورت مستقل بررسی خواهد شد.

۳-۱. صحت کلی اجاره آتی

اجاره موصوفه فی الذمه در فقه امامیه نیز مورد تأیید فقها قرار گرفته است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص. ۱۳۸). در این نوع اجاره که معمولاً از آن با عنوان «اجاره کلی فی الذمه» یاد می‌شود، امکان انعقاد عقد اجاره در زمان حال و تحویل منافع در آینده وجود دارد. آیت‌الله هاشمی شاهرودی در کتاب «موسوعه الفقه الاسلامی المقارن» می‌فرماید: «نظر مشهور میان فقهای امامیه و فقهای سایر مذاهب آن است که اجاره نسبت به منفعتی که در آینده ایجاد می‌شود، چه در عین معین و چه در کلی فی الذمه، صحیح است» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص. ۲۵۵). همچنین مطابق نظر مشهور، دلیلی بر لزوم اتصال منافع مورد اجاره به زمان عقد وجود ندارد و عموماً ادله صحت معاملات بر صحت این‌گونه عقود دلالت دارند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص. ۲۳۶).

محقق کرکی نیز در کتاب جامع المقاصد فی شرح القواعد چنین بیان می‌کند: «اگر زمان اجاره به زمان عقد متصل نباشد، به این معنا که مثلاً عقد اجاره برای سال آینده منعقد شود، عقد صحیح است؛ زیرا تأخر زمان اجاره از زمان انعقاد عقد، مانعی برای صحت آن ایجاد نمی‌کند» (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص. ۱۳۵). بر این اساس، تملک و تصرف در اجاره‌بهای پرداختی از زمان انعقاد قرارداد اجاره تا زمان تحویل منافع در آینده، صحیح خواهد بود. در قانون مدنی ایران نیز به این نوع اجاره و صحت آن تصریح شده است (ماده ۴۸۲).

البته فقها در خصوص اجاره زمین به صورت کلی فی الذمه مناقشاتی مطرح کرده‌اند و بسیاری از آنان این نوع اجاره را محل اشکال دانسته‌اند. از همین رو، صرفاً اجاره زمین به صورت عین معین یا کلی فی المعین - آن هم در صورت مشاهده و رفع غرر - صحیح شمرده شده است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، صص. ۲۲۹-۲۳۱؛ آل‌کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص. ۸۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص. ۲۸۳؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص. ۹۴).

مرحوم هاشمی شاهرودی در این زمینه می‌نویسد: «فقها اجاره کلی فی المعین و یا کلی فی الذمه را جایز دانسته‌اند، به‌جز عده‌ای از فقها که اجاره زمین به صورت کلی فی الذمه را دارای اشکال می‌دانند؛ زیرا این نوع معامله غرری است، از آن جهت که

زمین‌ها مورد به مورد متفاوت‌اند و بنابراین باید به صورت موردی تعیین شوند. البته برخی دیگر از فقها این نوع معامله را صحیح دانسته‌اند، مشروط بر آنکه وصف رافع غرر به معامله ضمیمه شود» (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲ق، ج ۱، ص. ۲۶۶).

نکته‌ای که در این حکم باید مورد توجه قرار گیرد آن است که فقها اشکال مذکور را معلل به غرری بودن معامله دانسته‌اند؛ بنابراین، هرگاه وصفی رافع غرر در قرارداد لحاظ شود، این ایراد مرتفع خواهد شد و اجاره عین کلی فی‌الذمه صحیح خواهد بود. شهید ثانی در این باره می‌فرماید: «چنانچه وصف به‌گونه‌ای باشد که جهالت را برطرف کند، دیگر غرری در کار نخواهد بود و تفاوتی میان عین کلی فی‌الذمه موصوف و عین معین وجود نخواهد داشت» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص. ۲۰۳).

سید یزدی نیز با همین استدلال، اجاره زمین به صورت کلی فی‌الذمه را جایز دانسته است؛ زیرا از نظر ایشان می‌توان زمین را به‌گونه‌ای توصیف کرد که غرر برطرف شود. بیشتر محشّین نیز از این دیدگاه تبعیت کرده‌اند (یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص. ۹۸).

از نظر آیت‌الله سید خویی نیز اجاره زمین به صورت کلی فی‌الذمه صحیح است؛ زیرا در این زمینه تفاوتی میان بیع و اجاره وجود ندارد. البته ایشان تأکید می‌کند که در هر دو عقد بیع و اجاره، لازم است حدود و خصوصیات عین کلی - تا آن اندازه‌ای که مورد رغبت و توجه عقلاً بوده و در قیمت‌گذاری مؤثر است - به‌طور دقیق مشخص شود تا غرر از میان برود. به‌طور کلی، کلی بودن مبیع یا عین مستأجره فی‌الذمه، در صورتی که خصوصیات آن به‌گونه‌ای توصیف شود که موجب رفع غرر گردد، هیچ‌گونه اشکالی در صحت معامله ایجاد نمی‌کند؛ همان‌گونه که این امر در غیر زمین، مانند خودرو یا حیوان نیز صادق است.

ایشان در این باره می‌فرماید: «... عقد اجاره به صورت کلی در ذمه نیز صحیح است و موردی که در مقام ایفای تعهد تحویل داده می‌شود، ادای همان دینی است که در ذمه بوده است؛ زیرا از این جهت میان بیع و اجاره تفاوتی وجود ندارد. منتها در هر دو باب، لازم است حدود و خصوصیتی که موجب تفاوت رغبت‌ها و اختلاف قیمت می‌شود تعیین گردد تا منشأ غرر از میان برود؛ مانند نزدیکی زمین به آب یا سخت و ناهموار بودن آن و امثال این اوصاف که قیمت مال با اختلاف آنها تغییر می‌کند. خلاصه آنکه کلی

بودن مورد، به خودی خود نه در بیع و نه در اجاره موجب اشکال نیست، مشروط به آنکه خصوصیات از بین برنده غرر و جهالت روشن شده باشد؛ همان گونه که در غیر زمین - مانند حیوان یا خودروبی که به صورت کلی تعیین می شود - نیز چنین است؛ یعنی پس از بیان اوصافی که غرر را برطرف می کند، اجاره دادن آن بی اشکال است. بنابراین، همان ملاکی که جواز را در عین معین خارجی ثابت می کرد، در مورد کلی نیز جاری است» (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۰، ص. ۳۴۱).

با توجه به اقوال فقها می توان نتیجه گرفت که هرگاه عین کلی فی الذمه به گونه ای توصیف شود که خصوصیات آن، در حدی که مورد اعتنا و رغبت عقلاست و در قیمت تأثیر دارد، به طور روشن و دقیق مشخص گردد، ایراد غرری بودن بر چنین معامله ای وارد نخواهد بود و بیع یا اجاره آن صحیح خواهد بود.

همچنین، از تصریح آیت الله خویی مبنی بر اینکه از حیث کلی بودن عین، تفاوتی میان بیع و اجاره وجود ندارد (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۰، ص. ۳۴۰)، می توان این نتیجه را به دست آورد که همان گونه که در بیع، موجود بودن شیء در هنگام انعقاد عقد شرط نیست، در عقد اجاره نیز وجود عین در زمان عقد ضرورت نخواهد داشت.

۲-۳. پرداخت اجاره بها پیش از تحویل عین

از نظر فقهای امامیه، اجاره بها در قرارداد اجاره عین کلی فی الذمه می تواند هم به صورت نقد و هم به صورت نسبه تعیین شود؛ زیرا برخلاف عقد بیع که در آن معامله کالی به کالی جایز نیست، در عقد اجاره چنین محدودیتی وجود ندارد (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص. ۴۴).

همچنین، به محض انعقاد قرارداد اجاره، منفعت به ملک مستأجر و اجاره بها به ملک موجر منتقل می شود؛ با این حال، هیچ یک از طرفین پیش از ایفای تعهد متقابل، الزام شرعی یا حقوقی به تسلیم آنچه مالک شده اند، ندارند (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص. ۶۱۲). در قرارداد اجاره، با توجه به این اصل که مستأجر اصولاً تنها زمانی مکلف به پرداخت عوض قراردادی است که منفعت موضوع معامله به وی تسلیم شود (پارساپور و عیسائی تفرشی، ۱۳۹۵، ص. ۵۹)، مسئله قبض و تسلیم اهمیت ویژه ای می یابد.

قبض یا تسلیم، مفهومی عرفی است و تشخیص مصادیق آن در موارد مختلف باید به عرف واگذار شود (مراغی، ۱۴۱۰ق، ص. ۲۶۱). در مورد منفعت، تسلیم عرفی بدین معناست که عینی که قرار است منفعت از آن استیفا شود، در اختیار طرف مقابل قرار گیرد. تسلیم منفعت، در معنای دقیق خود، مستلزم تحویل عین در وضعیت مطلوب و حفظ آن در همان وضعیت تا پایان مدت اجاره است.

در اجاره اعیان، موجر و مستأجر به مجرد انعقاد عقد، مالک اجرت و منفعت می‌شوند؛ اما هیچ‌یک از آن دو حق مطالبه آنچه مالک شده‌اند را ندارد، مگر آنکه آنچه را موجب تملک طرف مقابل شده است، تسلیم کند (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص. ۶۱۲). با این حال، چنانچه طرفین قرارداد شرط کنند که تمام یا بخشی از اجاره‌بها پیش از تحویل موضوع اجاره پرداخت شود، چنین شرطی صحیح و لازم‌الاجرا خواهد بود (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص. ۶۱۲). به بیان دیگر، شرط پرداخت اجاره‌بها پیش از تحویل عین، از منظر فقهی با اشکالی مواجه نیست.

۳-۳. غری بودن قرارداد

از آنجا که در این قرارداد، منفعتی که موجر متعهد به انتقال آن به مستأجر است، در زمان انعقاد عقد هنوز تحقق نیافته، این تصور ایجاد می‌شود که انتشار این اوراق با مشکل مواجه باشد؛ زیرا دارایی منقولی که منفعت آن به‌طور عینی مشخص گردد، هنوز وجود ندارد. افزون بر این، نسبت به توانایی موجر در فراهم‌سازی منافع مورد تعهد در موعد مقرر نیز ممکن است تردیدهایی مطرح شود.

با این حال، ایراد غری بودن بر این نوع اجاره وارد نیست؛ چرا که یکی از شرایط اساسی عقد اجاره، معلوم بودن منفعتی است که به‌واسطه عقد به تملیک مستأجر درمی‌آید. بدین معنا که مقدار، مدت، و سایر اوصافی که در ارزش و اجرت اثرگذار است و از نظر عقلاً اهمیت دارد، باید به‌گونه‌ای در قرارداد ذکر شود که جهالت برطرف گردد (یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص. ۱۴).

صاحب جواهر، غرر را دارای دو معنا می‌داند: جهل در صفات و مقدار، و جهل در حصول؛ و تنها معنای نخست را از مصادیق غرر تلقی کرده و جهل در حصول را مشمول

غرر نمی‌داند (انصاری، ۱۲۸۱ق، ج ۳، ص. ۳۸۸). در مقابل، شیخ انصاری در کتاب مکاسب به صورت تفصیلی به بررسی مفهوم غرر پرداخته و پس از نقد دیدگاه صاحب جواهر، جهل در حصول را نیز از مصادیق غرر به شمار آورده است (انصاری، ۱۲۸۱ق، ج ۴، ص. ۱۷۸).

در هر صورت، جهل در ذات، صفات و مقدار، با توصیف دقیق موضوع قرارداد مرتفع می‌شود و در نتیجه، معامله مصادق غرر نخواهد بود. البته توصیفی رافع غرر محسوب می‌شود که تمامی اوصافی را که عرفاً در قیمت و رغبت طرفین اثرگذار است، دربر گیرد؛ در مقابل، اموری که عرفاً مورد تسامح و چشم‌پوشی عقلا قرار می‌گیرد و تأثیر قابل توجهی بر قیمت ندارد، موجب غرر نخواهد بود (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص. ۹۴).

اما از جهت شک در حصول، یا به عبارت دیگر تردید در ایفای تعهد، نیز غرر تحقق پیدا نمی‌کند؛ زیرا یکی از شروط اساسی صحت قرارداد، قدرت بر تسلیم عوضین است (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص. ۲۸۸). بنابراین، هرگاه متعاقدین در زمان انعقاد عقد قادر بر تسلیم عوضین باشند، صرف احتمال عدم تحقق تسلیم در آینده، مصادق غرر نخواهد بود. در غیر این صورت، لازم می‌آید که بیع اعیان غایبه به دلیل جهل در حصول، غرری و باطل تلقی شود؛ در حالی که به اتفاق فقها، بیع اعیان غایبه -در مواردی که مال در کشتی یا در مسافت‌های دور قرار دارد- غیر غرری و صحیح دانسته شده است (نجفی، ۱۱۹۲ق، ج ۲۲، ص. ۳۸۸).

مثال روشن‌تر در این زمینه، بیع میوه بر درخت یا زرع است که با وجود احتمال عدم حصول به سبب عواملی همچون سرمازدگی یا آفات، همچنان صحیح شمرده می‌شود (نجفی، ۱۱۹۲ق، ج ۲۲، ص. ۳۸۸).

به طور کلی می‌توان بیان داشت که ضابطه غرر، ضابطه‌ای عقلایی است؛ بدین معنا که عقلا در معاملات خود میزان خطر را می‌سنجند و هرگاه خطر موجود در معامله از نظر عرف عقلایی ناچیز و قابل اغماض باشد، آن معامله مصادق غرر نخواهد بود (عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص. ۷۵). از همین روست که عقلا به شخصی که قدرت انجام تعهد را دارد اعتماد می‌کنند و با او وارد قرارداد می‌شوند؛ هرچند احتمال عدم تحقق تعهد وجود داشته باشد، اما به دلیل ضعف و ناچیز بودن آن، مورد اعتنا قرار نمی‌گیرد.

۳-۴. معامله اوراق در بازار ثانوی

در خصوص معامله این اوراق در بازار ثانوی، اغلب مذاهب اسلامی آن را تا پیش از تکمیل بیش از ۵۰ درصد دارایی مجاز نمی‌دانند. طرفداران این دیدگاه استدلال می‌کنند که تا پیش از اتمام دارایی، معامله این اوراق در بازار ثانوی مصداق مبادله پول در برابر پول است (Lahsasna et al, 2018).

در مقابل، بوهر او و سلما^۶ (۲۰۱۲م) استدلال می‌کنند که این اوراق بیانگر مالکیت بر دارایی مشخصی به صورت فی‌الذمه است؛ بنابراین معامله ثانوی آن نیز بدون اشکال خواهد بود. با این حال، آنان تصریح می‌کنند که در صورتی که فرایند ساخت دارایی هنوز آغاز نشده باشد، معامله این اوراق مجاز نخواهد بود.

مسئله فقهی دیگری که در این زمینه مطرح می‌شود، انتشار اوراق اجاره خدمات یا منافع معین است؛ به این معنا که ناشر تعهد می‌کند منافع یا خدمات مشخصی را در آینده فراهم آورد. هرچند، مطابق نظر آئوفی، معامله این نوع اوراق در بازار ثانوی جایز دانسته نشده است (Lahsasna et al, 2018).

در حالت نخست، عینی که موضوع اجاره قرار گرفته، موجود شده است. در این فرض، هیچ تردیدی در صحت بیع عین وجود ندارد و این وضعیت کاملاً منطبق با تعریف بیع است (انصاری، ۱۲۸۱ق، ج ۳، ص. ۷).

حالت دوم آن است که بیع بر منفعت واقع شود، نه بر خود عین. بیع منفعت از مسائل مورد اختلاف میان فقهاست. شیخ انصاری در مکاسب قائل به عدم جواز بیع منفعت و حقوق است، حتی حقوقی که قابلیت انتقال به صورت کلی را دارند. به نظر ایشان، مواردی از تملیک منفعت که با لفظ «بیع» از آن تعبیر شده است، در حقیقت نوعی تسامح در تعبیر به شمار می‌آید (انصاری، ۱۲۸۱ق، ج ۳، ص. ۷).

شیخ انصاری استدلال می‌کند که حقوقی که قابلیت انتقال دارند، مانند حق تحجیر و نظایر آن، نمی‌توانند عوض در عقد بیع قرار گیرند و انتقال مالکیت این حقوق تنها از طریق عقد صلح محقق می‌شود (انصاری، ۱۲۸۱ق، ج ۳، ص. ۹). از این رو، چنانچه هدف

تأمین نظر تمامی فقها باشد، لازم است به جای بیع منفعت - که محل اختلاف است - از عقد صلح استفاده شود.

از آنجا که در اجاره موصوفه فی الذمه، دارایی به صورت کلی فی الذمه در نظر گرفته می شود، همانند بیع در صورت توصیف دقیق مورد معامله و رفع جهل و غرر، معامله صحیح خواهد بود. بیع کلی فی الذمه بدون تردید و اختلاف، جایز است؛ همانند بیع سلف که مشروعیت و جواز آن امری مسلم به شمار می آید (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص. ۵۵؛ نجفی، ۱۹۲ق، ج ۲۳، ص. ۱۴۷).

۳-۵. بررسی ریسک های عملیاتی انتشار اوراق اجاره آتی

علی رغم مزایای قابل توجه اوراق اجاره موصوفه فی الذمه، اجرای این ابزار با چالش هایی نیز همراه است. یکی از مهم ترین این چالش ها آن است که دارایی های موضوع قرارداد در زمان انتشار اوراق هنوز وجود خارجی ندارند؛ از این رو، ریسک هایی همچون عدم تحویل به موقع دارایی یا تحویل دارایی با کیفیت پایین تر از حد انتظار مطرح می شود (Abdel-Khaleq & Richardson, 2007).

پیش بینی و شناسایی ریسک های عملیاتی در اوراق مبتنی بر عقد اجاره، این امکان را فراهم می سازد که با استفاده صحیح و هوشمندانه از شروط ضمن عقد، شدت این ریسک ها کاهش یابد. برای نمونه، می توان برای مدت معینی حق فسخ را برای متعاقدین، یکی از آنان یا حتی شخص ثالثی در نظر گرفت. کلی فی الذمه بودن مال مورد اجاره، خدشه ای به صحت این شروط وارد نمی کند و فقهای امامیه نیز چنین شروطی را جایز و صحیح دانسته اند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص. ۴۹۵؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص. ۲۴۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص. ۱۸۰؛ بحرانی، ۱۱۷۶ق، ج ۲۱، ص. ۵۴۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۷، ص. ۲۷۸؛ یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، صص. ۳۶-۳۵؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲ق، ج ۱، ص. ۳۱۲).

الف) خراب شدن دارایی موضوع اجاره

لازم به ذکر است چنانچه برای موضوع اجاره مشکلی پیش آید؛ برای مثال، خانه ای که باید تحویل داده شود به علت خرابی یا مسائلی نظیر عدم دریافت مجوز پایان کار، قابلیت

تحویل نداشتن باشد، یا اینکه موضوع اجاره به طور کلی تلف شود - مانند خودرویی که پیش از تحویل به طور کامل دچار حریق گردد یا ساختمانی که فرو بریزد - قرارداد اجاره منفسخ نخواهد شد. دلیل این امر آن است که در اجاره عین کلی فی الذمه، موضوع اجاره یک عین مشخص و معین نیست، بلکه عینی کلی با ویژگی های معین است؛ و آنچه قرار بوده تحویل داده شود، صرفاً یکی از مصادیق آن کلی محسوب می شود.

در چنین شرایطی، با از بین رفتن یا عدم امکان تحویل آن مصداق، باید به سراغ مصداق دیگری از همان کلی رفت. به بیان دیگر، آنچه تلف شده یا امکان تحویل خود را از دست داده، موضوع واقعی قرارداد اجاره نبوده، بلکه تنها یکی از افراد آن کلی فی الذمه بوده است؛ از این رو، موجر موظف است مصداق دیگری از آن کلی فی الذمه ای را که قرارداد بر آن منعقد شده است، به مستأجر تحویل دهد (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۰، ص. ۱۸۰).

همچنین اگر مال اجاره داده شده به گونه ای دچار خرابی شود که برخی از منافع آن قابل بهره برداری نباشد، در این صورت مستأجر دارای خیار تبعض صفقه خواهد بود (یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص. ۴۳). خیار تبعض صفقه بدین معناست که مستأجر می تواند یا قرارداد را به طور کامل فسخ کند، یا بخش سالم و قابل استفاده قرارداد را تنفیذ کرده و نسبت به بخشی که به علت خرابی، منفعت آن محقق نشده است، عقد را باطل بداند و مبلغ پرداختی اجاره را به نسبت منفعت تحقق نیافته مطالبه نماید. بر همین اساس، مطابق ماده ۴۸۲ قانون مدنی، در صورتی که مورد اجاره معیوب باشد، موجر می تواند مستأجر را به تبدیل مورد اجاره ملزم کند.

ب) عدم تحویل دارایی موضوع اجاره در موعد مقرر

چنانچه موجر از تحویل دارایی موضوع اجاره در موعد مقرر امتناع ورزد، مستأجر اختیار دارد عقد اجاره را فسخ کند و اجاره بهای پرداخت شده را مسترد نماید، یا بدون فسخ قرارداد، عوض منفعتی را که از وی فوت شده است، مطالبه کند. علت این امر آن است که منفعت به واسطه عقد اجاره به ملک مستأجر درآمده و موجر حق امتناع از تسلیم چیزی را که در ملک دیگری قرار گرفته ندارد. البته تحقق خیار فسخ برای مستأجر منوط

به عدم امکان اجبار موجر نیست و حتی در صورت امکان اجبار موجر به تحویل، خیار فسخ برای مستأجر همچنان ثابت خواهد بود (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۰، ص. ۱۸۳).

ج) عدم انطباق دارایی تحویلی با اوصاف مندرج در قرارداد

با توجه به اینکه قرارداد اجاره بر عین کلی فی‌الذمه منعقد شده است، چنانچه دارایی تحویلی با اوصاف تصریح شده در قرارداد مطابقت نداشته باشد و این تفاوت از موارد قابل اغماض عرفی نباشد، می‌توان گفت که عین موضوع قرارداد تحویل نشده است. در چنین فرضی، احکام و فروعاتی که در بخش پیشین درباره عدم تحویل مورد اجاره بیان شد، عیناً جاری خواهد بود.

نتایج

نتایج این مقاله نشان می‌دهد که انعقاد قرارداد اجاره موصوفه فی‌الذمه و پرداخت اجاره‌بها پیش از تحویل عین، از منظر فقه امامیه با مانع شرعی مواجه نیست و امکان معامله این اوراق در بازار ثانویه نیز وجود دارد. مهم‌ترین دلیل مخالفت برخی فقها با این نوع قرارداد، ادعای غرری بودن آن است. با این حال، در صورتی که موضوع اجاره به‌گونه‌ای توصیف شود که موجب رفع غرر گردد، این ایراد برطرف خواهد شد.

در عین حال، اوراق اجاره آتی با ریسک‌های عملیاتی متعددی مواجه است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به خراب‌شدن دارایی موضوع اجاره، عدم تحویل دارایی در موعد مقرر، و عدم انطباق دارایی تحویلی با مشخصات مندرج در قرارداد اشاره کرد. در صورت خراب‌شدن دارایی موضوع اجاره، موجر ملزم به جایگزینی و تحویل مصداق دیگری از عین کلی خواهد بود؛ و در موارد عدم تحویل دارایی یا عدم انطباق آن با اوصاف قراردادی، مستأجر از حق فسخ برخوردار است.

بر این اساس، با توجه به جواز فقهی این سازوکار و ظرفیت‌های آن در تأمین مالی طرح‌ها، پیشنهاد می‌شود اوراق اجاره آتی (موصوفه فی‌الذمه) در بازار سرمایه ایران طراحی و عملیاتی شود.

ملاحظات اخلاقی
<p>- پیروی از اصول حقوقی تمامی اصول اخلاقی در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.</p> <p>- تعارض منافع بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد. بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه، رساله و طرح پژوهشی نیست.</p>

کتابنامه

- ۱) قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران.
- ۲) آل کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۴۲۲ق). *تحریر المجله* (جلد پنجم) قم: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الإسلامیة، المعاونیة الثقافیة، مرکز التحقیقات و الدراسات العلمیة.
- ۳) ابن ادریس، محمد (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- ۴) اعتصامی، امیرحسین؛ و حسینعلی سعدی (۱۳۹۹). امکان‌سنجی حقوقی - فقهی اجاره سهام و کاربردهای مالی آن». *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱۲(۲)، ۹۵-۱۳۵. DOI: [10.30497/ies.2020.2776](https://doi.org/10.30497/ies.2020.2776)
- ۵) اعتصامی، سیدامیرحسین؛ و سلیمانی، محمد (۱۳۹۶). بررسی فقهی انتشار اوراق بهادار اسلامی قابل تمدید (با تأکید بر اوراق مشارکت، اجاره، مرابحه، سلف و اسناد خزانه اسلامی). *تحقیقات مالی اسلامی*، ۷(۱)، ۱۶۳-۱۹۰. DOI: [10.30497/ifr.2017.2130](https://doi.org/10.30497/ifr.2017.2130)
- ۶) امین‌زاده، سید محمد (۱۳۹۷). تحلیل حقوقی سهام خزانه در بازار سرمایه ایران با تکیه بر ماهیت سهام. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۸(۱)، ۱۷۵-۱۹۶. DOI: [10.30497/ifr.2018.2271](https://doi.org/10.30497/ifr.2018.2271)
- ۷) انصاری، مرتضی (۱۴۲۱ق). *المکاسب*. قم: مجمع‌الفکر الاسلامی.
- ۸) بحرانی، یوسف بن احمد (۱۱۸۶ق). *جماعه المدرسین فی حوزه العلمیه بقم*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۹) پارساپور محمدباقر؛ و محمد، عیسائی تفرشی (۱۳۹۵) تحلیل فقهی حقوقی تسلیم منفعت در قرارداد اجاره. *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۲۰(۲)، ۷۵-۵۹.
- ۱۰) توحیدی، محمد؛ و اعتصامی، سید امیرحسین (۱۳۹۶). امکان‌سنجی فقهی انتشار اوراق اجاره، مرابحه و مشارکت مصون از تورم در بازار سرمایه ایران. *جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی*، ۱۳(۲۶)، ۱۲۲-۸۹.

- (۱) توحیدی، محمد؛ و حامدی، میثم (۱۴۰۱). ارائه معیار احراز غلبه دارایی‌های ثابت در سهام
 منبای انتشار اوراق اجاره. *جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی*، ۱۹(۳۷)، ۱۷۷-۲۰۲.
https://iee.rihu.ac.ir/article_2073.html
- (۱۲) حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). *قواعد الاحکام*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة
 المدرسین.
- (۱۳) حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق). *تذکره الفقهاء* (جلد ۲۴). قم: مؤسسه آل‌البیت
 علیهم‌السلام.
- (۱۴) خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق). *موسوعه الامام الخویی*. قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی.
- (۱۵) رجایی باغ‌سیائی، محمد؛ و پارسائیان، حسین (۱۴۰۱). *صکوک اجاره و رتبه‌بندی مخاطرات
 (ریسک‌های) آن*. معرفت اقتصاد اسلامی، ۲۶(۱۳)، ۷۹-۹۶.
- (۱۶) شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق). *مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام*. قم:
 مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- (۱۷) شورای عالی بورس و اوراق بهادار (۱۴۰۲). *دستورالعمل انتشار اوراق اجاره*. تهران: سازمان
 بورس و اوراق بهادار.
- (۱۸) طالبی، محمد؛ و رحیمی، امیرمحمد (۱۳۹۱). *شناسایی، طبقه‌بندی و اولویت‌بندی
 ریسک‌های مربوط به اوراق بهادار اجاره*. *جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی*، ۹(۱۸)،
 ۷۷-۱۰۴.
- (۱۹) طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الامامیه*. تهران: مکتبه المرتضویه.
- (۲۰) طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *الخلاف، جماعه المدرسین فی حوزه العلمیه بقم*. قم:
 مؤسسه النشر الاسلامی.
- (۲۱) عاملی، محمد بن مکی (۱۴۱۴ق). *غایه المراد فی شرح نکت الإرشاد*. قم: دفتر تبلیغات
 اسلامی حوزه علمیه قم.
- (۲۲) قنوتی، جلیل، و داوری لنگرودی، مرضیه. (۱۳۹۱). *تحلیل ماهیت حقوقی اوراق (صکوک)
 اجاره*. فقه و اصول، ۴۴(۲)، ۱۷۹-۱۵۱.
- <https://doi.org/10.22067/fiqh.v1i1.13052>
- (۲۳) نکو، عزیز؛ و باقی‌زاده، محمدجواد. (۱۳۹۸). *نگاه فقهی و اقتصادی به اوراق اجاره، ویژگی‌ها
 و مزایای آن*. *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار (مطالعات مالی)*، ۴۱(۱۲)، ۱۹۵-۲۱۰.
- (۲۴) محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. قم:
 اسماعیلیان.

- ۲۵) محقق کرکی، علی (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- ۲۶) مراغی، میر عبدالفتاح (۱۴۱۰ق) العناوین (جلد دوم، چاپ اول). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۲۷) موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۹۹) تحریر الوسيله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۲۸) موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۹۲). تحریر الوسيله. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۲۹) موسویان، سیدعباس؛ و رحیمی، سیدعلی اصغر (۱۳۹۱). ماهیت حقوقی و شرایط ارکان اوراق بهادار اجاره. حقوق اسلامی، ۹(۳۲)، ۹۱-۱۲۱.
- ۳۰) نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام (چاپ هفتم). بیروت: دار احیاء تراث العربی.
- ۳۱) نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ق). عوائد الایام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۳۲) هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۷). استصناع. فقه اهل بیت، ۱۹ و ۲۰، ۳-۲۴.
- ۳۳) هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۹ق). الاجاره. قم: دائرة المعارف الفقه الإسلامی.
- ۳۴) هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۳۲ق) موسوعه الفقه الإسلامی المقارن. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- ۳۵) هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار (۱۴۰۲) دستورالعمل انتشار اوراق منفعت. تهران: سازمان بورس و اوراق بهادار.
- ۳۶) یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱ق). العروه الوثقی. قم: جماعه المدرسین فی حوزه العلمیه بقم.

Reference

- 1) Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (2023) *Shariah Standards*.
- 2) Abdel-Khaleq, A., & Richardson, C. (2007). New horizons for Islamic securities: Emerging trends in sukuk offerings. *Journal of International Law*, 8(2), 409-423.
- 3) Ahmad, N. (2009). The Parameters of Forward Ijarah and Its Application in Financing Services in Islamic Financial Institutions.

- 4) Al-Saadi, A., & Safa, M. F. (2016). Sukuk market development and infrastructure financing: The case of Malaysia. *Journal of Islamic Finance*, 8(3), 62-74.
- 5) Ayub, M. (2007). *Understanding Islamic Finance*. John Wiley & Sons.
- 6) Amīn-zādeh, S. M. (1397 SH/2018). Taḥlīl-e ḥuqūqī-ye saḥām-e khazāneh dar bāzār-e sarmāyeh-ye Irān bā tekyeh bar māhiyyat-e saḥām [Legal analysis of treasury shares in Iran's capital market with emphasis on the nature of shares]. *Tahqīqāt-e Mālī-ye Eslāmī* [Islamic Financial Research], 8(1), 175-196. <https://doi.org/10.30497/ifr.2018.2271> [in Persian].
- 7) Anṣārī, M. (1281 AH/1864). *Al-Makāsib*. Qom: Majma' al-Fikr al-Islāmī [in Arabic].
- 8) Al-Ḥillī, Ḥasan b. Yūsuf (al-'Allāmah). (1413 AH/1992). *Tadhkirat al-fuqahā*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī [in Arabic].
- 9) Al-Khūī, A. (1413 AH/1992). *Mawsū'at al-Imām al-Khūī*. Qom: Mu'assasat Iḥyā' Āthār al-Imām al-Khūī [in Arabic].
- 10) Al-Shahīd al-Thānī, Zayn al-Dīn b. A. (1413 AH/1992). *Masālik al-aḥnām ilā tanqīḥ sharā'i' al-Islām*. Qom: Mu'assasat al-Ma'ārif al-Islāmiyyah [in Arabic].
- 11) Al-Ṭūsī, M. (1387 AH/1967). *Al-Mabsūt fī fiqh al-Imāmiyyah*. Tehran: Maktabat al-Murtaḍawīyyah [in Arabic].
- 12) Al-Ṭūsī, M. (1407 AH/1986). *Al-Khilāf*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī [in Arabic].
- 13) Al-Āmilī, M. M. (al-Shahīd al-Awwal). (1414 AH/1993). *Ghāyat al-murād fī sharḥ nukat al-irshād*. Qom: Daftar Tablighāt-e Eslāmī [in Arabic].
- 14) Al-Muḥaqqiq al-Ḥillī, J. (1408 AH/1987). *Sharā'i' al-Islām fī masā'il al-ḥalāl wa al-ḥarām*. Qom: Ismā'īliyyān [in Arabic].
- 15) Al-Muḥaqqiq al-Karakī, A. (1414 AH/1993). *Jāmi' al-maqāṣid fī sharḥ al-qawā'id*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt 'alayhim al-salām [in Arabic].
- 16) Baḥrānī, Yūsuf b. A. (1186 AH/1772). *Al-Ḥadā'iq al-nāḍirah fī aḥkām al-ītrah al-tāhirah*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī [in Arabic].
- 17) Board of Directors of the Securities and Exchange Organization of Iran. (1402 SH/2023). *Dastūr al-amal-e enteshār-e awrāq-e manfa'at* [Instruction for the issuance of usufruct securities]. Tehran: Securities and Exchange Organization of Iran [in Persian].
- 18) Bouheraoua, S., Salma, B. S., & M. S. (2012). A Critical Appraisal of Shariah Issues Related to Sukuk al Ijarah. International Shariah Research Academy for Islamic Finance (Research Paper No. 37/2012).
- 19) Civil Code of the Islamic Republic of Iran. (n.d.). *Qānūn-e madanī-ye Jomhūrī-ye Eslāmī-ye Irān*. Tehran [in Persian].

- ۲۰۷
- 20) El-Gamal, M. A. (2006). *Islamic Finance: Law, Economics, and Practice*. Cambridge University Press.
 - 21) Etesami, S. A. H. & Soleimani, M. (2017). A Jurisprudential Review of Extendible Islamic Securities (with Emphasis on Participation Bonds, Leases, Morabehah, Exile and Islamic Treasury Documents). *Islamic Finance Researches (IFR)*, 7(1), 163-190. DOI: 10.30497/ifr.2017.2130 [in Persian].
 - 22) Etešāmī, A., & Sadī, H. (1399 SH/2020). Emkān-sanjī-ye ḥuqūqī-feqhī-ye ejārah-ye saḥām va kārbord-hā-ye māli-ye ān [Legal-jurisprudential feasibility of leasing shares and its financial applications]. *Moṭāla āt-e Eqtešād-e Eslāmī* [Islamic Economics Studies], 12(2), 95-135. <https://doi.org/10.30497/ies.2020.2776> [in Persian].
 - 23) Fuadi, N. F. Z. (2019). Implementasi Akad Al-Ijarah Al-Maushufah Fi Al-Dzimmah Sebagai Alternatif Pembiayaan Di Lembaga Keuangan Syariah Indonesia. *Journal of Islamic Literature and Muslim Society*, 4(2).
 - 24) Ghanavati, J., & Davari Langroudi, M. (2012). An analysis of the legal nature of Ijarah Sukuk. *Fiqh va Usul*, 44(2), 151-179. <https://doi.org/10.22067/fiqh.v1i1.13052>
 - 25) International Shari'ah Research Academy for Islamic Finance (ISRA) (Malaysia), & Malaysia Suruhanjaya Sekuriti. (2017). *Suku k : principles & practices*. International Shari'ah Research Academy for Islamic Finance : Securities Commission Malaysia.
 - 26) Hāshimī Shāhrūdī, S. M. (1387 SH/2008). Istiṣnā' [Istisna' contract]. *Fiqh Ahl al-Bayt* [Ahl al-Bayt Jurisprudence], 19-20, 3-24 [in Persian].
 - 27) Hāshimī Shāhrūdī, S. M. (1429 AH/2008). *Al-Ijārah*. Qom: Dā'irat al-Ma'ārif al-Fiqh al-Islāmī [in Arabic].
 - 28) Hāshimī Shāhrūdī, S. M. (1432 AH/2011). *Mawsū'at al-fiqh al-islāmī al-muqāran*. Qom: Mu'assasat Dā'irat al-Ma'ārif al-Fiqh al-Islāmī 'alā Madhhab Ahl al-Bayt (A) [in Arabic].
 - 29) Iqbal, Z., & Mirakhor, A. (2011). *An introduction to Islamic finance: Theory and practice* (Vol. 687). John Wiley & Sons.
 - 30) Khan, M., & Bhatti, M. (2008). *Developments in Islamic banking: The case of Pakistan*. Springer.
 - 31) Lahsasna, A., Hassan, K. M., & Ahmad, R. (2018). Forward lease Sukuk in Islamic capital markets. *Structure and Governing Rules*. DOI: 10.1007/978-3-319-94262-9.
 - 32) Nekou, A., & Baghi-Zadeh, M. J. (2019). A jurisprudential and economic view of ijarah (lease) sukuk: Their features and advantages. *Journal of Financial Knowledge: Securities Analysis* (Financial Studies), 41(12), 195-210. [in Persian].

- 33) Mousavian, S. A., & Rahimi, S. A. A. (2012). The legal nature and conditions of the essential elements of Ijarah (lease) *Securities. Islamic Law*, 9(32), 91-121. [in Persian].
- 34) Obaidullah, M, & Tariqullah, K. (2008).. "Islamic microfinance development: Challenges and initiatives." *Islamic Research & Training institute Policy Dialogue Paper*, 2
- 35) Rajaei-Baghsiayi, H., & Parsaeian. (2022). Ijarah sukuk and the ranking of their risks. *Islamic Economics Knowledge*, 26(13), 79-96. [in Persian].
- 36) Shariah Advisory Council of the Securities Commission Malaysia (2023) Resolutions of the Shariah Advisory Council of the SC.
- 37) Siddiqi, M. N. (2006). *Islamic Banking and Finance: Fundamentals and Contemporary Issues*. Islamic Research and Training Institute.
- 38) Thomas, A. (2015). *Sukuk: Islamic bonds that promote responsible investment*. Global Impact Investing Network.
- 39) Tohidi, M., & Etesami, A. H. (2017). Jurisprudential Feasibility Study of Designing Inflation- Protected Musharakah and Ijarah Sukuk in Iran Capital Market. *Journal of Economic Essays: an Islamic Approach*, 13(26), 89-122.
- 40) Tohidi, M., & Hamedi, M. (2022). Providing criteria for verifying the predominance of fixed assets in shares underlying the issuance of ijarah securities. *Islamic-Oriented Economic Inquiries*, 19(37), 177-202. <https://doi.org/10.30471/iee.2023.8876.2267> [in Persian].
- 41) Usmani, M. T. (2008). *An Introduction to Islamic Finance*. Idaratul Ma'arif.
- 42) Artado, A. (2023). Kontrak Ijarah Multisaja Dan Ijarah Mausufah FI AZ-Zimmah: Antara Teori Dan Praktik. *Iblam Law Review*, 3(3), 484-498. DOI: 10.52249/ilr.v3i3.248
- 43) Zubir, Z., Muhazir, M., & Wahyudani, Z. (2022). Akad al-Ijarah al-Mausufah fi al-Zimmah in Sharia Banking in Aceh: A Study of Homeownership Finance. *Justicia Islamica*, 19(2), 312-330.
- 44) Munīrah, Bint ‘Abd Allāh ibn ‘Abd al-Rahmān al-Ghudayān al-Tamīmī. (2022). *Al-ijārah al-mawṣūfah fī al-dhimmah wa-taṭbīqātuhā al-mu‘āṣirah* [Forward lease (described-in-liability) and its contemporary applications]. *Majallat Kulliyat al-Sharī‘ah wa-al-Qānūn bi-Asyūṭ* [Journal of the Faculty of Sharia and Law, Assiut], 34(4), 1240-1293.
- 45) High Council of Securities and Exchange of Iran. (1402 SH/2023). *Dastūr al-āmal-e enteshār-e awrāq-e ejārah* [Instruction for the issuance of Ijarah Sukuk]. Tehran: Securities and Exchange Organization of Iran [in Persian].
- 46) Pārsāpūr, M. B., & Īsāī Tafreshī, M. (1395 SH/2016). Taḥlīl-e feqhī-ḥuqūqī-ye taslīm-e manfa‘at dar qarārdād-e ejārah [Jurisprudential-legal analysis of delivery of usufruct in lease contracts]. *Pazhūhesh-hā-*

- ۲۰۹ 
- ye *Huqūq-e Taṭbīqī* [Comparative Law Research], 20(2), 59–75 [in Persian].
- 47) Ṭālebī, M., & Raḥīmī, A. M. (1391 SH/2012). Shenāsā'ī, ṭabaqeh-bandī va olaviyyat-bandī-ye risk-hā-ye marbūṭ be awrāq-e ejārah [Identification, classification, and prioritization of risks related to Ijarah securities]. *Jostār-hā-ye Eqtesādī bā Rūykard-e Eslāmī* [Islamic-Oriented Economic Studies], 9(18), 77–104 [in Persian].
- 48) Imam Khomeini, S. R. A. (1399 SH/2020). *Tahrīr al-Wasīlah* [The clarification of legal rulings]. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works [in Persian].
- 49) Ibn Idrīs al-Ḥillī, Muḥammad b. A. (1410 AH/1989). *Al-Sarā'ir al-ḥāwī li-tahrīr al-fatāwā*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī [in Arabic].
- 50) Imam Khomeini, S. R. A. (1392 SH/2013). *Tahrīr al-Wasīlah* [The clarification of legal rulings]. Tehran: Mu'assasat-e Tanzīm va Nashr-e Āthār-e Emām Khomeinī (RA) [in Persian].
- 51) Marāghī, M. (1410 AH/1989). *Al-Unwānīn* (Vol. 2). Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī [in Arabic].
- 52) Najafī, M. H. (1404 AH/1984). *Jawāhir al-kalām fī sharḥ sharā'i' al-Islām* (7th ed.). Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī [in Arabic].
- 53) Narāqī, A. b. M. M. (1417 AH/1996). *Awā'id al-ayyām fī bayān qawā'id al-ahkām*. Qom: Daftar Tablīghāt-e Eslāmī-ye Ḥawzah-ye 'Ilmiyyah-ye Qom [in Arabic].
- 54) Yazdī, M. K. (1421 AH/2000). *Al-Urwat al-wuthqā*. Qom: Jamā'at al-Mudarrisīn fī al-Ḥawzah al-'Ilmiyyah bi-Qom [in Arabic].
- 55) Yazdī, M. K. (1431 AH/2010). *Al-Urwat al-wuthqā*. Qom: Jāmi'at al-Mufīd [in Arabic].

Designing a Model for Risk Management of Takaful Funds

Mehdi Lotfian | Saeed Moradpour* | Mojtaba Dastoori

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.248548.1975>

طراحی الگوی مدیریت ریسک صندوق‌های تکافل

مهدی لطفیان | سعید مرادپور* | مجتبی دستوری

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.248548.1975>



Copyright 2025 The Author(s).

Published by Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Finance Researches* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.



Designing a Model for Risk Management of Takaful Funds

Mehdi Loffian: PhD Student, Department of Accounting and Finance, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish, Iran.

mahdi.loffian@iau.ir | 0009-0004-9711-6583

Saeed Moradpour: Assistant Professor, Department of Accounting and Finance, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran (Corresponding Author).

saeed.moradpour@iau.ac.ir | 0000-0003-3008-1596

Mojtaba Dastoori: Assistant Professor, Department of Accounting and Finance, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish, Iran.

dastoori@iau.ac.ir | 0000-0001-7824-4265

Abstract

1. Introduction and Objective

Risk management constitutes a fundamental pillar of financial stability in Islamic financial institutions, particularly within the takaful system, which is founded upon the principles of mutual cooperation, risk sharing, and Shariah compliance. Unlike conventional insurance, takaful operates through distinct risk funds that are collectively owned by participants and managed by operators under specific contractual and governance arrangements. The sustainability and effectiveness of takaful funds depend critically on the accurate identification, prioritization, and management of multidimensional risks that arise at both operational and strategic levels.

In emerging takaful markets such as Iran, the establishment and management of takaful risk funds face compounded challenges due to regulatory constraints, limited Shariah-compliant financial instruments, macroeconomic volatility, and political and institutional uncertainties. These challenges necessitate the development of a comprehensive and context-sensitive risk management framework that not only captures the complexity of takaful operations but also aligns with Islamic financial principles.

Despite the growing body of literature on takaful, existing studies often address risk factors in isolation or focus on specific dimensions such as underwriting or Shariah governance, without offering an integrated analytical framework capable of explaining interdependencies among risk categories. Moreover, limited empirical research has examined the structural relationships and causal dynamics among risks across different types of takaful funds, particularly in the context of Iran's insurance industry.

Accordingly, the primary objective of this study is to design an integrated model for the establishment and risk management of takaful risk funds by identifying and prioritizing key risk factors and analyzing their causal relationships. To achieve this objective, the study combines qualitative and quantitative approaches by integrating Grounded Theory with Structural Equation Modeling (SEM) and the fuzzy DEMATEL method. The proposed model aims to support strategic decision-making for takaful operators by providing a systematic framework for risk identification, prioritization, and mitigation across family, general, and re-takaful risk funds.

2. Methods and Materials

This research adopts an applied and exploratory design and follows a mixed-methods approach comprising qualitative and quantitative phases. In the qualitative phase, the Grounded Theory methodology was employed to identify and categorize the principal risks associated with takaful fund establishment and management. Semi-structured interviews were conducted with experts from Iran's insurance industry who possess specialized knowledge of takaful operations, regulation, and risk management.

The study population consisted of senior managers, regulatory specialists, academics, and practitioners with direct experience in takaful. Using the snowball sampling technique, a total of 25 experts were selected, ensuring theoretical saturation of the data. Interview questions were designed based on an extensive review of the theoretical foundations of Islamic insurance, takaful governance, and risk management literature. The qualitative data were systematically coded through open, axial, and selective coding processes, leading to the identification of core risk categories and their constituent components.

In the quantitative phase, the extracted risk dimensions were analyzed using an integrated analytical framework combining Structural Equation Modeling and the fuzzy DEMATEL method. Structural Equation Modeling was employed to assess the relative importance and weighting of the identified risk dimensions, while fuzzy DEMATEL was used to examine the intensity of influence and susceptibility among risk factors and to map their cause-and-effect relationships. This combination allows for a more robust analysis by capturing both the structural significance of risks and their interactive dynamics within the system.

The analysis focused on three primary types of takaful funds commonly employed in practice: family takaful funds, general takaful

funds, and re-takaful risk funds. Data reliability and validity were ensured through expert validation, consistency checks, and methodological triangulation. The integration of qualitative insights with advanced quantitative techniques enhances the explanatory power and practical relevance of the proposed model.

3. Research Findings

The findings of the qualitative analysis revealed five principal categories of risk that underpin the management of takaful risk funds: underwriting risk, operational risk, credit risk, liquidity risk, and market risk. These risk categories were consistently identified across all types of takaful funds, although their relative importance and intensity varied depending on the fund structure and operational context.

The quantitative results demonstrated that operational risk holds the highest priority among the identified risk categories. Within the Structural Equation Modeling framework, operational risk achieved the highest weight, indicating its dominant role in influencing the overall risk profile of takaful funds. Similarly, the fuzzy DEMATEL analysis confirmed that operational risk exhibits the greatest level of interaction with other risk categories, both in terms of influence and susceptibility.

The cause-and-effect analysis further indicated that operational risk belongs to the dependent (effect) group of risks, meaning that it is highly affected by other risk dimensions such as regulatory, political, and market-related factors. This finding underscores the systemic nature of operational risk within takaful institutions, where deficiencies in governance, internal processes, human capital, and technological infrastructure amplify vulnerabilities across the system.

The prioritization of risk intensity across fund types revealed that family takaful funds exhibit the lowest overall risk intensity, reflecting their relatively stable contribution patterns and long-term risk-sharing arrangements. In contrast, general takaful funds were found to possess the highest level of risk intensity, driven by higher exposure to underwriting volatility, claims uncertainty, and market fluctuations. Re-takaful risk funds occupy an intermediate position, influenced by both domestic and international risk transmission mechanisms.

These findings collectively highlight the heterogeneity of risk structures across takaful fund types and the necessity for differentiated risk management strategies tailored to each fund's specific characteristics.

4. Discussion and Conclusion

The results of this study provide empirical evidence that effective risk management in takaful systems requires a holistic and integrated approach that accounts for both the structural importance of risk categories and their dynamic interrelationships. The dominance of operational risk emphasizes the critical role of internal governance, process efficiency, technological capability, and human resource competence in sustaining takaful operations.

From a practical perspective, the proposed integrated model offers a valuable decision-support tool for takaful operators and policymakers by enabling systematic risk prioritization and informed resource allocation. The differentiation of risk intensity across family, general, and re-takaful funds further suggests that a uniform risk management framework may be inadequate, and that fund-specific strategies are essential to enhance resilience and financial stability.

The study also contributes to the literature on Islamic insurance by extending risk management analysis beyond descriptive classifications and introducing a causal modeling perspective grounded in empirical evidence. By integrating Grounded Theory with SEM and fuzzy DEMATEL, the research bridges the gap between qualitative understanding and quantitative rigor.

In conclusion, the findings underscore the necessity for takaful founders and managers to conduct comprehensive risk assessments prior to fund establishment and to implement proactive risk mitigation strategies aligned with the unique characteristics of each fund. The proposed model can serve as a foundational framework for strengthening risk governance and promoting sustainable growth within the takaful industry, particularly in emerging markets such as Iran.

5. Keywords: Takaful Risk; Risk Management; Risk Fund; Takaful; Grounded Theory; Fuzzy DEMATEL.

6. JEL Classification: G22, G23, G32.

طراحی الگوی مدیریت ریسک صندوق‌های تکافل

مهدی لطفیان: دانشجوی دکتری، گروه حسابداری و مالی، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران. mahdi.lotfian@iau.ir

سعید مرادپور: استادیار، گروه حسابداری و مالی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران (نویسنده مسئول). saeed.moradpour@iau.ac.ir

مجتبی دستوری: استادیار، گروه حسابداری و مالی، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران. dastoori@iau.ac.ir

چکیده

۱. مقدمه و هدف

مدیریت ریسک در نظام تکافل، به‌عنوان یکی از ارکان اساسی پایداری مالی صندوق‌ها، مستلزم طراحی الگویی منسجم برای شناسایی، ارزیابی و اولویت‌بندی ریسک‌ها است. هدف اصلی این پژوهش، ارائه مدلی تلفیقی مبتنی بر روش دیمتل فازی و مدل‌یابی معادلات ساختاری به‌منظور شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر در طراحی الگوی تأسیس و مدیریت ریسک صندوق‌های مختلف تکافل، با استفاده از رویکرد داده‌بنیاد در صنعت بیمه ایران است.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت اکتشافی بوده و با رویکرد آمیخته (کیفی-کمی) انجام شده است. در بخش کیفی، با استفاده از روش داده‌بنیاد و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، ابعاد و طبقات اصلی ریسک شناسایی شد. جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان صنعت بیمه با تخصص تکافل است که با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی، تعداد ۲۵ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. در بخش کمی، برای تحلیل روابط میان ریسک‌ها و تعیین شدت اثرگذاری و اثرپذیری آن‌ها، از مدل‌یابی معادلات ساختاری و روش دیمتل فازی استفاده شد.

۳. یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش نشان داد که در صندوق‌های متداول تکافل شامل صندوق ریسک خانواده، صندوق ریسک عمومی و صندوق ریسک تکافل اتکایی، ریسک‌های پذیره‌نویسی، عملیاتی، اعتباری، نقدینگی و بازار به‌عنوان طبقات اصلی ریسک شناسایی می‌شوند. نتایج تحلیل‌های کمی حاکی از آن است که ریسک عملیاتی در میان ریسک‌های اصلی، بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده و در هر دو روش مدل‌یابی معادلات ساختاری و دیمتل فازی، بیشترین وزن و بیشترین سطح تعامل با سایر ریسک‌ها را دارد. بر این اساس، ریسک عملیاتی به‌دلیل سطح بالای اثرپذیری، در زمره معیارهای معلول قرار می‌گیرد. همچنین، نتایج اولویت‌بندی نشان داد که صندوق ریسک خانواده کمترین شدت ریسک‌پذیری و صندوق ریسک عمومی بیشترین شدت ریسک تکافل را داراست.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش بیانگر آن است که طراحی و تأسیس صندوق‌های تکافل بدون توجه نظام‌مند به ساختار ریسک‌ها می‌تواند پایداری مالی آن‌ها را با چالش مواجه سازد. بر این اساس، مؤسسان و مدیران کسب‌وکارهای تکافل باید پیش از هر اقدام اجرایی، نسبت به شناسایی دقیق، ارزیابی و اولویت‌بندی ریسک‌های مرتبط با هر صندوق اقدام کرده و راهکارهای متناسب برای مدیریت آن‌ها تدوین کنند. الگوی پیشنهادی این پژوهش می‌تواند به‌عنوان ابزاری کاربردی برای بهبود تصمیم‌گیری راهبردی و تقویت مدیریت ریسک در صنعت تکافل ایران مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ریسک تکافل؛ مدیریت ریسک؛ صندوق ریسک؛ تکافل؛ نظریه داده بنیاد؛ دیمتل فازی.

مقدمه

مدیریت ریسک در امور مالی اسلامی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و تکافل چارچوبی منطبق با شریعت فراهم می‌کند که برای کاهش خطرات چندجانبه طراحی شده است. این خطرات می‌توانند بر عملکرد عملیاتی و نتایج سرمایه‌گذاری اپراتورهای تکافل تأثیر منفی بگذارند (Abdullah & Rahman, 2018; Iqbal & Mirakhor, 2019; Karim, 2018; Ullah & Javed, 2019).

این مطالعه نه تنها به شناسایی و اندازه‌گیری این خطرات می‌پردازد، بلکه به توسعه چارچوبی یکپارچه نیز توجه دارد که فرهنگ مدیریت ریسک را تقویت کرده و به چالش‌های خاصی که مؤسسات تکافل با آن مواجه هستند، می‌پردازد. در برنامه‌ریزی مالی اسلامی، تکافل نقش اساسی در کاهش مواجهه‌های مالی ناشی از وقایع پیش‌بینی نشده و شرایط نامطلوب بازار ایفا می‌کند (Abdullah & Rahman, 2018; Iqbal & Mirakhor, 2019; Karim, 2018; Vahidi & Othman, 2018).

یک تحلیل جامع از صندوق‌های تکافل نشان می‌دهد که مواجهه با ریسک‌ها ماهیتی چندبعدی دارد. به‌عنوان مثال، ریسک بیمه‌گری عمدتاً ناشی از انتخاب نامطلوب و نارسایی‌ها در تکافل مجدد است. انتخاب نامطلوب زمانی رخ می‌دهد که افراد پریسک — مانند رانندگان پرخطر یا متقاضیانی با مشکلات شدید سلامتی — با وجود احتمال بالای مطالبه خسارت، بیمه را با نرخ‌های استاندارد دریافت می‌کنند. این رفتار موجب افزایش نسبت خسارت‌ها فراتر از سطح مورد انتظار می‌شود و نقدینگی صندوق را تحت فشار قرار می‌دهد (Ahmed & Hussain, 2017; Chaudhry, 2017; Jaffar & Saad, 2018; Ullah & Javed, 2019).

به‌طور هم‌زمان، ریسک تکافل مجدد زمانی بروز می‌کند که اپراتور تکافل مجدد به تعهدات قراردادی خود عمل نکنند؛ در نتیجه، شرکت اولیه مسئول خسارت‌های معوق یا پرداخت‌نشده می‌شود و توانایی آن برای پوشش‌دهی ریسک‌های جدید کاهش می‌یابد (Ahmed & Hussain, 2017; Chaudhry, 2017; Jaffar & Saad, 2018; Waseem & Abbas, 2018).

ریسک عملیاتی نیز با دربرگیری خسارت‌های ناشی از فرآیندهای داخلی ضعیف، خطاهای انسانی، کمبودهای فناوری یا شوک‌های خارجی، این حوزه را پیچیده‌تر می‌کند؛ امری که بر اساس دستورالعمل‌های کمیته بازل مورد تأکید قرار گرفته است (Ali & Khalid, 2019; Darwish & Omar, 2019; Jaffar & Saad, 2018). پردازش ناکارآمد معاملات، نگهداری نامناسب سوابق و کنترل‌های داخلی ضعیف — که می‌تواند ناشی از ناتوانی کارکنان، تقلب یا خرابی سیستم‌های فناوری اطلاعات باشد — توانایی تداوم کسب‌وکار را به شدت مختل می‌کند.

علاوه بر این، تغییرات ناگهانی مقررات یا بروز مشکلات خارجی ممکن است این آسیب‌پذیری‌ها را تشدید کرده و عملیات تکافل را بی‌ثبات سازد (Ali & Khalid, 2019; Darwish & Omar, 2019; Haron, 2011; Latif & Noor, 2019; Ullah & Javed, 2019). مطالعات اخیر همچنین نشان می‌دهد که راه‌حل‌های پیشرفته فناوری اطلاعات و سیستم‌های خودکار حسابرسی می‌توانند نقشی تحول‌ساز در کاهش این ریسک‌ها در مؤسسات مالی اسلامی ایفا کنند (Vahidi & Othman, 2018).

به‌طور خلاصه، ریسک به‌عنوان احتمال وقوع رویدادی تعریف می‌شود که می‌تواند به اهداف یک سازمان آسیب برساند و شدت آن بر اساس احتمال وقوع و میزان تأثیر آن تعیین می‌شود. در صنعت بیمه، این مفهوم شامل خسارات احتمالی ناشی از آسیب به اموال یا زیان‌های انسانی است. همان‌گونه که استاندارد مدیریت ریسک نیوزیلند تأکید می‌کند، فرهنگ، فرآیندها و ساختارهای یک سازمان باید با هدف بهره‌برداری از فرصت‌ها و کاهش پیامدهای نامطلوب همسو باشند.

بر این اساس، اتخاذ رویکردی جامع و مستمر در مدیریت ریسک برای اطمینان از تاب‌آوری مالی بلندمدت و ارتقای اثربخشی عملیاتی مؤسسات تکافل، امری ضروری است.

برای مقابله با این چالش‌های به‌هم‌پیوسته، این مطالعه از تکنیک‌های پیشرفته تحلیلی — به‌ویژه مدل‌سازی معادلات ساختاری و دیمتل^۱ فازی — استفاده می‌کند تا ریسک‌ها را

به صورت نظام مند اولویت بندی کرده، شدت و وابستگی های متقابل آن‌ها را ارزیابی کند و روابط علت و معلولی میان عوامل مختلف ریسک را روشن سازد. شواهد تجربی به طور مداوم نشان می دهد که ریسک عملیاتی اغلب بالاترین وزن را در میان دسته بندی های ریسک به خود اختصاص می دهد؛ در حالی که تحلیل های تطبیقی حاکی از آن است که صندوق های تکافل خانواده، به طور کلی، سطح ریسک کمتری نسبت به صندوق های تکافل عمومی دارند.

در نتیجه، متخصصان تکافل باید راهبردهای کاهش ریسک را که به دقت برای هر بخش ریسک تنظیم شده اند، اتخاذ کنند تا از بروز اختلالات مالی جلوگیری کرده و پایداری عملیات تجاری را تضمین کنند (Abdullah & Rahman, 2018; Ahmed & Hussain, 2017; Bashir & Zaman, 2018; Iqbal & Mirakhor, 2019; Latif & Noor, 2019; Vahidi & Othman, 2018; Waseem & Abbas, 2018).

۱. پیشینه پژوهش

ادبیات موجود در حوزه تکافل، مدلی چندبعدی را تبیین می کند که بازتابی از تلفیق ارزش های سنتی شریعت با شیوه های مدرن مدیریت ریسک و حاکمیت شرکتی است. مدل های تکافل میان انواع مختلف ریسک، یعنی ریسک های بیمه گری و سرمایه گذاری، در برابر ریسک های عملیاتی و امانتی، تمایز قائل می شوند. این تفکیک از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا نشان می دهد که در حالی که ریسک های بیمه گری و سرمایه گذاری از طریق مشارکت های جمعی مدیریت می شوند، ریسک های عملیاتی — از جمله ریسک های مرتبط با مسائل حاکمیت و افشا — نیازمند نظارت جداگانه هستند.

برای مثال، آیاتام، عثمان و رحمان^۲ (۲۰۱۶م) در مقاله خود چارچوبی نظارتی پیشنهاد کرده اند که این ریسک ها را به طور شفاف تفکیک می کند و تضمین می سازد که یکپارچگی جمعی صندوق حتی در شرایطی که اجزای فردی با سطوح متفاوتی از مواجهه روبه رو هستند، حفظ شود. مدیریت مؤثر ریسک در تکافل بر پایه حاکمیت شرکتی قدرتمند استوار است. این امر شامل ایجاد هیئت های نظارتی، کمیته های حسابرسی و کمیته های

2. Ayatham, Osman & Rahman

اختصاصی مدیریت ریسک می‌شود که بر انطباق با الزامات مقرراتی مدرن و اصول سنتی شریعت نظارت دارند.

مطالعات احمد و لکمان^۳ (۲۰۱۷م) و لاکمن و آلاتراش^۴ (۲۰۱۷م) در آثار خود نشان می‌دهند که چنین ساختارهایی نه تنها اعتماد مصرف‌کننده را از طریق اطمینان از شفافیت افزایش می‌دهند، بلکه ثبات در تحقق الزامات اجتماعی-اقتصادی و اخلاقی را نیز تقویت می‌کنند. افزون بر این، مدل مورد بحث تأکید دارند که راهبردهای مدیریت ریسک باید فراتر از اقدامات مالی پیشگیرانه باشند و تحقق اهداف مقاصد شریعت - مانند عدالت، رفاه اجتماعی و حفاظت از ثروت - را نیز دربر گیرند.

یوسف، آنی سپاریه و نورفضیله^۵ (۲۰۱۷م) و لی، ژانگ و رحیم^۶ (۲۰۱۹م) در آثار خود اشاره می‌کنند که چارچوب‌هایی که مدل‌های سرمایه‌محور ریسک و فرآیندهای قراردادی تخصصی را به صورت یکپارچه به کار می‌گیرند، به ایجاد توازن میان ضرورت‌های اقتصادی و الزامات رعایت شریعت کمک می‌کنند. این رویکرد تضمین می‌کند که پیشنهادها تکافل از منظر اخلاقی معتبر و از نظر عملیاتی کارآمد باشند.

تکافل در مواجهه با چالش‌های مالی مدرن در حال تکامل است و به کارگیری رویکردهایی که ابزارهای فناوری پیشرفته، مانند بلاکچین، را برای نظارت در لحظه با چشم‌اندازهای حقوقی در حال تحول یکپارچه می‌کنند، امری ضروری به نظر می‌رسد. مدل‌هایی که توسط هارون^۷ (۲۰۱۱م) پیشنهاد شده و از سوی طاهر، علی و خان^۸ (۲۰۲۱م) مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند، بر ضرورت وجود چارچوب‌های تطبیقی تأکید دارند؛ چارچوب‌هایی که به طور مستمر فرآیندهای ارزیابی و کاهش ریسک را بهبود می‌بخشند و در عین حال در ارزش‌های اخلاقی سنتی ریشه دارند.

-
3. Ahmad & Lakman
 4. Lakman & Alatraash
 5. Yousuf, Ani Sapariyah & Nurfadilah
 6. Li, Zhang & Rahim
 7. Haron
 8. Tahir, Ali & Khan

علاوه بر این، سابی‌ریزانوف^۹ (۲۰۱۳م) از چارچوب‌های یکپارچه مدیریت ریسک حمایت می‌کند که کنترل‌های مرتبط با ریسک بازار، اعتبار و نقدینگی را به صورت منسجم با حاکمیت شریعت تلفیق می‌کنند.

توسعه تکافل در ایران نیازمند تدوین سیاست‌ها و چارچوب‌های قانونی ویژه است. پژوهشگران با بررسی تجربه کشورهای موفق، پیشنهادهایی برای تدوین قانون خاص تکافل، اصلاح مقررات بیمه، ایجاد نهادهای نظارتی تخصصی و حمایت دولت از توسعه تکافل ارائه کرده‌اند (آزادبخت، یاقوتی و درویشی هویدا، ۱۴۰۴؛ گودرزی فراهانی و عادل، ۱۴۰۴).

همچنین، بر اهمیت همکاری میان دولت، بخش خصوصی، نهادهای دینی و جامعه مدنی برای توسعه زیرساخت‌های حقوقی، آموزشی و فناوری تأکید شده است (حسینی و کاظمی نجف‌آبادی، ۱۴۰۲؛ پریزاد و شکوری، ۱۴۰۱).

فناوری‌های نوین، به‌ویژه اینشورتهک‌ها، هوش مصنوعی، بلاکچین و تحلیل کلان‌داده، فرصت‌های جدیدی برای توسعه صنعت تکافل فراهم کرده‌اند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که به‌کارگیری فناوری می‌تواند فرآیندهای صدور بیمه‌نامه، پرداخت خسارت، مدیریت ریسک و ارتباط با مشتریان را بهبود بخشد.

با این حال، چالش‌هایی مانند نبود شناخت کافی جامعه نسبت به تکافل، مقاومت شبکه فروش سنتی و فقدان زیرساخت‌های مناسب، توسعه فناوری در صنعت تکافل را با موانعی مواجه کرده است. از این‌رو، پژوهشگران بر اهمیت آموزش، فرهنگ‌سازی و همکاری با شرکت‌های فناوری محور تأکید دارند (عسکری و عظیم‌زاده، ۱۳۹۳).

مطالعات میدانی و تجربی نقش مهمی در شناسایی نیازها، ترجیحات و رفتار بیمه‌گذاران ایفا می‌کنند. در سال‌های اخیر، پژوهشگران ایرانی با بهره‌گیری از روش‌های پیمایشی، مدل‌سازی آماری و تحلیل داده‌های بازار، به بررسی عوامل مؤثر بر پذیرش تکافل، تقاضای بیمه‌گذاران و امکان‌سنجی پیاده‌سازی تکافل خرد پرداخته‌اند.

یافته‌های این مطالعات نشان می‌دهد که عوامل عقیدتی، توان مالی، نوآوری در محصولات، کیفیت خدمات و آگاهی عمومی از مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر پذیرش

تکافل هستند. همچنین، کمبود آگاهی عمومی و فقدان چارچوب قانونی مناسب، از موانع اصلی توسعه تکافل در ایران محسوب می‌شود (نیلی احمدآبادی، نیاکان و حیدری احمدی، ۱۴۰۲؛ حبیبی، ۱۴۰۲).

در حوزه تکافل خرد، مطالعات میدانی در مناطق روستایی و کم‌درآمد نشان می‌دهد که تکافل می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و افزایش شمول مالی مورد استفاده قرار گیرد؛ مشروط بر آنکه محصولات متناسب با نیازهای جامعه هدف طراحی شوند و آموزش‌های لازم ارائه شود (سید نورانی، تاری، مهدوی و رشیدی‌نژاد، ۱۳۹۰؛ گودرزی فراهانی و عادل، ۱۴۰۴).

به‌طور خلاصه، مدل یکپارچه ایجاد و مدیریت ریسک در تکافل با رویکردی چندبعدی شناخته می‌شود. این مدل به‌دقت انواع ریسک‌ها را تفکیک می‌کند، حاکمیت شرکتی قدرتمند را در بر می‌گیرد، شیوه‌های مالی را با اهداف شریعت و اجتماعی-اقتصادی همسو می‌سازد و در برابر چالش‌های نوظهور، انعطاف‌پذیر باقی می‌ماند. این رویکرد تضمین می‌کند که تکافل نه‌تنها الزامات فنی مدیریت ریسک را برآورده سازد، بلکه استانداردهای اخلاقی تعریف‌کننده امور مالی اسلامی را نیز حفظ کند.

۲. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر اکتشافی است و با هدف پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق انجام شده است. از نظر نوع تحقیق، این پژوهش کاربردی محسوب می‌شود؛ زیرا نتایج آن برای مدیریت ریسک در صنعت بیمه و تکافل ایران دارای کاربرد عملی است.

روش پژوهش حاضر از نوع آمیخته (کیفی-کمی) است. در بخش کیفی، با استفاده از روش دلفی فازی، به شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت ریسک در صنعت بیمه و تکافل ایران پرداخته شده است. در بخش کمی، با بهره‌گیری از تکنیک‌های مدل‌سازی ساختاری تفسیری و دیمتل و از طریق نظرسنجی از خبرگان و استادان دانشگاهی، سطح‌بندی و بررسی شدت ارتباطات میان ابعاد انجام شده است.

جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان صنعت بیمه و تکافل در ایران و استادان دانشگاهی مسلط به مفاهیم مدیریت ریسک است که برای انتخاب ابعاد و مؤلفه‌ها،

سطح‌بندی و بررسی ارتباطات میان هر یک از ابعاد مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در این پژوهش، از دیدگاه ۲۵ نفر از خبرگان استفاده شده است. روش نمونه‌گیری به صورت تمام‌شماری بوده است؛ به این معنا که از نظر تمامی خبرگان دارای ویژگی‌های مندرج در جدول (۱) استفاده شده است.

جدول (۱): ویژگی کلی خبرگان

ردیف	ویژگی	سابقه	تعداد
۱	اساتید دانشگاهی مسلط به مفاهیم مدیریت ریسک	۱۵ سال به بالا	۷ نفر
۲	کارشناسان صنعت بیمه و تکافل با مدارک کارشناسی به بالا	بالای ۱۰ سال	۱۱ نفر
۳	مدیران میانی و ارشد شرکت‌های بیمه و تکافل ایران با تحصیلات کارشناسی به بالا	بالای ۲۰ سال	۴ نفر
۴	مدیران ارشد شرکت‌های بیمه و تکافل ایران با تحصیلات ارشد و دکتری	بالای ۱۵ سال	۳ نفر
تعداد کل خبرگان			۲۵ نفر

منبع: (یافته‌های تحقیق)

ابزار گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر عمدتاً از طریق مشاهده و اندازه‌گیری‌ها فراهم شده است. بخشی از اطلاعات موردنیاز نیز، در صورت امکان، از طریق سه پرسشنامه استخراج شده است. در مرحله نخست، با استفاده از مرور ادبیات پژوهش و پیشینه تحقیق و با مراجعه به پایگاه‌های علمی معتبر داخلی، از جمله نورمگز، مگ‌ایران، پرتال جامع علوم انسانی و سیویلیکا، و همچنین پایگاه‌های خارجی نظیر ساینس دایرکت، امرالد، اشپرینگر و سیج، شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت ریسک در صنعت بیمه و تکافل ایران و جهان انجام شد.

پرسشنامه (۱) با طیف یک تا هفت فازی و با بهره‌گیری از تکنیک دلفی فازی، برای نظرسنجی از خبرگان در راستای شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت ریسک در صنعت بیمه و تکافل ایران مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه (۲) در راستای سطح‌بندی و توسعه مدل ساختاری تفسیری مدیریت ریسک در صنعت بیمه و تکافل ایران و با استفاده از نظرسنجی از خبرگان و تحلیل مدل ساختاری تفسیر به کار گرفته شد. پرسشنامه (۳)

نیز با هدف بررسی شدت اثرپذیری و اثرگذاری میان ابعاد مدل بومی مدیریت ریسک در صنعت بیمه و تکافل ایران مورد استفاده قرار گرفت.

روایی به منظور برآورد میزان تطابق ابزار اندازه‌گیری پژوهش با اهداف آن به کار می‌رود. در پژوهش حاضر، برای تعیین روایی، از روایی صوری — شامل تأیید کمیت و کیفیت پرسش‌ها از سوی خبرگان و استادان مرتبط با حوزه پژوهش — استفاده شده است. پایایی ابزار اندازه‌گیری نیز عمدتاً به دقت نتایج حاصل از آن اشاره دارد. در این پژوهش، پایایی پرسشنامه‌های مقایسات زوجی دیمتل و مدل ساختاری تفسیر با استفاده از روش سنجش نرخ سازگاری بررسی شده است.

نرم‌افزارهای مورد استفاده در این پژوهش، Excel 2013 و MATLAB 2014 بوده‌اند که به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های آماری و تحلیل داده‌های مدل ساختاری تفسیر و دیمتل به کار گرفته شده‌اند.

جدول (۲): ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت ریسک‌های احصاء شده منابع مطالعاتی

مؤلفه	بُعد
انتخاب معکوس، ارزیابی نادرست ریسک، توانگری نامساعد بیمه‌گر اتکائی، بروز عوامل غیر قابل کنترل، کاهش تقاضا برای پوشش ریسک.	ریسک پذیره‌نویسی
عدم کفایت یا نقص فرآیندهای داخلی، فقدان نیروی فنی و تخصصی با صلاحیت، ناکارآمدی سیستم‌های نگهداری اطلاعات، کلاهبرداری، فناوری و نوآوری.	ریسک عملیاتی
ریسک نرخ ارز ریسک نرخ سود ریسک تورم، ریسک نوسانات قیمت، ریسک نرخ سود، ریسک عدم پرداخت مشتریان، ریسک تغییر در تقاضا، ریسک مالیات و مقررات مالی.	ریسک بازار
بازخرید بیمه نامه، نسبت بالای اموال به سپرده، انباشت ریسک، بلایای طبیعی، فجایع انسانی.	ریسک نقدینگی
ریسک تغییرات در قوانین و مقررات، ریسک تغییرات در استانداردها، ریسک پس پرداخت، ریسک مسئولیت قانونی، ریسک تأثیرات مالی و اقتصادی، ریسک مالیات و مقررات مالی.	ریسک قوانین و مقررات
ریسک تحریم، ریسک جنگ، ریسک تغییرات دولت، ریسک تغییرات بازار جهانی بیمه، ریسک تغییرات مقررات بین‌المللی بیمه.	ریسک سیاسی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

با توجه به بررسی دقیق مبانی نظری و پیشینه پژوهش، تاکنون ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت ریسک در صنعت تکافل ایران در قالب شش بُعد و ۴۰ مؤلفه به صورت یک مدل جامع مورد بررسی قرار نگرفته است. این متغیرها به عنوان مدل اولیه پیشنهادی پژوهش، از دل ادبیات موضوع و مرور پیشینه استخراج شده‌اند.

برای بومی‌سازی این مدل و انتخاب مؤلفه‌های آن، از نظرسنجی خبرگان و روش دلفی فازی استفاده شد و مؤلفه‌ها مورد غربالگری قرار گرفتند. بدین منظور، با توجه به بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش در زمینه ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت ریسک، ابتدا پرسشنامه (۱) طراحی شد و پس از بررسی و تأیید روایی و پایایی، در دو مرحله در اختیار خبرگان قرار گرفت.

پس از توزیع پرسشنامه‌های دلفی فازی، مؤلفه‌هایی که اختلاف میانگین آن‌ها بیش از ۰/۱ بود، حذف و سایر مؤلفه‌ها انتخاب شدند. نتایج تحلیل غربالگری نشان داد که از میان ۴۰ مؤلفه شناسایی شده، ۳۰ مؤلفه مدیریت ریسک با استفاده از تکنیک دلفی فازی و بر اساس نظر خبرگان انتخاب شده و سایر مؤلفه‌ها مطابق نتایج دلفی فازی حذف شده‌اند. نتایج حاصل از غربالگری دلفی فازی مؤلفه‌های ریسک صنعت تکافل در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۳): ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت ریسک

مؤلفه	بُعد
ارزیابی نادرست ریسک W1، انتخاب معکوس W2، توانگری نامساعد بیمه‌گر اتکائی W3، بروز عوامل غیر قابل کنترل W4، کاهش تقاضا برای پوشش ریسک W5	ریسک پذیره‌نویسی
عدم کفایت یا نقص فرآیندهای داخلی T1، فقدان نیروی فنی و تخصصی با صلاحیت T2، ناکارآمدی سیستم‌های نگهداری اطلاعات T3، کلاهبرداری T4، فناوری و نوآوری T5	ریسک عملیاتی
ریسک نرخ ارز M1، ریسک تورم M2، ریسک نرخ ارز M3، ریسک نوسانات قیمت سهام M4، ریسک نرخ سود M5	ریسک بازار
بازخرید بیمه‌نامه L1، نسبت بالای اموال به سپرده L2، انباشت ریسک L3، بلایای طبیعی L4، فجایع انسانی L5	ریسک نقدینگی

مؤلفه	بُعد
ریسک بازپرداخت R1، ریسک مسئولیت قانونی R2، ریسک تأثیرات مالی و اقتصادی R3، ریسک مالیات و مقررات مالی R4، ریسک مصوبات شورای عالی بیمه R5	ریسک قوانین و مقررات
ریسک تحریم P1، ریسک جنگ P2، ریسک تغییرات دولت P3، ریسک تغییرات بازار جهانی بیمه P4، ریسک تغییرات مقررات بین‌المللی بیمه P5	ریسک سیاسی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۳. مدل‌سازی ساختاری تفسیری

مدل‌سازی ساختاری تفسیری نخستین بار توسط وارفیلد معرفی شد و سپس به وسیله سیچ و اسمیت^{۱۰} (۱۹۷۷م) توسعه یافت. مدل ساختاری تفسیر^{۱۱} همچنین توسط آگاروال، شانکار و تیواری^{۱۲} (۲۰۰۶م) مطرح شد. در این روش، ابتدا به شناسایی عوامل مؤثر و اساسی پرداخته می‌شود و سپس با استفاده از رویه ارائه‌شده، روابط میان این عوامل و مسیر دستیابی به پیشرفت از طریق آن‌ها تبیین می‌گردد.

مدل ساختاری تفسیری با تجزیه معیارها در سطوح مختلف، به تحلیل ارتباط میان شاخص‌ها می‌پردازد. مدل ساختاری تفسیری قادر است ارتباط میان شاخص‌ها را — که به صورت تکی یا گروهی به یکدیگر وابسته‌اند — تعیین کند. این روش همچنین برای تجزیه و تحلیل ارتباط میان ویژگی‌های چند متغیر که برای یک مسئله تعریف شده‌اند، قابل استفاده است.

طراحی مدل ساختاری تفسیری روشی است برای بررسی اثر هر یک از متغیرها بر سایر متغیرها. این طراحی، رویکردی فراگیر برای سنجش ارتباطات به شمار می‌رود و به منظور توسعه چارچوب مدل به کار گرفته می‌شود تا تحقق اهداف کلی تحقیق امکان‌پذیر شود. به طور خلاصه، گام‌های اجرای مدل‌سازی ساختاری تفسیری به شرح زیر است:

۱. شناسایی متغیرهای مرتبط با مسئله؛

10. Andrew & Smith

11. ISM

12. Agarwal, Shankar & Tiwari

۲. تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری؛
۳. ایجاد ماتریس دسترسی اولیه؛
۴. ایجاد ماتریس دسترسی نهایی؛
۵. بخش‌بندی سطوح؛
۶. ترسیم مدل ساختاری تفسیری پژوهش.

۳-۱. آزمایشگاه ارزیابی و تحلیل تصمیم‌گیری (دیمتل)

روش دیمتل توسط فونتلا و گابوس ارائه شد. این روش که از جمله روش‌های تصمیم‌گیری مبتنی بر مقایسه‌های زوجی است، با بهره‌گیری از قضاوت خبرگان در استخراج عوامل یک سیستم و ساختاردهی نظام‌مند آن‌ها، و با به‌کارگیری اصول نظریه گراف‌ها، ساختاری سلسله‌مراتبی از عوامل موجود در سیستم همراه با روابط تأثیر و تأثیر متقابل ارائه می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که شدت اثر روابط مذکور را به‌صورت امتیاز عددی مشخص می‌کند.

روش دیمتل^{۱۳} برای شناسایی و بررسی روابط متقابل میان معیارها و ترسیم نگاشت روابط شبکه‌ای به کار گرفته می‌شود. از آنجا که گراف‌های دارای وزن می‌توانند روابط عناصر یک سیستم را به‌صورت دقیق‌تری نمایش دهند، روش دیمتل مبتنی بر نمودارهایی است که عوامل درگیر را به دو گروه علت و معلول تقسیم می‌کند و روابط میان آن‌ها را در قالب یک مدل ساختاری قابل‌درک ارائه می‌دهد.

روش دیمتل عموماً برای بررسی مسائل پیچیده به کار می‌رود و همچنین برای ساختاردهی یک دنباله از اطلاعات مفروض کاربرد دارد. این روش با امتیازدهی شدت ارتباطات، بازخوردها را همراه با میزان اهمیت آن‌ها شناسایی کرده و روابط انتقال‌ناپذیر را نیز می‌پذیرد.

این مورد یکی از مهم‌ترین کارکردها و از اصلی‌ترین دلایل کاربرد گسترده آن در فرآیندهای حل مسئله است. بدین‌صورت که با تقسیم‌بندی مجموعه‌ای وسیع از عوامل پیچیده در قالب گروه‌های علت و معلولی، تصمیم‌گیرنده را در شرایط مناسب‌تری برای

درک روابط میان عوامل قرار می‌دهد. این امر موجب شناخت بیشتر جایگاه عوامل و نقشی می‌شود که آن‌ها در جریان تأثیرگذاری متقابل ایفا می‌کنند.

ساختار کلی دیاگرام ارتباط میان معیارها مطابق شکل (۱) ارائه شده است. در این چارچوب، ماتریس مقایسات زوجی به‌منظور محاسبه میزان تأثیرگذاری عامل سطری بر عامل ستونی تشکیل می‌شود. ارقام مقایسه شامل ۱، ۲، ۳ و ۴ است که به‌ترتیب بیانگر درجات تأثیر از «بسیار کم» تا «بسیار زیاد» هستند. درایه‌های ماتریس زیر، که «ماتریس رابطه مستقیم» نیز نامیده می‌شود، بر مبنای میزان تأثیر معیار i بر معیار j شکل می‌گیرند. این مورد یکی از مهم‌ترین کارکردها و یکی از مهم‌ترین دلایل کاربرد فراوان آن در فرآیندهای حل مساله است. بدین‌صورت که با تقسیم‌بندی مجموعه‌ی وسیعی از عوامل پیچیده در قالب گروه‌های علت معلولی، تصمیم‌گیرنده را در شرایط مناسب‌تری از درک روابط قرار می‌دهد. این موضوع سبب شناخت بیشتری از جایگاه عوامل و نقشی که در جریان تأثیرگذاری متقابل دارند، می‌شود. ساختار کلی دیاگرام ارتباط بین معیارها مطابق شکل (۱) است. در این ماتریس مقایسات زوجی برای محاسبه میزان تأثیرگذاری عامل سطری بر عامل ستونی انجام خواهد شد. ارقام مقایسه شامل (۱، ۲، ۳ و ۴) است که به ترتیب نمایانگر درجه تأثیر بسیار کم تا تأثیر بسیار زیاد می‌باشند. درایه‌های ماتریس ذیل که ماتریس رابطه مستقیم نیز نامیده می‌شود بر مبنای تأثیر معیار i بر j شکل خواهد گرفت.

$$A = \begin{bmatrix} a_{11} & \dots & a_{1j} & \dots & a_{1n} \\ \vdots & & \vdots & & \vdots \\ a_{i1} & \dots & a_{ij} & \dots & a_{in} \\ \vdots & & \vdots & & \vdots \\ a_{n1} & \dots & a_{nj} & \dots & a_{nn} \end{bmatrix}$$

شکل (۱): دیاگرام ارتباط مستقیم بین معیارها

منبع: (Wu & Lee, 2007)

به‌منظور نرمال کردن ماتریس رابطه مستقیم، از رابطه‌های (۱) و (۲) استفاده می‌شود.

$$S = m.AS = m.A \quad \text{رابطه (۱):}$$

$$m = \min \left[\frac{1}{\max_i \sum_{j=1}^n |a_{ij}|}, \frac{1}{\max_j \sum_{i=1}^n |a_{ij}|} \right] \quad \text{رابطه (۲):}$$

ماتریس روابط مجموع T به کمک ماتریس S از طریق رابطه (۳) محاسبه می‌شود که در آن I ماتریس واحد است.

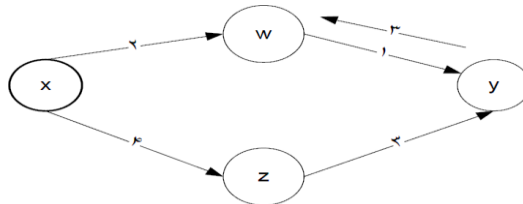
$$T = S (I - S)^{-1} \quad \text{رابطه (۳)}$$

به منظور تعیین نگاشت روابط شبکه، از دو بردار D و R استفاده می‌شود که به ترتیب بیانگر مجموع ردیف‌ها و ستون‌های ماتریس T هستند. نحوه محاسبه این بردارها در رابطه‌های (۴) و (۵) ارائه شده است.

$$D = [d_i]_{n \times 1} = \left[\sum_{j=1}^n t_{ij} \right]_{n \times 1} \quad \text{رابطه (۴)}$$

$$R = [r_j]_{n \times 1} = \left[\sum_{i=1}^n t_{ij} \right]_{1 \times n} \quad \text{رابطه (۵)}$$

و در نهایت:



شکل (۲): نمونه‌ای از گراف ارتباط وابستگی بین معیارها
منبع: (Wu & Lee, 2007)

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. بررسی روابط بین ابعاد مدیریت ریسک در صنعت تکافل ایران با مدل ساختاری تفسیر در این بخش، به منظور تبیین روابط و سطح‌بندی میان ابعاد مدیریت ریسک در صنعت تکافل ایران، پس از شناسایی ابعاد ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش، از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری استفاده شده است.

گام ۱. شناسایی متغیرهای مرتبط با مسئله: پس از شناسایی ابعاد از طریق ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش، ابعاد مدیریت ریسک به شرح زیر فهرست می‌شوند: ریسک

پذیره‌نویسی (W)، ریسک عملیاتی (T)، ریسک بازار (M)، ریسک نقدینگی (L)، ریسک قوانین و مقررات (R) و ریسک سیاسی (P).

سپس پرسشنامه (۲) طراحی شد و پس از تأیید روایی و پایایی، در میان ۲۵ نفر از خبرگان به منظور تعیین روابط و سطح‌بندی آن‌ها توزیع گردید.

گام ۲. تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری: این ماتریس، مربعی با ابعاد برابر با تعداد متغیرهاست که در سطر و ستون نخست آن، متغیرهای مسئله به ترتیب درج می‌شوند. سپس روابط دویه‌دوی میان متغیرها با استفاده از نمادهای مشخص تعیین می‌گردد. ماتریس خودتعاملی ساختاری بر اساس بحث و نظر گروه متخصصان تشکیل می‌شود. برای تعیین نوع روابط، پیشنهاد می‌شود از دیدگاه خبرگان و کارشناسان و با بهره‌گیری از روش‌های مختلف مدیریتی، از جمله طوفان فکری و روش گروه اسمی، استفاده شود. جدول (۴) نمادهای مورد استفاده در تعیین روابط را نشان می‌دهد.

جدول (۴): روابط مفهومی در تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری

نماد	مفهوم نماد
V	امنجر به J می‌شود (سطر منجر به ستون).
A	امنجر به I می‌شود (ستون منجر به سطر).
X	رابطه دوطرفه I و J وجود دارد.
O	رابطه معتبری وجود ندارد.

(منبع: یافته‌های تحقیق)

برای تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری، در گام نخست پرسشنامه‌ای طراحی شد که ساختار کلی آن مشابه جدول (۵) است. بدین‌صورت که شش عامل مدیریت ریسک انتخاب شده، در سطرها و ستون‌های جدول درج شد و از خبرگان خواسته شد با استفاده از نمادهای مندرج در جدول (۴)، نوع روابط دویه‌دوی میان عامل‌ها را مشخص کنند. سپس، در مواردی که در پاسخ‌های پرسشنامه اختلاف نظر وجود داشت، با خبرگان مربوطه مصاحبه انجام شد. در نهایت، روابط نهایی استخراج شد که نتایج آن در جدول (۵) قابل مشاهده است.

جدول (۵): ماتریس خود تعاملی

عوامل	۲	۳	۴	۵	۶
ریسک پذیرهنویسی	V	V	X	A	A
ریسک عملیاتی		X	A	A	O
ریسک بازار			A	A	O
ریسک نقدینگی				V	O
ریسک قوانین و مقررات					O
ریسک سیاسی					

(منبع: یافته‌های تحقیق)

گام ۳. ایجاد ماتریس دسترسی اولیه: با تبدیل نمادهای (O, X, V, A) به اعداد صفر و یک برای هر متغیر، ماتریس خودتعاملی ساختاری به یک ماتریس دودویی تبدیل می‌شود که در اصطلاح «ماتریس دسترسی اولیه» نامیده می‌شود. قوانین تبدیل این نمادها به اعداد صفر و یک در جدول (۶) ارائه شده است. همچنین، جدول (۷) ماتریس دسترسی اولیه پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

جدول (۶): نحوه تبدیل روابط مفهومی به اعداد

نماد	i به j	j به i
V	۱	۰
A	۰	۱
X	۱	۱
O	۰	۰

(منبع: یافته‌های تحقیق)

جدول (۷): ماتریس دسترسی اولیه

عوامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶
ریسک پذیرهنویسی	۰	۱	۱	۱	۰	۰
ریسک عملیاتی	۰	۰	۱	۰	۰	۰
ریسک بازار	۰	۱	۰	۰	۰	۰

عوامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶
ریسک نقدینگی	۱	۱	۱	۰	۱	۰
ریسک قوانین و مقررات	۱	۱	۱	۱	۰	۰
ریسک سیاسی	۱	۰	۰	۱	۰	۰

(منبع: یافته‌های تحقیق)

گام ۴. ایجاد ماتریس دسترسی نهایی: پس از آنکه ماتریس دسترسی اولیه به دست آمد، با اعمال خاصیت انتقال‌پذیری در روابط میان متغیرها، ماتریس دسترسی نهایی حاصل می‌شود. روش به دست آوردن ماتریس دسترسی نهایی مبتنی بر نظریه اویلر است؛ به این ترتیب که ماتریس مجاورت به ماتریس واحد (I) افزوده می‌شود و سپس، در صورتی که درایه‌های ماتریس تغییر نکنند، ماتریس به توان n رسانده می‌شود.

نتایج حاصل را می‌توان در جدول (۸) مشاهده کرد. در این جدول، درایه‌هایی که با علامت * مشخص شده‌اند، نشان‌دهنده مقادیری هستند که در ماتریس دسترسی اولیه مقدار صفر داشته‌اند و پس از اعمال سازگاری، مقدار ۱ به خود اختصاص داده‌اند.

جدول (۸): ماتریس دسترسی نهایی

عوامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	نفوذ
ریسک پذیره‌نویسی	*۱	۱	۱	۱	*۱	۰	۵
ریسک عملیاتی	۰	*۱	۱	۰	۰	۰	۲
ریسک بازار	۰	۱	*۱	۰	۰	۰	۲
ریسک نقدینگی	۱	۱	۱	*۱	*۱	۰	۵
ریسک قوانین و مقررات	۱	۱	۱	۱	*۱	۰	۵
ریسک سیاسی	۱	*۱	*۱	۱	*۱	*۱	۶
وابستگی	۵	۶	۶	۴	۴	۱	

(منبع: یافته‌های تحقیق)

گام ۵. بخش‌بندی سطوح: در این گام، ماتریس دسترسی به سطوح مختلف بخش‌بندی می‌شود. با استفاده از ماتریس‌های دسترسی نهایی، مجموعه‌های خروجی و

ورودی برای هر بُعد به دست می‌آید. جدول (۹) نتایج تعیین سطوح عامل‌ها را نشان می‌دهد.

جدول (۹): تعیین سطح متغیره

عوامل	مجموعه ورودی (ستومی)	مجموعه خروجی (سطری)	مجموعه مشترک	سطح
ریسک پذیرهنویسی	۶, ۵, ۴, ۱	۵, ۴, ۳, ۲, ۱	۵, ۴, ۱	۱
ریسک عملیاتی	۵, ۴, ۳, ۲, ۱ ۶	۳, ۲	۳, ۲	۲
ریسک بازار	۵, ۴, ۳, ۲, ۱ ۶	۳, ۲	۳, ۲	۲
ریسک نقدینگی	۶, ۵, ۴, ۱	۵, ۴, ۳, ۲, ۱	۵, ۴, ۱	۱
ریسک قوانین و مقررات	۶, ۵, ۴, ۱	۵, ۴, ۳, ۲, ۱	۵, ۴, ۱	۱
ریسک سیاسی	۶	۵, ۴, ۳, ۲, ۱ ۶	۶	۳

(منبع: یافته‌های تحقیق)

گام ۶. ترسیم مدل: با توجه به سطوح متغیرها و ماتریس دسترسی نهایی (جدول ۸ و ۹)، مدل ساختاری تفسیری ترسیم می‌شود. بر این اساس، متغیرها متناسب با سطح آن‌ها از بالا به پایین سازمان‌دهی می‌شوند. در پژوهش حاضر، ابعاد در سه سطح قرار گرفته‌اند. شکل (۳) مدل ساختاری تفسیر مدیریت ریسک در صنعت تکافل ایران را نشان می‌دهد. در پایین‌ترین سطح مدل (سطح سوم)، بُعد ریسک عوامل سیاسی قرار دارد که به منزله سنگ زیربنای مدل عمل می‌کند. بدین معنا که برای دستیابی به مدیریت ریسک در طرح‌های تکافل ایران، لازم است تحلیل از این عامل آغاز شود. این بُعد، متأسفانه، از جمله عوامل بیرونی و خارج از کنترل مدیران طرح‌های تکافل است؛ با این حال، تأثیر شگرفی بر ریسک این‌گونه طرح‌ها دارد. در سطح دوم، ابعاد ریسک عملیاتی و ریسک بازار قرار دارند که دارای ارتباط متقابل بوده و از عامل ریسک سیاسی در سطح سوم

تأثیر می‌پذیرند. در نهایت، در سطح اول، ابعاد ریسک پذیرهنویسی، ریسک نقدینگی و ریسک قوانین و مقررات جای گرفته‌اند که ابعاد سطح دوم بر آن‌ها تأثیرگذار هستند.



شکل (۳): مدل ساختاری تفسیر مدیریت ریسک در صنعت تکافل ایران
(منبع: یافته‌های تحقیق)

در تجزیه و تحلیل میک‌مک^{۱۴}، عامل‌ها (ابعاد مدیریت ریسک) بر اساس میزان قدرت نفوذ و وابستگی به چهار دسته تقسیم می‌شوند: عامل‌های پیوندی، مستقل، وابسته و خودمختار. جدول (۱۰) درجه قدرت نفوذ و وابستگی عوامل مدل پژوهش را بر مبنای نتایج جدول (۹) نشان می‌دهد.

جدول (۱۰): درجه قدرت نفوذ و وابستگی عوامل

ریسک سیاسی	ریسک قوانین و مقررات	ریسک نقدینگی	ریسک بازار	ریسک عملیاتی	ریسک پذیره‌نویسی	متغیر
۶	۵	۵	۲	۲	۵	قدرت نفوذ
۱	۴	۴	۶	۶	۵	قدرت وابستگی

(منبع: یافته‌های تحقیق)

همچنین، شکل (۴) خوشه‌بندی ابعاد مدیریت ریسک در صنعت تکافل را به روش تحلیل میک‌مک نشان می‌دهد.

قدرت- نفوذ	۶ ۵ ۴	۶ ناحیه مستقل			۱ و ۵ ناحیه پیوندی	
	۳ ۲ ۱	ناحیه خودمختار			۳ و ۲ ناحیه وابسته	
		۱	۲	۳	۴	۵

قدرت وابستگی

شکل (۴): خوشه‌بندی ابعاد مدیریت ریسک در صنعت تکافل ایران به روش تحلیل میک‌مک
(منبع: یافته‌های تحقیق)

نتایج تحلیل میک‌مک نشان می‌دهد که بُعد ریسک عوامل سیاسی (۶) در بخش چهارم نمودار، یعنی دسته عامل‌های مستقل، قرار گرفته است. در نتیجه، مدیریت سازمان‌های پروژه‌محور در صنعت تکافل باید گام‌های اساسی به‌منظور مدیریت عوامل سیاسی در راستای کاهش ریسک مدیریت تکافل بردارند؛ چراکه این عامل از قدرت بالایی در تأثیرگذاری بر سایر عوامل برخوردار است.

ریسک پذیرهنویسی (۱)، ریسک نقدینگی (۴) و ریسک قوانین و مقررات (۵) در بخش سوم نمودار، یعنی دسته عامل‌های وابسته، طبقه‌بندی شده‌اند. این عوامل در زمره کلیدی‌ترین عوامل قرار می‌گیرند؛ زیرا هم از قدرت تأثیرگذاری بالا و هم، به‌طور هم‌زمان، از قدرت تأثیرپذیری بالایی برخوردارند. از این‌رو، این عوامل ناپایدار محسوب می‌شوند؛ چراکه هر تغییر کوچک در آن‌ها می‌تواند عملکرد سایر عوامل مدیریت ریسک در صنعت تکافل ایران و حتی خود این عوامل را تحت تأثیر قرار دهد.

ریسک عملیاتی (۲) و ریسک بازار (۳) نیز در بخش دوم نمودار، یعنی دسته عامل‌های وابسته، قرار می‌گیرند که بیانگر میزان بالای تأثیرپذیری این عوامل از سایر عامل‌هاست. از این‌رو، مدیران ارشد صنعت تکافل ایران باید توجه ویژه‌ای به این ابعاد داشته باشند.

نتایج تحلیل میک مک همچنین نشان می‌دهد که هیچ عاملی در ناحیه خودمختار طبقه‌بندی نشده است. عامل‌های خودمختار به عواملی اطلاق می‌شود که تأثیر اندکی بر سایر عامل‌ها داشته و در عین حال، تأثیر اندکی نیز از آن‌ها می‌پذیرند. فقدان این دسته از عوامل را می‌توان بدین معنا تفسیر کرد که تمامی عامل‌های مورد استفاده در این پژوهش، نقش معنادار و مؤثری در مدیریت ریسک صنعت تکافل ایران ایفا می‌کنند.

لازم به ذکر است که از آنجا که میزان اثرگذاری و اثرپذیری عوامل در مدل‌سازی ساختاری تفسیری به صورت کمی مشخص نمی‌شود، در ادامه، با استفاده از روش دیمتل، شدت ارتباطات میان عوامل مورد بررسی قرار گرفته است.

پس از مشخص شدن ابعاد مدیریت ریسک در صنعت تکافل ایران، پرسشنامه (۳) (مقایسات زوجی) به منظور بررسی شدت ارتباطات متقابل میان ابعاد، با طیف امتیازدهی ۱ تا ۴ و پس از تأیید روایی و پایایی، در اختیار خبرگان قرار گرفت. الگوریتم محاسباتی روش دیمتل از ۹ گام به شرح زیر پیروی می‌کند:

گام ۱. مشخص کردن عناصر تشکیل دهنده سیستم: پس از مطالعه ادبیات موضوع و مبانی نظری، ابعاد مدیریت ریسک در صنعت تکافل ایران در شش بُعد شناسایی شدند که به شرح زیر است:

- بُعد ریسک پذیره‌نویسی (P1)
- بُعد ریسک عملیاتی (P2)
- بُعد ریسک بازار (P3)
- بُعد ریسک نقدینگی (P4)
- بُعد ریسک قوانین و مقررات (P5)
- بُعد ریسک سیاسی (P6)

گام ۲، ۳ و ۴- تعیین عناصر در رئوس یک دیاگرام و روابط حاکم بر آنها: در پژوهش حاضر از روش دیمتل برای شناسایی نوع ارتباط و شدت قوت و ضعف ابعاد مدیریت ریسک در صنعت تکافل استفاده شده است.

در گام دوم، عناصر مفروض در رئوس یک دیاگرام قرار داده می‌شوند و روابطی که باید بر ارتباطات میان ابعاد (رئوس) حاکم باشند، تعیین می‌گردند. به‌طور نمونه، مشخص می‌شود که آیا ریسک پذیره‌نویسی بر ریسک عملیاتی نفوذ دارد، یا برعکس، یا این رابطه متقابل است، و نیز میزان تأثیرگذاری آن‌ها بر یکدیگر چه اندازه است. مقایسات عناصر به‌صورت زوجی انجام می‌شود و قضاوت خبرگان صرفاً درباره ارتباطات مستقیم میان عناصر صورت می‌گیرد؛ بدین معنا که نفوذ غیرمستقیم ریسک پذیره‌نویسی از طریق واسطه‌هایی مانند ریسک عملیاتی یا ریسک عوامل سیاسی مورد پرسش قرار نمی‌گیرد، بلکه تنها رابطه مستقیم و ممکن میان دو بُعد، مانند ریسک پذیره‌نویسی و ریسک عملیاتی، ارزیابی می‌شود.

در ادامه گام دوم، بررسی روابط حاکم میان عناصر مفروض رئوس دیاگرام توسط خبرگان انجام می‌شود. این رئوس همان ابعاد پژوهش هستند که در گام اول معرفی شدند. بررسی عناصر و عوامل مورد مطالعه، به همراه روابط ممکن میان آن‌ها، می‌تواند بنا به درخواست تصمیم‌گیرندگان، چندین مرتبه توسط خبرگان (به تعداد ۲۵ نفر) مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد تا دستیابی به ساختاری منسجم‌تر از سیستم مورد مطالعه امکان‌پذیر شود. در گام سوم، قانون تصمیم‌گیری گروهی به‌منظور دستیابی به توافق جمعی میان قضاوت‌های خبرگان درباره روابط ممکن میان هر دو عنصر (برای مثال، ریسک پذیره‌نویسی و ریسک عملیاتی) تعیین می‌شود؛ مانند استفاده از رأی اکثریت.

در گام چهارم، شدت روابط نهایی (بر اساس توافق جمعی) از خبرگان اخذ می‌شود. این شدت به‌صورت امتیازدهی تعیین می‌گردد (در پژوهش حاضر در مقیاس ۱ تا ۴). سپس میانه امتیازات (یا در صورت استفاده از داده‌های درصدی، میانگین هندسی) برای هر زوج از عناصر، مانند ریسک پذیره‌نویسی و ریسک عملیاتی، محاسبه شده و بر روی دیاگرام نمایش داده می‌شود. در نهایت، اعداد مربوط به رئوس ابعاد مدیریت ریسک در صنعت تکافل ایران به‌صورت زیر نمایش داده می‌شوند:

$$N = \{P_1, P_2, P_3, P_4, P_5, P_6\},$$

$$\widehat{M}_P = \begin{matrix} P_1 \\ P_2 \\ P_3 \\ P_4 \\ P_5 \\ P_6 \end{matrix} \begin{matrix} P_1 & P_2 & P_3 & P_4 & P_5 & P_6 \\ \left| \begin{array}{cccccc} 0 & 2 & 1.5 & 4 & 2 & 4 \\ 0.5 & 0 & 2.69 & 1 & 3.5 & 2 \\ 0.67 & 0.37 & 0 & 2 & 4 & 3.69 \\ 0.25 & 1 & 0.5 & 0 & 2.56 & 3 \\ 0.5 & 0.29 & 0.25 & 0.39 & 0 & 2.47 \\ 0.25 & 0.5 & 0.27 & 0.5 & 0.4 & 0 \end{array} \right. \end{matrix} \quad \text{رابطه (۶):}$$

نرخ ناسازگاری طبق محاسبات سنجش نرخ ناسازگاری $IR=0/066$ ، $IR<0/1$ است.

گام ۵. نمایش امتیازات نهایی به صورت یک ماتریس: امتیازات نهایی مربوط به روابط موجود، بر اساس دیاگرام تنظیم شده در گام چهارم (برای ابعاد مدیریت ریسک)، به صورت ماتریس نمایش داده می شود. روابط استخراج شده از این دیاگرام، در قالب ماتریس شدت روابط سیستم و مطابق رابطه (۷) ارائه می گردد.

$$\widehat{M}_p = \begin{matrix} P_1 \\ P_2 \\ P_3 \\ P_4 \\ P_5 \\ P_6 \end{matrix} \begin{matrix} P_1 & P_2 & P_3 & P_4 & P_5 & P_6 \\ \left| \begin{array}{cccccc} 0 & 2 & 1.5 & 4 & 2 & 4 \\ 0.5 & 0 & 2.69 & 1 & 3.5 & 2 \\ 0.67 & 0.37 & 0 & 2 & 4 & 3.69 \\ 0.25 & 1 & 0.5 & 0 & 2.56 & 3 \\ 0.5 & 0.29 & 0.25 & 0.39 & 0 & 2.47 \\ 0.25 & 0.5 & 0.27 & 0.5 & 0.4 & 0 \end{array} \right. \end{matrix} \quad \text{رابطه (۷):}$$

ورودی هر تقاطع (برای مثال، مقدار ۱/۵ در ردیف اول و ستون سوم) نشان دهنده شدت نفوذ عنصر واقع در آن ردیف بر عنصر واقع در آن ستون است (ریسک پذیرهنویسی بر ریسک بازار). همچنین، مقدار صفر در هر تقاطع بیانگر عدم وجود رابطه میان عناصر متناظر با آن تقاطع خواهد بود.

گام ۶. ضرب هر ورودی ماتریس در معکوس بیشترین مجموع ردیفی ماتریس: پس از تشکیل ماتریس امتیازات نسبت به هر شاخص، مجموع هر سطر محاسبه می شود. سپس بیشترین مقدار به دست آمده معکوس شده و به عنوان ضریب α انتخاب می گردد. ماتریس حاصل از این عملیات، که بر مبنای مجموع سطرها محاسبه می شود، در رابطه (۸) ارائه شده است.

$$\widehat{M}_p = \begin{matrix} P_1 \\ P_2 \\ P_3 \\ P_4 \\ P_5 \\ P_6 \end{matrix} \begin{matrix} P_1 & P_2 & P_3 & P_4 & P_5 & P_6 & \sum R \\ \left| \begin{array}{cccccc} 0 & 2 & 1.5 & 4 & 2 & 4 & 13.5 \\ 0.5 & 0 & 2.69 & 1 & 3.5 & 2 & 9.69 \\ 0.67 & 0.37 & 0 & 2 & 4 & 3.69 & 10.73 \\ 0.25 & 1 & 0.5 & 0 & 2.56 & 3 & 6.31 \\ 0.5 & 0.29 & 0.25 & 0.39 & 0 & 2.47 & 3.9 \\ 0.25 & 0.5 & 0.27 & 0.5 & 0.4 & 0 & 1.93 \end{array} \right. \end{matrix} \quad \text{رابطه (۸):}$$

با توجه به ماتریس رابطه (۸)، بیشترین مقدار مربوط به سطر P_1 ، یعنی ریسک پذیرهنویسی، با مقدار ۱۳/۵ است. پس از معکوس کردن این مقدار، مقدار α به دست می آید. در ادامه، هر یک از عناصر ماتریس رابطه (۷) در مقدار α ضرب می شود. نتایج

حاصل در ماتریس M ، یعنی ماتریس شدت نسبی حاکم بر روابط مستقیم، مطابق رابطه (۹) ارائه شده است.

$$M = 0.074 \times \widehat{M}_p = \begin{matrix} P_1 \\ P_2 \\ P_3 \\ P_4 \\ P_5 \\ P_6 \end{matrix} \begin{vmatrix} P_1 & P_2 & P_3 & P_4 & P_5 & P_6 \\ 0 & 0.15 & 0.11 & 0.3 & 0.15 & 0.3 \\ 0.04 & 0 & 0.2 & 0.07 & 0.26 & 0.15 \\ 0.05 & 0.03 & 0 & 0.15 & 0.3 & 0.27 \\ 0.02 & 0.07 & 0.04 & 0 & 0.19 & 0.15 \\ 0.04 & 0.02 & 0.02 & 0.03 & 0 & 0.18 \\ 0.02 & 0.04 & 0.02 & 0.04 & 0.03 & 0 \end{vmatrix} \quad \text{رابطه (۹)}$$

گام ۷. محاسبه مجموع دنباله نامحدود آثار مستقیم و غیرمستقیم عناصر بر یکدیگر:
مجموع دنباله نامحدود آثار مستقیم و غیرمستقیم عناصر بر یکدیگر، همراه با تمامی بازخوردهای ممکن، به صورت یک تصاعد هندسی و بر اساس قوانین نظریه گراف‌ها محاسبه می‌شود. محاسبه این مجموع مستلزم استفاده از معکوس ماتریس است. آثار غیرمستقیم عناصر به ماتریس معکوس همگرا می‌شوند؛ زیرا اثرهای غیرمستقیم در طول زنجیره‌ها و در دیاگرام موجود، به صورت پیوسته کاهش می‌یابند. ماتریس شدت ممکن روابط مستقیم و غیرمستقیم در رابطه (۱۰) ارائه شده است که از معکوس ماتریس رابطه (۹) به دست می‌آید.

همچنین، ماتریس مقادیر D و R مربوط به روابط مستقیم و غیرمستقیم در رابطه (۱۱) ارائه شده است؛ به طوری که D نشان‌دهنده مجموع سطرها و R بیانگر مجموع ستون‌ها است.

$$(1 - M)^{-1} = \begin{matrix} P_1 \\ P_2 \\ P_3 \\ P_4 \\ P_5 \\ P_6 \end{matrix} \begin{vmatrix} P_1 & P_2 & P_3 & P_4 & P_5 & P_6 \\ -6.54 & 0.82 & 3.29 & -5.88 & 9.78 & 29.91 \\ 1.48 & -3.1 & -3.67 & 7.34 & -0.34 & 9.33 \\ 0.86 & 4.52 & -4.12 & -0.33 & 1.38 & -0.48 \\ 1.9 & -0.12 & 2.56 & -5.86 & -2.06 & 3.39 \\ -0.7 & 0.44 & 2.1 & 2.03 & -3.99 & -0.52 \\ 0.77 & -0.25 & -0.23 & 1.3 & 3.71 & -7.62 \end{vmatrix} \quad \text{رابطه (۱۰)}$$

$$M \times (1 - M)^{-1} = \begin{matrix} P_1 \\ P_2 \\ P_3 \\ P_4 \\ P_5 \\ P_6 \end{matrix} \begin{vmatrix} P_1 & P_2 & P_3 & P_4 & P_5 & P_6 & \sum D \\ 0 & 0.12 & 0.37 & -1.74 & 1.45 & 8.86 & 9.054 \\ 0.05 & 0 & -0.73 & 0.54 & -0.09 & 1.38 & 1.106 \\ 0.04 & 0.12 & 0 & -0.05 & 0.41 & -0.13 & 0.353 \\ 0.04 & -0.01 & 0.09 & 0 & -0.39 & 0.5 & 0.198 \\ -0.03 & 0.01 & 0.04 & 0.06 & 0 & -0.09 & 0.012 \\ 0.01 & -0.01 & 0 & 0.05 & 0.11 & 0 & 0.146 \\ \sum R & 0.06 & -0.01 & 0.03 & -0.26 & 1.24 & 11.29 \end{vmatrix} \quad \text{رابطه (۱۱)}$$

گام ۸. محاسبه شدت ممکن روابط غیرمستقیم: ماتریس شدت نسبی روابط غیرمستقیم در رابطه (۱۱) ارائه شده است که نتایج حاصل از محاسبه شدت ممکن روابط غیرمستقیم را نشان می‌دهد.

$$M^2(1 - M)^{-1} = \begin{matrix} P_1 \\ P_2 \\ P_3 \\ P_4 \\ P_5 \\ P_6 \end{matrix} \begin{vmatrix} P_1 & P_2 & P_3 & P_4 & P_5 & P_6 \\ 0 & 0.03 & 0.16 & 0 & 1.33 & 3.69 \\ 0.03 & 0 & 0 & 0.39 & 0 & 1.16 \\ 0.02 & 0.16 & 0 & 0 & 0.07 & 0 \\ 0.03 & 0 & 0.06 & 0 & 0 & 0.21 \\ 0 & 0.01 & 0.03 & 0.04 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & 0 & 0.02 & 0.09 & 0 \end{vmatrix} \quad \text{رابطه (۱۲):}$$

گام ۹. تعیین سلسله‌مراتب یا ساختار ممکن عناصر: در این گام، سلسله‌مراتب یا ساختار ممکن عناصر تعیین می‌شود. ترتیب نفوذ عناصر مفروض یک مسئله بر سایر عناصر، یا میزان تأثیرپذیری آن‌ها از یکدیگر، تعیین‌کننده ساختار سلسله‌مراتبی ممکن این عناصر در بهبود یا حل مسئله است. جدول ۱۱ ترتیب نفوذ عناصر بر یکدیگر را بر اساس ماتریس رابطه (۱۱) نشان می‌دهد.

جدول (۱۱): ترتیب نفوذ ابعاد مؤثر بر مدیریت ریسک صنعت تکافل ایران

ترتیب واقع‌شدن عناصر	براساس مجموع ردیفی (D)	ترتیب واقع‌شدن عناصر	براساس مجموع ستومی (R)	ترتیب واقع‌شدن عناصر	براساس D+R	ترتیب واقع‌شدن عناصر	براساس D-R
ریسک پذیرهنویسی	۹.۰۵۴	P6	۱۱.۵۹	P6	۱۱.۷۳۶	P1	۸.۹۹۴
ریسک عملیاتی	۱.۱۰۶	P5	۱.۲۴	P1	۹.۱۱۴	P2	۱.۱۱۶
ریسک بازار	۰.۱۹۸	P۳	۰.۰۳	P۲	۱.۰۹۶	P۳	۰.۳۲۳
ریسک نقدینگی	۰.۱۹۸	P۳	۰.۰۳	P۲	۱.۰۹۶	P4	۰.۳۲۳
ریسک قوانین و مقررات	۰.۱۴۶	P۲	۰.۰۱-	P۳	۰.۲۲۸	P۵	-۱.۲۲۸

ترتیب واقع شدن عناصر	براساس مجموع ردیفی (D)	ترتیب واقع شدن عناصر	براساس مجموع ستومی (R)	ترتیب واقع شدن عناصر	براساس D+R	ترتیب واقع شدن عناصر	براساس D-R
ریسک سیاسی	۰.۰۱۲	P۴	۰.۲۶-	P۴	۰.۰۶۲	P۶	- ۱۱.۴۴۴

منبع: (یافته‌های تحقیق)

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول (۱۱)، بُعد ریسک پذیره‌نویسی به عنوان اثرگذارترین بُعد، دارای بیشترین مقدار عددی بر مبنای مجموع ردیفی (D) است. بدین ترتیب، بانفوذترین بُعد در میان ابعاد مورد بررسی مدیریت ریسک، به بُعد ریسک پذیره‌نویسی در صنعت تکافل ایران اختصاص دارد.

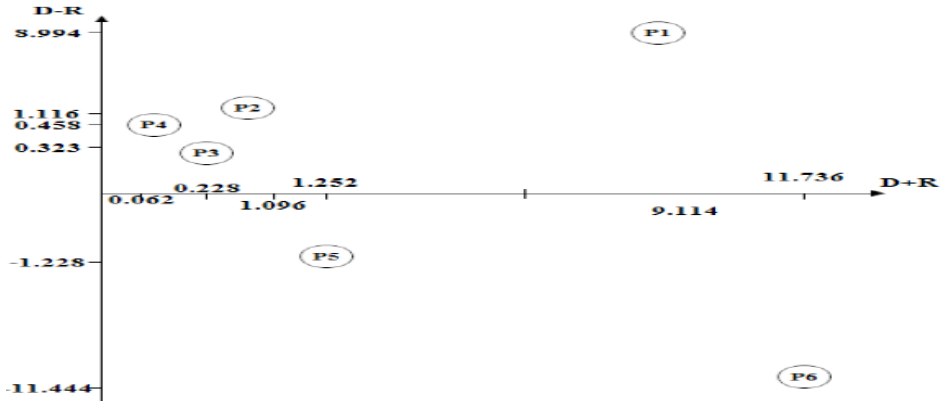
همچنین، بر اساس شاخص (D-R)، کمترین مقدار به بُعد ریسک سیاسی تعلق دارد که نشان می‌دهد این بُعد، اثرپذیرترین بُعد مدیریت ریسک در صنعت تکافل ایران است. جدول ۱۲ روابط یادشده را برای هر یک از ابعاد نشان می‌دهد.

جدول (۱۲): نتایج حاصل از روابط علی-معلولی ابعاد مدیریت ریسک با دیمتل

علت/معلول	بر اساس D-R	ترتیب واقع شدن عناصر	بر اساس D+R	ترتیب واقع شدن عناصر
علت	8.994	P1	11.736	P6
علت	1.116	P2	9.114	P1
علت	0.458	P4	1.252	P5
علت	0.323	P3	1.096	P2
معلول	-1.228	P5	0.228	P3
معلول	-11.444	P6	0.062	P4

منبع: (یافته‌های تحقیق)

شکل (۵)، نمودار علی-معلولی (دکارتی) ابعاد محاسبه شده مدیریت ریسک در صنعت تکافل ایران را نشان داده شده است.



شکل (۵): روابط علی- معلولی ابعاد مدیریت ریسک در صنعت تکافل ایران با دیمتل
منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول‌های (۱۳) تا (۱۹) ترتیب نفوذ عناصر مؤلفه‌های هر بُعد ریسک در صنعت تکافل ایران بر یکدیگر را بر اساس محاسبات روش دیمتل نشان می‌دهند.

جدول (۱۳): ترتیب نفوذ مؤلفه‌های بُعد ریسک عوامل پذیرهنویسی صنعت تکافل ایران

ترتیب واقع شدن عناصر بر اساس D-R	ترتیب واقع شدن عناصر بر اساس D+R	ترتیب واقع شدن عناصر بر اساس مجموع ستومی (R)	ترتیب واقع شدن عناصر بر اساس مجموع ردیفی (D)	ترتیب واقع شدن عناصر	ریسک (W1)
8.173	9.259	0.08	8.253	ریسک (W1)	8.253
0.711	8.333	-0.22	0.384	ریسک (W2)	0.384
0.604	2.02	0.73	1.441	ریسک (W3)	1.441
-0.52	2.171	1.27	0.750	ریسک (W4)	0.750
-9.041	0.164	9.15	0.109	ریسک (W5)	0.109

منبع: (یافته‌های تحقیق)

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول (۱۳)، مؤلفه ریسک در بُعد عوامل پذیرهنویسی، یعنی (W)، به عنوان اثرگذارترین مؤلفه، دارای بیشترین مقدار عددی بر مبنای مجموع ردیفی (D) است. بدین ترتیب، ریسک ارزیابی نادرست ریسک به عنوان بانفوذترین مؤلفه

در میان مؤلفه‌های بُعد عوامل پذیرهنویسی مدیریت ریسک در صنعت تکافل ایران شناخته می‌شود.

همچنین، بر اساس شاخص (D-R)، کمترین مقدار به مؤلفه کاهش تقاضا تعلق دارد که بیانگر اثرپذیرترین مؤلفه در این بُعد است.

جدول (۱۴): ترتیب نفوذ مؤلفه‌های بُعد ریسک عوامل عملیاتی صنعت تکافل ایران

ترتیب واقع شدن عناصر	براساس بیش‌ترین مجموع ونی (R)	ترتیب واقع شدن عناصر	براساس بیش‌ترین مجموع ردیفی (D)	ترتیب واقع شدن عناصر	براساس D-R
ریسک (T1)	2.171	T1	0.10	T5	2.071
ریسک (T2)	1.749	T2	0.16	T1	2.153
ریسک (T3)	2.143	T3	-0.01	T3	1.589
ریسک (T4)	-1.369	T4	0.19	T2	-1.559
ریسک (T5)	0.089	T5	4.44	T4	-4.351

منبع: (یافته‌های تحقیق)

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از جدول (۱۴)، مؤلفه ریسک در بُعد عوامل عملیاتی، یعنی T، به‌عنوان اثرگذارترین مؤلفه، دارای بیشترین مقدار عددی بر مبنای مجموع ردیفی (D) است. بدین ترتیب، عدم کفایت یا نقص فرآیندهای داخلی به‌عنوان بانفوذترین مؤلفه در میان مؤلفه‌های بُعد عوامل عملیاتی مدیریت ریسک در صنعت تکافل ایران شناخته می‌شود.

همچنین، بر اساس شاخص (D-R)، کمترین مقدار به مؤلفه فناوری و نوآوری تعلق دارد که نشان می‌دهد این مؤلفه، اثرپذیرترین مؤلفه بُعد ریسک عوامل عملیاتی در صنعت تکافل ایران است.

جدول (۱۵): ترتیب نفوذ مؤلفه‌های بُعد ریسک بازار صنعت تکافل ایران

ترتیب واقع شدن عناصر	براساس بیشترین مجموع ردیفی (D)	ترتیب واقع شدن عناصر	براساس بیشترین مجموع ستونی (R)	ترتیب واقع شدن عناصر	براساس D+R	ترتیب واقع شدن عناصر	براساس D-R
(M1)	7.072	M1	0.08	M1	7.152	M1	6.992
(M2)	3.480	M2	0.52	M5	6.132	M2	2.96
(M3)	0.509	M3	1.40	M2	4	M3	-0.891
(M4)	-0.777	M4	2.27	M3	1.909	M4	-3.047
(M5)	0.022	M5	6.11	M4	1.493	M5	-6.088

منبع: (یافته‌های تحقیق)

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول (۱۵)، مؤلفه بُعد ریسک بازار، یعنی ریسک نرخ ارز، به عنوان اثرگذارترین مؤلفه، دارای بیشترین مقدار عددی بر مبنای مجموع ردیفی (D) است. بدین ترتیب، این مؤلفه به عنوان بانفوذترین مؤلفه در میان مؤلفه‌های بُعد عوامل بازار مدیریت ریسک در صنعت تکافل ایران شناخته می‌شود.

همچنین، بر اساس شاخص (D-R)، کمترین مقدار به مؤلفه ریسک نرخ سود تعلق دارد که نشان می‌دهد این مؤلفه، اثرپذیرترین مؤلفه بُعد ریسک بازار در صنعت تکافل ایران است.

جدول (۱۶): ترتیب نفوذ مؤلفه‌های بُعد ریسک نقدینگی در صنعت تکافل ایران

ترتیب واقع شدن عناصر	براساس بیشترین مجموع ردیفی (D)	ترتیب واقع شدن عناصر	براساس بیشترین مجموع ستونی (R)	ترتیب واقع شدن عناصر	براساس D+R	ترتیب واقع شدن عناصر	بر اساس D-R
ریسک (L1)	5.339	L1	0.06	L6	11.71	L1	5.279
ریسک (L2)	3.013	L2	-0.01	L1	5.399	L2	.023
ریسک (L3)	0.099	L3	0.03	L2	3.003	L4	0.454
ریسک (L4)	0.194	L4	-0.26	L5	1.273	L3	0.069
ریسک (L5)	0.033	L5	1.24	L3	0.129	L5	-1.207

منبع: (یافته‌های تحقیق)

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول (۱۶)، مؤلفه بُعد ریسک نقدینگی، یعنی ریسک L، به عنوان اثرگذارترین مؤلفه، دارای بیشترین مقدار عددی بر مبنای مجموع ردیفی (D) است. بدین ترتیب، بازخرید بیمه‌نامه‌ها به عنوان بانفوذترین مؤلفه در میان مؤلفه‌های بُعد عوامل نقدینگی مدیریت ریسک در صنعت تکافل ایران شناخته می‌شود.

همچنین، بر اساس شاخص (D-R)، کمترین مقدار به مؤلفه ریسک فجایع انسانی تعلق دارد که نشان می‌دهد این مؤلفه، اثرپذیرترین مؤلفه بُعد ریسک نقدینگی در صنعت تکافل ایران است.

جدول (۱۷): ترتیب نفوذ مؤلفه‌های بُعد ریسک قوانین و مقررات صنعت تکافل ایران

براساس D-R	ترتیب واقع شدن عناصر	براساس D+R	ترتیب واقع شدن عناصر	براساس بیشترین مجموع ستونی (R)	ترتیب واقع شدن عناصر	براساس بیشترین مجموع ردیفی (D)	ترتیب واقع شدن عناصر
6.691	R1	11.606	R5	0.12	R1	6.811	ریسک (R1)
5.097	R2	6.931	R1	0.67	R2	5.767	ریسک (R2)
0.908	R3	6.437	R2	-0.58	R3	0.328	ریسک (R3)
1.559	R4	1.866	R4	1.69	R4	0.131	ریسک (R4)
- 11.254	R5	0.252	R3	11.43	R5	0.176	ریسک (R5)

منبع: (یافته‌های تحقیق)

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول (۱۷)، مؤلفه بُعد ریسک نقدینگی، یعنی ریسک L، به عنوان اثرگذارترین مؤلفه، دارای بیشترین مقدار عددی بر مبنای مجموع ردیفی (D) است. بدین ترتیب، بازخرید بیمه‌نامه‌ها به عنوان بانفوذترین مؤلفه در میان مؤلفه‌های بُعد عوامل نقدینگی مدیریت ریسک در صنعت تکافل ایران شناخته می‌شود.

همچنین، بر اساس شاخص (D-R)، کمترین مقدار به مؤلفه ریسک فجایع انسانی تعلق دارد که نشان می‌دهد این مؤلفه، اثرپذیرترین مؤلفه بُعد ریسک نقدینگی در صنعت تکافل ایران است.

جدول (۱۸): ترتیب نفوذ مؤلفه‌های بُعد ریسک عوامل سیاسی صنعت تکافل ایران

ترتیب واقع شدن عناصر	براساس بیش‌ترین (D)	ترتیب واقع شدن عناصر	براساس بیش‌ترین مجموع ستومی (R)	ترتیب واقع شدن عناصر	براساس بیش‌ترین (D+R)	ترتیب واقع شدن عناصر	براساس D-R
ریسک (P1)	2.419	P1	0.07	P5	5.437	P2	2.574
ریسک (P2)	3.054	P2	0.48	P2	3.534	P1	2.349
ریسک (P3)	1.849	P3	0.42	P1	2.489	P3	1.429
ریسک (P4)	-1.676	P4	-0.52	P3	2.269	P4	1.156
ریسک (P5)	0.087	P5	5.35	P4	2.196	P5	-5.263

منبع: (یافته‌های تحقیق)

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از جدول ۱۸، مؤلفه بُعد عوامل سیاسی، یعنی ریسک P، به‌عنوان اثرگذارترین مؤلفه، دارای بیشترین مقدار عددی بر مبنای مجموع ردیفی (D) است. بدین ترتیب، ریسک تحریم به‌عنوان بانفوذترین مؤلفه در میان مؤلفه‌های بُعد عوامل سیاسی مدیریت ریسک در صنعت تکافل ایران شناخته می‌شود.

همچنین، بر اساس شاخص (D-R)، کمترین مقدار به مؤلفه ریسک تغییرات در مقررات بین‌المللی بیمه تعلق دارد که نشان می‌دهد این مؤلفه، اثرپذیرترین مؤلفه بُعد ریسک سیاسی در صنعت تکافل ایران است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مدیریت ریسک در اسلام از اهمیت حیاتی برخوردار است و تکافل به‌عنوان سازوکاری منطبق با اصول شریعت، راهکاری مناسب برای مدیریت ریسک در فعالیت‌های تجاری ارائه می‌دهد. ریسک‌های مورد مطالعه در کسب‌وکار تکافل، بر اساس نظر خبرگان، در پنج طبقه کلی شناسایی شده‌اند که هر یک تأثیر بسزایی بر عملکرد عملیاتی و سرمایه‌گذاری متصدیان تکافل دارند.

در طبقه ریسک‌های پذیره‌نویسی، مؤلفه‌هایی همچون انتخاب معکوس، ارزیابی نادرست ریسک، توانگری نامساعد بیمه‌گر اتکایی، بروز عوامل غیرقابل کنترل و کاهش

تقاضا برای پوشش ریسک شناسایی شدند. بر اساس نتایج پژوهش، ارزیابی نادرست ریسک اثرگذارترین مؤلفه این طبقه است. استقرار سامانه یکپارچه مدیریت ریسک (ERM) می‌تواند زمینه مدیریت مؤثر مؤلفه‌های این طبقه از ریسک‌ها را فراهم کند.

در طبقه ریسک‌های عملیاتی، مؤلفه‌هایی نظیر عدم کفایت یا نقص فرآیندهای داخلی، فقدان نیروی فنی و تخصصی واجد صلاحیت، ناکارآمدی سامانه‌های نگهداری اطلاعات، کلاهبرداری و فناوری و نوآوری شناسایی شدند. در این میان، عدم کفایت یا نقص فرآیندهای داخلی به‌عنوان اثرگذارترین مؤلفه شناخته شد. بهره‌گیری از فناوری‌های برتر و استقرار نظام‌های هسته‌ای^{۱۵} بیمه‌ای می‌تواند به مدیریت و کنترل این ریسک‌ها کمک کند. همچنین، تقویت فرهنگ حاکمیت شرکتی در سازمان‌ها نقش مهمی در مدیریت ریسک عملیاتی ایفا می‌کند.

در حوزه ریسک بازار و اعتبار، متصدیان تکافل با محدودیت‌هایی مواجه هستند؛ زیرا ماهیت شرعی قراردادهای تکافل اجازه استفاده از ابزارهایی مانند نرخ سود و مشتقات مالی متعارف را نمی‌دهد. در مقابل، ابزارهای مالی اسلامی همچون پوشش ریسک تعاونی و تعدیل دوجانبه متقابل با هدف تقسیم ریسک و تأمین منافع متقابل طرفین، جایگزین مناسبی برای مدیریت این ریسک‌ها به شمار می‌آیند.

در طبقه ریسک‌های بازار، مؤلفه‌هایی از قبیل ریسک نرخ ارز، ریسک نرخ سود، ریسک تورم، ریسک نوسانات قیمت، ریسک عدم پرداخت مشتریان، ریسک تغییر در تقاضا و ریسک مالیات و مقررات مالی شناسایی شدند. سرمایه‌گذاری صندوق‌های تکافل در بخش کالاهای بادوام و طرح‌های تولیدی زودبازده، به‌ویژه در شرایط تورمی با نرخ‌های بالا، از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با ریسک‌های این طبقه محسوب می‌شود.

در طبقه ریسک نقدینگی، مؤلفه‌هایی مانند فسخ و بازخرید بیمه‌نامه‌ها، نسبت بالای اموال به سپرده، انباشت ریسک، بلایای طبیعی و فجایع انسانی احصا شدند. در این زمینه، استفاده از پوشش‌های اتکایی مناسب و شناسایی دقیق شاخص‌های میزان در معرض ریسک، همراه با نگهداری متناسب ریسک‌ها در صندوق‌های تکافل بر اساس سطح پایداری و تحمل ریسک آن‌ها، به‌عنوان راهکاری منطقی پیشنهاد می‌شود.

در طبقه ریسک‌های قوانین و مقررات، مؤلفه‌هایی نظیر تغییرات در قوانین و مقررات، تغییر در استانداردها، ریسک بازپرداخت، ریسک مسئولیت قانونی، ریسک تأثیرات مالی و اقتصادی و ریسک مالیات و مقررات مالی شناسایی شدند. با توجه به حساسیت موضوع بازپرداخت‌ها، چه در حوزه خسارات و چه در حوزه مشتریان، اخذ تضامین دقیق و کافی در چارچوب عقود تضمینی، راهکاری مؤثر برای مدیریت این ریسک‌ها تلقی می‌شود. در نهایت، در طبقه ریسک‌های سیاسی، مؤلفه‌هایی مانند ریسک تحریم، ریسک جنگ، ریسک تغییرات دولت، ریسک تغییرات بازار جهانی بیمه و ریسک تغییرات مقررات بین‌المللی بیمه شناسایی شدند. با توجه به اثرگذاری بالای ریسک تحریم بر محبوس شدن ریسک‌ها در صندوق‌های تکافل، اتخاذ سیاست‌های تسهیل ورود سرمایه به صنعت تکافل می‌تواند نقش مهمی در تقویت تاب‌آوری و مدیریت ریسک‌های این طبقه ایفا کند.

ریسک‌های مرتبط با تکافل چالش‌های متعددی را ایجاد کرده‌اند که برای تقویت شیوه‌های مدیریت ریسک، باید به‌طور جدی با آن‌ها مواجه شد. ممیزی شرعی منظم بخش جدایی‌ناپذیری از کنترل‌های داخلی مؤثر است که می‌تواند شرکت‌ها را از بروز بحران‌های سیستمی مصون بدارد.

چالش‌های مبتنی بر شریعت، نیازمند ابداع ابزارهای مالی اسلامی نوآورانه هستند؛ زیرا شریعت سرشار از راه‌حل‌های عملی برای مواجهه با مسائل تجاری است و نه تنها مانعی برای خلاقیت محسوب نمی‌شود، بلکه زمینه‌ساز آن نیز هست. بررسی و توسعه این راه‌حل‌ها می‌تواند به مقابله با چالش‌های مهندسی مالی کمک کند.

از سوی دیگر، توسعه بازار مالی اسلامی، امکان سرمایه‌گذاری بخش قابل توجهی از وجوه شرکت‌های تکافل در ابزارهای مالی اسلامی را فراهم می‌سازد و از این طریق، کارایی و رقابت‌پذیری آن‌ها را به‌طور چشم‌گیری افزایش می‌دهد.

ملاحظات اخلاقی
<p>- پیروی از اصول حقوقی تمامی اصول اخلاقی در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.</p> <p>- تعارض منافع بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.</p> <p>بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «طراحی الگوی تأسیس و مدیریت صندوق‌های تکافل» آقای مهدی لطفیان که با راهنمایی آقای دکتر سعید مرادپور و مشاوره آقای دکتر مجتبی دستور در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی کیش دفاع شده است.</p>

کتابنامه

- ۱) آزادبخت، فاطمه؛ یاقوتی، ابراهیم؛ یوسف درویشی، هویدا (۱۴۰۴). تحلیل مقایسه‌ای نظام‌های بیمه‌ای مبتنی بر سازوکار اشتراک ریسک (مطالعه موردی: بیمه‌های متقابل و تکافلی). پژوهشنامه بیمه، ۱۴(۱)، ۸۲-۹۴. DOI: [10.22056/ijir.2025.01.06](https://doi.org/10.22056/ijir.2025.01.06)
- ۲) پریزاد، رضا؛ و شکوری، زهرا (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی سیاستگذاری نظام بیمه تکافل در صنعت بیمه ایران و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش ملل، ۷(۷۳)، ۴۹-۶۹.
- ۳) حبیبی، مرجان (۱۴۰۲). ویژگی‌ها، عوامل و موانع مؤثر بر پذیرش تکافل در صنعت بیمه با رویکرد داده بنیاد. اقتصاد اسلامی، ۲۳(۸۳)، ۱۶۳-۱۹۳.
- ۴) کاظمی نجف‌آبادی، مصطفی؛ و حسینی، سید رضا (۱۴۰۲). بررسی و تحلیل جایگاه تکافل اجتماعی در چارچوب مبانی اسلام. اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۳(۴۶)، ۳۷-۶۱.
- ۵) سید نورانی، سید محمدرضا؛ تازی، فتح‌الله؛ مهدوی، غدیر؛ و رشیدی‌نژاد، حسین (۱۳۹۰). تکافل، سازوکاری مناسب برای ارائه بیمه‌های خرد در مناطق روستایی ایران (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان کرمان). جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی، ۸(۱۶)، ۷۷-۱۱۵.
- ۶) عسکری، محمدمهدی؛ و عظیم‌زاده آرانی، محمد (۱۳۹۳). تحلیل مقایسه‌ای بیمه اتکایی و تکافل اتکایی و ارائه راه‌کارهایی جهت اجرایی کردن تکافل اتکایی در جمهوری اسلامی ایران. تحقیقات مالی اسلامی، ۳(۲)، ۹۷-۱۲۸. DOI: [10.30497/ifr.2014.1656](https://doi.org/10.30497/ifr.2014.1656)
- ۷) گودرزی فراهانی، یزدان؛ و عادل، امیدعلی (۱۴۰۴). چالش‌های پیاده‌سازی تکافل خرد در کشور و Ahmed ارائه راه‌حل جهت اجرایی‌سازی آن. تحقیقات مالی اسلامی، ۱۴(۳)، ۴۶۳-۵۰۲. DOI: [10.30497/ifr.2025.247482.1938](https://doi.org/10.30497/ifr.2025.247482.1938)

۸) نیلی احمدآبادی، مجید؛ نیاکان، لیلی؛ حیدری احمدی، مهسا (۱۴۰۲). بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب تکافل توسط بیمه‌گذاران شرکتی. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۱۲(۴)، ۸۷۵-۹۰۶.

DOI: [10.30497/ifr.2024.245189.1857](https://doi.org/10.30497/ifr.2024.245189.1857)

Reference

- 1) Abdullah, N., & Rahman, A. (2018). Risk Management in Islamic Finance: Concepts and Frameworks. *Journal of Islamic Finance*, 9(1), 1-15.
- 2) Ahmad, A., & Lakman, A. (2017). Consumer Acceptance in Takaful: The Role of Delayed Benefits and Compensatory Mechanisms. *Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 10(1), 78-95.
- 3) Ahmed, I., & Hussain, M. (2017). Underwriting risks in takaful: A critical review. *Journal of Takaful Studies*, 5(2), 45-67.
- 4) Ali, S. A., & Khalid, M. (2019). Operational risk management in Islamic finance institutions. *Journal of Risk Control*, 12(3), 100-115.
- 5) Andrew P. S., & James D. S. (1977). Systems Engineering and Analysis.
- 6) Agarwal, A., Shankar, R., & Tiwari, M.K. (2006). Modeling the enablers of supply chain performance using ISM. *International Journal of Physical Distribution & Logistics Management* 36(6), 435-450.
- 7) Askari, M. M., & 'Azim-zādeh Ārāni, M. (1393 SH/2014). *Tahlil-e Moqāyeshe-ye Bimeh-ye Etkāi va Takāfol-e Etkāi va Erāeh-ye Rāhkar-hāi barā-ye Ejrāi Kardan-e Takāfol-e Etkāi dar Jomhūri-ye Eslāmi-ye Īrān* [A Comparative Analysis of Reinsurance and Retakaful and Proposing Solutions for Implementing Retakaful in the Islamic Republic of Iran]. *Tahqiqāt-e Mālī-ye Eslāmī* [Islamic Financial Research], Vol. 3, No. 2, pp. 97-128. DOI: [10.30497/ifr.2014.1656](https://doi.org/10.30497/ifr.2014.1656) [in Persian].
- 8) Ayatham, T., Osman, N., & Rahman, S. (2016). A Supervisory Framework for Risk Management in Takaful. *Asian Economic Journal*, 30(4), 350-367.
- 9) Āzādbakht, F., Yāqūti, E., & Yūsof Darvishī, H. (1404 SH/2025). *Tahlil-e Moqāyeshe-ye Neẓām-hā-ye Bimehī Mobtani bar Sāzokār-e Eshterāk-e Risk* [A Comparative Analysis of Insurance Systems Based on Risk-Sharing Mechanisms (Case Study: Mutual and Takaful Insurance)]. *Pazhūheshnāmeḥ-ye Bimeh* [Insurance Research Journal], Vol. 14, No. 1, pp. 82-94. DOI: [10.22056/ijir.2025.01.06](https://doi.org/10.22056/ijir.2025.01.06) [in Persian].
- 10) Bashir, F., & Zaman, U. (2018). Credit risk exposure in takaful companies. *Islamic Finance Review*, 8(1), 30-52.
- 11) Chaudhry, R. (2017). Liquidity risk in Shariah-compliant funds. *Global Journal of Islamic Economics*, 14(2), 80-95.
- 12) Darwish, M., & Omar, H. (2019). Market risk management in Islamic insurance. *Journal of Islamic Finance and Business*, 10(2), 99-113.

- 13) Gūdarzī Farāhānī, Y., & Ādelī, O. A. (1404 SH/2025). *Chālesh-hā-ye Piyādehsāzi-ye Takāfol-e Khord dar Keshvar va Erāh-ye Rāh-hall barā-ye Ejrāī-sāzi-ye Ān* [Challenges of Implementing Micro-Takaful in Iran and Proposing Solutions for Its Operationalization]. *Tahqīqāt-e Mālī-ye Eslāmī* [Islamic Financial Research], Vol. 14, No. 3, pp. 463-502. DOI: [10.30497/ifr.2025.247482.1938](https://doi.org/10.30497/ifr.2025.247482.1938) [in Persian].
- 14) Haron, H. (2011). A Decomposition Approach to Risk Management in Takaful. *Journal of Islamic Financial Studies*, 7(1), 32-50.
- 15) Ḥabībī, M. (1402 SH/2023). *Vizhehgī-hā, Āvāmel va Mawāne-e Moāttar bar Pazīresh-e Takāfol dar Ṣan'at-e Bīneh bā Rūykard-e Dādeh-Bonyād* [Characteristics, Factors, and Barriers Affecting the Acceptance of Takaful in the Insurance Industry: A Grounded Theory Approach]. *Eqteṣād-e Eslāmī* [Islamic Economics], Vol. 23, No. 83, pp. 163-193. [in Persian].
- 16) Iqbal, Z., & Mirakhor, A. (2019). *Foundations of Islamic finance: The nature and sources of Islamic economic theory*. Edward Elgar Publishing.
- 17) Jaffar, A., & Saad, R. (2018). Risk pooling in Islamic insurance: A conceptual analysis. *Journal of Islamic Insurance*, 9(2), 55-70.
- 18) Karim, H. (2018). Shariah-based risk management practices in takaful. *Journal of Islamic Risk Management*, 5(1), 20-38.
- 19) Kāzemī Najafābādī, M., & Ḥosaynī, S. R. (1402 SH/2023). *Barrasi va Tahlīl-e Jāyghāh-e Takāfol-e Ejtemāī dar Chārchūb-e Mabānī-ye Eslām* [An Analysis of the Position of Social Takaful within the Framework of Islamic Foundations]. *Eqteṣād va Bānk-dāri-ye Eslāmī* [Islamic Economics and Banking], Vol. 13, No. 46, pp. 37-61. [in Persian].
- 20) Lakman, A., & Alatraash, A. (2017). Shariah Compliance and Corporate Governance in Takaful Insurance: Balancing Tradition with Modernity. *Journal of Risk and Financial Management*, 9(2), 112-129.
- 21) Latif, M., & Noor, S. (2019). Operational challenges and risk management in Islamic finance: A case study of takaful funds. *Journal of Financial Ethics*, 13(4), 145-160.
- 22) Li, F., Zhang, Y., & Rahim, R. (2019). Contractual Structures in Takaful: Addressing Risks through Specialized Execution Procedures. *Journal of Islamic Insurance and Risk Management*, 14(1), 65-80.
- 23) Nīlī Aḥmadābādī, M., Nīākān, L., & Ḥaydarī Aḥmadī, M. (1402 SH/2023). *Barrasi-ye Āvāmel-e Moāttar bar Ēntekhāb-e Takāfol Tavasoṭ-e Bīnehgozārān-e Sherkatī* [An Analysis of Factors Affecting the Choice of Takaful by Corporate Policyholders]. *Tahqīqāt-e Mālī-ye Eslāmī* [Islamic Financial Research], Vol. 12, No. 4, pp. 875-906. DOI: [10.30497/ifr.2024.245189.1857](https://doi.org/10.30497/ifr.2024.245189.1857) [in Persian].
- 24) Parīzād, R., & Shakūrī, Z. (1401 SH/2022). *Āsīb-shenāsī-ye Sīāsāt-gozārī-ye Neẓām-e Bīneh-ye Takāfol dar Ṣan'at-e Bīneh-ye Īrān va Ta'sīr-e Ān bar*

- Tows'eh-ye Eqtesādi-ye Jomhūrī-ye Eslāmī-ye Īrān* [Pathology of Policymaking in the Takaful Insurance System in Iran's Insurance Industry and Its Impact on Economic Development of the Islamic Republic of Iran]. *Pazhūhesh-e Melal* [Nations Research], Vol. 7, No. 73, pp. 49-69. [in Persian].
- 25) Sabirzyanov, H. (2013). Integrated Risk Management Framework in Islamic Takaful: Balancing Market, Credit, and Liquidity Risks. *Journal of Islamic Risk Management*, 6(2), 57-74.
 - 26) Seyyed Nūrānī, S. M. R., Tārī, F., Mahdavi, G., & Rashīdī-Nezhād, H. (1390 SH/2011). *Takāfol: Sāzokārī Monāseb barā-ye Erā'eh-ye Bīmeh-hā-ye Khord dar Manāteq-e Rūstāī-ye Īrān (Moṭāleeh-ye Moređī: Rūstāhā-ye Shahrestān-e Kermān)* [Takaful as an Appropriate Mechanism for Providing Microinsurance in Rural Areas of Iran (Case Study: Villages of Kerman County)]. *Jostār-hā-ye Eqtesādi bā Rūykarde Eslāmī* [Economic Essays with an Islamic Approach], Vol. 8, No. 16, pp. 77-115. [in Persian].
 - 27) Tahir, R., Ali, S., & Khan, M. (2021). Modern Takaful Practices: Evaluating Risk Management Through Maqasid al-Shariah. *Contemporary Islamic Economics*, 13(2), 100-119.
 - 28) Ullah, S., & Javed, A. (2019). Comprehensive risk analysis in takaful: An integrated framework. *Journal of Islamic Finance Research*, 10(1), 45-61.
 - 29) Vahidi, S., & Othman, H. (2018). Advanced IT solutions in risk management for Islamic financial institutions. *Technology in Islamic Finance Journal*, 5(3), 115-130.
 - 30) Wu, W.-W., & Lee, Y.-T. (2007). Developing global managers' competencies using the DEMATEL method. *Expert Systems with Applications*, 32(2), 499-507.
 - 31) Waseem, M., & Abbas, R. (2018). Stress testing and risk measurement in takaful operators: Practical insights. *Journal of Islamic Risk and Compliance*, 4(2), 78-92.
 - 32) Yousuf, F., Ani Sapariyah, R., & Nurfadilah, D. (2017). The Impact of Risk-Based Capital Models on Takaful: Capital Expansion and Asset-Liability Management. *Journal of Islamic Banking and Finance*, 12(3), 200-218.

Article Directory

- **Jurisprudential-Legal Analysis of the Compliance of Deposit Contract with Current Qard-ul-Hasana Deposit in Islamic Banking** 1
*Gholam Ali Masouminia | Amir Yazdanparast**

- **Khums and the Financial Sustainability of Religious Centers: A Qualitative Analysis Based on Grounded Method** 41
Mohammad Nazaripour | Mohammad Amin Gaieni*

- **Providing Solutions to the Financial-Economic Challenges of Implementing Takaful in Iran** 77
*Mohammad Mahdi Askari | Farzan Khamesian | Saeed Sehat | Ali Akbar Samavatian**

- **Jurisprudential Review of the Issuing Money Outside of the Sovereignty Based on the Typology of Cryptocurrencies** 139
Seyyed Ahmad Ameli | Aminaldin Shahidian*

- **Designing Future Ijarah (Mawsufah fi al-Dhimmah) based on Imami Jurisprudence** 181
Mohammad Rasoul Fakhreh | Mohammad Mehdi Fereydouni*

- **Designing a Model for Risk Management of Takaful Funds** 211
Mehdi Lotfian | Saeed Moradpour | Mojtaba Dastoori*











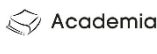



* **First Released: Fall and Winter 2011**
License No. 22190 dated 03/30/1390 by
Iran's Ministry of Science, Research, & Technology.

* **Validated: as a "Scientific Journal"**
License No. 589786/18/3 dated 12/25/1392 by
Iran's Ministry of Culture & Islamic Guidance.

• **Journal Overview** •

Print ISSN: 2251-8290	Online ISSN: 2588-6584
Subject Area: Islamic Finance	Review Policy: Peer Review Double Blind
Release Frequency: Quarterly	Submission Procedure: Exclusively via the website
Website: https://ifr.isu.ac.ir	E-mail: ifr@isu.ac.ir Supporter: ifr.isujournals@gmail.com
Postal Address: Imam Sadiq University, Shahid Chamran Expressway, Tehran, Iran. P.O.Box: 14655-159	
Scientific Management & Editorial: Faculty of Islamic Studies and Managment. Phone No: +98 (21) 88080733	
Technical Management: University Research and Technology Deputy. Phone No: +98 (21) 88094915	
This Journal is fully open-access & all of its content is licensed under the CC BY-NC 4.0.	
The articles do not necessarily express the views of the publisher university.	
Printing Office: Imam Sadiq University Press 292 Pages	

• **Indexing and Abstracting** •



In the Name of Allah the Compassionate the Merciful

Islamic Finance Research

35

Quarterly Journal of Islamic Finance Research

Vol. 15 | No. 1 | Serial 35 | Autumn 2025

In Cooperation With Iranian Association of Islamic Finance
and Support of Securities & Exchange Organization

Publisher: Imam Sadiq University

In Cooperation With Islamic Banking and Economic Studies Center of National Bank of Iran

Managing Director: Hosein Hasanzadeh Sarvestani Assistant Professor | Financial Management |
Imam Sadiq University

Editor in Chief: Gholam Reza Mesbahi Moghaddam Professor | Operations Research Management |
Imam Sadiq University

Manager Editorial: Abbas Pourhassan Yami

Editorial Board (In Alphabetical & Academic Rank Order):

National Board

Reza Tehrani

Professor | Financial Management & Insurance | Tehran University

Ali Rezaeian

Professor | Organizational Behavior Management | Shahid Beheshti University

Fereydoon Rahnama Roudposhti

Professor | Financial & Accounting | Science and Research Branch | Islamic Azad University

Gholam Reza Mesbahi Moghaddam

Professor | Islamic Finance & Economics | Imam Sadiq University

Hasan Agha Nazari

Professor | Islamic Economics & Islamic Law | Research Institute of Hawzah & University

Gholam Reza Goodarzi

Professor | Operations Research Management | Imam Sadiq University

Mohammad Tohidi

Associate Professor | Financial Management | Imam Sadiq University | Tehran | Iran

Ali Saeedi

Associate Professor | Finance Management & Accounting | North Tehran Branch | Islamic Azad University

Ahmad Shabani

Associate Professor | Islamic Economics | Imam Sadiq University

Saeed Sehat

Associate Professor | Risk Management & Insurance | Allameh Tabatabaei University

Mohammad Talebi

Associate Professor | Financial Management | Imam Sadiq University

Gholam Ali Masuminia

Associate Professor | Islamic Economics & Islamic Finance | Kharazmi University

International Board

Muhammad Iman Sastra Mihajat

Professor | Islamic Banking | Universitas Muhammadiyah, Indonesia

Shariq Nisar

Professor | Economic | Rizvi Institute of Management, India

Advisory Board

Mohammad Hosin Ghavam

Assistant Professor | Financial Management | Imam Sadiq University

Editor, Voter and Cover Designer: Abbas Pourhassan Yami